






دانشنامهٔ تاریخ جهان




برای نوجوانان

آنیتا گنری ◆ هیزل مری مارتل ◆ برایان ویلیامز

ترجمهٔ دکتر نادر میرسعیدی









آفرینگان

دانشنامهٔ تاریخ جهان

برای نوجوانان



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Children's World History Encyclopedia
Discover the remarkable story of the world's past
Anita Ganeri, Hazel Mary Martell, Brian Williams
Parragon, 2010





انتشارات آفرینگان
تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید، کوچهٔ مبین،
شمارهٔ ۴، تلفن ۶۷ ۳۶ ۴۱ ۶۶
ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:
تحریریهٔ انتشارات ققنوس
* *

آنیتا گنری، هیزل مری مارتل، برایان ویلیامز
دانشنامهٔ تاریخ جهان برای نوجوانان
ترجمهٔ نادر میرسعیدی
چاپ اول
۱۳۹۴
۲۲۰۰ نسخه
چاپ نقشیران

شابک: ۴-۹۰-۶۷۵۳-۶۰۰-۹۷۸
ISBN: 978-600-6753-90-4
www.Afarinegan.qoqnoos.ir
Printed in Iran
۲۸۰۰۰ تومان

سرشناسه: گنری، آنیتا، Ganeri, Anita، پدیدآور
عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه تاریخ جهان برای نوجوانان: سرگذشت شگفت‌انگیز جهان را کشف کن
مشخصات نشر: تهران: آفرینگان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص. : مصور (رنگی).
فروست: انتشارات آفرینگان؛ ۱۹۱.
شابک: ۴-۹۰-۶۷۵۳-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر
یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
یادداشت: واژه‌نامه کتابنامه نمایه
شناسه افزوده: مری مارتل، هیزل، Hazel, Mary Martell
شناسه افزوده: ویلیامز، برایان، Brian, Williams
شناسه افزوده: میرسعیدی، نادر، ۱۳۳۵ ــ، مترجم
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۳۳۹۸

دانشنامهٔ تاریخ جهان

برای نوجوانان

سرگذشت شگفت‌انگیز جهان را کشف کن

آنیتا گنری
هیزل مری مارتل
برایان ویلیامز

ترجمهٔ دکتر نادر میرسعیدی



انتشارات آفرینگان: ۱۹۱



فهرست











تاریخ جهان

تاریخ چیست؟ تاریخ در کلی‌ترین معنای آن، سرگذشت انسان‌ها و در واقع مطالعهٔ گذشتهٔ خود ماست. بعضی مورخان به پدیده‌های مهم، از قبیل جنگ‌ها، انقلاب‌ها و دولت‌ها، توجه می‌کنند، در حالی که دیگران به زندگی مردم عادی علاقه دارند. زندگی کنونی ما نتیجهٔ تصمیم‌ها و اقداماتی است که دهه‌ها، قرن‌ها یا حتی هزاران سال پیش شکل گرفته‌اند. با شناخت گذشته احتمالاً دید بهتری دربارهٔ زمان حال پیدا می‌کنیم.



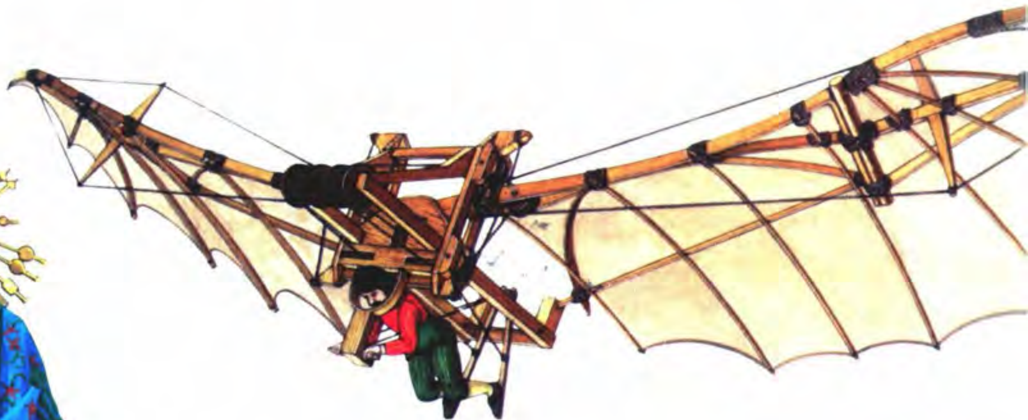


هدف اصلی تاریخ ثبت کردن و توضیح دادن گذشتهٔ انسان‌هاست. مورخان مجموعهٔ مدارک مکتوب و شفاهی را بررسی می‌کنند و به کمک باستان‌شناسی (بررسی چیزهایی که مردم از خود باقی گذاشته‌اند، از قبیل ساختمان‌ها و اشیا) واقعیت‌هایی را توضیح می‌دهند تا تصویری از گذشته به وجود آورند.

نخستین مردمی که به مطالعهٔ جدی تاریخ پرداختند یونانیان باستان بودند. در قرن پنجم قبل از میلاد، هرودوت مورخ یونانی (معروف به پدر تاریخ) شروع کرد به نوشتن گزارشی واقعی و منظم در مورد جنگ‌های یونانیان با ایرانیان. او امیدوار بود که خاطرهٔ رخدادهای گذشته را حفظ کند و نشان دهد که چگونه دو ملت با یکدیگر جنگیدند.











باستان‌شناسی علمی در قرن هجدهم میلادی به صورت جدی آغاز شد. امروزه باستان‌شناسان ریزترین جزئیات را بررسی می‌کنند تا تصویر کامل‌تری از گذشته نشان دهند.

توضیح و تفسیر مدارک جذاب‌ترین بخش کار مورخ یا باستان‌شناس است. البته مورخان همیشه باید از جانبداری یا پیش‌داوری در چیزهایی که می‌خوانند یا می‌نویسند بپرهیزند. «جانبداری» یعنی تحت تأثیر نظر خاصی باشید، در حالی که «پیش‌داوری» یعنی قضاوت کردن از پیش ــ پیش از آن‌که همهٔ واقعیت‌ها را بدانید.

مورخان همچنین تحت تأثیر دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنند قرار می‌گیرند. مورخان امروزی می‌کوشند از ارزش‌ها و معیارهای امروزی برای تفسیر گذشته استفاده نکنند.

تاریخ فقط مربوط به گذشتهٔ دور نیست. تاریخ روایت زندگی ماست ــ آنچه امروز اخبار است فردا تاریخ می‌شود. تغییر ممکن است ناگهانی و شگفت‌انگیز باشد، و فکرهایی که مدتی طولانی دوام داشته‌اند ممکن است عوض شوند.





جهان باستان

طی دوره‌ای طولانی از ۲/۵ میلیون سال پیش تا سال ۵۰۰ م نخستین انسان‌ها و نخستین تمدن‌ها پدید آمده‌اند. اولین اجداد ما حدود ۲/۵ میلیون سال پیش در آفریقا پدیدار شدند.

طی هزاران سال انسان‌ها یاد گرفتند آتش درست کنند تا خود را گرم کنند و غذا بپزند، شکار کنند و ابزار بسازند. نخستین ابزارها و سلاح‌های فلزی در حدود هفت هزار سال پیش در خاورمیانه ساخته شد.

انسان‌های اولیه در سراسر جهان، با شکار حیوانات و جمع‌آوری دانه‌ها و میوه‌های گیاهان خودرو، ریشه‌ها و مغزها گذران زندگی می‌کردند. با وجود این، در ده هزار سال پیش تغییری شگفت‌آور رخ داد. انسان‌ها یاد گرفتند برای تأمین غذای خود گیاهان را در زمین بکارند و حیوانات را خود پرورش دهند. برای نخستین بار در تاریخ، مردم خانه‌های دائمی ساختند و به دنبال آن شهرهای کوچک و بزرگ ساخته شدند.

در حدود سال ۵۰۰۰ ق.م نخستین تمدن‌های جهان در کنار رودهایی به وجود آمدند که زمین‌های اطراف



ص۲۲ هیروگلیف نوعی خط تصویری بود که در مصر باستان به کار می‌رفت.



ص۱۲ تبر سنگی که تکه‌هایی از آن را برای تیز کردن لبه‌اش کنده‌اند.



ص ۲۱ لوحی گلی که شکل اولیه‌ای از خط به نام خط میخی را نشان می‌دهد.



ص ۲۴ مجسمه‌ای سنگی که در خرابه‌های موهنجودارو یافت شده است.



ص ۳۶ سقراط یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان بود.



ص ۴۳ مسیحیت در سال ۳۱۳ م دین رسمی روم شد.





ص ۲۹ کنفوسیوس فیلسوف چینی در حدود سال ۵۵۱ ق.م در زمانی به دنیا آمد که جنگ‌های زیادی درمی‌گرفت. او زندگی‌اش را برای آموزش زندگی صلح‌آمیز به مردم صرف کرد. آموزش‌های او اساس نظام اجتماعی چین تا آغاز قرن بیستم میلادی را شکل داد.

آن‌ها بسیار حاصلخیز بود. سومریان، آشوریان و بابلیان شهرها و معبدهای باشکوهی در دشت‌های حاصلخیز میان رودهای دجله و فرات بنا کردند. تمدن مصریان باستان در کنار رود نیل شکوفا شد. در حدود سال ۵۰۰ ق.م نیز تمدن‌های مهمی در هند، چین، ایران و در آمریکای شمالی و جنوبی پدیدار شدند.

عصر درخشان یونان و روم باستان به دورهٔ کلاسیک معروف است. این دو تمدن نیرومند نقشی عمده در شکل دادن دنیای امروز ایفا کرده‌اند. نوشته‌های زیادی با موضوعات سیاسی، فلسفی و علمی از یونان به دست ما رسیده است. اسکندر مقدونی با جهانگشایی‌هایش و نیز رومیان که ستایش‌کنندگان بزرگ فرهنگ و دانش یونانی بودند این علوم را در مناطق دورتر گسترش دادند.

رومیان بر موفقیت‌های خود افزودند و در قرن اول میلادی نیرومندترین امپراتوری را که تا آن زمان دیده شده بود، تشکیل دادند. با وجود این، حدود سال ۵۰۰ م امپراتوری آن‌ها از میان رفت و قرون وسطی آغاز شد.



ص ۴۲ یولیوس سزار سردار رومی برجسته‌ای بود که رقیبانش را در روم شکست داد و به یک دیکتاتور تبدیل شد.



ص ۲۷ بر اساس افسانه‌ها هنگامی که سربازان میسنی داخل یک اسب چوبی بزرگ، پنهانی وارد تروا شدند جنگ تروا پایان یافت.



ص ۲۲ کشاورزان مصری در حال کار کردن در کشتزارهای خود. سال کشاورزان با طغیان رود نیل تعیین می‌شد. هنگامی که سیلاب کار کشاورزی را غیرممکن می‌کرد، کشاورزان را برای کار در ساختمان‌های سلطنتی می‌فرستادند.

نخستین انسان‌ها

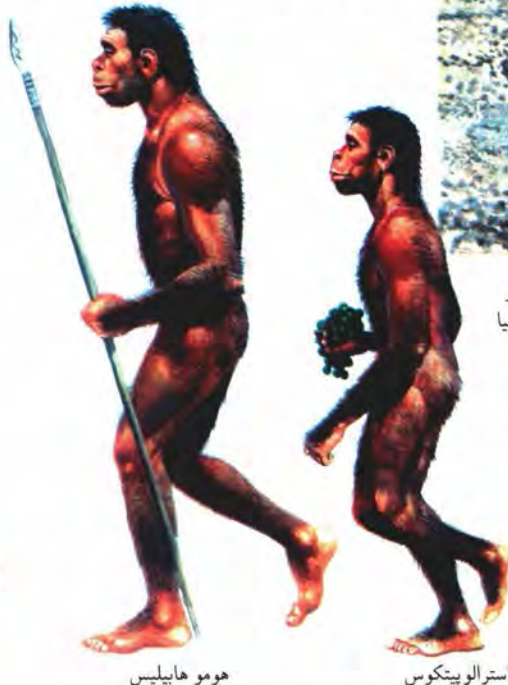
چهار میلیارد سال است که زندگی بر روی کرهٔ زمین جریان دارد، اما نخستین موجودات انسان‌نما حدود هفت میلیون سال پیش پدیدار شدند. آن‌ها، مانند نخستی‌های دیگر، از درختانی که روی آن‌ها زندگی می‌کردند پایین آمدند. آن‌ها روی دو پا راه رفتند و یاد گرفتند از ابزار استفاده کنند.

جمجمهٔ تومائی که در سال ۲۰۰۲م در کشور چاد در آفریقا پیدا شده است احتمالاً به قدیمی‌ترین موجود انسان‌مانندِ شناخته‌شده مربوط است. بعضی دانشمندان گمان می‌کنند که او هفت میلیون سال عمر دارد. قدیمی‌ترین سنگوارهٔ انسانی مربوط به حدود چهار میلیون سال پیش است، یعنی زمانی که استرالوپیتکوس‌ها در آفریقا زندگی می‌کردند. کامل‌ترین اسکلت یک استرالوپیتکوس در سال ۱۹۷۴م در اتیوپی پیدا شد. نام این اسکلت را «لوسی» گذاشتند. لوسی حدود سه میلیون سال پیش، در حدود چهل‌سالگی، مرده است. قد او به بلندی انسانی ده‌ساله بود.

هومو هابیلیس‌ها (عبارتی لاتینی به معنی «انسان ماهر») در حدود ۲/۵ میلیون



این **جای پاهای استرالوپیتکوس** را، که در زیر خاکستر آتشفشانی در لائتولی در تانزانیا باقی مانده است، مری لیکی در سال ۱۹۷۸ م کشف کرد. این جای پاها نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه ایستاده روی دو پا راه می‌رفته‌اند.



استرالوپیتکوس

هومو هابیلیس

حدود ۴ میلیون سال پیش
استرالوپیتکوس‌ها (به معنی «میمون بی‌دم جنوبی») در آفریقا پدیدار می‌شوند. آن‌ها به جای چهار دست و پا، ایستاده روی دو پا راه می‌روند.

حدود ۲/۵ـ۱/۵ میلیون سال پیش
هومو هابیلیس‌ها («انسان ماهر») در آفریقا پدیدار می‌شوند. آن‌ها نخستین انسان‌هایی هستند که ابزار می‌سازند و آن را به کار می‌برند.

حدود ۱/۵ میلیون سال پیش
هومو ارکتوس‌ها («انسان راست‌قامت») در آفریقا پدیدار می‌شوند. آن‌ها نخستین انسان‌هایی هستند که به بیرون از آفریقا می‌روند.

حدود ۱۲۰ هزار سال پیش
نئاندرتال‌ها که نوع فرعی هومو ساپینس («انسان خردمند») هستند، در آفریقا، آسیا و اروپا پدیدار می‌شوند. آن‌ها نخستین انسان‌هایی هستند که مردگانشان را دفن می‌کنند.

حدود ۳۵ هزار سال پیش
هومو ساپینس ساپینس‌ها («انسان‌های امروزی») در بسیاری از بخش‌های جهان، از جمله استرالیا، زندگی می‌کنند.

حدود ۳۰ هزار سال پیش
هنگامی که انسان‌های امروزی در آسیا و اروپا پدیدار می‌شوند، نئاندرتال‌ها از میان می‌روند.

حدود ۲۰ هزار سال پیش
انسان‌های امروزی از آسیا به آمریکای شمالی و جنوبی می‌روند.



آتش

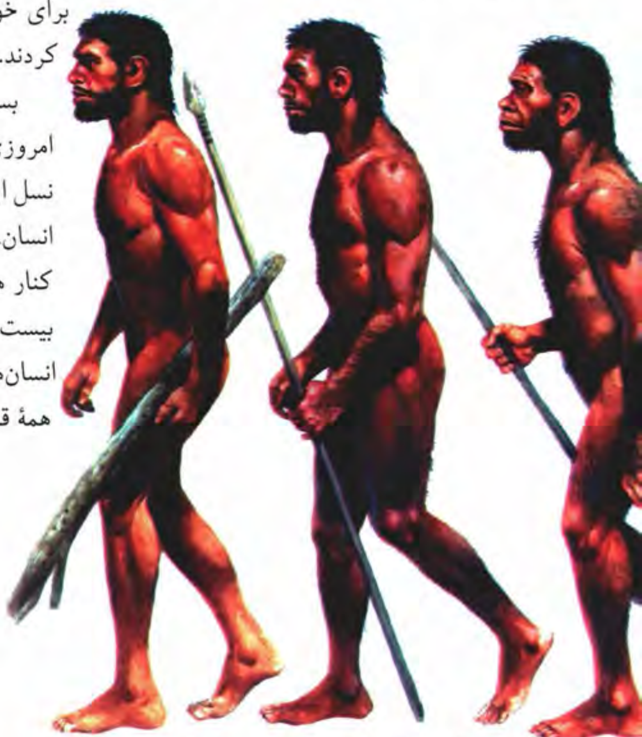
انسان‌ها ابتدا با زدن دو سنگ چخماق به یکدیگر آتش درست می‌کردند. آتش آن‌ها را از حیوانات وحشی محافظت می‌کرد، به آن‌ها امکان پختن غذا می‌داد، و گرما و روشنایی برای آن‌ها فراهم می‌کرد.



این نقشه مکان‌هایی را نشان می‌دهد که سنگواره‌های مهم انسان‌ریخت‌ها و انسان‌های اولیه در آن‌ها یافت شده است. هومو ارکتوس‌ها بزرگ‌ترین مهاجران اولیه بودند که از آفریقا خارج شدند. دانشمندان هنوز مطمئن نیستند هومو ساپینس ابتدا در آفریقا پدیدار شد یا در بخش‌های دیگر جهان.

سال پیش پدیدار شدند. آن‌ها مغزهای بزرگ‌تری داشتند و ابزارهایی از چوب و سنگ می‌ساختند. یک میلیون سال بعد، نوع دیگری معروف به هومو ارکتوس‌ها («انسان راست‌قامت») پدیدار شدند و به‌تدریج از آفریقا به اروپا و آسیا مهاجرت کردند. این انسان‌های اولیه ابزارهای بهتری (برای شکار) درست کردند، برای خود سرپناه ساختند و همچنین از آتش استفاده کردند.

بسیاری از دانشمندان معتقدند که انسان‌های امروزی، یعنی هومو ساپینس («انسان خردمند») از نسل این انسان‌های اولیه‌اند. دو نوع از این گونه‌های انسان، یعنی انسان نئاندرتال و انسان امروزی، در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند. با وجود این، در حدود بیست هزار سال پیش نئاندرتال‌ها از میان رفتند و انسان‌های امروزی (هومو ساپینس ساپینس‌ها) در همهٔ قاره‌ها زندگی می‌کردند.



هومو ساپینس ساپینس　　هومو ساپینس نئاندرتالنسیس　　مو ارکتوس

ساختن ابزار

نخستین ابزارهای شناخته‌شده را بیش از دو میلیون سال پیش هومو هابیلیس‌ها ساختند. این ابزارهای بسیار ساده از سنگ ساخته می‌شدند. با گذشت زمان ابزارها پیشرفته‌تر شدند. انسان‌ها خیلی زود فهمیدند که سنگ چخماق یکی از بهترین مواد برای ساختن ابزار است؛ هم خیلی سفت و محکم بود و هم می‌شد آن را به شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون تراش داد.

انسان‌های اولیه از سنگ، چوب محکم یا شاخ گوزن به جای چکش استفاده می‌کردند و سنگ‌های چخماق را به شکل تبر، چاقو، کاردک و ساتور درمی‌آوردند. هنگامی که تیغه‌ها کند می‌شدند آن‌ها را با تراشیدن بیشتر دوباره تیز می‌کردند. تبر جزو قدیمی‌ترین ابزارهای شناخته‌شده است، بعضی از انواع تبر مربوط به حدود دو میلیون سال پیش است. از این تبرها برای بریدن گیاهان، گوشت و پوست استفاده می‌کردند.

از سنگ چخماق، استخوان و شاخ گوزن برای ساختن سلاح نیز استفاده می‌کردند. از تیر و کمان برای اولین بار حدود پانزده هزار سال پیش استفاده شد. حدود هفت هزار سال پیش، انسان‌ها در خاورمیانه یاد گرفتند از مس ابزار فلزی بسازند. در ۳۰۰۰ ق.م آن‌ها به ترکیب محکم‌تری از مس دست یافتند و دوران مفرغ آغاز شد.


سرنیزه از جنس شاخ گوزن


تیغهٔ چخماقی


آتشزنهٔ چخماقی


تبر سنگی


چراغ سنگی

ابزارهای عصر حجر شامل چراغ، تیغه و سرنیزه بود. ۹۸ درصد از زمانی که مردم روی کرهٔ زمین زندگی کرده‌اند، ابزارهایشان از سنگ، استخوان، چوب، عاج و شاخ گوزن بوده است.

حدود ۲ میلیون تا ۱۲ هزار سال پیش
عصر دیرینه‌سنگی (پارینه‌سنگی) نخستین ابزارهای سنگی ساخته می‌شوند.

از ۱۲ هزار سال پیش
عصر میانه‌سنگی انواع بیشتری از ابزارهای سنگی ساخته می‌شوند.

از ۱۰ هزار سال پیش
عصر نوسنگی. داس‌ها و کج‌بیل‌های سنگی ساخته می‌شوند.

حدود ۷ هزار سال پیش
عصر مس در خاورمیانه آغاز می‌شود. نخستین ابزارهای فلزی ساخته می‌شوند.

۵۵۰۰ سال پیش
عصر مفرغ در خاورمیانه آغاز می‌شود. در اروپا از مس برای نخستین بار استفاده می‌شود.

۳ هزار سال پیش
عصر آهن در اروپا آغاز می‌شود. (آهن از حدود سال ۷۰۰ ق.م در خاورمیانه و آفریقا به کار می‌رفت.)

مردم عصر حجر با تیغه‌های کاردک پوست حیوانات را می‌کندند و تمیز می‌کردند، با این پوست‌ها لباس، چادر و کیسه درست می‌کردند. آن‌ها تکه‌های پوست را با سوزن‌هایی که از عاج یا استخوان ساخته شده بود، به هم می‌دوختند.


کاردک چخماقی



هنر غارنشینان

قدیمی‌ترین آثار هنری در حدود چهل هزار سال پیش به وجود آمدند. در طی آخرین عصر یخبندان هنرمندان اولیه تصویرهایی از حیواناتی که شکار می‌کردند مثل گاوهای نر، گوزن شمالی و گاومیش را روی دیواره‌های غارهایی که در آن‌ها پناه می‌گرفتند نقاشی می‌کردند.



یک گاومیش کنده‌کاری‌شده از شاخ گوزن در حدود ۲۹ هزار سال پیش. جزئیات کنده‌کاری‌شده روی آن نشان می‌دهد که سازندهٔ آن احتمالاً گاومیش واقعی را از نزدیک دیده است.



رنگ‌ها از مواد معدنی (از قبیل خاک رس، آهک) و زغال ساخته می‌شدند. آن‌ها را به صورت گَرد درمی‌آوردند و با آب یا چربی حیوانات مخلوط می‌کردند. برای نقاشی از قلم‌موهایی ساخته‌شده از موی حیوانات، پَر، خزه یا ترکه‌های پوسیده استفاده می‌کردند. نقاشی‌ها فقط برای تزیین کشیده نمی‌شدند و احتمالاً معانی مذهبی یا جادویی داشته‌اند. شاید این نقاشان گمان می‌کردند که نقاشی‌ها برای آن‌ها در شکار خوش‌اقبالی می‌آورند.

نقاشی‌های روی دیوارهٔ غارها در اروپا، آفریقا، آسیا و استرالیا پیدا شده‌اند. معروف‌ترین نقاشی‌های اروپا دیواره‌های غارهای آلتامیرا (اسپانیا) و غارهای لاسکو (فرانسه) را پوشانده‌اند. این نقاشی‌ها که بین هفده تا دوازده هزار سال پیش کشیده شده‌اند، شامل تصویرهایی از گاومیش، اسب، ماموت، گوزن شمالی و چهار گاو نر سفید بزرگ است. غارهای لاسکو را در سال ۱۹۴۰ م چهار پسربچهٔ دانش‌آموز که در جستجوی سگ خود بودند کشف کردند. این غارها را اکنون به روی مردم بسته‌اند، اما نمونه‌های شبیه این شاهکارهای ماقبل تاریخی در اندازهٔ کامل برای بازدید مردم ساخته شده‌اند.

حدود ۴۰ هزار سال پیش
کنده‌کاری‌های صخره‌ای در استرالیا، شاید قدیمی‌ترین آثار هنریِ شناخته‌شده باشد.

حدود ۲۹ هزار سال پیش
شکارچیان ماموت مجسمه‌هایی گلی از انسان‌ها می‌سازند.

حدود ۲۶هزار سال پیش
نقاشی‌هایی روی دیواره‌های غاری در نامیبیا در آفریقا کشیده می‌شود.

حدود ۲۴ هزار سال پیش
مجسمهٔ ونوس ویلندورف در اتریش کنده‌کاری می‌شود.

حدود ۱۷ هزار تا ۱۲ هزار سال پیش
تصویر حیواناتی بر دیواره‌های غاری در لاسکوی فرانسه نقاشی می‌شوند.

یک نقاشیِ تقریباً به اندازهٔ واقعی از یک گاومیش سقف غارهای آلتامیرا در اسپانیا را تزیین کرده است. این نقاشی حدود چهارده هزار سال قدمت دارد. این نقاشی‌ها در دههٔ ۱۸۷۰ م کشف شد و در ابتدا گمان می‌کردند که آن‌ها تقلبی و جدید هستند. در دههٔ اول قرن بیستم میلادی بود که ثابت شد آن‌ها هزاران سال قدمت دارند.

زندگی در عصر یخبندان

در طول دوره‌های طولانی تاریخ کرهٔ زمین، نواحی بزرگی از خشکی با یخ پوشیده شد. هنگامی که دمای هوا کاهش یافت لایه‌هایی از یخ که تا دویست متر قطر داشتند در سراسر خشکی‌ها و دریاها پراکنده شدند. آخرین عصر یخبندان تأثیر چشمگیری بر زندگی انسان‌ها و حیوانات داشته است.

قدیمی‌ترین عصر یخبندان در حدود ۲/۳ میلیارد سال پیش رخ داد. بر پایهٔ شواهد و مدارک زمین‌شناختی، دوره‌های بعدی یخبندان بین بیست تا پنجاه میلیون سال طول کشیده است. با سرد شدن هوا، یخچال‌هایی در قطب شمال و جنوب تشکیل شد. در عصر یخبندان یخ‌ها موج‌وار پیش رفتند و عقب نشستند.

آخرین عصر یخبندان ۲۲ هزار سال پیش وارد سردترین دورهٔ خود شد و لایه‌های یخ بیشتر قسمت‌های آمریکای شمالی و شمال اروپا و آسیا را پوشاند. با یخ زدن دریاها، سطح دریا در برخی مناطق بیش از صد متر پایین آمد و پل‌های زمینی میان بسیاری از خشکی‌ها ایجاد شد. مثلاً، تنگهٔ برینگ میان سیبری و آلاسکا به زمینی خشک تبدیل شد و حیوانات گوناگونی توانستند بین آسیا و آمریکای شمالی رفت و آمد کنند. انسان‌های شکارچی با دنبال کردن این حیوانات به آمریکای شمالی وارد شدند.

حدود ۲ میلیون سال پیش
عصر یخبندان کواترنری آغاز می‌شود. این عصر شامل هفده یخبندان (دورهٔ سرد) است که با هفده دورهٔ بین یخبندان (دورهٔ گرم‌تر) جدا می‌شوند.

حدود ۲۴ هزار سال پیش
عصر یخبندان وارد آخرین دورهٔ خود می‌شود. یخ حدود یک‌سوم کرهٔ زمین را می‌پوشاند. سطح دریاها بیش از صد متر پایین می‌رود.

حدود ۲۲ هزار سال پیش
شکارچیان و گردآورندگان غذا از راه یک «پل زمینی» در طول تنگهٔ برینگ از آسیا به آمریکای شمالی می‌روند.

حدود ۱۸ هزار سال پیش
آخرین عصر یخبندان به سردترین حد خود می‌رسد. مردمی که در مژیریخ در اوکراین زندگی می‌کنند از استخوان‌ها و عاج‌های ماموت کلبه می‌سازند.

حدود ۱۴ هزار سال پیش
هنگامی که یخ آب می‌شود و سطح دریاها بالا می‌آید تنگهٔ برینگ دوباره زیر آب می‌رود.

حدود ۱۲ هزار سال پیش
در اروپا، یخچال‌ها عقب می‌روند و عصر یخبندان به پایان می‌رسد.

حدود ۸ هزار سال پیش
بالا آمدن سطح دریا بریتانیا را از قارهٔ اروپا جدا می‌کند.

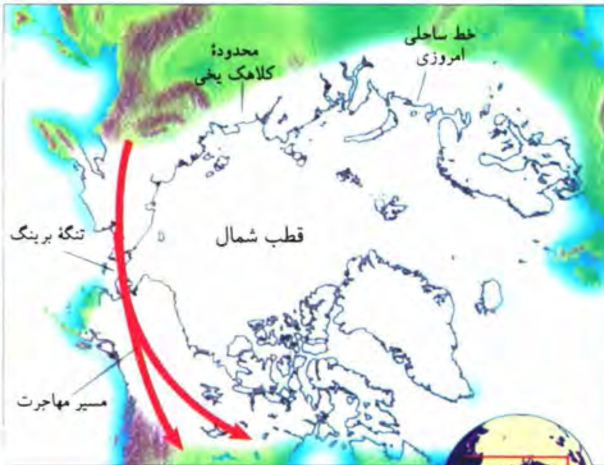




چگونه حیوانات با محیط سازگار شدند
این بچه‌ماموت که به طور کامل باقی مانده، در زمین یخ‌بستهٔ سیبری در روسیه پیدا شده است. حیوانات برای زنده ماندن در عصر یخبندان می‌بایست خود را با محیط سازگار می‌کردند. با گذشت زمان، بعضی حیوانات از قبیل ماموت و کرگدن پشم‌دار بزرگ‌تر شدند، زیرا بدن بزرگ‌تر حرارت را بهتر نگه می‌دارد.

آن‌ها اولین انسان‌هایی بودند که به این منطقه مهاجرت کردند. شتر، گوزن و اسب از آمریکا به آسیا رفتند. با گرم شدن هوا، یخ‌ها آب شد و سطح دریاها بالا آمد و بار دیگر این پل زمینی و پل‌های زمینیِ دیگر ناپدید شدند.

اوضاع برای انسان‌هایی که نزدیک لایه‌های یخ زندگی می‌کردند بسیار سخت بود. ماموت‌های پشم‌دار منبع باارزش گوشت، پوست (برای لباس) و استخوان (برای ساخت سلاح و حکاکی) بود. انسان‌ها به صورت گروهی شکار می‌کردند، ماموت‌ها را به بالای پرتگاه‌ها می‌راندند تا بتوانند به آن‌ها نزدیک شوند و آن‌ها را بکشند. شکارچیان با سنگ‌های بزرگ و نیزه‌های تیزِ ساخته‌شده از سنگ چخماق و چوب به ماموت‌ها حمله می‌کردند. گوشت یک ماموت برای چندین ماه کفایت می‌کرد. باقیماندهٔ گوشت ماموت را در گودال‌هایی که در زمین یخ‌بسته کنده بودند انبار می‌کردند. با استخوان‌ها و عاج‌ها نیز چهارچوبی برای کلبه‌ها می‌ساختند و کلبه‌ها را با پوست و علف می‌پوشاندند.





این نقشه وسعت پوشش یخی را در نیمکرهٔ شمالی در طول آخرین عصر یخبندان نشان می‌دهد. «پل‌های زمینی» که به علت پایین رفتن سطح دریا به وجود آمده بود به انسان‌ها و حیوانات امکان می‌داد که میان آسیا و آمریکای شمالی رفت و آمد کنند.



انسان‌ها به صورت دسته‌جمعی ماموت‌ها را شکار می‌کردند. آن‌ها ماموت‌ها را جلوی لبهٔ یک پرتگاه گیر می‌انداختند یا آن‌ها را در گودالی که در مسیر حرکتشان کنده بودند به تله می‌انداختند. سپس حیوان را با نیزه و سنگ می‌کشتند و پوست، عاج‌ها و گوشت آن را جدا می‌کردند.

حدود سال ۱۰۵۰۰ ق.م
نخستین دیگ‌های سفالی در ژاپن ساخته می‌شوند.
حدود سال ۸۰۰۰ ق.م
کشاورزی در خاورمیانه در ناحیه‌ای معروف به هلال حاصلخیز و در جنوب آسیا آغاز می‌شود.
حدود سال ۷۰۰۰ ق.م
کشاورزی در آمریکای مرکزی و جنوبی آغاز می‌شود. ظرف‌های سفالی برای انبار کردن غله و آب، در خاورمیانه و آفریقا ساخته می‌شوند.
حدود سال ۶۵۰۰ ق.م
قدیمی‌ترین پارچه‌های شناخته‌شده، در چاتال هویوک (در ترکیهٔ امروزی) بافته می‌شوند.
حدود سال ۶۰۰۰ ق.م
ماءالشعیر که از جو درست می‌شود در خاورمیانه تهیه می‌شود.
حدود سال ۵۰۰۰ ق.م
کشاورزی در چین و مصر رایج می‌شود و به اروپا گسترش می‌یابد. کشاورزی همچنین در هند در طول دره‌های رودهای سند و گنگ آغاز می‌شود.
حدود سال ۴۴۰۰ ق.م
در اروپای شرقی اسب‌ها را رام می‌کنند و برای نخستین بار از آن‌ها برای سواری استفاده می‌کنند.
حدود سال ۴۰۰۰ ق.م
نخستین خیش‌ها، که از چوب‌های چنگال‌دار تیز ساخته شده‌اند، در خاورمیانه به کار می‌روند. قدیمی‌ترین نشانه‌های خیش در بین‌النهرین کشف شده‌اند.

نخستین کشاورزان

در بیشتر طول تاریخ بشر، انسان‌ها با شکار حیوانات وحشی و جمع‌آوری دانه‌ها، مغزها و ریشه‌ها، غذای خود را به دست می‌آوردند. آن‌ها کوچ‌نشین بودند و با دنبال کردن گله‌های حیوانات آن‌ها را شکار می‌کردند. سپس در حدود ده هزار سال پیش در ۸۰۰۰ ق.م تغییر بزرگی به وجود آمد. انسان‌ها یاد گرفتند، برای تأمین غذای خود، غلات را کشت کنند و حیوانات را پرورش دهند.

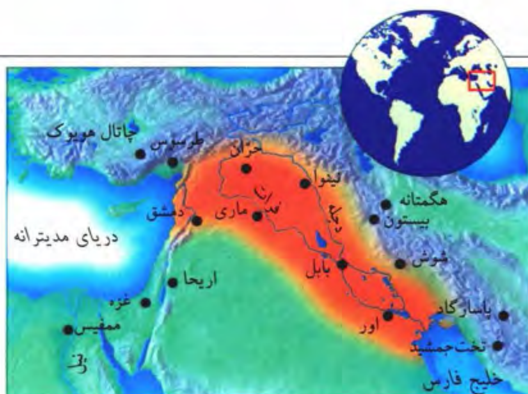
انسان‌ها پی بردند که به جای رفتن به جاهای دوردست برای پیدا کردن غذا، می‌توانند در قطعه زمینی کوچک برای خانوادهٔ خود به اندازهٔ نیاز کشت کنند. این موجب می‌شد که آن‌ها در تمام سال در یک محل ساکن شوند و خانه‌های دائمی بسازند. این انسان‌ها نخستین کشاورزان بودند. با بزرگ شدن سکونتگاه‌های زراعتی نخستین روستاها به وجود آمدند و این روستاها نیز بزرگ و بعد به نخستین شهرها تبدیل شدند. گیاهانی که انسان‌ها کشت می‌کنند و حیواناتی که انسان‌ها پرورش می‌دهند به ترتیب گیاهان «بومی» و حیوانات «اهلی» نامیده می‌شوند. نخستین گیاهان بومی و حیوانات اهلی از گیاهان و حیوانات مناطق دست‌نخورده بودند. گندم و جو که به مدت هزاران سال در بخش‌هایی از خاورمیانه به صورت خودرو می‌روییدند، جزو نخستین غلاتی بودند که بومی شدند. مردم بذرهای این گیاهان خودرو را جمع‌آوری می‌کردند و در



هنر صخره‌ای بیابانی

نقاشی‌های غاری در الجزایر که مربوط به ده هزار سال پیش است، انسان‌ها را در حال شکار زرافه، اسب آبی و فیل نشان می‌دهد. نقاشی‌های جدیدتر نشان می‌دهند که کشاورزان از گله‌های گاو مواظبت می‌کنند. پس از حدود سال ۳۰۰۰ ق.م، هنگامی که آب و هوای صحرا خشک‌تر می‌شود، در هنر صخره‌ای حیوانات بیابانی از قبیل شتر ظاهر می‌شوند.





نخستین کشتزارها در خاورمیانه و اروپا در ناحیه‌ای معروف به هلال حاصلخیز (ناحیهٔ نارنجی) پدیدار شدند. کشاورزی در سراسر اروپا و آسیای غربی گسترش یافت، اما در بقیهٔ آسیا و در آمریکا به طور جداگانه پدیدار شد.

زمین‌هایی می‌کاشتند که با شاخ‌های گوزن شخم زده بودند. خیش‌ها در حدود شش هزار سال پیش یعنی ۴۰۰۰ ق.م اختراع شدند. ابتدا بذرها را می‌کاشتند، سپس محصول را درو و غله را آسیاب و آرد می‌کردند تا نان بپزند، و نان را روی سنگ‌های داغ می‌پختند. کشاورزان همچنین یاد گرفتند گوسفند، بز و خوک وحشی را نیز اهلی کنند و پرورش دهند، به طوری که دیگر نیاز نبود برای به دست آوردن گوشت این حیوانات به شکار بروند.

در کشتزارهای اروپا در حدود سال ۳۰۰۰ ق.م مردم ظرف‌های سفالی می‌ساختند و در کوره‌ها حرارت می‌دادند و از آن‌ها برای انبار کردن غله و آب استفاده می‌کردند. اروپاییان از تبرهای سنگی برای قطع کردن درخت‌ها و صاف کردن زمین و از داس‌های سنگی برای درو کردن محصولات استفاده می‌کردند. آن‌ها همچنین پشم را می‌ریسیدند و با دستگاه پارچه‌بافی از آن پارچه و لباس می‌بافتند (انتهای سمت راست).





حدود سال ۹۰۰۰ ق.م
ساخت زیارتگاهی در اریحای باستان که اکنون در خاورمیانه قرار دارد.
حدود سال ۸۰۰۰ ق.م
اریحا که در ساحل غربی رود اردن ساخته شده است گسترش می‌یابد. حدود دو هزار نفر در آن‌جا زندگی می‌کنند. ساکنان اریحا نخستین آجرها را می‌سازند.
حدود سال ۷۰۰۰ ق.م
در پی زلزله‌ای اریحا ویران می‌شود (این شهر بعدها بازسازی می‌شود). شهر چاتال هویوک بنیان گذاشته می‌شود. نشانه‌هایی از سقف‌های پلکانی و نقاشی‌های دیواری از یک گاو نر و یک زن وجود دارد. تجارت سنگ اُبسیدین مربوط به این دوره است.
حدود سال ۶۵۰۰ ق.م
حدود پنج هزار نفر در چاتال هویوک زندگی می‌کنند. مردم پارچه‌های کتانی می‌بافند و از آن لباس تهیه می‌کنند. این پارچه‌ها قدیمی‌ترین پارچه‌های شناخته‌شده است.
حدود سال ۶۲۰۰ ق.م
فرهنگ سامرایی در شمال عراق به وجود می‌آید.

نخستین شهرها

هنگامی که مردم به کشاورزی و سکونت در روستاهای دائمی روی آوردند، جمعیت جهان به‌سرعت افزایش یافت. شهرها با پیچیدگی بیشتری به وجود آمدند. خانه‌های بیشتری ساخته شد، جاده‌ها، شبکه‌های فاضلاب و مغازه‌ها ایجاد شد، و تجارت میان شهرها گسترش یافت.

دربارهٔ نخستین شهرها آگاهی کمی داریم، اما خرابه‌های دو شهر باستانی ــ یعنی اریحا در اردن و چاتال هویوک در ترکیه ــ توجه باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است تا با نگاه جذاب‌تری به گذشته بنگرند.

تاریخ اریحا به حدود سال ۸۰۰۰ ق.م برمی‌گردد، و یکی از قدیمی‌ترین شهرهایی است که حفاری شده است. این شهر نزدیک چشمه‌ای طبیعی ساخته شده که کشاورزان از آن برای آبیاری کشتزارهای خود استفاده می‌کردند. آن‌ها گندم و جو کشت می‌کردند و گوسفند و بز هم پرورش می‌دادند. اریحا چون در کنار جادهٔ تجاری مهمی قرار داشت در زمان کوتاهی ثروتمند شد. در میان کالاهایی که داد و ستد می‌شدند اُبسیدین (نوعی سنگ شیشه‌ای آتشفشانی)، صدف و سنگ‌های نیمه‌قیمتی قرار داشتند. آن‌ها دیوارهای سنگی بزرگ، که بعضی از آن‌ها سه متر قطر و بیش از پنج متر بلندی داشت، برای دور نگه داشتن دشمنان ساخته بودند.



این جمجمهٔ زن جوان در اریحا پیدا شده است. از این جمجمه ممکن است در مراسم مذهبی پرستش اجداد استفاده کرده باشند.

از روی یک برج دیده‌بانیِ گرد به بلندیِ نُه متر نگهبانی می‌دادند. در داخل برج و باروهای شهر خانه‌های گرد و کوچک خشتی قرار داشت. زمانی تا دو هزار نفر در آن‌جا زندگی می‌کردند. دیوارهای اریحا چندین بار ویران شد، اما نه با حملهٔ دشمنان، بلکه به علت زلزله‌هایی که در آن‌جا رخ داد.

چاتال هویوک در دشت‌های حاصلخیز کنار رودخانه ساخته شد. ساکنان این شهر گندم، جو و انواع سبزی‌ها را می‌کاشتند، گاو پرورش می‌دادند، و به تجارت سنگ اُبسیدین می‌پرداختند. در ۶۵۰۰ ق.م حدود پنج هزار نفر در آن‌جا زندگی می‌کردند. آن‌ها در خانه‌هایی مستطیل‌شکل زندگی می‌کردند که به هم وصل بودند و در خروجی نداشتند. مردم با استفاده از نردبان از راه سوراخ‌هایی که در پشت‌بام‌ها بود وارد خانه می‌شدند. اگر به شهر حمله می‌شد، نردبان‌ها را بالا می‌کشیدند و دیگر هیچ راهی برای ورود به خانه باقی نمی‌گذاشتند.

شهر چاتال هویوک در حدود سال ۶۰۰۰ ق.م. اتاق‌ها را با تصویر کرکس‌ها و مردان بی‌سر نقاشی می‌کردند و سر گاوهای نر و مجسمه‌های کوچک الهه‌های مادر را در آن‌جا قرار می‌دادند. مردانی که با لباسی شبیه کرکس‌ها (در وسط) نشان داده شده‌اند کاهنان هستند. گمان می‌رود آن‌ها مرده‌ها را روی سکوهایی می‌گذاشتند تا کرکس‌ها گوشت آن‌ها را بخورند.

مردم از حدود ۸۰۰۰ ق.م به طور دائم در شهر باستانی اریحا زندگی می‌کرده‌اند. در قرن هشتم میلادی، خلیفه هشام ابن عبدالملک شروع به ساختن کاخی در آن‌جا کرد تا از آن به عنوان اقامتگاه سلطنتی برای شکار استفاده کند. ساخت کاخ هشام هرگز به اتمام نرسید، اما ویرانه‌های آن هنوز پابرجاست.



بین‌النهرین و سومر

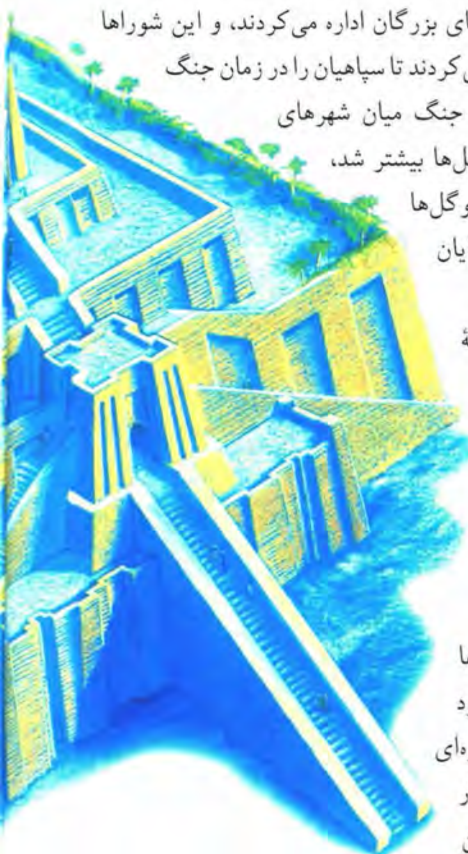
یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌ها، در دشت‌های حاصلخیز میان رودهای دجله و فرات، در عراق امروز، به وجود آمد. این ناحیه «بین‌النهرین» نام گرفت، «سرزمین میان دو رود». در حدود سال ۵۰۰۰ ق.م سومریان در جنوب بین‌النهرین ساکن شدند.



سومریان جواهرات باشکوهی از طلا و نقره می‌ساختند و سنگ‌های نیمه‌قیمتی بر روی آن‌ها می‌نشاندند. صنعتگران اثاثیه، جام‌های نوشیدنی و آلات موسیقی می‌ساختند. این گنجینه‌ها در حفاری‌های گورهای سلطنتی در شهر اور به دست آمده‌اند.

سرزمین حاصلخیز بین‌النهرین برای کشت محصولات بسیار مناسب بود. طولی نکشید که کشاورزان یاد گرفتند جوی‌های آبیاری بسازند تا از رودها برای کشتزارهای خود آب ببرند. با افزایش کشت محصولات جمعیت زیاد شد. در حدود سال ۳۵۰۰ ق.م بعضی روستاها گسترش یافتند و به صورت شهرهای پیشرفته‌ای درآمدند. شهرهای اور و اوروک رشد کردند و به صورت شهرهای بزرگ درآمدند و سپس به دولتشهرهای مستقل تبدیل شدند.

شهرهای بزرگ را شوراهای بزرگان اداره می‌کردند، و این شوراها لوگل‌ها (سرداران) را تعیین می‌کردند تا سپاهیان را در زمان جنگ فرماندهی کنند. هنگامی که جنگ میان شهرهای رقیب زیادتر شد، قدرت لوگل‌ها بیشتر شد، و از حدود سال ۲۹۰۰ ق.م لوگل‌ها به شاهانی تبدیل شدند که تا پایان عمرشان فرمانروایی می‌کردند.



در مرکز هر شهر معبدی برای ایزد یا الههٔ پشتیبان شهر قرار داشت. سومریان معتقد بودند که ایزدان همهٔ امور طبیعت و زندگی روزمره را اداره می‌کنند. خشنود نگه داشتن ایزدان با هدیه‌های روزانه واجب بود، وگرنه ممکن بود آن‌ها برای مجازات مردم از جنگ، سیل یا بیماری استفاده کنند.

سومریان ریاضی‌دان‌هایی خبره بودند. آن‌ها دو شیوهٔ شمارش داشتند. یکی شیوهٔ اعشاری بود که واحدهای دَه را به کار می‌بردند، مانند شیوه‌ای که ما امروزه به کار می‌بریم؛ شیوهٔ دیگر به کار بردن واحدهای شصت بود ـــ سومریان نخستین

حدود سال ۵۰۰۰ ق.م
سومریان در عبید در جنوب بین‌النهرین (عراق امروزی) شروع به کشاورزی می‌کنند.

حدود سال ۴۰۰۰ ق.م
آغاز دورهٔ اوروک.
سومریان یاد می‌گیرند فلز را ذوب کنند. آن‌ها از قایق‌های بادبانی برای حرکت در رودهای دجله و فرات استفاده می‌کنند.

حدود سال ۳۵۰۰ ق.م
سومریان خط و چرخ را اختراع می‌کنند. آن‌ها کشف می‌کنند که چگونه از مس و قلع مفرغ بسازند.

حدود سال‌های ۲۹۰۰ـــ۲۴۰۰ ق.م
دورهٔ سلسله‌های قدیم. شاهان در شهرهای اصلی سومر مستقر می‌شوند.

حدود سال‌های ۲۴۰۰ـــ۲۱۰۰ ق.م
سومر به تسخیر اکدی‌ها و سپس به تسخیر گوتی‌ها درمی‌آید.

حدود سال ۲۳۰۰ ق.م
شهر سومریِ اگده بر منطقه سلطه می‌یابد.

حدود سال ۲۱۰۰ ق.م
شهر اور در زمان سلطنت شاه اور-نمّو به اوج قدرت خود می‌رسد.

حدود سال ۲۰۰۰ ق.م
حماسهٔ گیلگمش برای نخستین بار نوشته می‌شود. شهر اور به دست ایلامیان ویران می‌گردد. تمدن سومر به پایان می‌رسد.

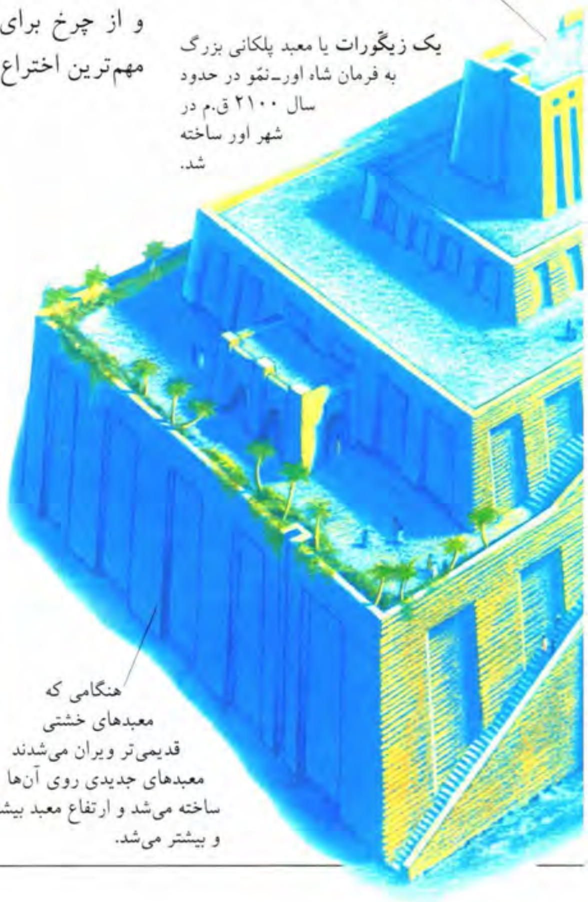


سومریان خط را در حدود سال ۳۵۰۰ ق.م برای حفظ اسناد و گزارش‌های معبد و حساب‌های بازرگانان اختراع کردند. بر روی این لوح سفالی سومری علامت‌های خط میخی («گوه‌شکل») دیده می‌شود که برای نشان دادن لغت‌ها استفاده می‌شد.



سومریان احتمالاً خانه‌هایی از نی می‌ساختند که شبیه خانه‌های عرب‌های کنار باتلاق بود که در کناره‌های رود دجله در جنوب عراق امروزی زندگی می‌کنند.

کسانی بودند که یک ساعت را به شصت دقیقه تقسیم کردند. آن‌ها همچنین تقویم و نیز مجموعه قوانینِ پیچیده‌ای به وجود آوردند، و از چرخ برای ساختن ظرف و گاری استفاده می‌کردند. ولی مهم‌ترین اختراع آن‌ها خط بود.



معبد نانّا ایزد ماه در بالاترین نقطه.

یک زیگّورات یا معبد پلکانی بزرگ به فرمان شاه اور-نمّو در حدود سال ۲۱۰۰ ق.م در شهر اور ساخته شد.

هنگامی که معبدهای خشتی قدیمی‌تر ویران می‌شدند معبدهای جدیدی روی آن‌ها ساخته می‌شد و ارتفاع معبد بیشتر و بیشتر می‌شد.



گیلگمش

حماسهٔ شاه گیلگمش و جستجوی او برای پیدا کردن راز زندگی جاودانه معروف‌ترین اسطوره در میان اسطوره‌ها و افسانه‌های بی‌شمار سومریان است. او می‌فهمد گیاهی که جاودانگی می‌بخشد در اعماق دریا می‌روید، اما پیش از آن‌که دست او به گیاه برسد ماری گیاه را می‌دزدد.

حدود سال‌های ۵۰۰۰ـ۳۱۰۰ ق.م
دورهٔ پیش از پادشاهان در مصر.
حدود سال ۳۲۰۰ ق.م
هیروگلیف‌های اولیه در مصر به کار می‌روند.
حدود سال ۳۱۰۰ ق.م
شاه منس مصر را وحدت می‌بخشد.
حدود سال‌های ۳۱۰۰ـ۲۶۸۶ ق.م
دورهٔ کهن (سلسله‌های اول و دوم).
حدود سال‌های ۲۶۸۶ـ۲۱۵۰ ق.م
پادشاهی قدیم (سلسله‌های سوم تا ششم).
حدود سال‌های ۲۵۸۹ـ۲۵۶۶ ق.م
سلطنت شاه خوفو (سلسلهٔ چهارم).
حدود سال ۲۵۸۰ ق.م
هرم بزرگ در جیزه ساخته می‌شود.
حدود سال‌های ۲۲۴۶ـ۲۱۵۰ ق.م
سلطنت شاه پپی دوم (سلسلهٔ ششم) طولانی‌ترین سلطنت در تاریخ.
حدود سال‌های ۲۱۵۰ـ۲۰۴۰ ق.م
دورهٔ میانی اول (سلسله‌های هفتم تا دهم).
حدود سال‌های ۲۰۴۰ـ۱۶۴۰ق.م
پادشاهی میانه (سلسله‌های یازدهم تا سیزدهم). شاه منتوحوتپ دوم دوباره مصر را وحدت می‌بخشد.
حدود سال‌های ۱۶۴۰ـ۱۵۵۲ ق.م
دورهٔ میانی دوم (سلسله‌های چهاردهم تا هفدهم). قوم هیکسوس از آسیا به مصر حمله می‌کنند.
حدود سال‌های ۱۵۵۲ـ۱۰۸۵ ق.م
پادشاهی جدید در مصر (سلسله‌های هجدهم تا بیستم).
حدود سال‌های ۱۰۸۵ـ۶۶۴ ق.م
دورهٔ میانی سوم (سلسله‌های بیست‌ویکم تا بیست‌وپنجم).
حدود سال‌های ۶۶۴ـ۳۳۲ ق.م
دورهٔ پایانی (سلسله‌های بیست‌وششم تا سی‌ام).
سال ۳۳۲ ق.م
اسکندر مقدونی بر مصر سلطه می‌یابد.
سال‌های ۳۲۳ـ۳۰ ق.م
فرمانروایی بطالسه تا زمانی که کلئوپاترا در سال ۳۰ ق.م خودکشی می‌کند. پس از این، مصر به یکی از ایالات امپراتوری روم تبدیل می‌شود.

مصر باستان

بدون آب‌های زندگی‌بخش رود نیل، مصر باستان بیابانی بی‌حاصل و زمینی بسیار خشک برای کشاورزی بود. این رود آب نوشیدنی و نیز آب کشاورزی مصریان باستان را تأمین می‌کرد. با طغیان سالانهٔ رود نیل، خاک حاصلخیزی در کناره‌های آن بر جای می‌ماند.



علامت‌های هیروگلیفی، نوعی خط تصویری مصر باستان بود. هر تصویر، یا هیروگلیف، به معنی یک اندیشه یا یک صدا بود. هیروگلیف‌ها را روی دیوارها و نیز روی برگه‌های پاپیروس می‌نوشتند.



هنگامی که جسدی را مومیایی می‌کردند، کبد، شش‌ها، معده و روده‌های شخص مرده را برمی‌داشتند، بسته‌بندی می‌کردند و در ظرف‌هایی به نام کوزه‌های سرپوش‌دار نگه می‌داشتند.

در کناره‌های رود نیل کشاورزان گندم و جو، کتان، میوه و سبزیجات کشت می‌کردند. آن‌ها همچنین گاو، گوسفند و بز پرورش می‌دادند. این رود چنان زندگی‌بخش بود که هرودوت مورخ یونانی، مصر باستان را «هدیهٔ نیل» توصیف کرده است.

نخستین روستاهای مصر باستان حدود هفت هزار سال پیش پدیدار شدند. سرانجام این سکونتگاه‌های کوچک وسعت یافتند و دو پادشاهی به وجود آمد: مصر سفلی در دلتای نیل و مصر علیا در کنارهٔ رود نیل. حدود سال ۳۱۰۰ ق.م، شاه منس فرمانروای مصر علیا دو پادشاهی را وحدت بخشید و پایتخت خود را در ممفیس بنا کرد.

شاه قدرتمندترین فرد در مصر باستان بود. او را در مقام ایزد هوروس می‌پرستیدند. از حدود سال ۱۵۵۴ ق.م، به پادشاه لقب «فرعون» داده شد، که از لغت‌های مصری «پر ئائا» به معنی «خانهٔ بزرگ» گرفته شده است. دو مقام رسمی، که وزیر نامیده می‌شدند، در ادارهٔ حکومت و جمع‌آوری مالیات به فرعون کمک



قایق‌ها وسیلهٔ اصلی حمل و نقل بودند که برای ماهیگیری، شکار و حمل کالا و مسافر به کار می‌رفتند. هنگامی که فرعونی می‌مرد، جسدش را با قایق به مقبره‌اش می‌بردند.

کشاورزان مصری در حال کار کردن. سال کشاورزان به سه فصل تقسیم می‌شد: فصل طغیان (ژوئیه تا نوامبر) هنگامی که رود نیل طغیان می‌کرد، فصل کشت (دسامبر تا مارس) و فصل برداشت (مارس تا ژوئیه). هنگامی که سیلاب کار کشاورزی را غیرممکن می‌کرد، کشاورزان را برای کار در ساختمان‌های سلطنتی می‌فرستادند.



معبد بزرگ در ابوسمبل را رامسس دوم بنا کرد. چهار مجسمهٔ نشستهٔ غول‌پیکر از پادشاه در محل ورودی معبد نگهبانی می‌دهند.



ساختمان هرم

هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند اهرام چگونه ساخته شده‌اند. گمان می‌رود که قطعه‌های سنگ را، که بعضی به سنگینی یک اتومبیل بود، کارگران روی سورتمه‌های چوبی به محل ساختمان می‌بردند. این سنگ‌ها را از راه‌های شیب‌دار گلی و آجری مارپیچ به طرف محل می‌کشیدند. لایه‌به‌لایه هرم بزرگ می‌شد. در آخر، سنگ کلاهک را در بالا قرار می‌دادند و همهٔ ساختمان را با قطعه‌های سنگ آهک سفید می‌پوشاندند. سپس راه‌های شیب‌دار را برمی‌داشتند.

می‌کردند. مأمورانی نیز بخش‌های مهم دولت را اداره می‌کردند. این بخش‌ها عبارت بودند از: خزانه، کارگاه سلطنتی (که بر ساخت اهرام و مقبره‌ها نظارت می‌کرد)، انبارهای غله، رمهٔ گاوها و امور خارجی. فرعون بر تمام جنبه‌های زندگی مردم مصر سلطه داشت.

مصریان معتقد بودند که برای آسایش روح انسان در جهان بعدی، جسم او باید سالم بماند. به این دلیل آن‌ها جسدها را مومیایی و خشک می‌کردند، سپس در نوارهای کتانی می‌پیچیدند و در تابوت می‌گذاشتند. زیباترین مقبره‌ها، آرامگاه‌های پادشاهان بود. برخی پادشاهان را در هرم‌ها دفن می‌کردند، اما فرمانروایان بعدی مصر را برای آرامش یافتن در مقبره‌های صخره‌ای در درهٔ شاهان نزدیک الاقصر دفن می‌کردند. بیشتر مقبره‌ها را دزدان غارت کرده‌اند، اما یک مقبرهٔ دست‌نخورده باقی مانده است. این مقبره را در سال ۱۹۲۲ م هوارد کارتر، باستان‌شناس انگلیسی، کشف کرد و آن را گشود. قبر متعلق به شاه خردسال توت‌عنخ‌آمون بود، و داخل مقبره گنجینه‌های گرانبهایی از تمدنی نابودشده وجود داشت.



درهٔ سند

در حدود سال ۳۰۰۰ ق.م در کنار رود سند در شبه‌قارهٔ هند (پاکستان امروزی) تمدن بزرگی به وجود آمد که به تمدن درهٔ سند معروف است. در حدود سال ۲۵۰۰ ق.م این تمدن به اوج قدرت خود رسید.



این مجسمهٔ سنگی که در ویرانه‌های موهنجودارو پیدا شده احتمالاً متعلق به یک کاهن یا شاه است.



خیابان‌های موهنجودارو به صورت منظم طراحی شده بود و شبکهٔ فاضلاب خانگی داشت. ساختمان‌های مهم عبارت بودند از قلعهٔ بالای تپه و حمام بزرگ که برای آیین‌های مذهبی از آن استفاده می‌کردند.

تمدن درهٔ سند هم از سومر و هم از مصر باستان بزرگ‌تر بود. دو شهر بزرگ آن هاراپا و موهنجودارو بودند که هریک جمعیتی حدود چهل هزار نفر داشتند.

این تمدن شبکهٔ تجاری بسیار منظمی داشت. بازرگانان به تجارت غله و محصولات زراعی دیگر می‌پرداختند که در دشت‌های رودخانه‌ایِ حاصلخیز کشت می‌شد. صنایع دستی و جواهرات با فلزات گرانبها و پارچه داد و ستد می‌شدند. ولی از حدود سال ۲۰۰۰ ق.م ضعف این تمدن قدرتمند آغاز شد، شاید یکی از دلایل آن سیلاب‌های شدیدی بود که محصولات کشاورزی را نابود کرد، یا به این علت که مسیر رود سند تغییر کرد و زمین‌های زراعی حاصلخیز خشک شدند. نظریهٔ دیگر این است که چرا کردن بیش از حد حیوانات، زمین‌ها را به حدی خشک و ضعیف کرد که دیگر نمی‌شد در آن‌ها کشاورزی کرد.



ناحیهٔ مربوط به تمدن سند (پاکستان امروزی) و شهرهای اصلی آن.

حدود سال ۷۰۰۰ ق.م
مهگاره، قدیمی‌ترین روستا در درهٔ سند، شکل می‌گیرد.
حدود سال ۵۵۰۰ ق.م
نشانه‌هایی از کاربرد ظرف‌های سفالی.
حدود سال ۳۰۰۰ ق.م
سکونتگاه‌های زراعتی در کنار رود سند به وجود می‌آیند.
حدود سال ۲۵۰۰ ق.م
تمدن درهٔ سند در اوج خود است.
حدود سال‌های ۲۳۰۰ـ۲۰۰۰ ق.م
نشانه‌هایی از تجارت و تبادل فرهنگی میان تمدن‌های درهٔ سند و بین‌النهرین وجود دارد.
حدود سال ۱۸۰۰ ق.م
نشانه‌های ضعف در فرهنگ درهٔ سند نمایان می‌شود. مردم شروع به ترک شهرها می‌کنند و کسانی که باقی می‌مانند غذای کمی برای خوردن دارند.
حدود سال ۱۷۰۰ ق.م
بسیاری از شهرهای درهٔ سند متروکه می‌شوند.
حدود سال ۱۵۰۰ ق.م
آریاییان هند و اروپایی که از مناطق آسیای غربی آمده بودند این منطقه را به تصرف خود درمی‌آورند. اعتقادات مذهبی آریایی‌ها با اعتقادات مذهبی مردم نواحی سند ادغام می‌شود و اساس دین هندو شکل می‌گیرد.

اروپای دوران کلان‌سنگی

از حدود سال ۴۵۰۰ ق.م مردم در سراسر اروپا با استفاده از سنگ‌های ایستادهٔ بزرگ به نام کلان‌سنگ‌ها یادمان‌هایی همچون دایره‌های سنگی و دولمن‌ها را ساختند. دولمن عبارت بود از دو سنگ عمودی و یک سنگ افقی که روی آن‌ها قرار می‌گرفت. دولمن نوعی مقبره بوده است.



این مجسمهٔ گلی الههٔ مادر در هیپوگئوم، که یک یادمان زیرزمینیِ کلان‌سنگی است، در جزیرهٔ مالت پیدا شده است.

دایره‌های سنگی بر طبق قاعده‌های دقیق ریاضی طراحی شده‌اند، اما کاربرد دقیق آن‌ها معلوم نیست. شاید از آن‌ها برای رصد خورشید، ماه و ستارگان استفاده می‌کردند. یا احتمالاً معبدهایی برای اجرای مراسم مذهبی بوده است. کارشناسان گمان می‌کنند که داخل این دایره‌های سنگیِ جالب توجه، انسان‌ها و حیوانات را قربانی می‌کرده‌اند.

ساختمان‌سازان دوران کلان‌سنگی همچنین یادمان‌هایی سنگی روی قبر مردگان خود می‌ساختند. این یادمان‌ها اغلب اتاقک‌های دالان‌مانند بلندی بود که دور آن‌ها را سنگ‌های بزرگی می‌چیدند و زیر پشته‌ای از خاک معروف به «خاک پشته» می‌پوشاندند.

در یکی از قبرها بیش از چهل اسکلت وجود داشت که احتمالاً چند نسل یک خانواده را در بر می‌گرفت. جسدها را بلافاصله در قبر نمی‌گذاشتند، بلکه آن‌ها را در فضای باز می‌گذاشتند تا وقتی که بیشترِ گوشت آن‌ها از بین می‌رفت. در قبرها غذا و نوشیدنی، ظرف‌ها و ابزارهایی می‌گذاشتند تا مرده در جهان دیگر از آن‌ها استفاده کند.

حدود سال ۴۵۰۰ ق.م
مردم در سراسر اروپای غربی شروع به ساختن کلان‌سنگ‌ها می‌کنند.

حدود سال ۴۰۰۰ ق.م
قبرهای دالانی در کارناک در فرانسه ساخته می‌شوند.

حدود سال ۳۲۰۰ ق.م
قبر نیوگرنج در ایرلند ساخته می‌شود.

حدود سال‌های ۲۸۰۰ـ۲۰۰۰ ق.م
استونهنج در انگلستان ساخته می‌شود.

حدود سال‌های ۲۷۵۰ـ۲۰۰۰ ق.م
معبدهای کلان‌سنگی در مالت ساخته می‌شود.

استونهنج در انگلستان از حدود سال ۲۸۰۰ ق.م در سه مرحله ساخته شد. بعضی از سنگ‌ها با خورشید در روز نیمهٔ تابستان و بقیهٔ سنگ‌ها با موقعیت ماه در آسمان در یک خط قرار می‌گیرند.



مینوسی‌ها

تمدن مینوسی نخستین تمدن بزرگ در اروپا بود. این تمدن در جزیرهٔ کرت آغاز شد و از روی نام شاه مینوس فرمانروای افسانه‌ای آن نامگذاری شده است. این تمدن از حدود سال ۲۰۰۰ ق.م در اوج قدرت خود بود.

مینوسی‌ها فرهنگی باشکوه، جامعه‌ای بسیار منظم و سازمان‌یافته و اقتصادی پررونق داشتند. بازرگانان در سراسر دریای مدیترانه سفر می‌کردند و به تجارت مشغول بودند. آن‌ها نوشیدنی، غله و روغن زیتون کرت را با کهربا، عاج و فلزات گرانبها مبادله می‌کردند.

شهرها گرداگرد کاخ‌های بزرگ ساخته می‌شدند. این کاخ‌ها فقط اقامتگاه‌های سلطنتی نبودند؛ بلکه کارگاه، عبادتگاه و انبار کالا نیز داشتند. در سال ۱۴۵۰ ق.م بیشتر کاخ‌ها احتمالاً به علت زلزله یا ریزش مواد مذاب آتشفشان‌ها ویران شدند، و کرت به سلطهٔ میسنی‌ها درآمد.



افسانه‌ها از یک هیولا (نیمه‌انسان، نیمه‌گاو نر) سخن می‌گویند که در دالانی پیچ‌در‌پیچ در زیر کاخ کنوسوس زندگی می‌کرد. نام او مینوتور بود. بر طبق داستان‌ها، تسئوس شاهزادهٔ آتنی این هیولا را کشت. احتمالاً گاوهای نر برای مینوسی‌ها مقدس بوده‌اند.

حدود سال ۶۰۰۰ ق.م
نخستین کشاورزان در کرت ساکن می‌شوند.

حدود سال‌های ۳۰۰۰ـ۱۰۰۰ ق.م
مردم در کرت و سرزمین اصلی یونان ساخت مفرغ را یاد می‌گیرند.

حدود سال ۲۰۰۰ ق.م
نخستین کاخ‌ها در کرت ساخته می‌شوند.

حدود سال ۱۷۰۰ ق.م
کاخ‌ها به علت زمین‌لرزه‌ها ویران می‌شوند، اما بعدها بازسازی می‌شوند.

حدود سال ۱۶۰۰ ق.م
میسنی‌ها برای نخستین بار به کرت وارد می‌شوند.

حدود سال ۱۴۵۰ ق.م
مواد مذاب آتشفشانی همهٔ کاخ‌های کرت، از جمله کاخ کنوسوس را ویران می‌کند.



کوزه‌های گلی بزرگ بسیاری، که برای انبار کردن روغن، شراب و غله به کار می‌رفتند، در کنوسوس کشف شده‌اند.



کنوسوس بزرگ‌ترین کاخ مینوسی بود. این کاخ دور یک حیاط مرکزی ساخته شده بود. از این حیاط برای برگزاری مراسم مذهبی استفاده می‌کردند. این کاخ ۱۳۰۰ اتاق داشت. دیوارهای اتاق‌های سلطنتی با نقاشی‌های دیواری تزیین شده بود. ویرانه‌های کنوسوس را سِر آرتور اونز در سال ۱۸۹۴ م پیدا کرد.

میسنی‌ها

از حدود سال ۱۶۰۰ تا سال ۱۱۰۰ ق.م میسنی‌ها بر سرزمین اصلی یونان سلطه داشتند. آن‌ها در پادشاهی‌های کوچک جداگانه زندگی می‌کردند، هرچند زبان و اعتقادات مشترکی داشتند. نام میسنی‌ها از روی بزرگ‌ترین شهرشان «میسن» نامگذاری شده است.



نقاب مرگ از جنس طلا. زمانی معتقد بودند که صورت آگاممنون شاه افسانه‌ای میسن و قهرمان جنگ تروا را پوشانده است. اکنون دانشمندان بر این باورند که قبری که این نقاب از آن به دست آمده است، مربوط به سیصد سال قبل از زمان اوست.

میسنی‌ها کاخ‌های بزرگ خود را بر روی تپه‌ها می‌ساختند و دور تپه‌ها دیوارهای سنگی بزرگ می‌کشیدند. دفاع از این نوع شهرهای مستحکم در برابر حملهٔ دشمن بسیار راحت بود. این نوع شهرها را آکروپولیس می‌نامیدند، که به زبان یونانی به معنای «شهر بلند» است. میسنی‌ها کشاورز و بازرگان بودند و مهاجرنشین‌هایی در جزایر دیگر یونان از قبیل رودس و قبرس ایجاد کردند. علاوه بر این، آن‌ها جنگجویانی سلحشور بودند.

قطعه‌های زیادی از زره و سلاح در قبرهای میسنی پیدا شده‌اند. در سال ۱۸۷۶ م پنج قبر چاله‌ای کشف شد که در آن‌ها جسدهای شانزده عضو خاندان سلطنتی قرار داشت. پنج نفر از آنان نقاب‌های مرگ بسیار زیبایی از جنس طلا روی صورت‌های خود داشتند و گنجینه‌هایی از جواهرات بسیار گرانبها همراه آن‌ها دفن شده بود.

جنگ تروا زمانی شروع شد که هلن همسر برادر آگاممنون با یک شاهزادهٔ ترواییِ به نام پاریس فرار کرد و آگاممنون سپاهی را برای بازگرداندن او فرماندهی کرد. بر اساس افسانه‌ها، سربازان میسنی پنهانی داخل یک اسب چوبی بزرگ وارد تروا شدند.





دروازهٔ شیر راه اصلی ورود به میسن بود. این دو شیر کنده‌کاری‌شده احتمالاً نمادهای خاندان سلطنتی بوده‌اند. این دروازه در حدود سال ۱۲۵۰ ق.م ساخته شده است.

حدود سال‌های ۱۶۰۰ـ۱۱۰۰ ق.م
میسنی‌ها بر سرزمین اصلی یونان سلطه دارند.

حدود سال ۱۴۵۰ ق.م
میسنی‌ها فرمانروای کرت می‌شوند.

حدود سال ۱۳۰۰ ق.م
کاخ میسن ساخته می‌شود.

حدود سال ۱۲۵۰ ق.م
تاریخ روایی سقوط تروا.

حدود سال ۱۲۰۰ ق.م
فرهنگ میسنی احتمالاً به علت خشکسالی و ناتوانی اقتصادی رو به انحطاط می‌رود. مردم شهرهای بزرگ را ترک می‌کنند.

حدود سال ۱۱۰۰ ق.م
شهر باستانی میسن به علت حریقی که احتمالاً مهاجمان **قوم دوری** افروخته‌اند، ویران می‌شود.

حدود سال‌های ۱۱۰۰ـ۸۰۰ ق.م
دوران تاریک یونان.

سال ۴۷۹ ق.م
میسن چهارصد نفر را برای جنگ با ایرانیان به نبرد **ترموپیل** می‌فرستد.

سال ۴۶۸ ق.م
شهر همسایهٔ آرگوس شهر میسن را محاصره و ویران می‌کند.

چین باستان

قدیمی‌ترین تمدن‌های چین در کنار سه رود بزرگِ چانگ‌جیانگ، خی‌جیانگ و هوانگهو به وجود آمدند. کشاورزان از آب این رودخانه‌ها برای آبیاری محصولات خود استفاده می‌کردند، اما بیشتر اوقات دچار سیلاب‌های زیان‌بخش می‌شدند.



سکه‌های مسی اولیه را به شکل ابزار می‌ساختند، و در هر ایالت فرق داشتند. در زمان شی هوانگ‌دی همهٔ سکه‌ها به صورت گرد با سوراخی در وسط آن‌ها ساخته می‌شد، به طوری که می‌شد آن‌ها را با هم به نخ کشید.

از حدود سال ۲۲۰۵ ق.م سلسله‌هایی دودمانی (خاندان‌های حکومت‌کننده) بر چین فرمانروایی می‌کردند. بر اساس مدارک و شواهد نخستین سلسله پادشاهی شانگ بود که در حدود سال ۱۷۶۶ ق.م تشکیل شد. سلسلهٔ شانگ بیش از چهارصد سال فرمانروایی کرد تا این‌که از سلسلهٔ چو شکست خورد. فرمانرواییِ چو تا سال ۲۲۱ ق.م طول کشید. در طول این زمان جنگ‌های زیادی میان پادشاهی‌های رقیب رخ داد و این جنگ‌ها باعث گسترش سرزمین‌های تحت فرمانروایی چو شد. با وجود این، دورهٔ رشد و شکوفایی اقتصادی نیز بود، و ابریشم، یشم و ظروف چینی را به کشورهای دیگر صادر می‌کردند.

تا سال ۲۲۱ ق.م پادشاهی‌های چین به مدت بیش از ۲۵۰ سال درگیر جنگ بودند. به‌تدریج سلسلهٔ چین (یا چئین) که سلسله‌ای جنگجو در شمال غرب چین بود، کشور را یکپارچه کرد و نام امپراتوری خود را به کشور چین داد. شی هوانگ‌دی، نخستین امپراتور چینِ یکپارچه، دولت را دوباره منظم کرد و واحدهای پول، وزن و

حدود سال‌های ۱۷۶۶ـ۱۰۲۷ ق.م
سلسلهٔ شانگ بر چین فرمانروایی می‌کند.
سال‌های ۱۰۲۷ـ۲۵۶ ق.م
سلسلهٔ چو بر چین فرمانروایی می‌کند.
حدود سال ۵۵۱ ق.م
تولد معلم بزرگ، کنفوسیوس.
سال‌های ۴۸۱ـ۲۲۱ ق.م
دورهٔ جنگ‌های ایالتی؛ در این زمان بیشتر ایالت‌های چین درگیر جنگ داخلی هستند.
سال ۲۲۱ ق.م
شی هوانگ‌دی چین را وحدت می‌بخشد و سلسلهٔ چین را تأسیس می‌کند. او نخستین امپراتور چین می‌شود.
سال ۲۱۲ ق.م
سوزاندن کتاب‌ها به دست شی هوانگ‌دی. او از اندیشه‌هایی که با اندیشه‌های او سازگار نیست جلوگیری می‌کند.
سال ۲۱۰ ق.م
مرگ شی هوانگ‌دی.
سال ۲۰۶ ق.م
سلسلهٔ چین سرنگون می‌شود و سلسلهٔ هان تا سال نهم میلادی بر چین فرمانروایی می‌کند.



دیوار بزرگ چین (ساخته‌شده در ۲۱۴ـ۲۰۴ ق.م) بیش از ۲۲۵۰ کیلومتر طول و ۹ متر بلندی دارد و پهنای بعضی قسمت‌های آن به اندازه‌ای است که ارابه‌ها از روی آن عبور می‌کنند. هزاران دهقان برای ساخت دیوار کار می‌کردند. اگر کمتر از حد معمول کار می‌کردند، آن‌ها را می‌کشتند.



یک سرباز سفالی در قبر زیرزمینی بسیار بزرگ شی هوانگ‌دی که در سال ۲۱۰ ق.م دفن شده است. همراه او همهٔ چیزهای مورد نیاز برای زندگی پس از مرگ را در قبر گذاشته‌اند. از جمله مجسمه‌های ده هزار سرباز سفالی نیرومند در اندازه‌های طبیعی که یک سپاه بزرگ را تشکیل می‌دادند.



کنفوسیوس
کنفوسیوس، فیلسوف چینی، در حدود سال ۵۵۱ ق.م در زمانی به دنیا آمد که جنگ‌های زیادی درمی‌گرفت. او زندگی‌اش را برای آموزش زندگی صلح‌آمیز به مردم صرف کرد. تا آغاز قرن بیستم میلادی، آموزش‌های او اساس نظام اجتماعی چین را شکل می‌داد.

	درخت	ماه	پرنده	خورشید	اسب
حدود سال ۱۵۰۰ ق.م					
پیش از سال ۲۱۳ ق.م					
پس از سال ۲۰۰ م	木	月	鳥	日	馬

قدیمی‌ترین خط چینی در دورهٔ سلسلهٔ شانگ از نشانه‌هایی تصویری ساخته شد که اشیا را به صورت تصویر آن‌ها نشان می‌دادند. با گذشت زمان، این نشانه‌های تصویری به صورت نمادهایی برای هر شکل درآمدند.

اندازه را یکسان کرد. جاده و شبکهٔ راه آبی ساخته شد تا بخش‌های گوناگون کشور را به هم وصل کند، و دیوار بزرگ چین را در سراسر مرز شمالی بنا کردند تا جلوی ورود قوم هسونگ نو (هون‌ها) را که دشمن آن‌ها بودند به داخل چین بگیرند. شی هوانگ‌دی فرمانده و سیاستمداری باهوش اما بی‌رحم بود، و اگر اندیشه‌های دانشمندان با اندیشه‌های او سازگار نبود آن‌ها را می‌کشت. سلسلهٔ چین چهار سال پس از مرگ شی هوانگ‌دی سرنگون شد.

برج‌های دیده‌بانی از سپاه در برابر حمله‌ها محافظت می‌کردند.

بزرگان چینی به تماشای ساختن دیوار می‌آمدند.

خاک را در قالب‌های گلی می‌ریختند و سپس با قلوه‌سنگ‌ها پر می‌کردند.

کارگران مصالح ساختمانی سنگین را با چانچو (دو ظرف که به صورت متعادل حمل می‌شد) می‌بردند.

سربازان بر کار کارگران نظارت می‌کردند.

قرقره‌ای روی یک داربست که از نی ساخته شده بود، خاکی را که از اطراف جمع می‌شد بالا می‌کشید.

فنیقی‌ها

فنیقی‌ها بزرگ‌ترین بازرگانان و دریانوردان جهان باستان بودند. شهرهای صور و صیدون مراکز شبکهٔ تجاری وسیعی بودند. آن‌ها مهاجرنشین‌هایی در اطراف دریای مدیترانه به وجود آوردند. یکی از آن‌ها کارتاژ بود که به قدرتی بزرگ و رقیب روم تبدیل شد.



فنیقی‌ها به دلیل مهارت در صنایع معروف بودند. آن‌ها به‌خصوص در شیشه‌گری مهارت داشتند. این نقاب که برای مردگان به کار می‌رفت، از شیشهٔ رنگی ساخته شده است.

فنیقی‌ها در کناره‌های ساحل شرقی دریای مدیترانه (بخش‌هایی از سوریه، لبنان و فلسطین امروزی) زندگی می‌کردند. آن‌ها با کشتی‌های بزرگی که از چوب سرو ساخته شده بودند، با شجاعت به سمت غرب تا بریتانیا و در پایین تا ساحل آفریقا می‌رفتند. سفالگران، حکاکان روی عاج، فلزگران و نجاران فنیقی، کالاهایی برای استفادهٔ روزمره و صادرات به مناطق دیگر می‌ساختند. کالاهایی که آن‌ها تجارت می‌کردند شامل ظروف شیشه‌ای، چوب، روغن سدر و عاج بود. ولی معروف‌ترین کالای صادراتی آن‌ها رنگ ارغوانی ساخته‌شده از نوعی صدف بود. فنیقی‌ها چنان دریانوردان ماهری بودند که در حدود سال ۶۰۰ ق.م نکوی دوم، پادشاه مصر، آن‌ها را اجیر کرد تا با کشتی به دور آفریقا بروند. این سفر دریایی سه سال طول کشید.



در حدود سال ۱۰۰۰ ق.م فنیقی‌ها الفبایی با حرف ایجاد کردند. حروف صدادار را بعدها یونانیان اضافه کردند. سرانجام رومی‌ها الفبای یونانی را به صورت بهتر درآوردند، و این الفبا پایهٔ الفبای امروزی شده است.



کشتی‌های باری فنیقی بادبان‌ها و پاروهایی چهارگوش داشتند و دیده‌بانی مراقب دزدان دریایی بود. با ورود به کارتاژ در ساحل شمال آفریقا، کشتی‌های بازرگانان از یک بندر و نیروی دریایی از بندر دیگری استفاده می‌کردند.

حدود سال ۲۷۵۰ ق.م
بنیاد نهادن شهر فنیقیِ صور.
حدود سال ۱۵۰۰ ق.م
شهرهای فنیقیه گسترش می‌یابند. فنیقی‌ها در جزیرهٔ قبرس ساکن می‌شوند.
حدود سال ۱۳۰۰ ق.م
فنیقی‌ها با مصر باستان پیمان‌های تجاری می‌بندند.
حدود سال ۱۱۴۰ ق.م
فنیقی‌ها مهاجرنشین اوتیکا را در شمال آفریقا تشکیل می‌دهند.
حدود سال ۱۱۰۰ ق.م
فنیقی‌ها از سلطهٔ بیگانگان خارج می‌شوند.
حدود سال ۱۰۰۰ ق.م
الفبای فنیقی تکامل می‌یابد.
حدود سال ۸۱۴ ق.م
شهر کارتاژ در شمال آفریقا بنیاد نهاده می‌شود.
سال ۷۲۹ ق.م
پادشاه آشور، شلمنصر پنجم، به فنیقیه حمله می‌کند.
حدود سال ۷۲۷ ق.م
یونانیان الفبای فنیقی را اقتباس می‌کنند.
سال ۷۲۵ ق.م
نیروی دریایی فنیقیه آشوریان را در نخستین جنگ دریایی (که در تاریخ ثبت شده) شکست می‌دهد.
سال ۵۳۶ ق.م
کارتاژی‌ها یونانیان را از جزیرهٔ کرس بیرون می‌رانند.
سال ۴۸۰ ق.م
کشتی‌های فنیقی تحت فرمان ایرانیان، در جنگ سالامیس از یونانیان شکست می‌خورند.
سال ۳۳۲ ق.م
اسکندر مقدونی فنیقیه را فتح می‌کند.

عبرانی‌ها



عبرانی‌ها اجداد یهودیان بودند. آن‌ها در سرزمین کنعان (بعدها فلسطین نامیده شد) زندگی می‌کردند. اعتقاد آن‌ها به خدای واحد، دین یهودی را به وجود آورد. بعدها عبرانیان به بنی‌اسرائیل معروف شدند.

کنعان چهارراهی بر سر راه‌های تجاری بود. بر اساس گفتهٔ کتاب مقدس، چوپانی به نام ابراهیم قوم خود را از جنوب بین‌النهرین به کنعان برد. نوهٔ او یعقوب دوازده پسر داشت که دوازده قبیلهٔ عبرانی یا بنی‌اسرائیل از روی نام آن‌ها نامگذاری شدند. کتاب مقدس می‌گوید عبرانیان در مصر بَرده شدند، اما در حدود سال ۱۲۰۰ ق.م با رهبری موسی [ع] آزاد شدند و جانشین او یوشع آن‌ها را به کنعان بازگرداند.

در کتاب مقدس آمده است خداوند ده فرمان (قانون‌های مقدس برای زندگی خوب) را که روی لوح‌های سنگی نوشته شده بودند به موسی [ع] داد.

از حدود سال ۱۰۲۹ ق.م عبرانی‌ها به فرمان پادشاهی قدرتمند به نام شائول برای جنگ با دشمنانشان متحد شدند. داود، جانشین شائول، پادشاهی اسرائیل را تشکیل داد و اورشلیم را پایتخت خود کرد. در اورشلیم، سلیمان نخستین معبد را ساخت. پس از آن‌که سلیمان درگذشت، پادشاهی او به دو پادشاهی اسرائیل و یهودیه تقسیم شد. پس از مدتی هر دو پادشاهی به دست مهاجمانی از آشور، بابل و ایران افتاد. بسیاری از بنی‌اسرائیل بَرده یا تبعید شدند. در سال ۱۶۷ ق.م یهودیان قیام کردند و یک پادشاهیِ مستقل به نام یهودیه ایجاد کردند، اما در سال ۶۳ ق.م رومیان یهودیه را فتح کردند، و بعدها بیشتر یهودیان را بیرون راندند.



برج بابل در شهر بابل، بسیاری از یهودیان در قرن ششم ق.م در آن‌جا اسیر شدند. کتاب مقدس می‌گوید خداوند از تلاش برای ساختن برجی که به آسمان برسد خشمگین شد، از این رو کارگران را وادار کرد که به زبان‌های گوناگون حرف بزنند، بنابراین کار ساخت برج هرگز تمام نشد.

حدود سال ۱۸۵۰ ق.م
ابراهیم [ع] قوم خود را از اور در بین‌النهرین به کنعان (فلسطین) می‌برد.

حدود سال ۱۲۰۰ ق.م
موسی [ع] عبرانیان را از مصر بیرون می‌برد.

حدود سال ۱۰۲۰ ق.م
شائول نخستین پادشاه اسرائیل می‌شود.

حدود سال ۱۰۰۰ ق.م
داود دومین پادشاه اسرائیل و جانشین شائول می‌شود و اورشلیم را پایتخت خود می‌کند.

حدود سال ۹۶۰ ق.م
سلیمان معبد را در اورشلیم می‌سازد.

حدود سال ۹۲۲ ق.م
سلیمان از دنیا می‌رود و پادشاهی او تقسیم می‌شود.

حدود سال ۷۲۲ ق.م
آشوری‌ها اسرائیل را تسخیر می‌کنند.

حدود سال ۵۸۷ ق.م
بابلیان یهودیه را تسخیر می‌کنند و نخستین معبد اورشلیم را ویران می‌کنند.

حدود سال ۵۳۸ ق.م
کوروش، پادشاه ایران، به یهودیان اجازه می‌دهد تا به اورشلیم بازگردند.

سال ۳۳۲ ق.م
این ناحیه را اسکندر مقدونی تصرف می‌کند.

حدود سال ۶۳ ق.م
رومی‌ها یهودیه را تسخیر می‌کنند.

آمریکای باستان

حدود سال‌های ۱۲۰۰ـ۳۰۰ ق.م
تمدن اولمک در ساحل مکزیک شکوفا می‌شود.
حدود سال‌های ۱۲۰۰ـ۲۰۰ ق.م
تمدن چاوین در ساحل شمال پرو شکوفا می‌شود.
حدود سال ۱۱۰۰ ق.م
اولمک‌ها مرکز مذهبی بزرگی در سان لورنزو می‌سازند.
حدود سال ۱۰۰۰ ق.م
شهر اولمک لا ونتا مرکز بزرگی برایِ ماهیگیری، کشاورزی و تجارت می‌شود.
حدود سال‌های ۸۵۰ـ۲۰۰ ق.م
چاوین دِ هانتر در ناحیهٔ آندِ پرو در اوج قدرت است.
حدود سال ۷۰۰ ق.م
اولمک‌ها سان لورنزو را ترک می‌کنند.
حدود سال‌های ۴۰۰ـ۳۰۰ ق.م
لا ونتا متروکه و ویران می‌شود.

بیش از سه هزار سال پیش، دو تمدن بزرگ در آمریکای باستان به وجود آمد: تمدن اولمک‌ها در غرب مکزیک و تمدن چاوین در ساحل شمال پرو. اجداد آن‌ها هزاران سال پیش از راه پل زمینیِ تنگهٔ برینگ از آسیا به آن‌جا رفته بودند. در ابتدا آن‌ها کوچ‌نشین بودند و از راه شکار و جمع‌آوری مواد غذایی زندگی می‌کردند، اما بعدها در مناطق کشاورزی ساکن شدند.



ظرف سنگی مربوط به چاوین که به شکل حیوان تراشیده شده است. صنعتگران چاوین تعداد زیادی ظرف و مجسمهٔ سفالی می‌ساختند و با همسایگان خود مبادله می‌کردند.

احتمالاً تمدن اولمک نخستین تمدنی بوده که در آمریکای شمالی به وجود آمده است. این تمدن در آغاز به صورت روستاهای پراکنده‌ای بوده است که در اطراف خلیج مکزیک قرار داشتند. کم‌کم این روستاها به هم پیوستند و شهرها را تشکیل دادند، و در حدود سال ۱۲۰۰ ق.م این تمدن در حال گسترش بود. یکی از مراکز اصلی فرهنگ اولمک، شهر لا ونتا در جزیره‌ای دور از ساحل مکزیک بود. مردم آن‌جا ماهیگیر و کشاورز بودند. اولمک‌ها هرم‌های خاکی بزرگی می‌ساختند که در آن‌ها مراسم مذهبی برگزار می‌کردند. بسیاری از مجسمه‌ها و نقاب‌های تراشیده‌شدهٔ آن‌ها موجودی نیمه‌انسان نیمه‌پلنگ را نشان می‌دهند، که شاید ایزدی قدرتمند بوده است. شیوهٔ نوشتن اولمک‌ها بر بسیاری از فرهنگ‌های بعدی، مانند مایا، تأثیر گذاشت.

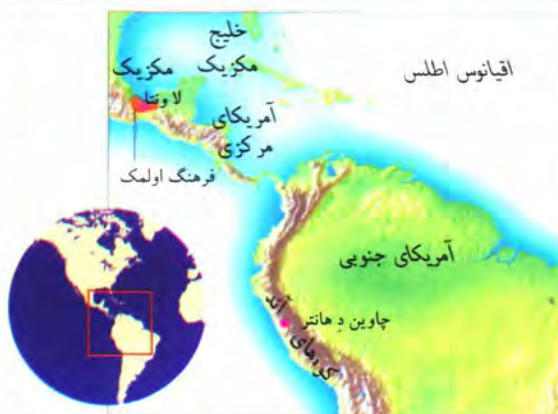


اولمک‌ها سرهای سنگی بسیار بزرگی می‌تراشیدند. بعضی از آن‌ها سه متر بلندی دارد. این مجسمه‌ها ممکن است فرمانروایان، ایزدان یا بازیکنان معروف یک بازی توپی باشند. آن‌ها بازی با توپ را به عنوان بخشی از مراسم مذهبی انجام می‌دادند. (سمت راست)



اولمک‌ها صدها مجسمه از سنگ، یشم و سفال ساختند. این مجسمه‌های یشمی و پیچ و خم‌دار کوچک بخشی از مجموعه‌ای از مجسمه‌ها بودند که در سال ۱۹۵۵ م به صورت دفن‌شده در لا ونتا در مکزیک پیدا شدند. (سمت چپ)

تمدن چاوین در حدود سال ۱۲۰۰ ق.م در پرو آغاز شد و حدود هزار سال طول کشید. این محل از روی نام محل مذهبیِ بزرگ چاوین دِ هانتر که حدود سال ۸۵۰ ق.م ساخته شد، نامگذاری شده است. این محل شامل معبد سنگی بزرگی بود که دور آن مسیر پر پیچ و خمی از اتاق‌ها قرار داشت. در مرکز معبد مجسمهٔ بزرگ ایزدی قرار داشت که لبخند می‌زد و بدنی انسانی و صورتی عصبانی داشت. در تمدن چاوین روح پلنگ‌ها و نیز عقاب‌ها و مارها را می‌پرستیدند.



این نقشه محل تمدن‌های اولمک و چاوین را نشان می‌دهد. چاوین وسیع‌ترین فرهنگ در میان فرهنگ‌های اولیه در ناحیهٔ آند است. بعد از آن تمدن‌های نازکا و موچه به وجود آمدند.

اولمک‌ها هرم‌های بسیار بزرگی از خاک می‌ساختند. آن‌ها در این هرم‌ها عبادت و مراسم مذهبی برگزار می‌کردند. هرم لا ونتا ۳۴ متر بلندی داشت. دور این هرم چند میدان قرار داشت که روی آن‌ها را پوشانده بودند تا مانند نقاب‌های پلنگ به نظر برسند.

آشوریان، هیتی‌ها و بابلیان



شاه آشوربانیپال (۶۶۸_۶۲۷ ق.م) آخرین فرمانروای بزرگ آشور و یک فرمانده نظامیِ بی‌رحم بود، اما به سبب کاخ باشکوهش در نینوا در خاطره‌ها مانده است.

آشوریان و هیتی‌ها دو تا از جنگجوترین قوم‌های جهان باستان بودند. آشوریان سرانجام بر هیتی‌ها پیروز شدند و امپراتوری‌ای ایجاد کردند که از حدود سال ۱۰۰۰ ق.م تا سال ۶۱۲ ق.م طول کشید. بابل برای نخستین بار تحت فرمانروایی شاه حمورابی (حدود ۱۷۹۲_۱۷۵۰ ق.م) قدرتمند شد. او مرزهای بابل را گسترش داد و سومر و اکّد را به سرزمین خود اضافه کرد، و شهر بابل را، پس از بازسازی، پایتخت خود قرار داد.



کمان‌داران هیتیایی از ارابه‌های جنگیِ تندروی خود تیراندازی می‌کردند و نیزه‌داران هیتیایی از این ارابه‌ها به طرف صف‌های دشمن نیزه پرتاب می‌کردند.

هیتی‌ها که چند بار در کتاب مقدس از آن‌ها نام برده شده است، در ترکیهٔ امروزی زندگی می‌کردند. در سال ۱۵۰۰ ق.م آن‌ها حکومتی قدرتمند در خاورمیانه بودند. پایتخت آن‌ها شهر هاتوسا یا بُغازکوی بود که در آن‌جا باستان‌شناسان نوشته‌هایی به خط میخی پیدا کرده‌اند. جنگاوری و مهارت نظامی هیتی‌ها موجب ترس همسایگانشان شده بود. آن‌ها نخستین قومی بودند که از ارابه‌های اسب‌کش استفاده می‌کردند که سربازان را با سرعت زیاد به میدان جنگ می‌برد. سپاهیان هیتی بابل، بین‌النهرین و بخش‌هایی از سوریه را فتح کردند. یکی از معروف‌ترین نبردهای دوران باستان در حدود سال ۱۲۸۵ ق.م میان هیتی‌ها و مصریان در کادش در شمال فلسطین درگرفت.

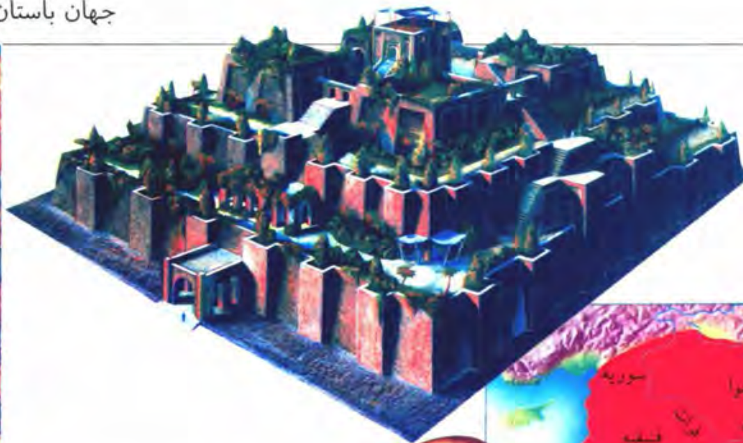
پس از حدود سال ۱۱۹۰ ق.م حکومت هیتی ضعیف شد. در سال ۷۱۷ ق.م شهر شرقی کرکمیش به دست سارگن دوم، شاه آشور، فتح شد و هیتی‌ها بخشی از امپراتوری آشور جدید شدند.

آشوریان در جایی که اکنون کشور عراق است ساکن بودند.



سپاه آشور در زمان حمله، برای عبور از دیوارهای شهر دشمنانشان، از برج‌های عظیم و ترسناکی استفاده می‌کردند که آن‌ها را روی چرخ حرکت می‌دادند. دژکوب‌های برج‌ها نوک آهنی داشتند که با حرکت به چپ یا راست دیوارها و دروازه‌های شهر را ویران و خرد می‌کردند.

حدود سال‌های ۲۰۰۰_۱۴۵۰ ق.م
امپراتوری آشور قدیم.
حدود سال ۱۸۹۴ ق.م
قوم آموری پادشاهی کوچک بابل را در بین‌النهرین ایجاد می‌کنند.
حدود سال‌های ۱۸۱۳_۱۷۸۱ ق.م
سلطنت شاه شمشی-ادد، جنگجوی بزرگ و بنیان‌گذار امپراتوری.
حدود سال‌های ۱۷۹۲_۱۷۵۰ ق.م
سلطنت حمورابی. بابل برای نخستین بار قدرت می‌یابد.
حدود سال ۱۵۹۵ ق.م
بابل به دست هیتی‌ها غارت و سپس به دست کاسی‌ها سرنگون می‌شود.
حدود سال‌های ۱۵۹۵_۱۱۵۵ ق.م
کاسی‌ها بر بابل فرمانروایی می کنند.
حدود سال‌های ۱۱۲۶_۱۱۰۵ ق.م
نبوکدنصر اول سلطنت می‌کند.
حدود سال‌های ۶۲۶_۵۲۹ ق.م
بابل دوباره همچون قدرتی بزرگ در خاورمیانه پدیدار می‌شود.
حدود سال‌های ۶۲۶_۶۰۵ ق.م
نبوپلسر آشوریان را شکست می‌دهد و بر بابل فرمانروایی می‌کند. سپاه بابل زیر فرمان نبوکدنصر مصر را شکست می‌دهد و سوریه را به دست می‌آورد.
سال ۶۱۲ ق.م
مادها و بابلیان به آشور حمله و آن‌جا را فتح می‌کنند.
حدود سال‌های ۶۰۵_۵۶۲ ق.م
نبوکدنصر دوم پسر نبوپلسر بر بابل فرمانروایی می کند.
حدود سال ۵۹۷ ق.م
نبوکدنصر یهودیه (فلسطین جنوبی) را تسخیر می کند و سه قیام را در آن‌جا سرکوب می کند.
سال ۵۸۶ ق.م
نبوکدنصر اورشلیم را ویران و اهالی آن‌جا را به بابل تبعید می‌کند.
حدود سال ۵۳۹ ق.م
بابل به دست ایرانیان تسخیر و بخشی از شاهنشاهی قدرتمند هخامنشی می‌شود.



در افسانه‌ها آمده است که باغ‌های معلق بابل برای آمیتیس همسر ایرانی نبوکدنصر ساخته شد، زیرا او دلش برای تپه‌های سرسبز وطنش تنگ شده بود. این باغ‌ها یکی از عجایب هفتگانهٔ جهان باستان بود.





این نقشه وسعت امپراتوری بابل را در زمان حکومت نبوکدنصر دوم نشان می‌دهد. سپاه او برای به دست آوردن سوریه مصریان را شکست داد.



شاه نبوکدنصر دوم (حکومت حدود ۶۰۵ـ۵۶۲ ق.م) سوریه و فلسطین را فتح کرد، و بسیاری از اهالی اورشلیم را وادار کرد تا در اسارت در بابل زندگی کنند.

آن‌ها زیر فرمانروایی شاهان جنگجویی بودند که سپاهیان بزرگ و کارآزموده و کاملاً مجهزی را فرماندهی می‌کردند. آشوریان در برابر دشمنان بی‌رحم بودند. آن‌ها از مردمان شکست‌خورده خراج‌های سالانه می‌خواستند؛ هر کس که در برابر آن‌ها مقاومت می‌کرد شکنجه یا کشته می‌شد.

آشوربانیپال، آخرین فرمانروای بزرگ آشور، نینوا را پایتخت خود کرد و کتابخانهٔ بزرگی در آن‌جا گرد آورد. مدت کوتاهی پس از مرگ او در سال ۶۲۷ ق.م امپراتوری آشور به آخر رسید. قلمرو آشور بسیار وسیع و ادارهٔ آن بسیار دشوار شده بود، و سرانجام در برابر مادها و بابلیانِ مهاجم سرنگون شد. حمورابی، شاه بابل، فرمانروایی عادل و باتدبیر بود. او به دلیل نوشتن قانون‌نامه‌اش شهرت دارد که قدیمی‌ترین قانون‌نامهٔ به‌جامانده در جهان است. پس از مرگ او هیتی‌ها، کاسی‌ها، کلدانی‌ها و آشوریان به بابل حمله کردند. سناخریب، شاه آشور، شهر بابل را در سال ۶۸۹ ق.م ویران کرد. ولی بابل در طول قرن ششم ق.م تحت فرمانروایی شاه نبوکدنصر دوم شکوه پیشین خود را دوباره به دست آورد. او امپراتوری بزرگی را تشکیل داد و شهر بابل را به باشکوه‌ترین شهر جهان باستان تبدیل کرد.



دروازهٔ ایشتار با کاشی‌های آبی‌رنگ راه ورودی شمالی به شهر بابل بود. این دروازه از روی نام الههٔ عشق و جنگ نامگذاری شده بود. این دروازه با نقش گاوهای نر و اژدها، که نماد مردوک بودند، تزیین شده بود.

یونانیان باستان



در حدود سال ۸۰۰ ق.م یونان شاهد پیدایش تمدن جدیدی بود که جهان باستان را تغییر داد. تأثیر این تمدن تا به امروز ادامه داشته است. یونان باستان به دولتشهرهای کوچک مستقلی تقسیم می‌شد که هریک حکومت و قانون‌های خاص خود را داشتند. دو دولتشهر مهم و قدرتمند آن آتن و اسپارت بودند.

پریکلس در سال‌های ۴۴۳ـ۴۲۹ ق.م رهبر آتن بود. او معروف‌ترین و مردمی‌ترین سیاستمدار «دوران طلایی» بود. به فرمان او آتن را، پس از ویران شدن به دست ایرانیان، بازسازی کردند.



بیش‌تر دولتشهرها تحت حکومت گروهی از اشراف ثروتمند (حکومتی گروهی) بودند. خشم مردم باعث بروز قیام‌هایی می‌شد، و فرمانروایان مستبد (دیکتاتورها) تعیین می‌شدند تا قانون و نظم را برقرار کنند. سپس در حدود سال ۵۰۸ ق.م نوع جدیدی از حکومت در آتن معمول شد. این حکومت دموکراسی [مردم‌سالاری]، یعنی «حکومتِ مردم» نامیده می‌شد، و هر مرد آزاد حق داشت دربارهٔ ادارهٔ شهر نظر بدهد. امروزه بسیاری از کشورها حکومت مردم‌سالار دارند، با این تفاوت که همه حق رأی دارند.

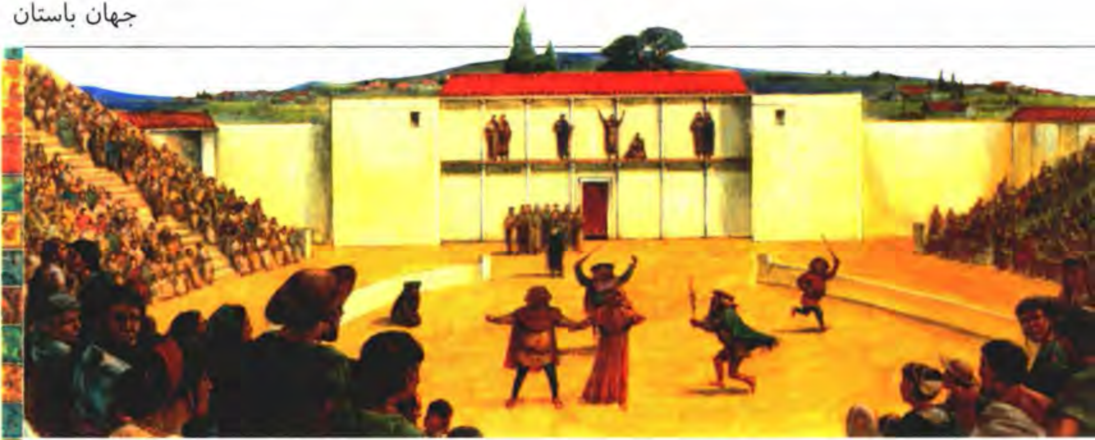
سقراط (حدود ۴۶۹ـ۳۹۹ ق.م) پسر یک مجسمه‌ساز آتنی یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان یونانی بود. او به مردم یاد داد که دربارهٔ خوب و بد فکر کنند. با وجود این، بعضی از مردم اندیشه‌های او را نپذیرفتند و او را مجبور کردند جام شوکران (نوعی زهر) را بنوشد.

دورهٔ کلاسیک (دوره‌ای که فرهنگ یونانی در بالاترین سطح خود بود) از حدود سال ۵۰۰ ق.م تا سال ۳۳۶ ق.م طول کشید. در طول آن زمان، یونان درگیر دو جنگ طولانی شد. در سال ۴۹۰ ق.م ایرانیان حمله کردند. دولتشهرهای یونانی نیروهای خود را متحد کردند و سرانجام در سال ۴۴۹ ق.م ایرانیان را شکست دادند. یکی از معروف‌ترین نبردها در سال ۴۹۰ ق.م در ماراتون روی داد. پیکی به نام فیدیپیدس مسیر چهل کیلومتری تا آتن را دوید و خبر پیروزی یونانیان را به آن‌ها داد. دویدن او در مسابقهٔ ماراتون جدید جاویدان شده است.

کشتی‌های یونانی بادبان و چند ردیف پارو در هر طرف داشتند که باعث می‌شدند کشتی‌ها تندتر و راحت‌تر حرکت کنند.



حدود سال ۹۰۰ ق.م
دوری‌ها دولت اسپارت را تأسیس می‌کنند.
حدود سال‌های ۸۰۰ـ۵۰۰ ق.م
دورهٔ کهن. یونان پس از دوره‌ای ضعف به نام دوران تاریک، دوباره قدرت می‌گیرد.
سال ۷۷۶ ق.م
نخستین مسابقات المپیک در المپیا برگزار می‌شود.
حدود سال‌های ۷۵۰ـ۵۵۰ ق.م
مهاجرنشین‌های یونانی بسیاری در اطراف دریای مدیترانه ایجاد می‌شوند.
حدود سال ۷۰۰ ق.م
هومر، شاعر یونانی، داستان‌های ایلیاد و اودیسه را می‌سراید.
حدود سال ۵۰۸ ق.م
مردم‌سالاری در آتن رواج می‌یابد.
حدود سال‌های ۵۰۰ـ۳۳۶ ق.م
دورهٔ کلاسیک. فرهنگ یونانی به بالاترین حد خود می‌رسد.
سال‌های ۴۹۰ـ۴۴۹ ق.م
جنگ با ایران. یونانیان پیروز می‌شوند.
سال‌های ۴۷۹ـ۴۳۱ ق.م
دوران طلایی آتن، دوران پیشرفت و موفقیت زیاد برای آتن.
سال‌های ۴۴۷ـ۴۳۸ ق.م
معبد پارتنون در آتن ساخته می‌شود.
سال‌های ۴۳۱ـ۴۰۴ ق.م
آتن و اسپارت در جنگ‌های پلوپونزی درگیر می‌شوند.
سال ۴۳۰ ق.م
طاعون آتن را از پای درمی‌آورد.
سال ۳۷۱ ق.م
اسپارت از دولتشهر یونانی تِب شکست می‌خورد.
سال ۳۶۲ ق.م
تبی‌ها در نبرد مانتینئا از اسپارتی‌ها و آتنی‌ها شکست می‌خورند.
سال ۳۳۸ ق.م
یونانیان در نبرد خایرونیا از مقدونیان شکست می‌خورند. این شکست به معنای پایان استقلال یونان است.



بازیگران یونانی همه مرد بودند. آن‌ها برای شخصیت‌هایی که شاد، غمگین، مرد، زن، پیر یا جوان بودند نقاب‌های متفاوت می‌گذاشتند و لباس‌های گوناگون می‌پوشیدند. یونانیان نخستین مردمی بودند که محل نمایش ساختند؛ بزرگ‌ترین محل نمایش آن‌ها گنجایش هجده هزار نفر را داشت.

سپاه یونان بر هوپلیت‌ها، یعنی سربازان پیاده تکیه داشت. هوپلیت‌ها سپرهای گرد سنگین و نیزه‌های بلند برای ضربه زدن به دشمن داشتند. نیم‌تنهٔ نظامی و قطعه‌قطعهٔ آن‌ها این امکان را می‌داد که به‌آسانی حرکت کنند.

ولی صلح به طول نینجامید. در سال ۴۳۱ ق.م جنگ میان آتن و اسپارت (جنگ‌های پلوپونزی) درگرفت. اسپارتی‌ها پس از آن‌که آتن را محاصره کردند، جلوی ورود آذوقه را به آتن گرفتند تا آتنی‌ها گرسنه و ناچار به تسلیم شوند. سرانجام در سال ۴۰۴ ق.م آتن مجبور به تسلیم شد.

یونانیان باستان دانشمندان، متفکران و آموزگاران بزرگی داشتند. آن‌ها سؤال‌های دربارهٔ زندگی و طبیعت را با داستان‌هایی دربارهٔ ایزدان پاسخ می‌دادند، بعدها راه‌های عملی و علمی فهمیدن جهان اطرافشان را جستجو کردند. آن‌ها دانشمندان خود را فیلسوف می‌نامیدند یعنی «عاشقان دانش». از جمله این فیلسوفان سقراط، افلاطون و ارسطو بودند.

نمایش و ورزش نقش بسیار مهمی در زندگی یونانیان باستان داشت. اجرای نمایش یونانی از اجرای آواز و رقص در جشن سالانهٔ مخصوص دیونوسوس، ایزد شراب، آغاز شد. این برنامه‌ها را گروهی از مردان به نام گروه کُر اجرا می‌کردند.

ورزش فقط سرگرمی نبود، بلکه راهی برای حفظ تناسب اندام و سلامتی مردان بود که هنگام جنگ اهمیت داشت. رقابت‌های زیادی برای ورزشکاران وجود داشت. قدیمی‌ترین و معروف‌ترین رقابت، بازی‌های المپیک بود که هر چهار سال یک بار در المپیا برگزار می‌شد. در طول پنج روز دورهٔ بازی‌ها، میان دولتشهرها به صورت موقت صلح برقرار می‌شد تا ورزشکاران به‌سلامت به المپیا بروند. ورزشکاران پیش از مسابقات ماه‌ها تمرین می‌کردند. جایزهٔ برندگان تاجی ساده از برگ زیتون بود که از درختی مقدس چیده می‌شد و نیز استقبالی باشکوه و قهرمانانه، همراه با شهرت و ثروت در زمان بازگشت به زادگاهشان.

دستهٔ فالانکس به طور منظم پیشروی می‌کرد. سرنیزه‌های بالارفته، سربازان پیادهٔ دشمن را به هم می‌ریخت.



هوپلیت‌های یونانی هنگام جنگ، یک فالانکس، یعنی دسته‌ای از سربازان در هشت صف یا بیشتر، تشکیل می‌دادند.

اسکندر و ایرانیان

مقدونیه پس از نزاع‌های پرهیاهوی ایران و یونان نیروی مسلط در یونان شد. اسکندر، شاه جوان مقدونیه، با فرماندهی لشکریانش در یک لشکرکشی پیروزمندانه، ایرانیان را که دشمنان قدیمی یونانیان بودند شکست داد.

هخامنشیان فرمانروای ایران بودند. قلمرو شاهنشاهی هخامنشیان در اوج قدرت از شرق تا هند و از غرب تا مصر وسعت داشت. شاهان قدرتمند هخامنشی، مانند کوروش کبیر، سپاهی بزرگ و کارآمد داشتند. داریوش اول (سال‌های ۵۲۱ـ۴۸۶ ق.م) برای رساندن فوری پیغام‌ها به سراسر قلمرو شاهنشاهی، جاده‌هایی عالی ساخت. او شاهنشاهی ایران را با تقسیم آن به ایالت‌هایی به نام ساتراپی از نو سازمان داد. در سال ۴۹۹ ق.م ایران با یونانیان درگیر شد، اما حملهٔ ناوگان ایران در سال ۴۸۰ ق.م در جنگ سالامیس به شکست انجامید.

پس از آن قدرت به دست یونان افتاد. در سال ۳۳۸ ق.م، فیلیپ دوم، شاه جنگجوی مقدونیه، با پیروزی در خایرونیا بر همهٔ دولتشهرهای یونان سلطه یافت. در ۳۳۶ ق.م هنگامی که فیلیپ کشته شد، پسرش اسکندر در بیست‌سالگی به پادشاهی رسید. فقط سیزده سال طول کشید تا اسکندر وسیع‌ترین امپراتوری جهان باستان را فتح کردو فرهنگ یونانی (و ایرانی) را در سرزمین‌های دوردست و وسیع گسترش داد.

در سال ۳۳۴ ق.م اسکندر سپاهش را به جنگ با ایرانیان برد. او در سال ۳۳۳ ق.م داریوش سوم، پادشاه هخامنشی، را در نبرد ایسوس شکست داد، و تا سال ۳۳۱ ق.م سراسر ایران را فتح کرد و آن‌جا را تحت فرماندهی خود درآورد.

اسکندر
سوار بر اسب
معروفش بوکفالوس.

سال ۵۴۹ ق.م
کوروش کبیر لیدیا را تسخیر می‌کند.
سال ۵۳۹ ق.م
ایرانیان بابل را تسخیر می‌کنند.
سال ۵۲۶ ق.م
کمبوجیه، شاه ایران، مصر را تسخیر می‌کند.
سال‌های ۵۲۱ـ۴۸۶ ق.م
سلطنت داریوش اول، شاهنشاه ایران.
سال‌های ۴۹۹ـ۴۷۹ ق.م
ایرانیان به رهبری داریوش اول و خشایارشا می‌کوشند یونان را فتح کنند اما شکست می‌خورند.
سال ۳۵۶ ق.م
اسکندر به دنیا می‌آید؛ او در سال ۳۳۶ ق.م پس از کشته شدن فیلیپ دوم به پادشاهی می‌رسد.
سال ۳۳۴ ق.م
سپاه اسکندر به شاهنشاهی هخامنشی حمله می‌کند.
سال ۳۳۳ ق.م
اسکندر سپاه بزرگ داریوش سوم را در نبرد ایسوس شکست می‌دهد.
سال ۳۳۲ ق.م
اسکندر مصر را تسخیر می‌کند.
سال ۳۳۱ ق.م
اسکندر ایرانیان را در نبرد گوگمل شکست می‌دهد.
سال ۳۲۷ ق.م
اسکندر به هند لشکرکشی می‌کند. اما در سال ۳۲۴ ق.م مجبور به بازگشت می‌شود.
سال ۳۲۳ ق.م
اسکندر در بابل می‌میرد. میان سرداران او جنگ درمی‌گیرد و امپراتوری او تقسیم می‌شود.



این موزاییک از شهر رومیِ پومپئی، داریوش سوم (راست) را در حال فرار از اسکندر نشان می‌دهد. سر اسکندر در طرف چپ نمایان است.





این نقشه وسعت امپراتوری اسکندر و مسیر لشکرکشی او را به شرق نشان می‌دهد.

اسکندر برای تقویت پیوندهای میان دو ملت، از ایرانیان در ادارهٔ حکومت استفاده کرد. او همچنین لباس ایرانی می‌پوشید و با شاهدختی ایرانی به نام رُکسانه ازدواج کرد. او در ادامهٔ لشکرکشی‌هایش به هند حمله کرد، و شاه پوروس را در نبرد رود هوداسپس شکست داد. این جنگ قرار بود آخرین پیشروی او باشد. سپاه بی‌رمق او از ادامهٔ پیشروی سر باز زدند و اسکندر مجبور شد به طرف بابل عقب‌نشینی کند. او در آن‌جا در سال ۳۲۳ ق.م در ۳۲ سالگی بر اثر تب درگذشت. پس از مرگ اسکندر امپراتوری‌اش میان سرداران اصلی او تقسیم شد.

شهر تخت‌جمشید که داریوش اول آن را ساخت، پایتخت باشکوه شاهان هخامنشی بود. خرابه‌های این شهر در نزدیکی شیراز قرار دارد. هنگامی که اسکندر تخت‌جمشید را در سال ۳۳۱ ق.م تسخیر کرد، کاخ باشکوه آن را به آتش کشید.

سلت‌ها

اقوام سلتی از حدود سال ۸۰۰ ق.م در سراسر غرب اروپا پراکنده شدند. آن‌ها با سکونت در قلعه‌های روی تپه‌ها و در کشتزارها به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. سلت‌ها نمی‌توانستند در برابر دشمن مشترکشان، یعنی سپاهیان رومی، متحد شوند.



سلت‌ها جنگجویانی شجاع و بی‌باک بودند، و به همان میزان در فلزگری مهارت داشتند و سلاح، جواهرات و جام‌های نوشیدنی تزیین‌شدهٔ زیبا می‌ساختند. آن‌ها همچنین قصه‌گوهای بااستعدادی بودند و داستان‌های ایزدان و تاریخ خود را به طور شفاهی منتقل می‌کردند. بعدها نویسندگان رومی جزئیات زیادی را از زندگی و فرهنگ سلتی ثبت کردند. آن‌ها نوشته‌اند که سلت‌ها ایزدان و الهه‌های زیادی را می‌پرستیدند و به احترام آن‌ها قربانی‌هایی را تقدیم می‌کردند. آیین‌ها و مراسم مذهبی را کاهنانی که دروئید نامیده می‌شدند انجام می‌دادند. سرپرستی هریک از قبایل سلتی را یک رئیس بر عهده داشت. یکی از معروف‌ترین آن‌ها ورسینگتوریکس رئیس قبیلهٔ آرونِی بود. این قبیلهٔ سلتی در گل مرکزی (فرانسه) زندگی می‌کردند. در سال ۵۲ ق.م ورسینگتوریکس قیامی را بر ضد رومیان رهبری کرد که در آغاز موفقیت‌آمیز بود، اما بعدها از سپاه تعلیم‌دیدهٔ یولیوس سزار شکست خورد.

صنعتگران سلتی
اشیای فلزی زیبایی می‌ساختند، مانند این یراق نقره‌ای اسب. بسیاری از دست‌ساخته‌های ظریف سلتی‌ها سالم به دست ما رسیده‌اند.

قلعهٔ میدن یکی از مستحکم‌ترین قلعه‌های روی تپه، در عصر آهن، در بریتانیا بود. از روی این قلعه مهاجمان در حال پیشروی از فاصله‌ای دور دیده می‌شدند، و خاکریزهای هم‌مرکز قلعه، تصرف آن را دشوار می‌کرد.



حدود سال‌های ۶۰۰ ـ ۵۰۰ ق.م
فرهنگ سلتی در اتریش و بعدها در فرانسه پدیدار می‌شود.

حدود سال ۵۰۰ ق.م
مدارکی از تجارت میان سلت‌ها و اتروسک‌ها وجود دارد. سلت‌ها از اسپانیا به ایرلند می‌روند.

حدود سال ۴۰۰ ق.م
سلت‌ها کشتزارها و قلعه‌هایی روی تپه در جنوب و غرب اروپا می‌سازند.

سال ۳۹۰ ق.م
گل‌ها (سلت‌های فرانسه) شهر روم را غارت می‌کنند.

سال ۲۲۵ ق.م
رومیان سلت‌ها را در نبرد تلامون در ایتالیا شکست می‌دهند.

سال‌های ۵۸ ـ ۵۰ ق.م
یولیوس سزار سراسر گل (فرانسه) را فتح می‌کند.

سال ۵۲ ق.م
ورسینگتوریکس قیامی را بر ضد رومیان در گل رهبری می‌کند، اما از یولیوس سزار شکست می‌خورد.

سال ۴۳ م
کلودیوس، امپراتور روم، به بریتانیا حمله می‌کند و کاراتاکوس رهبر سلت‌ها را شکست می‌دهد.

سال ۶۱ م
بودیکا در قیامی که برضد رومیان در بریتانیا رهبری می‌کند شکست می‌خورد.

بسیاری از قبایل سلتی قلعه‌های بزرگی روی تپه‌ها می‌ساختند و خاکریزهای محافظ بسیار بزرگی دور قلعه‌ها می‌کشیدند و در این قلعه‌ها به دور از حملهٔ دشمن زندگی می‌کردند. آن‌ها پس از پیروزی در جنگ جشن‌هایی برپا می‌کردند که گاه چند روز طول می‌کشید، و در این جشن‌ها می‌نوشیدند و شعرهای بلندی می‌خواندند که در آن‌ها کارهای قهرمانان و ایزدان سلتی بیان می‌شد. بزرگ‌ترین ایزد آن‌ها داغدا، «ایزد خوب»، بود که آب و هوا و برداشت محصول را اداره می‌کرد و موجب پیروزی در جنگ می‌شد.



بودیکا

کلودیوس، امپراتور روم، در سال ۴۳ م به بریتانیا حمله کرد. بعضی سلت‌ها سرسختانه با آن‌ها جنگیدند. در سال ۶۰ م بودیکا (یا بوادیکتا) ملکهٔ قبیلهٔ آیسینای، قبیله‌ای سلتی در شرق بریتانیا، قیامی را بر ضد رومیان رهبری کرد. سلت‌ها لندن را آتش زدند و حدود هفتاد هزار رومی و اهالی شهر را کشتند. ولی در سال ۶۱ م سپاه او شکست خورد و بودیکا با نوشیدن زهر خودکشی کرد.

جنگجویان سلتی به شجاعت در جنگ معروف بودند و همین باعث ترس دشمنانشان می‌شد. جنگ میان قبیله‌های سلتی زیاد درمی‌گرفت، و این ضعفی بود که به رومیان کمک می‌کرد تا آن‌ها را آسان‌تر شکست دهند.

خانواده‌ها با حیوانات خود در کلبه‌های چوبیِ گرد در امنیت زندگی می‌کردند. این کلبه‌ها داخل قلعه‌هایی بر روی تپه ساخته شده بودند. بام کلبه‌ها را با پوشال و دیوارهای چوبی آن را با گِل و گچ می‌پوشاندند. در وسط کلبه دیگ خوراک‌پزی آهنی بزرگ روی آتش آویزان بود.

رومی‌ها

بر طبق افسانه، شهر رم را در سال ۷۵۳ ق.م برادران دوقلوی رومولوس و رموس بنا کردند. این دو برادر را عمویشان در کناره‌های رود تیبر در ایتالیای مرکزی رها کرد. اما ماده‌گرگی آن‌ها را نجات داد و بعدها چوپانی آن‌ها را بزرگ کرد.



روی **سکه‌های رومی** نقش سر امپراتور بود. این سکه‌ها در سراسر امپراتوری برای داد و ستد به کار می‌رفتند. داد و ستد در امنیت و صلح یکی از پیامدهای مثبت فرمانروایی رومیان بود.



یولیوس سزار سردار برجستهٔ رومی، رقیبانش را در روم شکست داد و در سال ۴۹ ق.م با لقب دیکتاتور به قدرت رسید. او در ۱۵ مارس سال ۴۴ ق.م کشته شد.

رومولوس و رموس برای جبران مهربانی گرگ ماده پیمان بستند که روی تپهٔ پالاتین که گرگ آن‌ها را در آن‌جا پیدا کرده بود، شهری به افتخار او بسازند. رموس در نزاعی بر سر مرزهای شهر کشته شد و رومولوس نخستین شاه رم شد. رم که در آغاز کم‌اهمیت و به صورت روستاهای پراکنده‌ای بود، به حدی گسترش یافت که پایتخت قدرتمندترین امپراتوری‌ای شد که جهان غرب تا آن زمان دیده بود.

در آغاز، شاهان بر رم فرمانروایی می‌کردند، اما در حدود سال ۵۰۹ ق.م شاه تارکوینوس مغرور را از رم بیرون کردند، و پس از آن حدود پانصد سال روم به صورت جمهوری اداره شد. در این مدت قدرت به دست سنا افتاد که گروهی قانونگذار بودند و از اشراف تشکیل می‌شد و دو مقام رسمی به نام کنسول رئیس آن‌ها بودند. کنسول‌ها هرساله انتخاب می‌شدند تا امور سنا و ارتش را اداره کنند. در حدود سال ۵۰ ق.م روم بیشتر سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه را تسخیر کرده بود. ولی رقابت میان سرداران سپاه، روم را درگیر جنگ



کولوسئوم یکی از باعظمت‌ترین آثار باقیمانده در رم است. این ساختمان را برای نمایش دادن جنگ‌های گلادیاتورها ساختند. این جنگ‌ها سرگرمی مورد علاقهٔ مردم بود. گلادیاتورها برده‌ها یا زندانیان آموزش‌دیده‌ای بودند که با یکدیگر یا با حیوانات می‌جنگیدند. کولوسئوم تا ۴۵ هزار تماشاگر را در خود جای می‌داد.

سال ۷۵۳ ق.م
تاریخ روایی بنیان نهادن رم.
حدود سال ۵۰۹ ق.م
تشکیل جمهوری روم.
سال‌های ۲۶۴ـ۱۴۶ ق.م
جنگ‌های پونیک میان روم و کارتاژ در شمال آفریقا. کارتاژ ویران می‌شود.
سال ۴۹ ق.م
یولیوس سزار به قدرت می‌رسد. او در سال ۴۴ ق.م کشته می‌شود.
سال ۳۱ ق.م
اوکتاویان در جنگِ آکتیوم آنتونی و کلئوپاترا را شکست می‌دهد.
سال ۲۷ ق.م
پایان جمهوری و آغاز امپراتوری روم.
سال‌های ۲۷ ق.م ـ ۱۴ م
اوکتاویان لقب آوگوستوس می‌گیرد و نخستین امپراتور روم می‌شود.
حدود سال ۸۰ م
ساختمان کولوسئوم در رم تکمیل می‌شود.
سال‌های ۹۸ـ۱۱۷ م
امپراتوری به بیشترین وسعت خود می‌رسد.
سال‌های ۱۱۷ـ۱۳۸ م
هادریان فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۸۰ م
پاکس رومانا (صلح رومی)، که دورهٔ ثبات و آرامش بود، پایان می‌یابد.
سال ۲۸۶ م
امپراتور دیوکلسین امپراتوری روم را به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌کند.
سال ۴۱۰ م
رم به تسخیر آلاریکِ ویزیگوت درمی‌آید.
سال ۴۵۱ م
آتیلای هون به گلِ تحت سلطهٔ روم حمله می‌کند.
سال ۴۷۶ م
رومولوس آوگوستولوس آخرین امپراتور روم غربی برکنار می‌شود. امپراتوری روم شرقی با نام امپراتوری بیزانس ادامه می‌یابد.



هانیبال

روم از سال ۲۶۴ تا سال ۱۴۶ ق.م برای سلطه یافتن بر دریای مدیترانه جنگ‌هایی با شهر فنیقی کارتاژ در شمال آفریقا به راه انداخت. در سال ۲۱۸ ق.م هانیبال سردار کارتاژی به طور غافلگیرانه‌ای به رومیان حمله کرد. او با ۳۵ هزار مرد و ۳۷ زنجیر فیل از کوه‌های آلپ گذشت و به طرف ایتالیا رفت. کارتاژ سرانجام شکست خورد.



سربازان رومی

کاملاً آموزش‌دیده
سازمان‌یافته بودند.
ن‌ها زره سنگین می‌پوشیدند
کلاهخودهای مفرغی یا
هنی پردار بر سر می‌گذاشتند
با حمل سلاح، غذا و وسایل مورد نیاز
ی‌توانستند روزی سی کیلومتر پیاده راه بروند.

اخلی کرد. در سال ۲۷ ق.م اوکتاویان، پسرخواندهٔ یولیوس سزار، نخستین امپراتور روم شد و دوباره صلح ا برقرار کرد. روم در دورهٔ امپراتوری بر بیشتر اروپا، شمال آفریقا و خاورمیانه سلطه یافت.

سپاه روم در ابتدا برای محافظت از شهر رم تشکیل شد و بیشتر آن‌ها از سربازان داوطلب بودند. سردار ماریوس سال‌های ۱۵۵ـ۸۶ ق.م) سپاه را به صورت نیرویی کارآمدتر دوباره سازماندهی کرد. سربازان دستمزد می‌گرفتند به مدت ۲۰ تا ۲۵ سال به ارتش می‌پیوستند. سربازان عادی در واحدهایی به نام لژیون گرد می‌آمدند. هر لژیون از حدود پنج هزار نفر تشکیل می‌شد. لژیون‌ها نیز از واحدهای کوچک‌تری به نام سنتوری تشکیل می‌شدند. هر سنتوری شامل هشتاد نفر بود. این واحدها تحت فرمان سربازانی به نام سنتوریون‌ها بودند.

جامعهٔ روم به دو گروه شهروندان و غیرشهروندان تقسیم می‌شد. سه طبقه شهروند وجود داشت: پاتریسین‌ها که ثروتمندترین اشراف بودند؛ طبقهٔ متوسط که بازرگانان ثروتمند بودند؛ و پلبین‌ها که شهروندان عادی بودند. همهٔ شهروندان اجازه داشتند در انتخابات رأی بدهند و در سپاه خدمت کنند. آن‌ها همچنین اجازه داشتند توگا [نوعی ردا در روم باستان] بپوشند.

ساختمان‌سازی، استخراج از معدن‌ها و همهٔ کارهای دستی دشوار را بردگان انجام می‌دادند که نیروی کار بزرگی در روم بودند. با بسیاری از بردگان بی‌رحمانه رفتار می‌کردند، اما بعضی از آن‌ها دستمزد می‌گرفتند و می‌توانستند سرانجام با دادن پول آزاد شوند.

دین مسیحی و روم

رومیان ایزدان زیادی را می‌پرستیدند و غالباً دین‌های جدید را از مردمی که بر آن‌ها پیروز می‌شدند، می‌پذیرفتند. عیسی مسیح [ع] در فلسطین به دنیا آمد (احتمالاً در سال چهارم ق.م). فلسطین در آن زمان ایالتی رومی بود. آموزش‌های عیسی [ع] پیروان مشتاق را جلب می‌کرد، اما رهبران یهودی محلی را نگران کرد، و به اعتقاد مسیحیان، مسیح به دست رومیان به صلیب کشیده شد. پیروان مسیح، از جمله پولس حواری، دین جدید را در سراسر جهان رومی منتشر کردند. این دین با وجود مجازات شدن پیروانش گسترش یافت و در سال ۳۱۳ م دین رسمی روم شد.



فرهنگ‌های آفریقایی

یکی از اولین تمدن‌های بزرگ آفریقایی در حدود سال ۲۰۰۰ ق.م در نوبیا (سودان شمالی امروزی) به وجود آمد. این تمدن که پادشاهی کوش نامیده می‌شد در سال ۱۵۰۰ ق.م به تسخیر مصر درآمد. کوش نیز در حدود سال ۷۲۸ ق.م مصر را شکست داد و به مدت صد سال بر آن‌جا فرمانروایی کرد.



اهالی اکسوم ستون‌های یادبود بزرگی به بلندی سی متر می‌ساختند. این ستون‌ها که از قطعه سنگ‌های یکپارچه تراشیده می‌شدند، شاید نمادهای قدرت یا یادبودهایی برای آرامگاه‌های خاندان سلطنتی بوده‌اند.

در قرن سوم میلادی پایتخت کوش به مروئه در کناره‌های رود نیل منتقل شد. این شهر مرکز مهم فلزگری شد. در حدود سال ۶۰۰ ق.م مرکز فلزگری دیگری در شمال نیجریهٔ امروزی (در غرب آفریقا) به وجود آمد. اهالی این ناحیه به نوک معروف بودند. فرهنگ آن‌ها تا حدود سال ۲۰۰ م شکوفا شد. قوم نوک آهن را استخراج و در کوره‌های سفالی ذوب می‌کردند. آن‌ها از آهن برای ساختن ابزارهایی از قبیل کج‌بیل و تبر استفاده می‌کردند و آن‌ها را برای صاف کردن زمین برای کشت به کار می‌بردند. قوم نوک علاوه بر این‌ها پیکان،

از سال ۲۰۰۰ ق.م
پادشاهی کوش در نوبیا آغاز می‌شود.

حدود سال ۹۰۰ ق.م
کوش وابستگی خود را از مصر قطع می‌کند و مستقل می‌شود.

حدود سال ۶۰۰ ق.م
فرهنگ نوک در شمال نیجریه آغاز می‌شود.

قرن دوم میلادی
پادشاهی اکسوم (در اتیوپی امروزی) به قدرت می‌رسد.

حدود سال ۲۰۰ م
فرهنگ نوک به پایان خود می‌رسد، اما بر شیوه‌های هنری آفریقا تأثیر زیادی می‌گذارد.

سال‌های ۳۲۰ـ۳۵۰ م
شاه ازانا بر اکسوم فرمانروایی می‌کند و به دین مسیحی می‌گرود.

حدود سال ۳۵۰ م
اکسوم شهر مروئه را تصرف و پادشاهی کوش را سرنگون می‌کند.

قرن ششم میلادی
اکسوم بر بخشی از غرب عربستان فرمانروایی می‌کند.

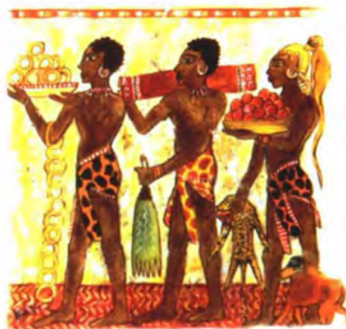
حدود سال ۱۰۰۰ م
با گسترش اسلام، پادشاهی اکسوم سقوط می‌کند.



زندگی در روستاهای نوک بر پایۀ کشاورزی و فلزگری بود. برای بیرون آوردن آهن از سنگ آهن، سنگ آهن را در کوره می‌گذاشتند. سفالگران نیز برای حرارت دادن سرهای سفالی‌ای که می‌ساختند، از کوره استفاده می‌کردند.

نیزه و کاردهای آهنی و نیز ابزارهای سنگی و مجسمه‌های سفالی خاص می‌ساختند.

پادشاهی اکسوم در قرن دوم میلادی به قدرت رسید. اکسوم که محل آن در شمال اتیوپی امروزی بود، در کنار راه تجاری مهمی قرار داشت و از راه خرید و فروش ادویه، کندر و عاج ثروتمند شد. شریک‌های اصلی تجاری آن عربستان، مصر و ایران بودند. در حدود سال ۳۲۰ م ازانا، شاه اکسوم، به دین مسیحی گروید. در قرن ششم میلادی اکسوم بخشی از غرب عربستان را تسخیر کرد. با وجود این در سال ۱۰۰۰ م، هنگامی که دامنهٔ نفوذ و قدرت اسلام از مرزهای عربستان فراتر رفت، اکسوم سقوط کرد.

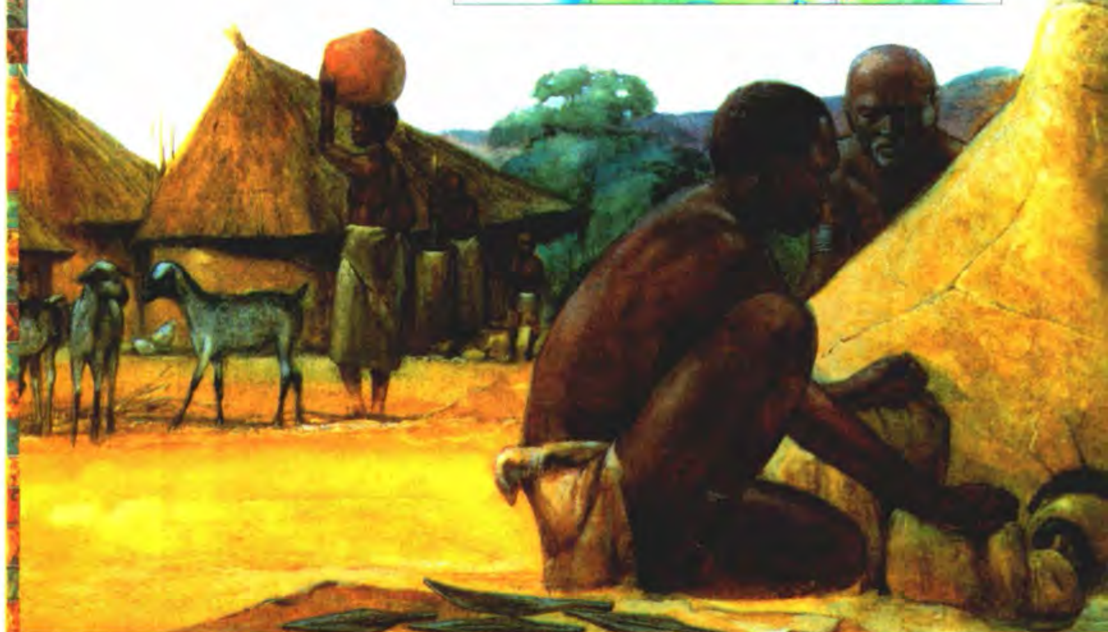


نقاشی دیواری از مقبره‌ای در مصر باستان نوبیایی‌ها را نشان می‌دهد که هدیه‌هایی برای فرعون مصر می‌آورند. مصریان در لشکرکشی به نوبیا طلا، گاو و برده به غنیمت می‌آوردند.





این نقشه پادشاهی‌های کوش، اکسوم و نوک را نشان می‌دهد. نوک از روی نام روستایی نامگذاری شده است که در آن‌جا مجسمه‌هایی سفالی، مانند این سر پیدا شده‌اند.



امپراتوری‌های هند

در حدود سال ۳۲۱ ق.م شاهزاده‌ای جوان به نام چاندراگوپتا ماوریا امپراتوری‌ای را تأسیس کرد که در سراسر شمال هند از کوه‌های هندوکش در غرب تا بنگال در شرق امتداد داشت. این نخستین امپراتوری هند بود.



در هنر اولیهٔ بودایی، بودا با نشانه‌هایی از قبیل جای پا، چرخ، گل نیلوفر آبی یا درخت مقدس نشان داده می‌شد.

نقاشی‌های دیواری استادانه‌ای، معبدهای غاریِ بودایی در آجانتا در غربِ هند را پوشانده‌اند. نقاشی‌ها مربوط به دورهٔ امپراتوری گوپتا هستند. بعضی از نقاشی‌ها صحنه‌هایی از زندگی بودا را نشان می‌دهند.

آشوکا، نوهٔ چاندراگوپتا، در سال ۲۶۹ ق.م به سلطنت رسید. او امپراتوری خود را گسترش داد تا این‌که بیشتر بخش‌های هند تحت فرمانروایی سلسلهٔ ماوریا درآمد. در سال ۲۶۰ ق.م سپاه آشوکا به جنگی خونین با اهالی کالینگا در شرق هند دست زد. آشوکا که از خونریزی ناراحت شده بود، بسیار پشیمان شد. او به آیین بودا گروید و عهد کرد که از تعلیمات این آیین در مورد صلح و عدم خشونت پیروی کند.

آشوکا به سراسر امپراتوری خود سفر کرد، به نظرها و شکایت‌های مردم گوش کرد و کوشید تا سرنوشت آن‌ها را بهتر کند. به فرمان او حکم‌هایی را روی ستون‌هایی برای مردم حک کردند تا مردم ببینند، و مأموران ویژه‌ای فرستاد تا روش او را در مدارای مذهبی، احترام به دیگران و صلح توضیح بدهند.

پس از سقوط امپراتوری ماوریا در حدود سال ۱۸۵ ق.م، هند به پادشاهی‌های مستقل کوچک تقسیم شد.

در سال ۳۲۰ م چاندراگوپتای اول، فرمانروای پادشاهی ماگادها در درهٔ گنگ، قلمرو خود را گسترش داد. امپراتوری گوپتا در طول دویست سال بعدی بر شمال



دین هندو

دین هندو بیش از ۴۰۰۰ سال پیش از آمیخته شدن اندیشه‌هایی از تمدن درهٔ سند با اندیشه‌های قوم‌های مهاجم شکل گرفت. در دورهٔ حکومت آشوکا دین بودایی دین اصلی هند شد. در زمان حکومت گوپتاها دین هندو دوباره رواج یافت. امروزه بیش از سه‌چهارم مردم هند هندو هستند. نماد اصلی دین هندو کلمهٔ «اوم» (در طرف چپ نشان داده شده است) است.

حدود سال ۵۶۳ ق.م
تولد بودا در لومبینی در نپال.

حدود سال ۴۸۳ ق.م
درگذشت بودا در کوشیناگارا در هند.

حدود سال ۳۲۱ ق.م
چاندراگوپتا به قدرت می‌رسد و سلسلهٔ ماوریا را تأسیس می‌کند.

سال‌های ۲۶۹ــ۲۳۲ ق.م
دورهٔ سلطنت آشوکا ماوریا که به گمان عده‌ای بزرگ‌ترین فرمانروای هند باستان بود.

سال ۲۶۰ ق.م
آشوکا پس از جنگ کالینگا به دین بودایی می‌گرود.

حدود سال ۳۲۰ م
حکومت گوپتا در درهٔ گنگ پدیدار می‌شود.

حدود سال‌های ۳۵۰ــ۵۵۰ م
در امپراتوری گوپتا دوران طلایی دین هندو آغاز می‌شود.

سال‌های ۳۸۰ــ۴۱۵ م
سلطنت چاندراگوپتای دوم، بزرگ‌ترین پادشاه گوپتا.

حدود سال ۵۵۰ م
حمله‌های هون‌ها حکومت گوپتا را ضعیف می‌کند. امپراتوری به پادشاهی‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود.

هند فرمانروایی کرد. سامودرا پسر چاندراگوپتا امپراتوری را گسترش داد و روابط تجاری آن را افزایش داد. پس از او چاندراگوپتای دوم به پادشاهی رسید. دورهٔ سلطنت او دوران طلایی هند بود.

در زمان فرمانروایی گوپتاها هنر و ادبیات و نیز دانش، پزشکی و ریاضیات پیشرفت کرد. شاعران و هنرمندان بزرگ به دربار سلطنتی باشکوه دعوت می‌شدند. آیین هندو به جای آیین بودا آیین اصلی امپراتوری شد، و معبدها و عبادتگاه‌های زیادی ساختند. زبان سانسکریت که زبان قدیمی و مقدس هند بود، زبان دربار شد.



دروازهٔ رو به عبادتگاه بودایی بزرگ سانچی که در طول سلطنت آشوکا ساخته شد. نخستین عبادتگاه‌های بودایی دارای یادمان‌های بودا بودند. به فرمان آشوکا معبدهای بودایی در سراسر امپراتوری‌اش ساخته شدند.



امپراتور آشوکا ماوریا. آشوکا یک ستون بلند در سارنات، جایی که بودا آموزشش را از آن‌جا آغاز نمود، برپا کرد که در بالای آن چهار شیر و چهار چرخ (نشانه‌های آیین بودا) قرار داشتند.

آیین بودا

آیین بودا را شاهزاده‌ای به نام سیدهارتا گوتاما (حدود ۵۶۳ـ۴۸۳ ق.م) بنیان گذاشت. او زندگی مرفه و راحتش را برای جستجوی آگاهی رها کرد. او هنگامی که در زیر درخت انجیری در حال فکر کردن بود به آگاهی دست یافت. او بقیهٔ عمرش را به سفر کردن و آموزش دادن گذراند. آیین بودا می‌آموزد که مردم، مانند همهٔ موجودات زنده، بخشی از دوری بی‌پایان از تولد، تغییر، مرگ و تولد دوباره هستند. آیین بودا از هند به بخش‌های دیگر آسیا و فراتر از آن گسترش یافت.

قرون وسطی

حدود سال‌های ۵۰۰ تا ۱۴۰۰ م در اروپا معروف به دورهٔ قرون وسطی یا سده‌های میانه است. این دوره با سقوط امپراتوری روم غربی آغاز شد و با آغاز دوران رنسانس یا تجدید حیات پایان یافت. در دوران رنسانس هنر و دانش در سراسر اروپا دوباره رونق گرفت و شکوفا شد.

دورهٔ قرون وسطی دورانی از جنگ‌ها و پیروزی‌ها بود. بعضی جنگ‌ها برای به دست آوردن سرزمین‌های بیشتر درمی‌گرفت. در حالی که سایر جنگ‌ها جنگ‌های مذهبی بود که میان مردمانی با اعتقادات گوناگون شکل می‌گرفت؛ دورانی که مذهب بر زندگی بیشتر مردم سلطه داشت. در همین زمان، تمدن چین پیشرفته‌تر از بقیهٔ جهان بود. آفریقا و آمریکا شاهد پیدایش امپراتوری‌هایی قدرتمند و کاملاً منظم بر پایهٔ تجارت بودند، و در همین زمان گسترش اسلام از عربستان به سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا و اسپانیا شیوهٔ زندگی ناحیهٔ پهناوری را تحت تأثیر قرار داد.

ص ۶۵ کتاب دامزدِی [دفتر ثبت املاک انگلستان] در سال ۱۰۸۵ م نوشته شد.



ص ۵۲ یادبودی سنگی از فرانک‌ها که شاید سنگ قبر باشد. کنده‌کاری‌های روی آن جنگجویی را با شمشیری پهن و بلند که سلاح مورد علاقهٔ فرانک‌ها بود، نشان می‌دهد.



ص ۵۵ یک ستاره‌نمای اسلامی از یک صورت فلکی.



ص ۷۴ چنگیزخان، فرمانروای مغول، رهبری بی‌رحم بود.



ص ۵۶ مجسمهٔ سنگی غول‌پیکری که در تیاهواناکو پیدا شده است.



ص ۵۷ تقویم مایایی با هجده ماه که هر ماه بیست روز داشت.



ص ۷۶ گروهی از توبه‌کاران که در زمان شیوع مرگ سیاه در قرن چهاردهم میلادی خود را در خیابان‌ها شلاق می‌زدند.



ص ۸۰ جنگجوی سامورایی ژاپنی کلاهخود شاخ‌دار فولادی بر سر می‌گذاشت و با کمان، شمشیر و نیزه می‌جنگید. زره بدن او به صورت قطعه‌هایی از چرم یا باریکه‌های آهنی روغن‌زده ساخته می‌شد که زره را انعطاف‌پذیر می‌کرد.

در طول قرون وسطی، مردم در روستاها کشاورزی می‌کردند یا کارگران صنعتگری بودند که در شهرها زندگی ساده‌ای داشتند. بیشتر مردم خانه‌هایشان را خود می‌ساختند، لباسشان را خود می‌دوختند و خوراکشان را خود کشت می‌کردند. مردم فقیر از زمین‌داران یا ارباب‌های محلی اطاعت می‌کردند، و ارباب‌ها هم به شاه یا امپراتور قدرتمند خدمت می‌کردند. به دستور فرمانروایان قلعه‌ها و کاخ‌ها، معبدها و کلیساهای جامع را می‌ساختند. ساختن این بناهای سنگی بزرگ سال‌های زیاد و حتی قرن‌ها طول می‌کشید.

افراد کمی به خارج از محل زندگی خود سفر می‌کردند. کسانی که جرئت می‌کردند به سرزمین‌های دیگر بروند، بازرگانان، سربازان و عدهٔ کمی گردشگر بی‌باک بودند. این گردشگران گزارش‌هایی از سفرهای خود می‌نوشتند. افراد کمی می‌توانستند بخوانند یا بنویسند، و آموزش به صورت شفاهی انتقال داده می‌شد. در اروپا صومعه‌ها مراکز تحصیل بودند، در حالی که در همین زمان در آسیا چینی‌ها و مسلمانان در دانش و فن، پزشکی و ستاره‌شناسی پیشتاز بودند.



ص ۷۲ بازار روز در شهری اروپایی در قرون وسطی. مردم محصولات کشاورزی را برای فروش می‌آوردند، از دکه‌ها و مغازه‌ها دیدن می‌کردند، پرحرفی می‌کردند و نوشیدنی می‌خوردند. بندبازها، بازیگران و خرس‌های رقاص مردم را سرگرم می‌کردند.

بیزانس

به مدت بیش از پانصد سال امپراتوری روم شیوهٔ زندگی خاصی را در ناحیهٔ پهناوری از زمین متداول کرد. ولی در سال ۴۷۶ م نیمهٔ غربی امپراتوری سقوط کرد و به تصرف قبیله‌های مهاجم ژرمن درآمد، اما بخش شرقی امپراتوری روم، یعنی بیزانس، همچنان در حال رشد و ترقی بود.



کنستانتین کبیر (۲۷۵ـ۳۳۷ م) نخستین امپراتور مسیحی روم بود. او پایتخت امپراتوری را از رم به بیزانتیوم انتقال داد و نام جدید قسطنطنیه را بر این شهر گذاشت.

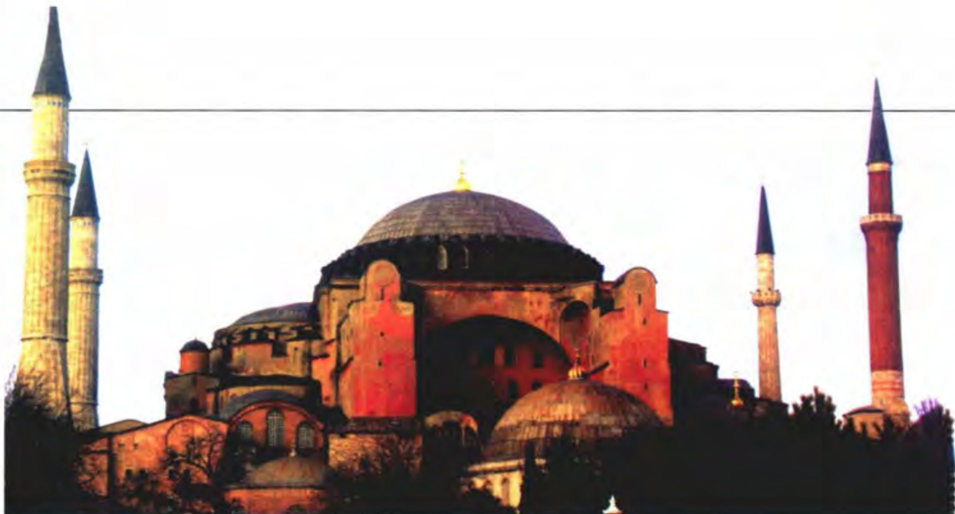
بیزانتیوم بندر قدیمی یونانی (استانبول امروزی در ترکیه) مرکز امپراتوریِ بیزانس (روم شرقی) بود. این شهر که از روی نام کنستانتین نخستین امپراتور بیزانس، نام جدید قسطنطنیه [کنستانتینوپول] را گرفت، پایگاه امپراتوران بیزانس و مرکز کلیسای مسیحی شرق شد. در سرزمین‌های امپراتوری بیزانس، هنرها و دانش یونانی و رومی حفظ شد. کلیساهای بیزانس از قبیل هاگیا سوفیا، پر از نقاشی‌های دیواری، پر از ریزه‌کاری و تصویرهای موزاییکی بود که از صدها تکه شیشه یا سنگ درست می‌شدند.

امپراتوری بیزانس در قرن ششم میلادی در زمان فرمانرواییِ امپراتور یوستی‌نیانوس و سردار او بلیزاریوس به اوج خود رسید. این امپراتوری شاملِ ایتالیا، یونان، ترکیه، بخشی از اسپانیا، شمال آفریقا و مصر بود. تئودورا همسر قدرتمند یوستی‌نیانوس در ادارهٔ حکومت به او کمک می‌کرد.

این نقشه امپراتوری بیزانس (روم شرقی) را در اوج قدرت در قرن ششم میلادی نشان می‌دهد. این امپراتوری از شرق دریای مدیترانه تا اسپانیا در غرب وسعت داشت.



سال ۳۳۰ م
قسطنطنیه بنیان گذاشته می‌شود.
سال ۴۰۸ م
امپراتور تئودوسیوس ساختن دیواری بزرگ را برای محافظت از قسطنطنیه آغاز می‌کند.
سال ۴۴۵ م
آتیلای هون حمله می‌کند. با گرفتن باج بازمی‌گردد.
سال ۴۷۶ م
سقوط امپراتوری روم غربی.
حدود سال ۵۰۱ م
جنگ‌های طولانی با ایران آغاز می‌شود.
سال‌های ۵۲۷ـ۵۶۵ م
سلطنت یوستی‌نیانوس اول.
سال ۶۷۸ م
محاصرهٔ قسطنطنیه از سوی عرب‌ها با شکست روبه‌رو می‌شود.
قرن دهم میلادی
دومین دوران طلایی. شبه‌جزیرهٔ بالکان و روسیه زیر نفوذ بیزانس قرار می‌گیرند.
سال ۱۰۵۴ م
کلیسای مسیحی در قسطنطنیه از کلیسای روم جدا می‌شود.
سال ۱۰۸۱ م
آلکسیوس اول کومننوس به قدرت می‌رسد و دولت را اصلاح می‌کند.
سال ۱۲۰۰ م
بخش‌هایی از امپراتوری بیزانس به دلیل حمله‌های ترک‌ها و بلغارها از آن جدا می‌شود.
سال ۱۲۰۴ م
قسطنطنیه به دست صلیبی‌ها غارت می‌شود.
سال‌های ۱۳۴۱ـ۱۳۵۴ م
جنگ داخلی در امپراتوری بیزانس.
سال ۱۴۵۳ م
ترک‌ها قسطنطنیه را فتح می‌کنند. پایان امپراتوری بیزانس.



کلیسای باشکوه هاگیا سوفیا
در استانبول در سال ۵۳۷ م
تکمیل شد. ساختن آن فقط
شش سال طول کشید. مناره‌ها
بعدها پس از تبدیل شدن
کلیسا به مسجد به آن اضافه
شد. این مکان در حال حاضر
به موزه تبدیل شده است.

یوستی‌نیانوس قانون‌نامه‌ای نوشت که نظام حقوقی بسیاری از کشورهای اروپایی بعدها بر اساس آن شکل گرفت. قسطنطنیه بندری پر رفت و آمد و محل دیدار بازرگانان گوناگون از سرزمین‌های دور مانند اسپانیا، چین و روسیه بود. ولی مهاجمانی از شرق، شامل آوارها، اسلاوها و بلغارها امپراتوری روم را تهدید می‌کردند. پس از مرگ یوستی‌نیانوس در سال ۵۶۵م بیزانس به علت وقوع جنگ‌های زیاد ضعیف شد و سرانجام در سال ۱۴۵۳ م به دست ترک‌ها سقوط کرد.

مسابقه‌های ارابه‌رانی هیجان را با سیاست درمی‌آمیخت. مردم در میدان مسابقه در حمایت از یک گروه سیاسی خاص، سبزها یا آبی‌ها، فریاد می‌زدند.

فرانک‌ها

فرانک‌ها قدرتمندترین قوم در اروپای غربی بودند که پس از پایان امپراتوری روم در سال ۴۷۶ م، برای به دست آوردن سرزمین و قدرت جنگیدند.

فرانک‌ها به فرمان کلوویس، نخستین رهبر تأثیرگذارشان، از سرزمین پدری خود در اطراف رود راین (در آلمان امروزی) به سرزمین‌های اطراف رفتند. آن‌ها با همسایگان خود از قبیل ویزیگوت‌ها و بورگاندیایی‌ها جنگیدند تا این‌که در سال ۵۴۰ م توانستند بیشتر خاک ایالت رومی قدیمی گل (فرانسهٔ امروزی که از روی نام فرانک‌ها نامگذاری شده است) را تسخیر کنند.



کنده‌کاری روی عاج گرگوری کبیر را نشان می‌دهد که از سال ۵۹۰ تا سال ۶۰۴ م پاپ بود. در زمان کلوویس فرانک‌ها مسیحی شدند.

یادبودی سنگی از فرانک‌ها که شاید سنگ قبر باشد. کنده‌کاری‌های روی آن جنگجویی را با شمشیری پهن و بلند که سلاح مورد علاقهٔ فرانک‌ها بود، نشان می‌دهد.

کلوویس برای آن‌که همهٔ قبیله‌های فرانک را به سلطهٔ خود درآورد، رهبران قبیله‌های رقیب را شکست داد. خاندان او از روی نام مروویچ پدربزرگ او، به سلسلهٔ مروونژی معروف شد. کلوویس مسیحی شد و از پاریس سرزمین‌های خود را به وسیلهٔ اسقف‌ها و اشراف اداره می‌کرد. اشراف یا ارباب‌ها صاحب زمین‌هایی معروف به املاک اربابی بودند که دهقانان آن زمین‌ها را شخم می‌زدند و در آن‌ها کشت می‌کردند.

جنگجویان خشن فرانک با سرهای تراشیده و کاکل روی سر و با پوشیدن زره سبک، سواره به جنگ می‌رفتند. آن‌ها جنگجویان سوارهٔ ترسناکی بودند که به پاداش وفاداری‌شان سهمی از غنیمت‌ها را می‌گرفتند. سپاهیان فرانک رومیان، گل‌ها و ویزیگوت‌ها را که می‌کوشیدند جلوی گسترش آن‌ها را بگیرند، شکست دادند.

سال ۲۴۱ م
نخستین اشاره به فرانک‌ها، که با اورلیان امپراتور آیندهٔ روم در ماینتس می‌جنگند.

سال ۳۵۰ م
فرانک‌ها تحت فرمانروایی روم درمی‌آیند.

سال ۴۲۸ م
فرانک‌های سالیان (که در هلند و راینلند سفلی زندگی می‌کنند) از فرمانروایی روم سر باز می‌زنند و به فرماندهی شاه کلودیو به گل حمله می‌کنند.

سال ۴۵۱ م
فرانک‌ها به رومیان می‌پیوندند تا آتیلای هون را در نبرد شالون شکست دهند.

حدود سال ۴۶۶ م
کلوویس به دنیا می‌آید. در سال ۴۸۱ م او شاه فرانک‌ها می‌شود.

سال ۴۸۶ م
فرانک‌ها در نبرد سواسون آخرین سپاه بزرگ رومی در غرب را شکست می‌دهند.

سال ۴۹۶ م
کلوویس آلمان‌ها را نزدیک رود رن شکست می‌دهد.

سال ۵۰۶ م
فرانک‌ها ویزیگوت‌ها را شکست می‌دهند.

سال ۵۱۱ م
کلوویس می‌میرد.

سال ۵۴۰ م
فرانک‌ها بر بیشتر خاک گل و سرزمین‌هایی در آلمان امروزی سلطه می‌یابند.

سال ۶۸۷ م
پس از نبرد ترتری، پپن آریستال قدرتمندترین رهبر فرانک می‌شود.

سال ۷۳۲ م
شارل مارتل در نبرد پواتیه سپاه مسلمانان را شکست می‌دهد.

سال ۷۵۱ م
شیلدریک سوم، آخرین شاه مروونژی، سرنگون می‌شود. پپن کوتاه (پدر شارلمانی) شاه می‌شود.



فرانک‌ها کشاورز بودند. آن‌ها با استفاده از خیش‌های چرخ‌داری که به وسیلهٔ گاوهای نر کشیده می‌شد کشتزارهای خود را به صورت باریکه‌هایی آمادهٔ کشت می‌کردند.



نمونه‌ای از فلزگری ظریف از دورهٔ فرانک‌ها. این سگک طلا و میناکاری‌شده مربوط به قرن‌های ششم تا هفتم ق.م است و شاید نجیب‌زاده‌ای ثروتمند آن را می‌بسته است.

رهبران فرانک همیشه آماده بودند تا از زمین‌های خود دفاع کنند و قلمروهای جدیدی فتح کنند.

علاقهٔ فرانک‌ها برای سواره رفتن به جنگ آن‌ها را به داشتن خدمتکارانی نیازمند می‌کرد. در عوض، به این خدمتکاران زمین‌هایی می‌دادند. این آغاز فئودالیسم بود. خانواده‌های مهم در گروه سواره‌نظام به شاه خدمت می‌کردند. در قرن هفتم میلادی دو طایفهٔ رقیب بر سر قدرت جنگیدند. اوستراسیایی‌ها دست نوستریایی‌ها را کوتاه کردند و رهبر آن‌ها پپنِ آریستال سلسلهٔ جدیدی تأسیس کرد. پسر پپن، شارل مارتل («معروف به چکُش») در سال ۷۳۲م در جنگی تاریخی در پواتیه در برابر مسلمانان به پیروزی دست یافت. این پیروزی جلوی پیشروی مسلمانان را به سمت اروپای مرکزی گرفت. پپن کوتاه پسر شارل مارتل نخستین شاه فرانک بود که در سال ۷۵۴م به دست پاپ مسح شد. اما بزرگ‌ترینِ فرمانروایان فرانک‌ها شارلمانی پسر پپن بود.

پیدایش اسلام

دین جدیدی که محمد [ص] در قرن هفتم میلادی آن را تبلیغ کرد، جریان تاریخ را تغییر داد. مسلمانان دین خود را با تبلیغ و تلاش برای نفوذ آن در سرزمین‌های دیگر گسترش می‌دادند. در قرن هشتم میلادی، مسلمانان بر بیشتر بخش‌های خاورمیانه و شمال آفریقا فرمانروایی می‌کردند.

پیش از محمد [ص]، قبیله‌های عرب متحد نبودند و ایزدان گوناگونی را می‌پرستیدند. محمد [ص] در شهر مکه در عربستان به دنیا آمد و در چهل‌سالگی به پیامبری رسید و مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد. دین جدید اسلام نامیده شد که به معنی «تسلیم به خواست خدا»ست.

هنگامی که اشراف مکه به دین جدید و تعالیم آن اعتراض کردند، پیامبر ناچار شد مکه را ترک کند. سفر او در سال ۶۲۲م از مکه به یثرب (مدینهٔ کنونی) را هنوز با نام هجرت گرامی می‌دارند و تقویم مسلمانان بر پایهٔ آن است. محمد [ص] و پیروانش نخستین مسجد را در مدینه ساختند. کتاب مقدس مسلمانان قرآن است که وحی‌هایی که به پیامبر می‌شد در آن آمده است. در سال ۶۳۰م پیروان محمد [ص] مکه را فتح کردند و اسلام دین جدید شبه‌جزیرهٔ عربستان شد.

در سال ۶۳۲م هنگامی که محمد [ص]



هارون‌الرشید (سال‌های ۷۶۶_۸۰۶م) از سال ۷۸۶م خلیفه بود. در دورهٔ خلافت او قدرت سلسلهٔ خلفای عباسی به اوج خود رسید.



الحمرا قلعه و کاخ مراکشی بزرگ در غرناطهٔ اسپانیاست. غرناطه آخرین پایگاه مسلمانان در اسپانیا پیش از بیرون راندن مسلمانان در سال ۱۴۹۲ م بود.

سال ۵۷۰ م
تاریخ احتمالی تولد محمد [ص].
سال ۶۱۰ م
محمد [ص] در مکه شروع به تبلیغ می‌کند.
سال ۶۲۲ م
محمد [ص] به یثرب (مدینهٔ کنونی) هجرت می‌کند.
سال ۶۲۵ م
مسلمانان وحی‌هایی را که به پیامبر می‌شود می‌نویسند.
سال ۶۳۰ م
محمد [ص] با سپاه مسلمانان به طرف مکه می‌رود.
سال ۶۳۲ م
محمد [ص] رحلت می‌کند. ابوبکر نخستین خلیفهٔ مسلمانان می‌شود.
سال ۶۳۴ م
عمر جانشین ابوبکر می‌شود.
سال ۶۴۴ م
عثمان (رهبر معنوی امویان) جانشین عمر می‌شود.
سال ۶۵۶ م
علی [ع]، رهبر شیعیان، خلیفه می‌شود.
سال ۶۶۱ م
پایتخت اسلام به دمشق منتقل می‌شود.
سال ۷۳۲ م
عبدالرحمان، فرمانروای اسپانیا، به فرانسه حمله می‌کند. او از سپاه فرانک‌ها به فرماندهی شارل مارتل شکست می‌خورد.
سال ۷۵۰ م
سلسلهٔ عباسی به دست ابوالعباس [سفاح] بنیاد گذاشته می‌شود.
سال ۷۵۶ م
آخرین بازماندهٔ خلفای اموی به قرطبه در اسپانیا فرار می‌کند.



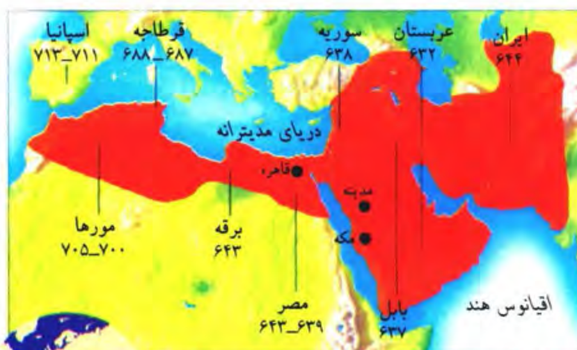
قبةالصخره در بیت‌المقدس. مسلمانان معتقدند که محمد [ص] برای گفتگو با خدا از صخرهٔ زیر این مسجد به معراج رفت و پس از بازگشت به زمین به انتشار اسلام پرداخت.

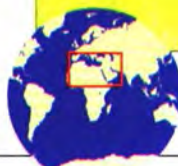
رحلت کرد، ابوبکر، یکی از صحابهٔ پیامبر، به عنوان نخستین خلیفه (جانشین) انتخاب شد. گروهی از مسلمانان به نام شیعیان معتقد بودند که فقط فرزندان حضرت فاطمه [س]، دختر پیامبر، شایستگی رهبری جامعهٔ بعد از پیامبر را داشتند. گروهی دیگر از مسلمانان، که به سنی‌ها معروف شدند، معتقد بودند که هر مسلمانی می‌تواند رهبری جامعهٔ مسلمانان را بر عهده بگیرد. این اختلاف تا به امروز ادامه دارد.

تا سال ۶۴۴ م، مسلمانان بیشتر خاک سوریه، فلسطین و ایران را تسخیر کردند. از سال ۶۶۱م خاندان اموی از دمشق، پایتخت خود در سوریه، امپراتوری رو به گسترش مسلمانان را اداره می‌کردند. پیشروی مسلمانان در اروپا در سال ۷۳۲ م را فرانک‌ها به فرماندهی شارل مارتل متوقف کردند. در سال ۷۶۲م حکومت عباسیان پایتخت خلافت اسلامی را به بغداد (در عراق کنونی) انتقال داد و این شهر مرکز جهان اسلام شد.



ستاره‌نمای اسلامی از صورتی فلکی. ستاره‌شناسان مسلمان دربارهٔ ستارگان مطالعه می‌کردند و بسیاری از اندیشه‌های یونانی قدیمی‌تر دربارهٔ عالم را حفظ و ثبت کردند.





این نقشه نشان می‌دهد که دین اسلام به‌سرعت از عربستان تا اسپانیا در غرب گسترش یافت.

تمدن‌های آمریکایی



در آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی تمدن‌های باعظمتی به وجود آمدند. بومی‌های آمریکا که این تمدن‌ها را به وجود آوردند، کاخ‌هایی در بالای پرتگاه‌ها، تپه‌های خاکی بزرگ و معبدهای هرمی می‌ساختند. امروزه بخش کمی از دستاوردهای این تمدن‌ها باقی مانده است.

هنگامی که انسان‌ها در آمریکا به طرف بخش‌های جنوبی آن حرکت کردند، در مناطقی که زمین برای کشاورزی و سکونت مناسب‌تر بود، تمدن‌های باشکوه به وجود آوردند.

قوم آناسازی در جایی که اکنون جنوب غرب ایالات متحدهٔ آمریکاست زندگی می‌کردند. آن‌ها ذرت کشت می‌کردند و خانه‌های شگفت‌انگیز به نام پوئبلوها روی صخره‌ها می‌ساختند که گاه تا پنج هزار نفر در آن‌ها زندگی می‌کردند.

در شرق، قوم می‌سی‌سی‌پیایی شهرهایی با طراحی‌های جالب می‌ساختند که در هریک از خانه‌های آن یک خانواده زندگی می‌کرد.

در حدود سال ۷۰۰م بزرگ‌ترین شهر قارهٔ آمریکا در مکزیک مرکزی قرار داشت. تئوتیهواکان سکونتگاه بیش از صد هزار نفر بود و از حدود سال ۳۵۰ تا سال ۷۵۰م در اوج قدرت بود. پس از آن این شهر در مقابل قدرتی جدید، یعنی تولتک‌ها اهمیت خود را از دست داد. تولتک‌ها شهر و معبد خود را در تولا ساختند.

در آمریکای جنوبی در ارتفاعات ناحیهٔ آند شهر تیاهواناکو قرار داشت که میان سال‌های ۵۰۰ تا ۱۰۰۰م به رشد و شکوفایی رسیده بود. در این منطقه



یک مجسمهٔ سنگی غول‌پیکر که نمونه‌ای از مجسمه‌های فراوانی است که در تیاهواناکو در بولیوی پیدا شده‌اند. تیاهواناکو نخستین شهر طراحی‌شده در ناحیهٔ آند است.





خاکریز مارپیچ بزرگ

این خاکریز مارشکل در حدود سال ۱۰۰۰م به دست بومیان آمریکا، در اوهایوی کنونی در ایالات متحده، ساخته شده است. این خاکریز حدود چهارصد متر طول دارد. این‌جا محلی مقدس برای دفن مردگان بوده است. هرچه تعداد مردگان بیشتر می‌شد طول مارپیچ هم بیشتر می‌شد. خاکریزهای شبیه این به وسیلهٔ قوم‌های دیگر از جمله قوم هوپول (حدود سال ۳۰۰ق.م تا سال ۲۰۰م) ساخته شده‌اند.

سال ۳۳۷۲ ق.م
نخستین تاریخ در تقویم مایایی.
سال ۴۰۰ ق.م
مایاها چند معبد هرمیِ بزرگ، مانند هرم‌های معبدیِ واقع در تیکال در گواتمالا، ساخته‌اند.
سال ۲۵۰ م
شروع دورهٔ درخشان تمدن مایا.
سال ۶۰۰ م
تئوتیهواکان (مکزیک) در اوج قدرت خود است.
سال ۷۰۰ م
فرهنگ آناسازی در جنوب غرب ایالات متحدهٔ آمریکا پدیدار می‌شود.
سال ۷۵۰ م
تئوتیهواکان ویران می‌شود.
حدود سال ۹۰۰ م
ضعیف شدن تمدن مایا. مردم به مناطق کوهستانی مکزیک و گواتمالا می‌روند.
سال ۹۰۰ م
پیدایش تولتک‌ها.
سال ۹۶۸ م
تولتک‌ها پایتخت خود را در تولا بنیان می‌گذارند.
سال ۱۰۰۰ م
اوج فرهنگ می‌سی‌سی‌پیایی.
سال ۱۱۰۰ م
پیدایش پادشاهی چیمو در پرو.
اواخر قرن دوازدهم میلادی
پایان دولت تولتک.
قرن سیزدهم میلادی
کاخ روی پرتگاه در مسا ورده (در جایی که اکنون کلرادو در ایالات متحده است) ساخته می‌شود.
حدود سال ۱۲۵۰ م
فرهنگ مایا دوباره رونق می‌گیرد. مایاپان شهر اصلی است.
سال ۱۴۴۰ م
شورش برضد فرمانروایان مایاپان.
سال ۱۵۱۷ م
آغاز فتح سرزمین‌های مایاها به دست اسپانیایی‌ها.



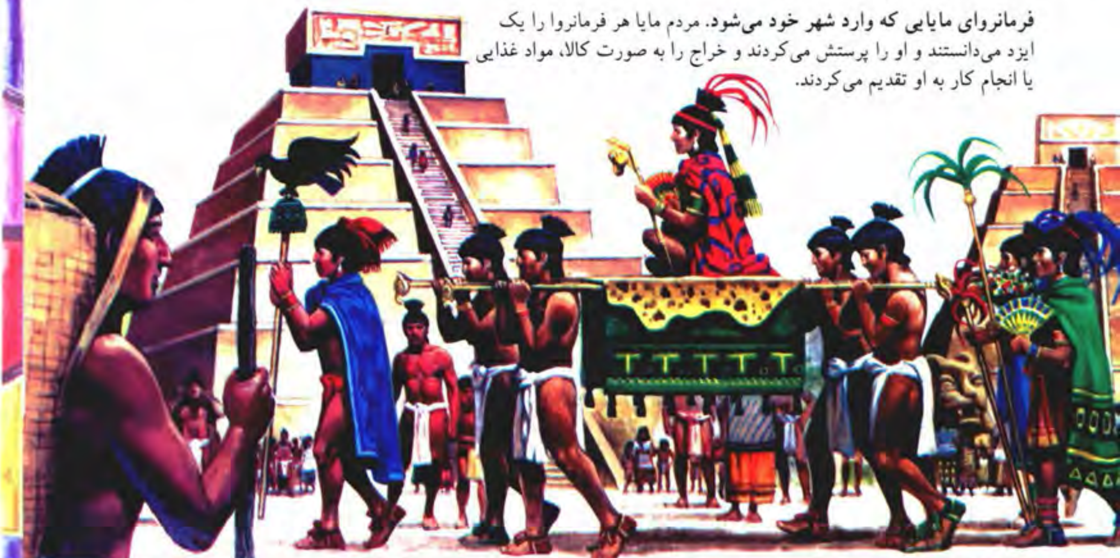
خرابه‌های اوکسمال، شهری مایایی در شبه‌جزیرهٔ یوکاتان در مکزیک. در پشت آن خرابه‌های یکی از معبدهای هرمی مایایی از میان جنگل‌های اطراف سر برآورده است.



تقویم مایایی. شیوهٔ عددیِ مایاها بر پایهٔ بیست بود. تقویم کشاورزان هجده ماه بیست‌روزه داشت.

مردم از لاماها برای بارکشی و از قایق‌های پارویی ساخته‌شده از نی بر روی دریاچهٔ تی‌تی‌کاکا استفاده می‌کردند. سایر دولتشهرهای آند، از قبیل هواری در پرو کاملاً زیر نفوذ تیاهواناکو بودند.

اوج قدرت مایاها از حدود سال ۲۰۰ تا سال ۹۰۰م بود. اما تأثیرات فرهنگ آن‌ها تا اوایل قرن شانزدهم میلادی ادامه داشت. آن‌ها در دولتشهرهای بسیار منظمی زندگی می‌کردند که هریک فرمانروای مستقلی داشت. تیکال بزرگ‌ترین شهر مایاها، در گواتمالای کنونی، شصت هزار نفر جمعیت داشت. مردم شهر در میدان‌های بزرگ جمع می‌شدند تا مراسمی را که کاهنان اجرا می‌کردند تماشا کنند. دین برای مایاها مهم بود. آن‌ها برای خشنود کردن ایزدانشان غالباً حیوانات را قربانی می‌کردند، اما انسان‌ها را نیز برای قربانی به چاه‌های مقدس می‌انداختند. مایاها نخستین قومی بودند که در آمریکا خط را اختراع کردند. آن‌ها دست‌نوشته‌ها (کتاب‌های تاشو) را روی صفحه‌هایی از پوست درخت می‌نوشتند. و همچنین سنگ‌های بلندی را برای یادبود تاریخ‌ها و رویدادهای مهم حکاکی می‌کردند.



فرمانروای مایایی که وارد شهر خود می‌شود. مردم مایا هر فرمانروا را یک ایزد می‌دانستند و او را پرستش می‌کردند و خراج را به صورت کالا، مواد غذایی یا انجام کار به او تقدیم می‌کردند.

شارلمانی



شارل اول پادشاه فرانک‌ها، معروف به «شارلمانی» به معنی شارل بزرگ بود. او امپراتوری مقدس روم را در اروپا بنیان گذاشت و تا مدت‌ها بسیاری از مردم او را «فرمانروایی آرمانی» می‌دانستند.

با وجود موفقیت شارلمانی در متحد کردن بیشتر بخش‌های اروپای مسیحی، او در تلاش خود برای فتح اسپانیا ناکام ماند. ساکسون‌ها نیز مایهٔ دردسر او بودند. میان سال‌های ۷۷۲ و ۸۰۴م او ناچار شد هجده بار با آن‌ها بجنگد.

شارلمانی در سال ۷۴۲م به دنیا آمد. پدر او شاه پپن بود که پسر سرباز معروف شارل مارتل و بنیان‌گذار سلسلهٔ فرانک جدید بود. این خاندان بعدها از روی نام لاتین شارلمانی سلسلهٔ کارولنژی نامیده شد. در سال ۷۶۸م پپن درگذشت و پادشاهیِ خود را برای پسرانش کارلومان و شارلمانی باقی گذاشت. کارلومان پس از مدت کوتاهی درگذشت و شارلمانی به‌تنهایی قدرت را به دست گرفت.

شارلمانی مردی بلندقامت و امیدوار به سرنوشت خود بود، او از پدر جنگجو و بی‌رحم خود چیزهای زیادی یاد گرفته بود. او سپاهیانش را از زادگاهشان فرانسه به طرف سرزمین‌هایی برد که همان هلند، آلمان و ایتالیای امروزی‌اند. شارلمانی هرجا را که فتح می‌کرد، غیرمسیحیان، از قبیل ساکسون‌های آلمان و آوارهای مجارستان، را وادار می‌کرد مسیحی شوند و در غسل تعمیدهای گروهی شرکت کنند.

کار شارلمانی این نبود که فقط برای فتح سرزمین‌ها جنگ به راه بیندازد. او خواندن زبان لاتین را یاد گرفت و به دانش بسیار اهمیت می‌داد. پایتخت او در آخن مهم‌ترین شهر امپراتوری‌اش بود که کاخی باشکوه و استخر آب گرم داشت. با وجود این، خود امپراتور لباس ساده

نیزهٔ آهنی امپراتوران مقدس روم یادگاری مقدس و نیز نماد قدرت بود. دور سرنیزه غلافی طلایی است که روی میخی کشیده شده است که می‌گویند از صلیب مسیح است.



امپراتوری شارلمانی در ابتدا شامل سرزمین‌های اوستراسیا (فرانسه و آلمان) بود که در سال ۷۶۸م از پدرش پپن و در سال ۷۷۱م از برادرش به ارث برده بود (به رنگ نارنجی در نقشه). اما پس از مدت کوتاهی امپراتوری فرانک به بیشترین وسعت خود رسید (نارنجی و قرمز).

سال ۷۴۲م
تاریخ احتمالی تولد شارلمانی.
سال ۷۶۸م
پپن کوتاه (پدر شارلمانی) می‌میرد.
سال ۷۷۱م
شارلمانی فرمانروای فرانک‌ها می‌شود.
سال ۷۷۲م
شارلمانی با ساکسون‌ها می‌جنگد و آن‌ها را وادار می‌کند که مسیحی شوند.
سال ۷۷۴م
شارلمانی لومباردی (ایتالیا) را بخشی از امپراتوری خود می‌کند.
سال ۷۷۸م
شارلمانی با مسلمانان در اسپانیا می‌جنگد. باسک‌ها در نبرد رونسسوال به سپاه او حمله می‌کنند.
سال ۷۸۸م
جنگ با لومباردها، آوارها، برتون‌ها و اقوام دیگر.
سال ۸۰۰م
پاپ لئوی سوم تاج امپراتوری مقدس روم را بر سر شارلمانی می‌گذارد.
سال ۸۰۴م
هجدهمین و آخرین نبرد با ساکسون‌ها.
سال ۸۰۸م
شارلمانی با دان‌ها می‌جنگد.
سال ۸۱۴م
شارلمانی می‌میرد. پسرش لویی پرهیزگار جانشین او می‌شود.
سال ۸۱۷م
امپراتوری مقدس روم میان پسران لویی تقسیم می‌شود.

می‌پوشید و ساده زندگی می‌کرد. او فرمان داده بود کتاب‌ها را با صدای بلند برای او بخوانند. شارلمانی از دانشمندان معروف از قبیل الکوین از اهالی یورک دعوت کرده بود به دربارش بیایند.

هنگامی که پاپ تاج امپراتوری مقدس روم را در سال ۸۰۰م بر سر شارلمانی گذاشت، جایگاه او در مقام قدرتمندترین رهبر اروپا به رسمیت شناخته شد. پس از مرگ شارلمانی در سال ۸۱۴م امپراتوری مقدس روم به علت حمله‌های خارجی ضعیف شد و پس از مدت کوتاهی این امپراتوری وسیع میان سه نوهٔ او تقسیم شد. این امپراتوری به هر شکلی که بود تا سال ۱۸۰۶م باقی ماند. پس از مرگ شارلمانی داستان‌های زیادی دربارهٔ او نوشته شد. یکی از نبردهای شارلمانی در زمان لشکرکشی‌اش به اسپانیا در سال ۷۷۸م، موضوع شعر حماسی ترانهٔ رولان شد که در قرون وسطی سروده شده است.



مقبرهٔ شارلمانی در کاخ امپراتوری، در آخن، مربوط به سال ۱۲۱۵م. این مقبره با طلا و سنگ‌های گرانبها تزیین شده است. هنرمندانی که چهارصد سال پس از مرگ شارلمانی مجسمهٔ او را می‌ساختند تصویری از او در دست نداشتند، اما این امکان را داشتند که به نوشته‌هایی که ظاهر او را توصیف کرده بود مراجعه کنند.

امپراتوری خِمِر

در قرن‌های نهم تا پانزدهم میلادی امپراتوری خمر در کامبوج بر آسیای جنوب شرقی سلطه داشت. خمرها ساختمان‌سازان و مهندسان بسیار ماهری بودند. آن‌ها شهرهایی با معبدهای بسیار، کاخ‌ها، دریاچه‌ها و آبراه‌ها می‌ساختند.



معبد بزرگ آنگکور وات به وسعت ۱۵۵۵ در ۱۳۷۲ متر است. برج‌های مرکزی آن (که در آغاز روکش طلا داشته‌اند) ۶۵ متر بلندی دارند. این معبد در ابتدا به ویشنو ایزد هندو اهدا شد و در قرن شانزدهم میلادی به عبادتگاهی بودایی تبدیل شد.

قوم خمر پیش از آن‌که امپراتوری خود را در سال ۸۰۲م بنیان گذارند، دو دولت کوچک بودند. یکی فونان و دیگری، که تاریخ آن به سال ۶۰۰م بازمی‌گردد، چنلا نام داشت. امپراتوری خمر به دست شاهی قدرتمند به نام جایاوارمان اول بنیان گذاشته شد. او مردمی را که در بخش‌هایی از کامبوج، تایلند، لائوس و ویتنام امروزی زندگی می‌کردند متحد کرد. مردم او و جانشینانش را مانند ایزدان پرستش می‌کردند.

کتاب‌های باستانی خمرها از میان رفته‌اند. بنابراین آنچه دربارهٔ آن‌ها می‌دانیم بیشتر از طریق نوشته‌های چینی‌ها به دست آمده است. چینی‌ها با خمرها داد و ستد می‌کردند و از آن‌ها ادویه و شاخ کرگدن می‌خریدند.

همچنین کنده‌کاری‌های سنگی بسیاری که در خرابه‌های بزرگ‌ترین ساختمان‌های خمرها، یعنی در معبد آنگکور وات و در شهر آنگکور توم یافته

سال ۸۰۲ م
شاه جایاوارمان اول امپراتوری خمر را ایجاد می‌کند.

سال ۹۰۰ م
نخستین مراحل ساخت شهر آنگکور توم (بعداً یاسودهاراپورا نامیده می‌شود).

سال‌های ۱۱۱۳ـ۱۱۵۰ م
معبد آنگکور وات در کامبوج امروزی ساخته می‌شود.

سال ۱۱۸۱ م
آغاز سلطنت شاه جایاوارمان هفتم (تا سال ۱۲۲۰ م).

قرن چهاردهم میلادی
امپراتوری خمر به علت اجرای طرح‌های ساختمان‌سازی پرهزینه، کشمکش‌های داخلی خاندان سلطنتی و جنگ با تایی‌ها ضعیف می‌شود.

سال ۱۴۳۱ م
سپاه تایی شهر آنگکور را فتح می‌کند، و امپراتوری خمر پایان می‌یابد. پادشاهی خمر کوچک‌تر تا سال ۱۸۶۳ م ادامه می‌یابد، و در این زمان فرانسویان بر کامبوج سلطه می‌یابند و آنگکور وات دوباره کشف می‌شود.



خمرها در اوج قدرت خود بر بخش بزرگی از سرزمین‌های کامبوج، تایلند و ویتنام امروزی سلطه داشتند.

شده است، تصویر گرانبهایی از زندگی روزمرهٔ مردم و نیز داستان‌های مقدس و پیروزی در جنگ‌ها را نشان می‌دهد.

خمرها ثروت خود را از کشت برنج به دست می‌آوردند. آن‌ها برای آبیاری کشتزارهای برنج جوی‌هایی می‌کندند و سالی سه بار محصول کشت می‌کردند. آن‌ها همیشه کنار آب زندگی می‌کردند و خانه‌های خود را روی پایه‌های بلند در کنار رودخانه‌ها و کنار سواحل دریاچهٔ موسوم به تونله‌ساپ می‌ساختند.

سورایاوارمان دوم، رهبر خمرها، از سال ۱۱۱۳ تا حدود سال ۱۱۵۰ م، آنگکور وات را ساخت. او که فرماندهی قوی در جنگ بود، در تایلند و ویتنام جنگید. امپراتوری خمر در زمان سلطنت جایاوارمان هفتم (سال‌های ۱۱۸۱ـ۱۲۲۰ م) به اوج خود رسید. او جاده‌ها، بیمارستان‌ها و معبدهایی ساخت. دین او مانند همهٔ شاهان خمر هندو بود، هرچند بیشترِ مردم امپراتوری‌اش بودایی بودند.

خمرها جنگجویانی خشن بودند، اما در قرن پانزدهم میلادی تایی‌ها به آن‌ها حمله کردند. شهر و معبد بزرگ آنگکور وات متروکه شدند و جنگل آن‌ها را پوشاند.

خانه‌های سنتی در کامبوج، برای محافظت آن‌ها از سیلاب، روی پایه‌های بلند ساخته می‌شوند. در اطراف تونله ساپ (دریاچهٔ بزرگ)، بزرگ‌ترین دریاچهٔ آب شیرین در آسیای جنوب شرقی، مردم هنوز با ماهیگیری و داد و ستد بر روی قایق زندگی می‌کنند.



کمان‌داران خمری سوار بر فیل‌های جنگی بزرگ به جنگ می‌رفتند. هنگام حمله، صدای زنگ‌ها به هیاهوها اضافه می‌شد. پیروزی آن‌ها در جنگ‌ها ادامه داشت تا آن‌که از مهاجمان تایلندی شکست خوردند.

وایکینگ‌ها

وایکینگ‌ها جهانگردانی بزرگ بودند. آن‌ها در جستجوی سرزمین‌های جدید، با کشتی از اسکاندیناوی (نروژ، سوئد و دانمارک) به راه افتادند و به گروئنلند، بریتانیا و دریای مدیترانه و دریای سیاه رسیدند. همهٔ وایکینگ‌ها به‌صورت مهاجم به سرزمین‌های دیگر نمی‌رفتند. بسیاری از آن‌ها کشاورزان و بازرگانانی صلح‌جو بودند.



سطل چوبی

ظرف سفالی

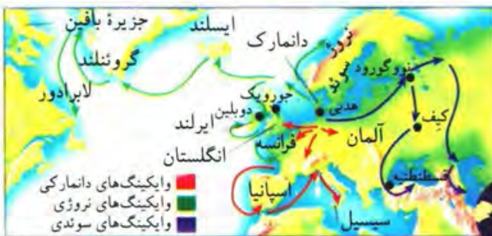
چاقوی آهنی

کفش چرمی

کشاورزان وایکینگ ابزار، لباس، اثاثیه و اشیایی برای فروش در بازار می‌ساختند. آن‌ها معمولاً از چوب، عاج، شاخ گوزن، چرم، سفال، استخوان و آهن استفاده می‌کردند.

اسکاندیناوی، وطن وایکینگ‌ها، پوشیده از کوه و جنگل بود و زمین زراعی مناسب در آن‌جا بسیار کم بود. بیشتر وایکینگ‌ها نزدیک دریا زندگی می‌کردند و به کشتزارهای کوچک خود رسیدگی می‌کردند. آن‌ها در این کشتزارها چاودار، جو، گندم و سبزیجات می‌کاشتند. آن‌ها گاو و گوسفند پرورش می‌دادند و ماهیگیری می‌کردند. بازرگانان سوار بر اسب یا با قایق به شهر می‌رفتند تا خز، شاخ گوزن شمالی و عاج فیل دریایی را با سلاح، جواهرات و ظروف سفالی مبادله کنند.

خانواده‌های وایکینگ در خانه‌هایی ساخته‌شده از چوب، سنگ یا زغال‌سنگ زندگی می‌کردند. دود آتش پخت و پز از میان سوراخی که در سقف بود بیرون می‌رفت. دور آتش، مردم برای خوردن وعده‌های مفصل غذا، تاس‌بازی و قصه‌گویی، روی نیمکت‌ها و پشت میزها می‌نشستند. وایکینگ‌ها داستان، به‌خصوص داستان‌هایی دربارهٔ قهرمانان و





بازرگانان وایکینگ از شهرهای دارای بازار در اسکاندیناوی از قبیل هدبی در دانمارک، از راه دریا و خشکی به جورویک (یورک) در انگلستان، دوبلین در ایرلند و ایسلند می‌رفتند. آن‌ها به سمت شرق تا کیِف در اوکراین و قسطنطنیه سفر می‌کردند.



جنگجویان وایکینگ نیم‌تنه‌های زرهی یا، به طور معمول‌تر، نیم‌تنه‌های چرمی می‌پوشیدند.

تبر از فاصلهٔ نزدیک سلاحی کشنده بود.

شمشیر وایکینگ‌ها سنگین بود و در قوسی پهن تاب داده می‌شد.

سال ۷۸۷ م
نخستین حملهٔ وایکینگ‌ها به سواحل انگلستان که ثبت شده است.
سال ۷۹۵ م
وایکینگ‌ها به ایرلند حمله می کنند.
سال ۸۴۱ م
وایکینگ‌ها دوبلین را در ساحل شرقی ایرلند ایجاد می کنند.
حدود سال ۸۶۰ م
وایکینگ‌ها در اطراف دریای بالتیک ساکن می‌شوند.
حدود سال ۸۶۱ م
اینگولف نخستین وایکینگی است که به ایسلند می‌رود.
سال ۸۶۲ م
اسلاوها و فین‌ها از وایکینگ‌ها برای فرمانروایی دعوت می کنند.
سال ۸۶۵ م
سپاه بزرگی از وایکینگ‌ها به ساحل انگلستان می‌رسد.
سال ۸۷۴ م
نخستین ساکنان وایکینگ به ایسلند می‌روند.
سال ۸۷۸ م
وایکینگ‌ها از آلفرد، شاه انگلستان، شکست می‌خورند. انگلستان میان وایکینگ‌ها و انگلیسی‌ها تقسیم می‌شود.
سال ۸۸۶ م
به وایکینگ‌ها پول زیادی می‌دهند تا به محاصرهٔ پاریس خاتمه دهند.
قرن دهم میلادی
بازرگانان وایکینگ از قسطنطنیه که آن‌جا را میکلاگارد می‌نامند، دیدار می کنند.
سال ۹۶۰ م
هارالد بلوتوث [دندان آبی]، پادشاه دانمارک، مسیحی می‌شود.
سال ۹۸۲ م
اریک سرخ به گروئنلند می‌رسد.
حدود سال ۱۰۰۰ م
لیف اریکسون پسر اریک به وینلند (آمریکای شمالی) می‌رود.
سال ۱۰۱۴ م
پیروزی ایرلندی‌ها در جنگ کلونتارف. سلطهٔ وایکینگ‌ها بر ایرلند پایان می‌یابد.
سال ۱۰۳۰ م
شاه اولاف مقدس، نروژ را مسیحی می کند.
سال ۱۰۶۶ م
آخرین حملهٔ بزرگ وایکینگ‌ها به انگلستان به رهبری هارولد هاردرادای نروژی. سپاه او در جنگ استمفورد بریج شکست می‌خورد.
قرن دوازدهم میلادی
سوئدی‌ها آخرین وایکینگ‌هایی هستند که مسیحی می‌شوند.



بسیاری از وایکینگ‌ها در کشتزارهای کوچکی زندگی می‌کردند که اغلب در کنار رودخانه‌ها یا دریا قرار داشت. آن‌ها غلات و سبزیجات می‌کاشتند و خوک، گاو، بز و گوسفند پرورش می‌دادند. زنان لباس‌های کتانی و روی آن‌ها قباهایی پشمی می‌پوشیدند و آن‌ها را با سنجاق می‌بستند.

ایزدان خود را، دوست داشتند و به ورزش‌های بدنی از قبیل کُشتی، مبارزهٔ روی اسب و سُر خوردن روی یخ نیز علاقه‌مند بودند.

کشاورزان وایکینگ غالباً برده‌هایی داشتند که در کارها به آن‌ها کمک می‌کردند، اما بیشتر مردان، کارل (مرد آزاد) بودند. از یک جارل یا زمین‌دار انتظار می‌رفت که ثروتش را با پیروانش تقسیم کند. با افزایش جمعیت زمین زراعی بسیار کمیاب شد. از اواخر قرن هشتم میلادی وایکینگ‌ها شروع به جستجوی زمین‌های زراعی بهتر و ثروت‌های بیشتر کردند.

کشتی‌های بلند وایکینگ‌ها برای عبور از اقیانوس‌ها نسبتاً تندرو و مستحکم بودند. آن‌ها در سال ۷۸۷م به انگلستان حمله کردند. از این زمان به بعد آن‌ها جنگجویانی خشن شناخته شدند و دیدن یک کشتی وایکینگیِ در حال نزدیک شدن باعث وحشت می‌شد. وایکینگ‌ها با در دستِ داشتن شمشیر و تبرهای آهنین به صومعه‌ها و شهرها حمله می‌کردند و برده و غنیمت با خود می‌بردند.

وایکینگ‌ها همچنین سرزمین‌ها را تصرف می‌کردند. در سال ۸۶۵م وایکینگ‌های دانمارک به‌تدریج در شرق انگلستان، جزایر اسکاتلند و در ایرلند ساکن شدند. آن‌ها به محلی که اکنون فرانسه است حمله کردند، اما در سال ۹۱۱م با هدیه دادن زمین به آن‌ها، جلوی حملهٔ آن‌ها را گرفتند. وایکینگ‌های نروژی با کشتی به غرب به طرف اقیانوس اطلس رفتند و در ایسلند (سال ۸۷۴م) و گروئنلند (سال ۹۸۲م) ساکن شدند، و بخشی از آن‌ها به آمریکای شمالی رفتند (حدود سال ۱۰۰۰م). وایکینگ‌های سوئدی به طرف شرق تا دریای سیاه سفر کردند و به داد و ستد با یونانیان و مسلمانان پرداختند. عرب‌ها وایکینگ‌ها را «روس» (نام روسیه از این کلمه گرفته شده است) می‌نامیدند. کالاهایی از بغداد و قسطنطنیه به سکونتگاه‌های وایکینگ‌ها در شرق انگلستان راه پیدا کردند.

وزن کردن سکه‌ها

وایکینگ‌ها ارزش سکه‌ها را با وزن آن‌ها تعیین می‌کردند. بسیاری از بازرگانان ترازوهایی به همراه داشتند تا پول مشتری را امتحان کنند که قابل اطمینان است یا نه، و به بازرگان دیگر نشان دهند که فریب نمی‌خوردند. وزنه‌های سربی کوچکی مانند وزنه‌های زیر برای بررسی کردن سکه‌ها به کار می‌رفت. وزنه‌های کوچک مخصوص وزن کردن نقره در سکونتگاه‌های وایکینگ‌ها پیدا شده‌اند.





ثینگ

دادگاه وایکینگ‌ها «ثینگ» نام داشت. هرساله مردم محلی برای چند روز دور هم جمع می‌شدند، و هر مرد آزادی که شکایت یا دعوایی داشت، می‌توانست موضوع را مطرح کند. همسایگان او گوش می‌دادند و قضاوت می‌کردند. کسی که از پذیرفتن حکم ثینگ خودداری می‌کرد، قانون‌شکن به شمار می‌آمد و به محض دیده شدن باید کشته می‌شد.

مهاجمان پس از طی مسیر رودخانه، از داخل کشتی‌های بلند خود حمله را آغاز می‌کردند. وایکینگ‌های دانمارکی در بخش وسیعی از شرق انگلستان ساکن شدند، و حتی پس از شکست وایکینگ‌ها از شاه آلفرد کبیر، تأثیر آن‌ها بر زندگی انگلیسی‌ها باقی ماند.



اواخر قرن پنجم میلادی
سقوط امپراتوری روم غربی منجر به از میان رفتن قانون و نظم در سراسر اروپا می‌شود.

قرن هشتم میلادی
نظام فئودالی که روشی برای زمین‌داری و دفاع از سرزمین بود، در میان فرانک‌ها آغاز می‌شود.

سال ۱۰۶۶ م
نورمان‌ها پس از فتح انگلستان، برای تقویت سلطهٔ خود بر زمین‌ها، از شیوهٔ فئودالی استفاده می‌کنند.

سال ۱۱۰۰ م
در این زمان معمول است که بزرگ‌ترین پسر لرد مالکیت بر زمین او را، که اقطاع یا فِیف نامیده می‌شد، به ارث ببرد. (کلمهٔ فئودال از کلمهٔ لاتینی فیف گرفته شده است.)

قرن سیزدهم میلادی
فئودالیسم از شاه به پایین با سطوح مختلف روابط واسال‌ها و لردها پیچیده‌تر می‌شود.

سال ۱۲۱۵ م
شاه جان منشور ماگنا کارتا را امضا می‌کند، که اختیارات شاه انگلستان را محدود می‌کند.

سال ۱۲۶۵ م
بارون سیمون دو مونفور شهروندان را به جلسه‌ای از بارون‌ها و کشیشان فرا می‌خواند، که نخستین مجلس واقعی در انگلستان است. شورش دو مونفور در مقابل شاه هنری سوم به شکست می‌انجامد، اما قدرت سلطنت در انگلستان هرگز به قبل از آن بازنمی‌گردد.

قرن چهاردهم میلادی
کمان‌های زنبوری و توپ از قدرت و کارآمدی شهسواران می‌کاهد. پیشرفت سلاح‌های جنگی باعث افول بیشتر فئودالیسم می‌شود.

اروپای فئودال

در اروپای غربی، شاه زمین‌ها را در مقابل خدمت نظامی میان مردم خود تقسیم می‌کرد. این شیوه که به فئودالیسم معروف است، از قرن هشتم تا قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت.



شاه در قرون وسطی قدرت زیادی داشت. ویلیام فاتح یک‌چهارم زمین‌های انگلستان را برای خود نگه داشت و بقیهٔ زمین‌ها را در مقابل خدمت نظامی به پیروانش واگذار کرد. هر زمین‌دار می‌بایست سوگند وفاداری به شاه را یاد می‌کرد.

در نظام فئودالی، شاه در بالاترین و مردمان فقیر در پایین‌ترین طبقهٔ جامعه قرار داشتند. در وسط لردها، روحانیان مسیحی، بازرگانان و صنعتگران شهری قرار داشتند. شاه و اشراف (لردها و بارون‌ها) به افراد پایین‌تر جامعهٔ فئودالی زمین اهدا می‌کردند. این افراد در مقابل، برای لردها کار می‌کردند و می‌جنگیدند. افرادی که برای لرد خود کار می‌کردند و می‌جنگیدند واسال نامیده می‌شدند. در مقابل، لرد از واسال‌های خود در برابر حملهٔ مردم سرزمین‌های دیگر یا لردهای سایر مناطق پشتیبانی می‌کرد.

واسال‌ها می‌بایست در روزهایی از سال برای لرد یا شاه خود سربازانی فراهم می‌کردند. معمولاً سالی چهل روز این کار را انجام می‌دادند. واسال‌ها همچنین ناچار بودند مالیات‌هایی به صورت پول، محصول زراعی یا کالا بپردازند. هر واسالی که از پرداخت این مالیات‌ها خودداری می‌کرد، زمینش را از او می‌گرفتند.

فئودالیسم ابتدا در میان فرانک‌ها به وجود آمد. این شیوه

در اروپای فئودال، شاه بیشترین زمین و قدرت را در دست داشت. بعد از او لردها، اسقف‌ها و شهسواران (شوالیه‌ها)، و پس از آن‌ها بازرگانان و صنعتگران شهری قرار داشتند. سربازان و دهقانان فقیرترین افراد بودند.



اسقف — کاتب — بانو — لرد — پرورش‌دهندهٔ باز — شهسوار



دهقانان در حال کار روی زمین لرد در اطراف قلعهٔ او. دهقانان به لرد خود در مقابل قطعه‌ای زمین کوچک برای کشت، اجاره‌بهایی به صورت پول، محصول زراعی یا خدمت نظامی می‌دادند.

بر اساس این اندیشهٔ قدیمی بود که یک رهبر قدرتمند در مقابل وفاداری پیروانش، باید از آن‌ها پشتیبانی کند و به آن‌ها پاداش بدهد. در کنار این شیوهٔ نظامی، نوعی روش کشت و کار بر پایهٔ کار بر روی زمین‌های اطراف روستای اربابی وجود داشت.

دهقانان فقیر روی زمین‌های اربابی کار می‌کردند. این زمین‌های بزرگ تحت مالکیت یک لرد یا یک شهسوار قرار داشت. دهقانان می‌توانستند صاحب قطعه‌زمین کوچکی باشند، اما در مقابل می‌بایست روی زمین لرد کار می‌کردند.

در طول دورهٔ نخست قرون وسطی، که شاهان زمین‌های بیشتری به شهسواران خود اهدا کردند، فئودالیسم قوی‌تر شد. شهسواران جنگجویانی بودند که شاهان بر وفاداری و مهارت‌های جنگی آن‌ها تکیه داشتند. با وجود این، ضعف و نابودی نظام فئودالی از قرن سیزدهم میلادی شروع شد. یعنی زمانی که مردم بیشتر از پول استفاده می‌کردند و ترجیح می‌دادند در مقابل زمین، به جای این‌که موظف به خدمت کردن باشند اجاره‌بها بپردازند. در قرن سیزدهم میلادی، هنگامی که باروت روش جنگ را تغییر داد، اهمیت شهسواران و قلعه‌های آن‌ها هم کم شد. توپ‌های جدید استحکامات قلعه‌ها را به‌آسانی ویران می‌کردند. همین‌طور سایر سلاح‌های جدید، از قبیل کمان زنبوری، می‌توانستند زره شهسوار را سوراخ کنند و او را در میدان جنگ ضعیف کنند.

مصیبت مرگ سیاه، نظام فئودالی را ضعیف‌تر کرد. مرگ تعداد بسیاری از کارگران دهقان بر اثر این بیماری موجب نیاز بیشتر به کار آن‌هایی شد که زنده مانده بودند. آن‌ها نیز که می‌دانستند لردها نمی‌توانند کمبود خدمت آن‌ها را جبران کنند، خواستار شرایط بهتری برای کار شدند.

کتاب دامزدی

کتاب دامزدی ارزیابی زمین‌های انگلستان بود که در سال ۱۰۸۵م به فرمان ویلیام فاتح انجام شد. مأموران این جزئیات را که چه کسی مالک چه زمینی بود و چند نفر در هر روستا زندگی می‌کردند، یادداشت می‌کردند. بیشتر روستاها و شهرها در این فهرست آمده‌اند.





بازرگان کمان‌دار دهقان گدا



اواخر قرن پنجم میلادی
صومعه‌های سادهٔ اولیه در ایرلند تشکیل می‌شوند.
حدود سال‌های ۴۸۰ـ۵۵۰ م
زندگی بندیکت نورسیایی قدیس، که در سال ۵۲۹ م فرقهٔ رهبانی‌اش را بنیان می‌گذارد.
قرن ششم میلادی
کولومبای مقدس صومعه‌ای در ایونا در اسکاتلند تشکیل می‌دهد.
سال ۵۲۹ م
صومعه‌ای در مونته کاسینو در ایتالیا تشکیل می‌شود. آیین بندیکتی شکل می‌گیرد.
سال ۵۹۷ م
آوگوستین قدیس نخستین صومعهٔ بندیکتیِ انگلیس را در کنتربری تشکیل می‌دهد.
سال ۹۱۰ م
فرقهٔ کلونی‌ها بنیان گذاشته می‌شود.
سال ۹۶۶ م
روستای مون سن میشل در فرانسه به دست بندیکتی‌ها ساخته می‌شود.
سال ۱۰۴۲ م
ادوارد معترف (اعتراف‌کننده) صومعهٔ وست‌مینستر را در لندن می‌سازد.
سال ۱۰۸۴ م
فرقهٔ کارتوزی بنیان گذاشته می‌شود.
سال ۱۰۹۸ م
فرقهٔ سیسترسی بنیان گذاشته می‌شود.
سال ۱۱۰۰ م
شهسواران ژان قدیس (مهمان‌نوازان) صومعه‌ای (بیمارستانی) برای زائرانی که به سرزمین مقدس سفر می‌کنند می‌سازند.
سال ۱۱۱۹ م
فرقهٔ شهسواران معبد بنیان گذاشته می‌شود.
سال‌های ۱۱۸۱ـ۱۲۲۶ م
دورهٔ زندگی فرانسیس قدیس اهل آسیزی، بنیان‌گذار راهبان فرانسیسی.
اواخر قرن دوازدهم میلادی
دانشگاه پاریس ساخته می‌شود. کتابخانه‌های صومعه‌ها به آغاز کار دانشگاه‌های اروپا کمک می‌کنند.
سال‌های ۱۲۲۵ـ۱۲۷۴ م
دورهٔ زندگی توماس آکویناس قدیس.

کلیسا و صومعه



یک صفحه دست‌نوشتهٔ تذهیب‌شده. بعضی راهبان پوست‌نوشته‌هایی تهیه می‌کردند و افراد دیگری که کاتب نامیده می‌شدند کلمات را می‌نوشتند و آن‌ها را با رنگ و طلا تزیین می‌کردند.

در اروپای قرون وسطی هزاران مرد و زن زندگی خود را وقف کلیسای مسیحی کرده بودند، و در صومعه‌های مردانه یا زنانه کار می‌کردند، دعا می‌خواندند و تحصیل می‌کردند. به‌تدریج صومعه‌ها مراکز تحصیل و سوادآموزی شد.

مردان و زنانی که راهب یا راهبه می‌شدند، از قانون‌هایی پیروی می‌کردند که ابتدا در قرن ششم میلادی بندیکت قدیس اهل نورسیا و افراد دیگری وضع کرده بودند. بندیکت قدیس معتقد بود که راهب یا راهبه باید فقیر، مجرد و مطیع باشد. راهبان رداهای ساده می‌پوشیدند، سرشان را می‌تراشیدند و با هم در محل‌هایی به نام صومعه زندگی می‌کردند. رئیس صومعه راهب بزرگ بود. در زمان‌های بعد بعضی از راهب‌های بزرگ زمین‌هایی بزرگ را اداره می‌کردند و حتی شهسوارانی زیر فرمان داشتند. رئیس صومعهٔ راهبه‌ها، که خانه‌ای مذهبی برای زنان بود، مادر روحانی نامیده می‌شد.

راهبان و راهبه‌ها از برنامهٔ روزانهٔ دعا و عبادت پیروی می‌کردند و تا هشت بار در هر روز در مراسم مذهبی شرکت می‌کردند. راهبان با هم در تالار غذاخوری غذا می‌خوردند و در کشتزارها یا در کارگاه‌ها کار می‌کردند. بعدها، برادران غیرروحانی (کارگرانی که راهب نبودند) سنگین‌ترین کارها را انجام می‌دادند. راهبان از بیماران در درمانگاه صومعه مراقبت می‌کردند، به مسافران غذا و سرپناه می‌دادند، و از کتاب‌ها به‌دقت رونوشت برمی‌داشتند و حروف و تصویرهای آن‌ها را با رنگ‌های درخشان تزیین می‌کردند که تذهیب نامیده می‌شد. این



کتاب‌ها در کتابخانه‌های بزرگ صومعه نگهداری می‌شد و به این ترتیب دانش قدیمی را حفظ می‌کردند.

چندین سازمان یا فرقه از راهبان وجود داشت، که شامل بندیکتی‌ها، کارتوزی‌ها و سیسترسی‌ها بودند. در قرن سیزدهم میلادی فرقه‌های جدیدی از واعظان مسافر معروف به راهبان مسافر تشکیل شد. راهبان مسافر فرقهٔ فرانسیسی (که فرانسیس اهل آسیزی آن را بنیان گذاشت) در صومعه‌ها زندگی نمی‌کردند، بلکه در نواحی روستایی می‌گشتند و دربارهٔ مسیحیت برای مردم موعظه می‌کردند.



صومعهٔ کلونی، که در سال ۹۰۹م در فرانسه ساخته شد، یکی از هزاران صومعهٔ اروپاست که در طول قرون وسطی ساخته شده است. صومعه اجتماع بزرگی از راهبان یا راهبه‌ها بود که به طور کامل در آن‌جا زندگی می‌کردند.



جامعهٔ راهبان از یک برنامهٔ روزانهٔ کار و عبادت پیروی می‌کرد. در مرکز آن‌جا نمازخانه قرار داشت. بخش‌های دیگر آن عبارت بودند از: باغچه و رواق‌ها (مسیرهای سرپوشیده)، درمانگاهی برای معالجه بیماران، کارگاه‌ها و ساختمان‌های مربوط به کشتزار.



زائران مسیحی

زائران در قرون وسطی برای زیارت از مکان‌های مقدس یا زیارتگاه‌ها به سفرهای طولانی می‌رفتند. در این زیارتگاه‌ها ممکن بود استخوان‌ها یا قبر قدیس یا چیز مقدس دیگری باشد. در انگلستان معروف‌ترین زیارتگاه، زیارتگاه توماس اِ بکت در کنتربری است.



قرن ششم میلادی
بیزانسی‌ها قلعه‌های سنگی مستحکم و شهرهای حصاردار می‌سازند.
قرن نهم میلادی
مسلمانان قلعه‌هایی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌سازند.
سال ۹۵۰ م
قدیمی‌ترین قلعهٔ شناخته‌شدهٔ فرانسوی در دو لا فونتن در آنژو ساخته می‌شود.
قرن یازدهم میلادی
نورمان‌ها خاکریز و بارو را گسترش می‌دهند.
سال ۱۰۷۸ م
در انگلستان ساخت برج لندن آغاز می‌شود.
قرن دوازدهم میلادی
برج‌های سنگی، پایگاه اصلی قلعه می‌شوند.
سال ۱۱۴۲ م
جنگجویان صلیبی بر کراک دِ شوالیه در سوریه مسلط می‌شوند.
سال‌های ۱۱۵۰_۱۲۵۰ م
هزاران قلعه در سراسر آلمان امروزی ساخته می‌شود.
دههٔ ۱۱۸۰ م
قلعه‌ها با برج‌های چهارگوش ساخته می‌شوند.
قرن سیزدهم میلادی
قلعهٔ متحدالمرکز یا دیوار حلقه‌ای در اروپا به کار می‌رود.
سال ۱۲۰۵ م
کراک دِ شوالیه به دست شهسواران مهمان‌نواز بازسازی می‌شود.
دههٔ ۱۲۲۰ م
برای نخستین بار قلعه‌هایی با برج‌های دارای دیوار گرد ساخته می‌شود.
دههٔ ۱۲۸۰ م
ادوارد اول، شاه انگلستان، فرمان می‌دهد تا قلعه‌های بسیاری در انگلستان و ولز ساخته شوند.
دههٔ ۱۳۲۰ م
توپ برای نخستین بار در اروپا به کار می‌رود.
قرن پانزدهم میلادی
ساختن قلعه در اروپا کم می‌شود.

شهسواران و قلعه‌ها

شهسواران سربازانی بودند که به سنگین‌ترین اسلحه‌های قرون وسطی مسلح بودند. آن‌ها پوشیده در آهن، سوار بر اسب به جنگ می‌رفتند. پایگاه آن‌ها قلعه‌ای مستحکم بود. در سراسر اروپا، خاورمیانه و هند، و در شرق تا ژاپن، قلعه‌هایی وجود داشت. لرد و خانواده‌اش نیز در قلعه زندگی می‌کردند.



دلقکی لردِ قلعه و مهمانان او را در طول مهمانی قرون وسطایی سرگرم می‌کرد.

قدیمی‌ترین قلعه‌های قرون وسطی تل‌هایی خاکی با حصارهایی چوبی در اطراف آن بود. چنین قلعه‌هایی را مهاجمان نورمان که در سال ۱۰۶۶ م به انگلستان حمله کردند، اغلب روی محل قلعه‌های قدیمی‌تر ساکسونی و رومی می‌ساختند. این قلعه‌های اولیه با استفاده از گودال‌های پر از آب به نام خندق، دیوارهای سنگی که با برج‌هایی محافظت می‌شدند، و یک پایگاه مرکزیِ بزرگ به نام برج، وسیع و مستحکم می‌شدند. قلعه‌ها برای دیده‌بانی بهتر، یا برای محافظت از بندرها، رودها و جاده‌های بسیار مهم، اغلب بر بالای تپه‌ها ساخته می‌شدند.

قلعه‌ها استحکامات اختصاصی لردها بودند که به همراه



ساخت برج مرکزی لندن را که برج سفید نام دارد، ویلیام فاتح در سال ۱۰۷۸ م آغاز کرد. از آن زمان به بعد، از این قلعه به عنوان کاخ سلطنتی، انبار اسلحه، محل اعدام و ضرابخانهٔ سلطنتی که در آن‌جا سکه ضرب می‌شد، استفاده شده است.

خانواده‌شان در آن‌جا زندگی می‌کردند. قلعه‌های اولیه سرد و در معرض باد بود، و پنجره‌هایشان شیشه نداشت و کف سنگی آن‌ها را با نی‌های خشک می‌پوشاندند. لرد و پیروانش در تالار بزرگ مهمانی برگزار می‌کردند. غذا را خدمتکاران از آشپزخانه می‌آوردند. شب‌ها همه روی کف زمین دور آتش مرکزی می‌خوابیدند، بجز لرد که در اتاق اختصاصی خود می‌خوابید. مردم پیش از حدود سال ۱۳۰۰ م کمتر حمام می‌کردند، و توالت‌ها مستقیماً به داخل خندق خالی می‌شدند. سربازان پیاده و شهسواران از قلعه دفاع می‌کردند. هنگامی که به قلعه‌ای حمله می‌شد، مدافعان برای مقاومت در برابر محاصره که هفته‌ها یا حتی ماه‌ها طول می‌کشید، به غذا و آب کافی احتیاج داشتند. دیوارهای قلعه برای مقاومت در برابر منجنیق‌ها، راه‌های زیرزمینی و دژکوب‌ها می‌بایست بسیار قطور ساخته می‌شد. استفاده از توپ‌ها و بشکه‌های باروت در راه‌های زیرزمینی برای منفجر کردن و خرد کردن دیوارها چنان کارآمد بود که ساختن قلعه بی‌فایده شد و به پایان رسید.

جنگ با نیزه بر پشت اسب، جنگی میان دو شهسوار با نیزه‌هایی با نوک کند بود. این جنگ فرصتی برای تفریح بود که تماشاگران بسیاری داشت. در دوره‌ای از مسابقات، گروه‌هایی از شهسواران جنگ‌هایی نمایشی انجام می‌دادند که گاه همراه با حادثه‌های مرگبار بود. جنگ‌های بی‌خطر، از جمله با شمشیرهای کند، از قرن چهاردهم میلادی رایج شد.



شهسواران برای دفع ضربه‌ها و برای شناساندن خودشان سپرهایی حمل می‌کردند. روی هر سپر نشان خانوادگی صاحب آن بود که علامت نامیده می‌شد.

جنگ‌های صلیبی

برای مسیحیان اروپا جنگ‌های صلیبی جنگ‌های مقدسی بود همراه با وعدهٔ غارت برای خدمت به کلیسا. سپاهیان مسیحی و مسلمان بر سر سلطه بر سرزمین مقدس، یعنی سرزمین‌های اطراف بیت‌المقدس در خاورمیانه، به مدت بیش از دویست سال جنگیدند.



جنگجویان صلیبی پی بردند که در سرزمین مقدس هوا بسیار گرم است، و طولی نکشید که از سربازان مسلمان یاد گرفتند بهترین راه پوشیدن رداهای سبک و هواخور بر روی زره‌هایشان است.



صلاح‌الدین [ایوبی] (سال‌های ۱۱۳۸ـ۱۱۹۳م) از بزرگ‌ترین رهبران مسلمان بود. او بیت‌المقدس را تصرف کرد، و در سال ۱۱۹۲م با ریچارد اول صلح کرد، و به زائران مسیحی اجازه داد تا وارد شهر شوند.

بسیاری از زائران مسیحی از بیت‌المقدس دیدار می‌کردند. این شهر برای یهودیان و مسلمانان و نیز مسیحیان مقدس بود. ولی بیت‌المقدس در دست ترکان مسلمان بود، در سال ۱۰۹۵م آن‌ها آمدن زائران مسیحی به شهر را ممنوع کردند. این اقدام ترک‌ها، هم کلیسای مسیحی غرب، که مرکز آن در رم بود، هم کلیسای مسیحی شرق در قسطنطنیه را خشمگین کرد. در رم، پاپ اوربان دوم مسیحیان را برای آزاد کردن بیت‌المقدس فراخواند، و به این ترتیب نخستین جنگ صلیبی را به راه انداخت. در سال ۱۰۹۶م لشکری اروپایی به سپاهی از قسطنطنیه پیوست. انگیزهٔ رهبران آن‌ها علاوه بر ایمان مذهبی اشتیاق برای افزودن به قلمرو و ثروتشان بود. آن‌ها ظرف سه سال بیت‌المقدس را فتح کردند و برقراری پادشاهی‌های مسیحی در فلسطین را آغاز کردند. هیچ‌یک از هفت جنگ صلیبی بعدی با این پیروزی برابری نکرد.

کلیسای مقبرهٔ مقدس روی محلی ساخته شده است که گفته می‌شود مسیح به صلیب کشیده شده و دفن شده است. بیت‌المقدس امروزه همچنان شهری مقدس برای مسیحیان، یهودیان و مسلمانان است.



سال ۱۰۹۶ م
نخستین جنگ صلیبی که پاپ اوربان دوم برای آن فراخوان داد. پی‌یر منزوی سپاهی از دهقانان را در سراسر اروپا رهبری می‌کند.

سال ۱۰۹۹ م
جنگجویان صلیبی ترک‌ها را شکست می‌دهند و بیت‌المقدس را فتح می‌کنند.

سال ۱۱۴۷ م
دومین جنگ صلیبی. نیروهای آلمانی و فرانسوی شکست می‌خورند.

سال ۱۱۸۷ م
صلاح‌الدین [ایوبی] بیت‌المقدس را فتح می‌کند.

سال ۱۱۸۹ م
سومین جنگ صلیبی به فرماندهی فردریک اول «ریش‌قرمز» امپراتور روم، فیلیپ دوم شاه فرانسه، و ریچارد اول شاه انگلستان.

سال ۱۱۹۱ م
صلیبی‌ها بندر عکا در فلسطین را تصرف می‌کنند.

سال ۱۲۰۲ م
جنگجویان چهارمین جنگ صلیبی به مصر حمله می‌کنند.

سال ۱۲۰۴ م
صلیبی‌ها قسطنطنیه را فتح می‌کنند.

سال ۱۲۲۱ م
پنجمین جنگ صلیبی. صلیبی‌ها با سلطان مصر می‌جنگند.

سال ۱۲۲۸ م
ششمین جنگ صلیبی، هنگامی که مسلمانان بیت‌المقدس را واگذار می‌کنند، پایان می‌یابد.

سال ۱۲۴۴ م
مسلمانان بیت‌المقدس را بازپس می‌گیرند.

سال ۱۲۴۹ م
هفتمین جنگ صلیبی را لویی نهم، شاه فرانسه، فرماندهی می‌کند.

سال ۱۲۷۰ م
جنگ صلیبی هشتم را نیز لویی فرماندهی می‌کند. او و بسیاری از مردانش در تونس بر اثر طاعون می‌میرند.

سال ۱۲۹۱ م
عکا، آخرین پایگاه صلیبی‌ها، فتح می‌شود.



جنگ صلیبی کودکان در سال ۱۲۱۲ م
به تشویق دو پسربچهٔ واعظ، پنجاه هزار کودک در دو گروه، یک گروه از فرانسه و گروه دیگر از آلمان، رهسپار سرزمین مقدس شدند. بعضی از آن‌ها در طول سفر جان خود را از دست دادند، و بسیاری دیگر در شمال آفریقا به عنوان برده فروخته شدند.



سفر به سرزمین مقدس بسیار طولانی بود. صلیبی‌ها پس از این‌که زمین‌های ناهموار و بیابان‌ها را با دشواری پشت سر می‌گذاشتند با بیماری، تشنگی و حمله مواجه می‌شدند.

جنگ‌های صلیبی الهام‌بخش داستان‌های بسیاری دربارهٔ شجاعت و افتخار برای مسلمانان و مسیحیان شد. ولی مصیبت‌هایی نیز به بار آورد. حتی پیش از آن‌که نخستین جنگ صلیبی آغاز شود، سپاهی از دهقانان با هدف جنگ صلیبی به راه افتادند و در سراسر اروپا سرگردان شدند و سرانجام به دست ترک‌ها قتل‌عام شدند. سپس چهارمین جنگ صلیبی در سال ۱۲۰۲ م تغییر جهت داد و به جای رفتن به بیت‌المقدس، به غارت شهر مسیحی قسطنطنیه کشیده شد.

صلیبی‌ها سرزمین مقدس را هرگز بازپس نگرفتند. ولی هنگامی که تجارت میان اروپا و آسیا گسترش یافت، اروپاییان در مورد دانش، غذاها و پزشکی شرق مطالب زیادی یاد گرفتند.

مسلمانان و مسیحیان قلعه‌های مستحکمی می‌ساختند. گاه سربازان برای تصرف قلعه‌ای ناچار بودند آن را ماه‌ها محاصره کنند. آن‌ها دروازه‌ها را می‌کوبیدند و تلاش می‌کردند دیوارها را خراب کنند. در حالی که از داخل قلعه تیر و سنگ بر روی آن‌ها می‌بارید.

شهرهای قرون وسطایی

شهرهای قرون وسطایی در اروپا هنگام روز پر سر و صدا و هنگام شب ساکت و تاریک بود. سکوت فقط از سوی نگهبان که ساعت را اعلام می‌کرد، شکسته می‌شد. کلیساها، صنف‌ها، نمایشگاه‌ها و بازارها مردم را به شهرها می‌کشاندند.

اگر شما در وسط شهری قرون وسطایی قدم می‌زدید، باید مراقب بودید که کجا قدم می‌گذارید، زیرا مردم زبالهٔ خود را در خیابان‌های گل‌آلود می‌ریختند. جوی‌های روباز به موازات هم جریان داشتند و بوی تعفن می‌دادند. مردم با این امید که آب تمیز تهیه کنند، یا از چاه شهر آب می‌آوردند یا آب را از آب‌فروش‌ها می‌خریدند. خوک‌ها و جوجه‌ها داخل و بیرون حیاط‌های کوچک می‌گشتند. خانه‌ها فشرده به یکدیگر ساخته می‌شدند و طبقات بالا اغلب تا روی خیابان‌ها جلو آمده بودند. خانه‌ها به‌آسانی آتش می‌گرفتند، به این دلیل که بیشتر از چوب ساخته می‌شدند. زنگ اعلام خاموشی به مردم هشدار می‌داد که روی آتش آشپزخانهٔ خود را بپوشانند یا آن را خاموش کنند.



بازار روز در شهر قرون وسطایی. مردم محصولات کشاورزی را برای فروش می‌آوردند، از دکه‌ها و مغازه‌ها دیدن می‌کردند، پرحرفی می‌کردند و نوشیدنی می‌خوردند. بندبازها، بازیگران و خرس‌های رقاص مردم را سرگرم می‌کردند.



پنجره‌های شیشه‌ای تصویردار. داستان‌ها را به صورت تصویرهایی نشان می‌دادند. در کلیسا، مردمی که نمی‌توانستند بخوانند به پنجره‌های رنگارنگ نگاه می‌کردند تا دربارهٔ داستان‌های کتاب مقدس و دین مسیحی مطالب بیشتری یاد بگیرند.

سال ۱۱۳۶ م
بسیاری از ساختمان‌های قدیمی لندن که بام‌های پوشالی داشتند در آتش می‌سوزند.

سال ۱۱۶۳ م
کار روی کلیسای جامع نوتردام در پاریس آغاز می‌شود؛ شهری که تا سال ۱۲۱۰ م خیابان‌های آن سنگفرش شده بود و ۲۴ دروازه داشت.

قرن سیزدهم میلادی
شهرهای جدید بسیاری در اروپا پدید می‌آیند. دولتشهرهایی در ایتالیا و آلمان پدیدار می‌شوند.

سال ۱۲۰۹ م
پل جدید لندن ساخته می‌شود.

سال ۱۲۶۰ م
شهرهای آلمانی لوبک و هامبورگ یک مجمع تجاری تشکیل می‌دهند که بعدها به اتحادیهٔ هانسایی معروف می‌شود.

سال ۱۲۸۵ م
بازرگانان انگلیسی از فروش کالاهایشان در صحن کلیساها منع می‌شوند.

سال ۱۳۰۰ م
تجارت پشم در انگلستان در اوج است. کلیساهای بزرگی در شهرهای ثروتمندی که پشم می‌فروشند ساخته می‌شود.

سال‌های ۱۳۴۸ـ۱۳۴۹ م
مردم در زمان مرگ سیاه در انگلستان از شهرها فرار می‌کنند.

سال ۱۳۷۷ م
لندن در این زمان دست‌کم پنجاه صنف و جمعیتی بیش از ۳۵ هزار نفر دارد.

قرن پانزدهم میلادی
نمایش‌های اخلاقی که در آن‌ها بازیگران داستان‌هایی از خوبی در برابر بدی را نمایش می‌دهند، در کلیساها یا در خیابان‌ها اجرا می‌شوند.



این تصویر بازرگانان را در حال کار در مغازه‌هایشان نشان می‌دهد. خیاط‌ها لباس می‌دوزند و خواربارفروشی جنس‌هایش را چیده است. در بالای خیابان آرایشگری موهای مشتری‌اش را اصلاح می‌کند.



پول پول می‌آورَد

بازرگانان اروپایی معمولاً سکه‌های نقره حمل می‌کردند، اما عرب‌ها طلا را ترجیح می‌دادند. هنگامی که تجارت بین‌المللی افزایش یافت، بازرگانان ایتالیایی نخستین بانک‌ها را تأسیس کردند، و برای پرداخت قیمت کالا، به جای کیسه‌های سنگین سکه، از حواله‌های مبادله استفاده کردند.

بسیاری از خانه‌ها هم کارگاه بودند هم مغازه. صنعتگران و بازرگانان گروه‌هایی به نام صنف تشکیل دادند تا کسب و کار خود را منظم کنند و قاعده‌های یکسانی در کار برقرار کنند. صنف‌ها نیز نمایش‌های باشکوهی در خیابان‌ها اجرا می‌کردند. بعضی از شهرها به جهت نمایشگاه‌هایشان معروف بودند. این نمایشگاه‌ها علاوه بر بازرگانان افراد دیگری از جمله بازیگران، پزشکان قلابی و جیب‌برها را از سراسر اروپا به آن‌جا جلب می‌کردند.

در شهرها برای ساختن کلیساهای جامع باشکوه، کلیساهای محلی و حصارهای دفاعی به نیروی کار نیاز داشتند. شهرهای تجاری بزرگ در اروپا، از قبیل هامبورگ، آنتورپ و لندن از راه خرید و فروش پشم و سایر کالاها ثروتمند شدند. حدود نود شهر در اروپای شمالی برای جنگ با دزدان دریایی، تجارت بیشتر و دور نگه داشتن رقیبان، اتحادیهٔ هانسایی را تشکیل دادند.

مغول‌ها



چنگیزخان در جنگ بی‌رحم بود، اما آرامش را در امپراتوری خود حفظ کرد و اگرچه خشن بود، با انصاف فرمانروایی کرد، در دوران فرمانروایی او تجارت پیشرفت کرد.

متیو پاریس، مورخ انگلیسی در قرن سیزدهم میلادی، مغولان را چنین توصیف کرده است: «وحشی و درنده‌خو، بیشتر هیولایند تا انسان.» سپاهیان مغول ناحیهٔ پهناوری از زمین را تسخیر کردند که وسیع‌ترین امپراتوری تاریخ را تشکیل می‌داد. قوبیلای قاآن هنگامی که رهبر مغولان شد، از دشت‌های آسیای مرکزی به چین رفت تا در باشکوه‌ترین دربار جهان فرمانروایی کند.



مغولان در جستجوی چراگاه‌های تازه برای گوسفندان، اسب‌ها و بزهایشان کوچ می‌کردند. آن‌ها خانه‌های نمدی (یورت‌ها) خود را با گاری‌هایی که گاوها می‌کشیدند حمل می‌کردند.

مغولان در دشت‌های آسیای مرکزی، از کوه‌های اورال تا بیابان گوبی، به صورت پراکنده زندگی می‌کردند. آن‌ها کوچ‌نشین بودند و با گله‌های خود از جایی به جای دیگر می‌رفتند و در خیمه‌های قابل حمل (یورت‌ها) زندگی می‌کردند. به رهبران خود خان می‌گفتند. در سال ۱۲۰۶م تموچین‌خان همهٔ قبیله‌ها را به فرمانروایی خود درآورد و چنگیزخان، «سرور همه»، نامیده شد. او در طول دوره‌ای از پیروزی‌ها، بر امپراتوری‌ای سلطه یافت که از اقیانوس آرام در شرق تا رود دانوب در غرب امتداد داشت و سراسر شاهنشاهی قدرتمند هخامنشی را در بر می‌گرفت. مغولان پس از مرگ چنگیزخان به حمله‌های خود ادامه دادند. در سال ۱۲۳۷م سپاه مغول به فرماندهی باتوخان، یکی از نوه‌های چنگیز، به روسیه حمله کرد.

در اروپا هرگاه سخن از سرعت و وحشیگری مغولان در جنگ به میان می‌آمد مردم وحشت می‌کردند. سربازان مغول هریک با پنج اسب حرکت می‌کردند و در کاربرد تیر و نیزه مهارت داشتند. آن‌ها هنگام پیروزی بی‌رحم بودند و اهالی شهر را قتل‌عام می‌کردند و گنجینه‌ها را بر گاری‌ها بار می‌کردند و می‌بردند. اروپای غربی فقط

مغولان ترجیح می دادند که سوار بر اسب بجنگند. جنگجویان مغول اسب‌هایشان را با پاهای خود مهار می‌کردند و دست‌هایشان برای انداختن و پرتاب کردن نیزه آزاد می‌ماند. حملهٔ سواره‌نظام مغول معمولاً دشمن را از پای درمی‌آورد.



سال ۱۲۰۶ م
تموچین خانِ همهٔ مغولان می‌شود. او نام چنگیزخان را برای خود انتخاب می‌کند.
سال ۱۲۱۱ م
سپاه مغول به چین حمله می‌کند.
سال ۱۲۱۵ م
پکن پایتخت چین تسخیر می‌شود.
سال ۱۲۱۶ م
قوبیلای قاآن به دنیا می‌آید.
سال ۱۲۱۹ م
مغولان با سرعت از غرب قلمرو خود می‌گذرند و به امپراتوری خوارزم حمله می‌کنند.
سال ۱۲۲۴ م
سپاه مغول به روسیه و سپس به لهستان و مجارستان حمله می‌کند.
سال ۱۲۲۷ م
چنگیزخان می‌میرد. در سال ۱۲۲۹ م پسرش اوکتای خان جدید می‌شود.
سال ۱۲۳۷ م
سرداران مغول، باتو و سوبوتای، به شمال روسیه حمله می‌کنند.
سال ۱۲۴۱ م
اوکتای می‌میرد. سپاه او از اروپا بازمی‌گردد.
سال ۱۲۶۰ م
قوبیلای خانِ بزرگ مغول‌ها می‌شود.
سال ۱۲۷۱ م
مارکو پولو ونیز را به مقصد چین ترک می‌کند.
سال ۱۲۷۴ م
قوبیلای قاآن می‌کوشد به ژاپن حمله کند، اما طوفان او را مجبور به عقب‌نشینی می‌کند.
سال ۱۲۸۱ م
حملهٔ دوم مغولان به ژاپن به دلیل وقوع طوفان دریایی ناکام می‌ماند. ژاپنی‌ها این طوفان دریایی را کامیکازه یعنی «باد الهی» می‌نامند.
سال ۱۲۹۴ م
قوبیلای قاآن می‌میرد.
سال ۱۳۶۸ م
مغولان از چین بیرون رانده می‌شوند.
سال ۱۳۹۵ م
تیمور لنگ به بخش‌هایی از جنوب روسیه حمله می‌کند.
سال ۱۳۹۸ م
تیمور لنگ دهلی در هند را تصرف می‌کند.
سال ۱۴۰۵ م
تیمور لنگ می‌میرد.







امپراتوری چنگیزخان از رود دانوب در غرب تا اقیانوس آرام در شرق امتداد داشت. پایتخت آن‌ها قراقروم بود.

در چین، قوبیلای قاآن (سال‌های ۱۲۱۶ـ۱۲۹۴ م) سلسلهٔ یوان را بنیان گذاشت، که تا سال ۱۳۶۸ م حکومت آن‌ها ادامه داشت. یوان یعنی «خاستگاه جهان».

زمانی نجات یافت که مغولان با شنیدن خبر مرگ رهبر خود، اوکتای قاآن، در سال ۱۲۴۱ م به سرزمینشان بازگشتند.

قوبیلای قاآن، نوهٔ چنگیز، سلسلهٔ سونگ را که در چین فرمانروایی می‌کرد سرنگون کرد. در سال ۱۲۷۹ م او بر بیشتر خاک این کشور سلطه داشت و پایتخت خود را به پکن انتقال داد. چین بزرگ‌ترین شهرهای جهان را داشت، از جمله کایفنگ و هانگجو (هریک با بیش از یک میلیون نفر جمعیت).

قوبیلای قاآن با ساختن جاده‌های طولانی برای برقراری ارتباط میان بخش‌های گوناگون قلمرو، امپراتوری خود را مستحکم کرد. او همچنین دو بار کوشید به ژاپن حمله کند اما موفق نشد. پس از مرگ او، در سال ۱۲۹۴ م، امپراتوری مغول رو به ناتوانی رفت و تا اواسط قرن چهاردهم میلادی تا حد زیادی تجزیه شد. سپس در سال ۱۳۶۹ م تیمور لنگ فرمانروای سمرقند در آسیای مرکزی شد. او می‌خواست دوباره امپراتوری مغول را به وجود آورد و ایران، عراق، سوریه، افغانستان و بخشی از روسیه را تسخیر کرد. او در سال ۱۳۹۷ م به هند حمله کرد و در سال ۱۴۰۵ م در راهِ رفتن به چین درگذشت.

بازرگانان برای محافظت از خود در برابر راهزنان، به صورت کاروان (همراه با شترها و اسب‌های بار زده شده) سفر می‌کردند. آن‌ها از چین، از مسیر جادهٔ ابریشم از کوه‌ها و بیابان‌ها می‌گذشتند و به بازارهای خاورمیانه می‌آمدند. جادهٔ ابریشم تنها راه ارتباطی منظم میان اروپا و چین بود.

مارکو پولو

در سال ۱۲۷۱ م بازرگانی ایتالیایی به نام مارکو پولو (سال‌های ۱۲۵۶ـ۱۳۲۳ م) از ونیز به چین سفر کرد. او ۲۴ سال در چین ماند و در خدمت قوبیلای قاآن به سراسر چین سفر کرد. بعدها او مطالبی دربارهٔ شهرها و اختراعات چینی‌ها نوشت. با وجود این، امروزه در مورد این‌که آیا او اصلاً چین را دیده یا داستان‌هایش ساختگی است، تردیدهایی وجود دارد.



چینی‌ها در حدود سال ۱۰۵ م شروع به ساختن کاغذ کردند. کاغذسازان در کارگاه‌های سلطنتی از شاهدانه یا برگ درخت توت برای الیاف استفاده می‌کردند. خمیر چوب را روی سینی‌های توری پهن می‌کردند تا به صورت ورق‌هایی خشک دربیاید.



مرگ سیاه



مرگ سیاه وحشتناک‌ترین بلای طبیعی قرون وسطی بود. این بیماری نابودکننده چندین میلیون نفر از مردم اروپا و آسیا را کشت. مورخی ایتالیایی نوشت: «این پایان جهان است.»

تصویری از آن زمان
گروهی از توبه‌کاران را نشان می‌دهد که در خیابان‌ها به خود شلاق می‌زنند. بسیاری از مردم معتقد بودند که مرگ سیاه مجازاتی از سوی خداست.

طاعون در سال ۱۳۴۷م از آسیا به اروپا رفت. این بیماری سپاهی از مغول‌ها را که در کریمه (جنوب روسیه) می‌جنگیدند، نابود کرد. مغول‌ها جسد کسانی را که از این بیماری مرده بودند، با منجنیق از روی دیوارهای قلعه‌ای که ایتالیایی‌ها از آن دفاع می‌کردند، به میان آن‌ها پرتاب می‌کردند. هنگامی که ایتالیایی‌ها با کشتی به وطن خود، جنووا، رفتند بیماری را با خود به آن‌جا بردند.

این بیماری طاعون خیارکی بود و از طریق موش‌هایی که از راه نیش کک‌ها مبتلا شده بودند به انسان سرایت می‌کرد. نام «مرگ سیاه» از جوش‌های سیاهی که روی بدن قربانی‌ها ظاهر می‌شد گرفته شده است. آن‌ها دچار ورم‌هایی در زیر بغل و کشالهٔ ران خود می‌شدند و همراه با سرفه خون بالا می‌آوردند. عدهٔ زیادی در همان روزی که بیمار می‌شدند می‌مردند.

هیچ پزشکی در قرون وسطی نمی‌دانست چرا مرگ سیاه اتفاق می‌افتد یا چگونه باید



سال ۱۳۴۴ م
طاعون خیارکی در چین و هند شیوع می‌یابد.

سال ۱۳۴۷ م
طاعون به جنووا در ایتالیا می‌رسد و در مناطق دورتر در غرب گسترش می‌یابد.

سال ۱۳۴۸ م
طاعون در تابستان به جنوب انگلستان و در زمستان به لندن می‌رسد.

سال ۱۳۴۹ م
مرگ سیاه در ایرلند، ولز و اسکاتلند شیوع پیدا می‌کند. مردم فرانسه، اسپانیا، آلمان و روسیه نیز مبتلا می‌شوند.

سال ۱۳۵۰ م
این بیماری همه‌گیر به اسکاندیناوی می‌رسد.

سال ۱۳۵۳ م
بیماری همه‌گیر مرگ سیاه کاهش می‌یابد. بیست میلیون نفر در اروپا از بین رفته‌اند.

سال ۱۳۵۸ م
قیام دهقانان در شمال فرانسه وحشیانه سرکوب می‌شود.

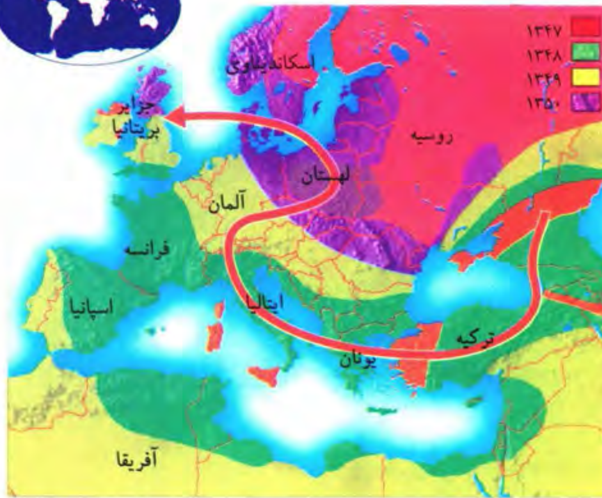
سال‌های ۱۳۶۱_۱۳۶۳ م
شیوع دوبارهٔ طاعون.

سال ۱۳۸۱ م
قیام دهقانان در جنوب شرق انگلستان (در اسکس و کنت).

سال ۱۴۰۰ م
شیوع گستردهٔ مرگ سیاه تا این تاریخ ادامه می‌یابد.

آن را درمان کرد. بسیاری از مسیحیان آن را مجازاتی از سوی خدا می‌دانستند، و عده‌ای به خیابان‌ها می‌رفتند و برای مجازات گناهان بشر، به خودشان شلاق می‌زدند.





طاعون از آسیای شرقی به شمال و غرب اروپا وارد شد.

مرگ سیاه از چین تا اسکاندیناوی شیوع یافت. هنگامی که این بیماری شایع شد، مردمِ وحشت‌زده از شهرها فرار می‌کردند. هرجا که آن‌ها می‌رفتند، بیماری با آن‌ها می‌رفت. بسیاری از مردم جان خود را از دست دادند (بیش از بیست میلیون نفر، یا یک‌سوم جمعیت اروپا) به حدی که روستاها متروکه رها شدند و کشتزارها از علف پوشیده شدند. کلیسا **کشیش‌های** زیادی را از دست داد. کشیش‌ها تنها افراد تحصیلکردهٔ آن زمان بودند. نیمی از راهبان و **راهبه‌های** انگلستان جان خود را از دست دادند و سه اسقف اعظم کنتربری ظرف یک سال مردند.

شیوع پی‌درپی طاعون در سراسر قرن چهاردهم **میلادی** نیروی کار اروپا را برای کار کردن و کشاورزی بر روی زمین کاهش داد و **دستمزدها** را بالا برد. نارضایتی از دستمزدها و مالیات‌ها منجر به قیامی در فرانسه در سال ۱۳۵۸ **م و قیام** دهقانان در انگلستان به رهبری وات تایلر در سال ۱۳۸۱ م شد.

مرگ سیاه

موش سیاه کک‌هایی به همراه داشت که بیماری را انتقال می‌دادند. موش‌ها با کشتی‌ها از بندری به بندر دیگر سفر می‌کردند و همراه با آن‌ها مرگ سیاه با سرعتی وحشتناک منتشر می‌شد. در همهٔ شهرهای قرون وسطی و در بیشتر خانه‌ها موش‌ها و کک‌ها وجود داشتند. وجود زباله‌ها در خیابان‌ها و بهداشت عمومی ضعیف، شهرها را به محلی مناسب برای گسترش بیماری تبدیل کرده بود. بسیاری از شهرها نیمی از جمعیت خود را بر اثر طاعون از دست دادند و بعضی روستاها نیز متروکه شدند.





نه مسئولان شهر و نه پزشکان محلی نمی‌توانستند با طاعون بجنگند. بسیاری از مردم فرار کردند و بیماران را رها کردند تا بمیرند. مرده‌ها را با گاری به مناطق دوردست می‌بردند.

پادشاهی‌های آفریقایی

در این دوره ثروت‌های فراوان قدرتمندترین پادشاهی‌ها در آفریقا، مسلمانان و اروپاییانی را که از دربارهای آن‌ها دیدار می‌کردند تحت تأثیر قرار می‌داد. مقدار زیادی از این ثروت از راه تجارت طلا، نمک و برده به دست می‌آمد.

بسیاری از پادشاهی‌های شمال آفریقا مسلمان بودند. از این سرزمین‌ها، مبلغان مسلمان، اسلام را به غرب آفریقا بردند. در پادشاهی غنا (گامبیا، گینه، مالی و سنگال امروزی)، بازرگانان مسلمان با دیدن جنگجویانی که با شمشیرها و سپرهای طلاکاری شده از شاه در پایتخت خودش، کومبی‌صالح، محافظت می‌کردند، شگفت‌زده می‌شدند. حتی سگ‌های نگهبانی که در ساختمان جلوباز سلطنتی نگهداری می‌شدند، قلاده‌های طلا به گردن داشتند. غنا در قرن دهم میلادی، در زمانی که هم تجارت طلا و هم تجارت نمک منطقه را در دست داشت، به اوج قدرت خود رسیده بود.

صدف‌های کاوری مانند این صدف‌ها برای داد و ستد در بازار در سراسر آفریقا به کار می‌رفت. کالاها را با کالاهای دیگری که همان ارزش را داشت، عوض یا «مبادلهٔ پایاپای» می‌کردند.

در قرن چهاردهم میلادی کاروان‌های مسلمانان با شتر از میان بیابان وسیع شمال آفریقا به طرف شهر تیمبوکتو عبور می‌کردند. آن‌ها پارچه و کالاهای تجملی خود را با بردگان، اجناس چرمی و جوز کولا (که نوعی دارو بود) مبادله می‌کردند. تیمبوکتو پایتخت مالی بود. مالی یک پادشاهیِ اسلامی بود که پس از مدت کوتاهی قدرتمندترین امپراتوری در آفریقای غربی و جایگزین غنا شد. معروف‌ترین شاه مالی، مانسا موسی، در سال ۱۳۲۴ م همراه با شصت هزار نفر از پیروانش به زیارت مکه رفت. شهرت او تا اروپا رسیده بود، و در



افراد زیادی در آفریقا در فلزگری مهارت داشتند. این محراب مفرغی که در دست جا می‌گیرد، یکی از شاهان بنین را با همسران، خدمتکاران و سربازانش نشان می‌دهد. برای ساختن مفرغ‌هایی با کیفیت عالی، ابتدا قالبی مومی از شیء مورد نظر درست می‌کردند و سپس دور قالب مومی لایه‌ای از گل می‌کشیدند و سوراخی در زیر لایهٔ گلی باز می‌کردند. بعد مفرغ مذاب را قطره‌قطره درون قالب گلی و روی موم می‌ریختند. موم ذره‌ذره از سوراخ زیر قالب گلی خارج می‌شد و مفرغ مذاب جای موم را در قالب پر می‌کرد. پس از سفت شدن مفرغ، قالب گلی را می‌شکستند و شیء مفرغی ساخته می‌شد.

سال ۷۵۰ م
سپاه مسلمانان بیشتر بخش‌های شمال آفریقا را تصرف کرده‌اند. اسلام به سمت غرب گسترش می‌یابد.
سال ۷۷۰ م
قوم سونینکه به رهبری شاه ماگان سیسه پادشاهی غنا را تشکیل می‌دهد.
سال ۸۰۰ م
پادشاهی ایفه در نیجریه اهمیت پیدا می‌کند.
قرن نهم میلادی
عرب‌ها و ایرانیان در شرق آفریقا مراکز تجاری ایجاد می‌کنند.
قرن دهم میلادی
غنا تجارت طلا و نمک را در دست می‌گیرد و از اروپا پارچه می‌خرد.
سال ۹۶۹ م
سلسلهٔ فاطمی مصر را تسخیر می‌کند.
سال ۱۰۴۳ م
امپراتوری جنه در میان قوم مندینگو در آفریقای غربی بنیان گذاشته می‌شود.
سال ۱۰۶۲ م
بربرهای مسلمان (مرابطون)، مراکش را پایتخت خود می‌کنند.
سال ۱۰۷۰ م
غنا به دست مرابطون تسخیر می‌شود.
سال ۱۱۰۰ م
تمام اسپانیای مسلمان در این زمان بخشی از امپراتوری مرابطون است.
سال ۱۱۶۳ م
موحدون مرابطون را سرنگون می‌کنند و بر شمال غرب آفریقا و اسپانیا فرمانروایی می‌کنند.
سال ۱۱۷۳ م
صلاح‌الدین [ایوبی] سلطان مصر می‌شود.
قرن سیزدهم میلادی
بنیان‌گذاری پادشاهی بنین تحت فرمانروایی نخستین اوبا به نام اوکا.
سال ۱۲۵۰ م
مملوک‌ها بر مصر فرمانروایی می‌کنند.
سال ۱۳۰۷ م
امپراتوری مالی تحت فرمانروایی مانسا موسی با پایتخت آن تیمبوکتو در اوج قدرت است.
سال‌های ۱۴۴۰ـ۱۴۸۰ م
سلطنت معروف‌ترین اوبای بنین، اووارهٔ کبیر.





پادشاهی غنا در قرن دهم میلادی به قدرت رسید، اما بعدها به دست امپراتوری اسلامی مالی به‌کلی از میان رفت. پادشاهی‌های آفریقایی دیگری، شامل ایفه، اویو و بنین نیز در آفریقای غربی به شکوفایی رسیدند.

آن‌جا پادشاهی او روی نقشه به شکل سرزمینی که پر از طلا بود نشان داده می‌شد.

در مناطق جنوبی‌تر، پادشاهی‌های قدرتمندی از قبیل ایفه، اویو و بنین قرار داشتند که فرمانروایان قدرتمند آن‌ها از راه تجارت ثروت بسیاری به دست آورده بودند.

صنعتگران بنین مجسمه‌های مفرغی را با قالب می‌ساختند که زیباترین مجسمه‌های فلزی در آفریقا بود. فرمانروای بنین که اوبا نامیده می‌شد، در شهری حصاردار همراه با حدود صد همسر یا بیشتر زندگی می‌کرد. اهالی بنین با پرتغالی‌ها داد و ستد می‌کردند. پرتغالی‌ها از قرن پانزدهم میلادی کشتیرانی در طول ساحل آفریقای غربی را آغاز کردند.

در آفریقای شرقی، مردمی که در سومالی، کنیا و تانزانیای کنونی زندگی می‌کردند، به داد و ستد عاج، پوست حیوانات و بردگان با شهرهای ساحلی می‌پرداختند. کشتی‌هایی از عربستان و هند به این شهرها رفت و آمد می‌کردند. ساحل شرقی آفریقا تا حدود سال ۱۵۰۰م همچنان ثروتمند بود، اما در این زمان پرتغالی‌ها تجارت این منطقه را به دست گرفتند و شهرهای تجاری از میان رفتند.



مانسا موسی در راه زیارت مکه در سال ۱۳۲۴ م. او سپاه بزرگی را که شامل شترها، اسب‌ها و سربازان پیاده می‌شد فرماندهی می‌کند. شهرت او به اروپا هم رسیده بود.

سرداران ژاپنی

امپراتوران ژاپن در قرون وسطی قدرت کمی داشتند و بر سرداران یا شوگون‌ها تکیه می‌کردند. سرداران سپاهی از جنگجویان را فرماندهی و بر کشور فرمانروایی می‌کردند.

امپراتوران ژاپن زیر سلطهٔ خاندان‌های نظامی قدرتمند بودند. از این خاندان‌های سرباز، شوگون‌هایی از قبیل میناموتو یوری‌تومو قدرتمند (سال‌های ۱۱۴۷ــ۱۱۹۹ م) سر برآوردند. شوگون‌ها حمله‌های مغولان چین را با جنگجویان سامورایی وفادار خود عقب راندند. سامورایی‌ها، مانند شهسوارها در اروپا صاحب زمین بودند و در حالی که آن‌ها شکار می‌کردند یا با شمشیر و کمان تمرین می‌کردند، دهقانان بر روی زمین آن‌ها کار می‌کردند. سامورایی‌ها سرانجام طبقهٔ جنگجوی سرآمدی را تشکیل دادند. آن‌ها از آیین ذِن بودایی پیروی می‌کردند. در این آیین، آگاهی از راه نگاه به درون خود و احساس به دست می‌آید. این آیین نوعی فلسفه است که در سال ۵۸۲ م از چین به ژاپن وارد شد.



جنگجوی سامورایی کلاهخود شاخ‌دار فولادی بر سر می‌گذاشت و با کمان، شمشیر و نیزه می‌جنگید. زره بدن او به صورت قطعه‌هایی از چرم یا باریکه‌های آهنی روغن‌زده ساخته می‌شد که زره را انعطاف‌پذیر می‌کرد.

از قرن چهاردهم میلادی ژاپن، به علت وقوع جنگ‌های داخلی، میان دایمیوها تجزیه شد. دایمیوها اربابهایی بودند که برای محافظت از زمین‌هایشان قلعه می‌ساختند. دایمیوها سپاهی از جنگجویان سامورایی را فرماندهی می‌کردند. قدرتمندترین دایمیو، هیدیوشی تویوتومی (سال‌های ۱۵۳۷ــ۱۵۹۸ م) بود. او دهقانی بود که تا مقام سرداری سامورایی ترقی کرد. او از سال ۱۵۸۵ م تا زمان مرگش، بر سراسر ژاپن حکومت می‌کرد. یکی از جانشینان او به نام اییاسو در سال ۱۶۰۳ م شوگون شد و سلسلهٔ توکوگاوا را بنیان گذاشت.



باد الهی

ژاپنی‌ها معتقد بودند که ایزدان از آن‌ها محافظت می‌کنند. در سال‌های ۱۲۷۴ و ۱۲۸۱ م قوبیلای قاآن ناوگان‌هایی برای تسخیر ژاپن فرستاد. ناوگان نخست از مقابل طوفان فرار کرد. ناوگان دوم بر اثر طوفان دریایی (در این‌جا به صورت خدایی نشان داده شده است)، که ژاپنی‌ها آن را کامیکازه یا «باد الهی» نامیدند، غرق شد.

سال ۵۸۲ م
دین بودایی به ژاپن می‌رسد.
سال ۷۹۴ م
پایتخت امپراتوری به هیانکیو (کیوتوی امروزی) انتقال می‌یابد.
سال ۹۹۵ م
دستاوردهای ادبی و هنری تحت حکومت فوجی‌وارا میچیناگا.
حدود سال ۱۰۰۲ م
موراساکی شی‌کی‌بو قصهٔ گِنجی را می‌نویسد، که نخستین داستان بلند جهان است.
سال ۱۱۹۲ م
میناموتو یوری‌تومو دولت نظامی یا حکومت شوگونی برقرار می‌کند.
سال ۱۲۱۹ م
طایفهٔ هوجو تا سال ۱۳۳۳ م بر ژاپن فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۲۷۴ م
مغولان می‌کوشند به ژاپن حمله کنند، اما طوفانی سهمگین آن‌ها را عقب می‌راند.
سال ۱۳۳۳ م
دایگوی دوم شوگون‌های هوجو را سرنگون می‌کند و تا سال ۱۳۳۶ م فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۳۳۸ م
خاندان آشیکاگا که جزو شوگون‌ها هستند تا سال ۱۵۷۳ م فرمانروایی می‌کنند.
سال ۱۵۴۳ م
پرتغالی‌هایی که کشتی‌هایشان را از دست داده‌اند سلاح آتشین را به ژاپن وارد می‌کنند.
سال ۱۵۴۹ م
فرانسوا گزاویه مسیحیت را به ژاپن وارد می‌کند.

جنگ صدساله

ادوارد سوم در سال ۱۳۲۷م شاه انگلستان شد. او تاج و تخت فرانسه را حق خود می‌دانست. بنابراین در سال ۱۳۳۷م به فرانسه اعلان جنگ داد. جنگ میان انگلستان و فرانسه به‌صورت پراکنده تا سال ۱۴۵۳م ادامه داشت.





سربازان (ردیف بالا، چپ به راست) با تبرزین، کمان بلند، (ردیف دوم) شمشیر، توپ و کمان زنبوری می‌جنگیدند. فقط شهسواران زره کامل می‌پوشیدند. اگر شهسواری از اسبش به زمین می‌افتاد غالباً زندانی و فقط با دادن باج آزاد می‌شد.

نیروهای ادوارد در یک جنگ دریایی در اسلویس و دو جنگ در خشکی در کرِسی و پواتیه پیروز شدند، اما به دست شارل پنجم، شاه فرانسه، و فرمانده او برتران دو گِکلَن عقب رانده شدند. در سال ۱۳۶۰م ادوارد در بازگشت به کشورش، از ادعایش بر تاج و تخت فرانسه دست کشید.

سال‌های صلح موقت ادامه یافت تا این‌که شاه انگلستان، هنری پنجم، در سال ۱۴۱۴م ادعای تاج و تخت فرانسه را از سر گرفت. او سربازانش را به فرانسه برد و در سال ۱۴۱۵م سپاه بسیار بزرگ فرانسوی را در آژنکور شکست داد. برای برقراری صلح، هنری با دختر شاه فرانسه ازدواج کرد، اما در سال ۱۴۲۲م، پسر نوزادشان پیش از آن‌که بتواند شاه فرانسه شود درگذشت. جنگ تا زمانی که دختری دهقان به نام ژاندارک (سال‌های ۱۴۱۲ـ۱۴۳۱م) فرانسویان را تشویق می‌کرد، ادامه یافت. او ادعا می‌کرد که صداهایی از سوی خدا می‌شنود. او جنگید تا آن‌که اسیر شد و او را به اتهام جادوگری سوزاندند. در زمان فرمانروایی هنری چهارم که شاهی ضعیف بود، انگلیسی‌ها پاریس، روان و در سال ۱۴۵۳م همهٔ سرزمین‌های فرانسه بجز کاله را از دست دادند.

مرگ ژاندارک. انگلیسی‌ها امیدوار بودند که مرگ ژاندارک به مقاومت فرانسوی‌ها خاتمه دهد، اما فرانسوی‌ها ترغیب شدند که بجنگند و سرزمین‌های خود را باز پس بگیرند.

سال ۱۳۳۷م
ادوارد سوم با ادعای تاج و تخت فرانسه، به جنگ با فرانسه می‌رود.
سال ۱۳۴۰م
جنگ دریایی اسلویس (در نزدیکی بلژیک) به پیروزی انگلیسی‌ها می‌انجامد.
سال ۱۳۴۶م
پیروزی انگلیس در نبرد کرِسی.
سال ۱۳۵۶م
پیروزی انگلیس در پواتیه به فرماندهی شاهزادهٔ سیاه، پسر ادوارد سوم.
سال ۱۳۸۰م
شارل پنجم، شاه فرانسه، می‌میرد. شارل ششم جانشین او می‌شود.
سال ۱۳۹۹م
هنری از سلسلهٔ لَنکستر تاج و تخت انگلستان را به چنگ می‌آورد و هنری چهارم می‌شود.
سال ۱۴۱۵م
هنری پنجم شاه انگلستان پس از پیروزی در آژنکور بر فرانسه سلطه می‌یابد.
سال ۱۴۲۹م
ژاندارک محاصرهٔ اورلئان را می‌شکند.
سال ۱۴۳۱م
ژاندارک در آتش سوزانده می‌شود.
سال ۱۴۳۶م
شارل هفتم پاریس را تسخیر می‌کند.
سال ۱۴۵۳م
بوردو به تسخیر فرانسوی‌ها درمی‌آید. جنگ‌های صدساله پایان می‌یابد.

مسافران اقیانوس آرام

نخستین مردمی که در اقیانوسیه، یعنی استرالیا، نیوزیلند و جزیره‌های اقیانوس آرام ساکن شدند، به احتمال زیاد مهاجران آسیایی بوده‌اند. آن‌ها در قایق‌های چوبی با عبور از میان بخش‌های وسیعی از پهناورترین اقیانوس، به سفرهای حیرت‌انگیز پرداختند.

نخستین انسان‌هایی که در گینهٔ نو و استرالیا ساکن شدند، چهل هزار سال پیش به آن‌جا رسیده بودند. تا حدود ده هزار سال پیش این دو خشکی یک قارهٔ بزرگ را تشکیل می‌داد که تاسمانی (اکنون جزیره است) نیز بخشی از آن بود. به این ترتیب برای مردم آسیا مهاجرت به آن‌جا، هم از راه خشکی هم با عبور از باریکه‌های کم‌عرض آب، نسبتاً آسان بود.

نخستین مردمی که به استرالیا وارد شدند، احتمالاً از جزیره‌های جنوب شرق آسیا بودند. هرچند آن‌ها هرگز ابزارهای فلزی نساختند، اما با صید ماهی با نیزه و استفاده از بومرنگ برای شکار حیوانات، در محیط نسبتاً خشن و خشک استرالیا به زندگی ادامه دادند. آن‌ها به‌تدریج در پیدا کردن دانه‌ها، کرم حشرات، ریشه‌ها، غدهٔ گیاهان و میوه‌های خوراکی، مهارت پیدا کردند. امروزه افراد بومی استرالیا بعضی از این مهارت‌های قدیمی را حفظ کرده‌اند.

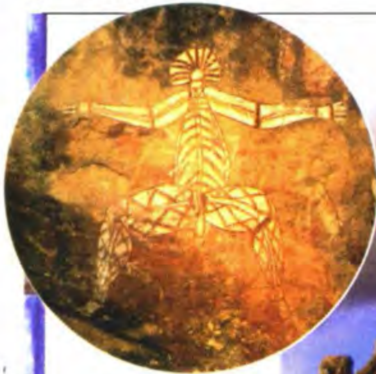
انسان‌ها با رفتن از جزیره‌ای به جزیرهٔ دیگر، در جزیره‌های غرب اقیانوس آرام، معروف به ملانزی، ساکن شدند. با وجود این، رفتن به جزیره‌های دورتر میکرونزی (گوام، ماریاناس و نائورو) و پولینزی (فیجی، تونگا و ساموا) دشوارتر بود.

در حدود چهار هزار سال پیش مهاجرنشینانی بی‌باک در قایق‌هایی با بازوی محافظ و انباشته از خوراکی‌های مورد نیاز از جمله نارگیل، گیاه گوش‌فیل،

مائوری‌های نیوزیلند حصارهایی چوبی به نام پاس می‌ساختند. جنگجویان از سکوهای روی دیوارها می‌جنگیدند. تسخیر قلعهٔ دشمن پیروزی بزرگی بود. فاتحان خوراکی‌های انبارشده در قلعه را با خود می‌بردند.



۴۰ هزار سال پیش
مردمی از جنوب شرق آسیا به جزایر اندونزی، گینهٔ نو و استرالیا می‌روند.
حدود ۲۵ هزار سال پیش
بومیان در جنوب شرق استرالیا ساکن می‌شوند. این بخش از استرالیا بعدها جزیرهٔ تاسمانی می‌شود (حدود ۱۲ هزار سال پیش که آب دریا بالا آمده بود).
حدود سال ۴۰۰۰ ق.م
مردمی از گینهٔ نو در جزایر سلیمان (ملانزی) ساکن می‌شوند.
حدود سال ۱۰۰۰ ق.م
مردمی از ملانزی با قایق به شرق می‌روند تا در فیجی ساکن شوند. مردم دیگری از پولینزی نیز از مسیر دریایی به جزایر فیجی می‌روند و آن‌جا را مهاجرنشین می‌کنند.
سال ۱۰۰ م
ساکنان پولینزی به جزایر هاوایی می‌روند.
حدود سال ۴۰۰ م
نخستین مهاجران در جزیرهٔ ایستر پیاده می‌شوند. آن‌ها احتمالاً از پولینزی آمده‌اند، هرچند بعضی مورخان ادعا می‌کنند که این جزیره را ساکنان آمریکای جنوبی مهاجرنشین کرده‌اند.
حدود سال ۷۵۰ م
مائوری‌ها در نیوزیلند ساکن می‌شوند. آن‌ها احتمالاً از شرق پولینزی آمده‌اند. آن‌ها مدت‌ها بعد خود را مائوری نامیدند.
سال ۹۰۰ م
قدیمی‌ترین فرمانروایان تونگا که نام آن‌ها ثبت شده است، این گروه احتمالاً از ساموا به این‌جا آمده‌اند. تونگا مجموعه جزیره‌هایی در جنوب اقیانوس آرام است که خیلی پیش‌تر پولینزیایی‌ها در آن‌جا ساکن شده بودند.



نقاشی‌های بومیان روی صخره‌ها و پوست درختان که اغلب حیوانات و انسان‌ها را ترسیم می‌کردند. این نقاشی‌ها را با رنگ‌هایی می‌کشیدند که از خاک رنگی ساخته می‌شد. بومیان این نقاشی‌ها را برای زنده نگه داشتن روح اجداد خود می‌کشیدند.



مجسمه‌های سنگی اسرارآمیز پراکنده در اطراف جزیرهٔ ایستر. بلندترین مجسمه یازده متر ارتفاع دارد. هیچ کس نمی‌داند چرا این سرهای سنگی تراشیده شده و برپا شده‌اند.

سیب‌زمینی شیرین، موز، میوهٔ نان، خوک و جوجه در اقیانوس به راه افتادند. آن‌ها برای رفتن به جزیره‌هایی که نقطه به نقطه در سراسر اقیانوس آرام پراکنده بودند، به مهارت و بخت امید داشتند. این مسافران با قایق به طرف غرب تا جزیرهٔ ایستر سفر کردند و در حدود دو هزار سال پیش به جزایر هاوایی رسیدند.

یکی از آخرین مکان‌هایی که مسافران دریایی مهاجرنشین کردند، نیوزیلند بود. مائوری‌های پولینزیایی در حدود سال ۷۵۰ م در نیوزیلند به ساحل رسیده بودند. استرالیا غیر از دیدارهای اتفاقی بازرگانان اهل اندونزی و احتمالاً چینی، تا قرن شانزدهم میلادی سرزمینی جداافتاده بود. قارهٔ بزرگ جنوب و جزیره‌های اقیانوس آرام برای اروپاییان ناشناخته بود.



قایق جنگی مائوری برای حمله به راه افتاده است. مائوری‌ها مانند سایر جزیره‌نشینان اقیانوس آرام قایق‌هایی چوبی برای سفر دریایی می‌ساختند. این قایق‌ها اغلب با دو بدنه، مانند قایق‌های دوبدنهٔ امروزی بودند. بعضی سکونتگاه‌ها به طور اتفاقی در طول این سفرها ایجاد می‌شدند، و سایر سکونتگاه‌ها نیز با مهاجرت‌های از پیش تعیین‌شده برقرار می‌شدند.

عصر اکتشافات



ص ۱۰۶ توکوگاوا اییاسو (سال‌های ۱۵۴۳ـ۱۶۱۶ م)، شوگون ژاپن.

اواخر قرن پانزدهم میلادی پایان قرون وسطی در اروپاست. در این زمان اندیشه‌های جدید رنسانس و اصلاحات، طرز فکر مردم را دربارهٔ خودشان و جهان و شیوهٔ زندگی‌شان تغییر داد.

اغلب سه رویداد را نشانهٔ پایان دورهٔ قرون وسطی و آغاز عصر جدید می‌دانند: سقوط شهر قسطنطنیه (استانبول کنونی) در سال ۱۴۵۳ م، که آخرین نشانه‌های امپراتوری روم قدیم را از میان برد؛ اختراع چاپ در دههٔ ۱۴۵۰ م، که کتاب‌ها را ارزان‌تر و بسیار بیشتر در دسترس مردم قرار داد؛ و نخستین سفر دریایی کریستوف کلمب به قارهٔ آمریکا در سال ۱۴۹۲ م.

ص ۹۰ کاوشگران اروپایی در کشتی‌هایی به نام کاراک با سه دکل و بادبان‌های چهارگوش در دریا سفر می‌کردند. سانتا ماریا کشتی کریستوف کلمب احتمالاً شبیه این کشتی بوده است.

عصر اکتشافات دورانی بود که مردمان جهان ارتباط بیشتری با یکدیگر پیدا کردند و ارتباط تمدن‌هایی در آمریکا، آفریقا و آسیا با اروپا بیشتر شد. اروپاییان از راه تجارت، استفاده از صنعت جدید مثل توپ و تفنگ، و جستجوی خستگی‌ناپذیر برای سرزمین‌ها و ثروت‌های جدید، قدرت خود را در جهان افزایش دادند.



ص ۱۰۱ کمان زنبوری چینی می‌توانست تیری پرتاب کند که از فاصلهٔ دویست متری زره را پاره کند.

تلاش برای کشف سرزمین‌های جدید، کاوشگران و ماجراجویان را در سراسر اقیانوس‌ها به طرف بخش‌های دورافتادهٔ زمین و حتی به سراسر کرهٔ زمین روانه کرد. در دههٔ اول قرن هفدهم میلادی چند کشور اروپایی مستعمره‌هایی دائمی در آن سوی دریاها داشتند.



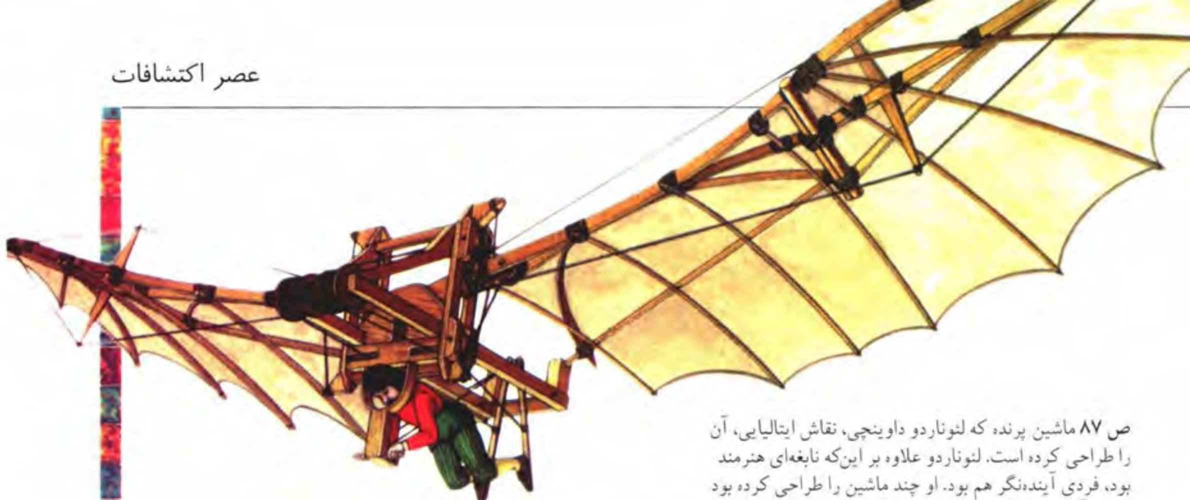
ص ۱۰۸ قهوه، چای، دارچین و میخک جزو کالاهای باارزشی بودند که شرکت هند شرقی هلند به تجارت آن‌ها می‌پرداخت.



ص ۸۹ قایقی طلا که ال دورادو، فرمانروای افسانه‌ای را نشان می‌دهد. گفته می‌شود هر سال روی بدنش گرد طلا می‌پاشیدند.



ص ۸۹ تعداد اسپانیایی‌ها کمتر از اینکاها بود. ولی آن‌ها اسب، زره و تفنگ داشتند. بسیاری از اینکاها شجاعانه جنگیدند، اما با کشته شدن شاهشان به‌سرعت شکست خوردند.



ص ۸۷ ماشین پرنده که لئوناردو داوینچی، نقاش ایتالیایی، آن را طراحی کرده است. لئوناردو علاوه بر این‌که نابغه‌ای هنرمند بود، فردی آینده‌نگر هم بود. او چند ماشین را طراحی کرده بود که در آینده اختراع شدند.



ص ۹۹ فرش ایرانی مربوط به قرن شانزدهم میلادی. طرح‌ها به طور سنتی شامل گل و شکل‌های هندسی بود.

در این دوره همچنین بسیاری از اندیشه‌های جدید و مبارزه با اعتقادات سنتی قدیمی مطرح شد. نزاع‌های میان گروه‌های مذهبی گوناگون بارها منجر به جنگ‌های شدید شد. هنگامی که اصول و حکومت مردم‌سالارانه به‌تدریج پدیدار شد، جنگ قدرت میان شاهان و مجلس به وجود آمد. از آغاز قرن شانزدهم میلادی با اختراع وسایلی از قبیل تلسکوپ و میکروسکوپ پیشرفت حیرت‌انگیزی در علم به وجود آمد. تلسکوپ و میکروسکوپ شگفتی‌های جدیدی را در فضا و در فاصله‌ای بسیار نزدیک به ما نشان دادند. این کشف‌ها باعث شد تا متفکران بزرگ آن دوران نظریه‌های جدیدی در مورد جهان و رابطهٔ آن با فضا و جایگاه انسان در جهان بیان کنند. دانشمندان بزرگی از قبیل کوپرنیک، گالیله و نیوتن با اندیشه‌های قدیمی به مبارزه برخاستند، و نظریه‌های جدید شروع به لرزاندن پایه‌های جامعه کردند.

ص ۱۱۴ با بردگان وحشیانه رفتار می‌کردند. بعضی از آن‌ها را وادار می‌کردند طوق‌های آهنی سنگین به گردن بیندازند.





رنسانس



رنسانس یا تجدید حیات «تولد دوباره»ی علاقه به هنر و دانش یونان و روم باستان بود. مورخان بسیاری این دوره را پایان قرون وسطی و آغاز دنیای جدید می‌دانند. رنسانس در ایتالیا آغاز شد و در قرن پانزدهم میلادی در سراسر اروپا گسترش یافت و طرز فکر مردم را دربارهٔ جهان تغییر داد.

دورهٔ رنسانس در میان دانشمندان، هنرمندان و متخصصان ایتالیایی آغاز شد. آن‌ها اندیشه‌های جدیدی داشتند، اما به گذشته هم رو کردند و دانش یونان و روم باستان را دوباره کشف کردند. پس از آن‌که شهر قسطنطنیه (پایتخت قدیمی امپراتوری روم شرقی) در سال ۱۴۵۳ م به تسخیر ترکان عثمانی درآمد، دانشمندان از آن‌جا فرار کردند و کتاب‌های دست‌نوشتهٔ قدیمی بسیاری را با خود به ایتالیا آوردند. دانشمندان اروپایی که دربارهٔ دانش و عقاید باستانی اطلاع بیشتری پیدا کرده بودند، علاقه‌مند شدند تا دربارهٔ آموزش‌های مذهبی قدیمی دوباره فکر کنند.

دانته آلیگیری در شعر کمدی الهی به عشق، مرگ و ایمان می‌پردازد. دانته این شعر را به زبان ایتالیایی سرود که زبان مادری‌اش بود، نه به زبان لاتین که زبان دانشمندان آن دوره بود.

در ادبیات، شاعران بزرگی در ایتالیا مانند پترارک به بررسی و مطالعهٔ قلمرو احساسات انسان پرداختند.



حروف فلزی متحرک را می‌توان بارها به کار برد. حرف‌ها کنار هم چیده می‌شوند تا کلمه‌ها را بسازند و سپس آن‌ها را برای چاپ روی صفحه، به جوهر آغشته می‌کنند. هنگامی که کار چاپ تمام شود، حروف را دوباره بیرون می‌آورند و برای چاپ کتاب بعدی به کار می‌برند.



سال ۱۳۰۶ م
جوتو دی بوندونه، هنرمند ایتالیایی، نقاشی‌هایی دیواری می‌کشد که بیشتر از نقاشی‌های قرون وسطایی واقعی به نظر می‌رسند.

سال ۱۳۰۸ م
دانته آلیگیری نوشتن کمدی الهی را به زبان ایتالیایی، زبان مادری‌اش، و نه به زبان لاتین، آغاز می‌کند.

سال ۱۳۸۷ م
جفری چاسر نوشتن قصه‌های کنتربری را به زبان انگلیسی آغاز می‌کند.

سال ۱۴۱۶ م
دوناتلو، مجسمه‌ساز ایتالیایی، با ساختن مجسمه‌های بدون تکیه‌گاه، از جمله مجسمهٔ داود برهنه، شیوهٔ جدیدی را ابداع می‌کند.

سال ۱۴۵۳ م
قسطنطنیه به تسخیر ترک‌ها درمی‌آید؛ بسیاری از دانشمندان آن‌جا به ایتالیا فرار می‌کنند.

سال ۱۴۵۴ م
یوهان گوتنبرگ چاپ با حروف متحرک را تکمیل می‌کند. در سال ۱۴۷۶ م ویلیام ککستون در لندن به کار چاپ مشغول است.

سال‌های ۱۴۶۶ـ۱۵۳۶ م
دورهٔ زندگی اِراسموس. او پژوهش‌هایی را دربارهٔ عهدهای عتیق و جدید منتشر می‌کند.

سال ۱۴۷۸ م
لورنتسو دِ مدیچی فلورانس را مرکز هنر و دانش می‌کند. ساندرو بوتیچلی تابلوی پریماورا را نقاشی می‌کند.

سال ۱۵۰۸ م
میکل آنژ سقف نمازخانهٔ سیستین در واتیکان رم را نقاشی می‌کند.

سال ۱۵۱۳ م
نیکولو ماکیاولی ایتالیایی کتاب شهریار را که نظریه‌ای دربارهٔ حکومت است می‌نویسد.

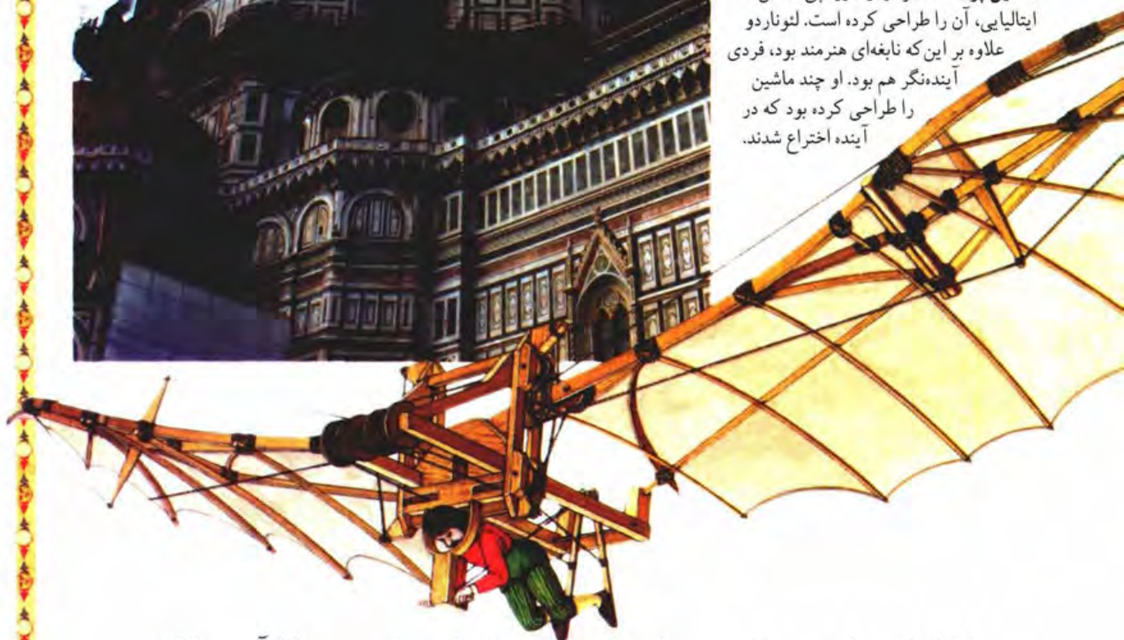
سال ۱۵۱۶ م
سر توماس مور کتاب مدینهٔ فاضله را می‌نویسد.

سال ۱۵۴۳ م
نیکولاوس کوپرنیک نظریهٔ خود را دربارهٔ منظومهٔ شمسی بیان می‌کند.

سال ۱۵۹۰ م
ویلیام شکسپیر مشغول نوشتن نمایشنامه‌هایی در انگلستان است.



گنبد بزرگ کلیسای جامع فلورانس در ایتالیا که فیلیپو برونللسکی، نخستین معمار بزرگ ایتالیای دورهٔ رنسانس، آن را طراحی کرده است. ساخت گنبد که در سال ۱۴۲۰ م آغاز شده بود، پس از شانزده سال به پایان رسید.



ماشین پرنده که لئوناردو داوینچی، نقاش ایتالیایی، آن را طراحی کرده است. لئوناردو علاوه بر این که نابغه‌ای هنرمند بود، فردی آینده‌نگر هم بود. او چند ماشین را طراحی کرده بود که در آینده اختراع شدند.

در اوایل قرن شانزدهم میلادی سه نقاش نابغه ـــ یعنی لئوناردو داوینچی، میکل‌آنژ و رافائل ـــ نیرو و واقع‌گرایی تازه‌ای به هنر بخشیدند. معماران ساختمان‌های جدید و زیبایی طراحی کردند که نشان‌دهندهٔ سبک‌های عالی یونان و روم باستان بود.

دورهٔ رنسانس با دانش فنی جدید نیروی بیشتری گرفت. چاپ با حروف متحرک که یوهانس گوتنبرگ در آلمان آن را ابداع کرد، کتاب‌ها را ارزان‌تر و فراوان‌تر در دسترس مردم قرار داد. به این ترتیب اندیشه‌های جدید را افراد بیشتری می‌خواندند. بعضی اندیشه‌های جدید مانند نظریهٔ کوپرنیک حیرت‌انگیز بود؛ طبق نظریهٔ او خورشید در مرکز منظومهٔ شمسی قرار داشت نه زمین.

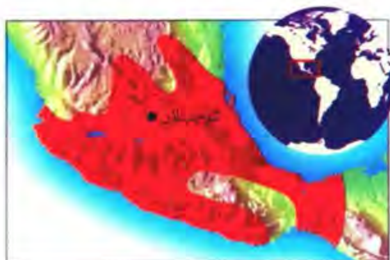


عالم جدید

در سال ۱۵۴۳م نیکولاوس کوپرنیک ستاره‌شناس لهستانی اندیشه‌ای را انتشار داد که شکل کل عالم را تغییر داد. او خورشید را مرکز عالم می‌دانست و نه زمین را. این اندیشه، نظریهٔ قدیمی بطلمیوس ستاره‌شناس یونانی قرن دوم ق.م و همچنین آموزه‌های کلیسای مسیحی را زیر سؤال برد.

آزتک‌ها و اینکاها

آزتک‌ها جنگجویانی سرسخت بودند. آن‌ها امپراتوری‌ای را تسخیر کردند که سراسر مکزیک را در بر می‌گرفت و در اوایل قرن شانزدهم میلادی در اوج قدرت بود و در میان کوه‌های پرو، خدا ـ امپراتور اینکاها، بر قلمرو پادشاهیِ بسیار منظمی فرمانروایی می‌کرد. سرانجام حملهٔ اسپانیایی‌ها به فرمانروایی این دو امپراتوری خاتمه داد.



بخش اصلی امپراتوری آزتک درهٔ حاصلخیز مکزیک بود که پایتخت، یعنی تنوچتیتلان، و بیشتر شهرهای اصلی در آن قرار داشت. این شهرها مراکز خرید و فروش پرجنب‌وجوشی داشتند که باعث پیشرفت آن‌ها شده بود. این امپراتوری در جنوب و شرق تا گواتمالای امروزی گسترش یافته بود.

تنوچتیتلان، پایتخت آزتک‌ها، در سال ۱۳۲۵م در جزیره‌ای در میان دریاچهٔ تکسکوکو (که اکنون محل شهر مکزیکو است) ایجاد شد. تنوچتیتلان شهری حصاردار با صد هزار نفر جمعیت بود. این جزیره از طریق گذرگاه‌هایی به سرزمین اصلی وصل می‌شد، و جزیره‌های کوچک‌تری برای کشت مواد غذایی ساخته شده بود. آزتک‌ها خورشید را می‌پرستیدند. هر سال کاهنان برای ایزد خورشید هزاران قربانی می‌کردند. آن‌ها اعتقاد داشتند با این کار محصول خوب و ثروت به دست می‌آورند. کشاورزان آزتک ذرت، لوبیا و گوجه‌فرنگی کشت می‌کردند، و بازرگانان در سراسر امپراتوری تجارت می‌کردند. طبقهٔ حاکم از جنگجویان بودند. هر جنگجو می‌بایست دست‌کم یک جنگجوی دشمن را برای قربانی کردن اسیر می‌کرد. مردمان مغلوب مجبور بودند مالیات‌هایی به امپراتور بپردازند.

در سال ۱۵۱۹م گروهی از اسپانیایی‌ها به فرماندهی ارناندو کورتز به آزتک‌ها حمله



رؤسای جنگجوی آزتک کلاه‌های پَردار بر سر می‌گذاشتند (پَر و پوست پلنگ در سراسر امپراتوری داد و ستد می‌شد). اما بیشتر مردم لباس‌های سادهٔ بافته‌شده از الیاف گیاهی می‌پوشیدند.

ایزدان و قربانی

یکی از دلایلی که آزتک‌ها به جنگ می‌رفتند، گرفتن اسیر برای قربانی کردن در راه ایزدان بود. آن‌ها معتقد بودند که قلب و خون قربانیان خوراکی مقوی برای ایزدان است. کاهنان با استفاده از چاقوهای مخصوص قربانی کردن، مانند چاقویی که در این‌جا نشان داده شده است، بدن قربانیان را می‌شکافتند. بر اساس تقویم مقدس ۲۶۰ روزه، قربانی کردن می‌بایست در روز مناسب برگزار می‌شد.



حدود سال ۱۲۰۰م
آزتک‌ها در درهٔ مکزیک ساکن می‌شوند.

سال ۱۲۰۰م
اینکاها بر همسایگان خود در سراسر ناحیهٔ آند غلبه می‌کنند.

سال ۱۳۲۵م
تاریخ روایی تأسیس شهر تنوچتیتلان.

سال ۱۴۳۸م
امپراتوری اینکا تحت فرمانروایی پاچاکوتی، نهمین شاه اینکا، آغاز می‌شود.

سال‌های ۱۴۴۰ـ۱۴۶۹م
سلطنت مونتزومای اول. امپراتوری آزتک گسترش می‌یابد.

سال‌های ۱۴۵۰ـ۱۵۰۰م
امپراتوری اینکا تحت فرمانروایی توپا اینکا و پسرش اواینا کاپاک، از پرو تا بولیوی، شیلی، اکوادور و کلمبیای امروزی گسترش می‌یابد.

سال ۱۵۰۰م
آزتک‌ها بر بیش از ده میلیون نفر فرمانروایی می‌کنند.

سال ۱۵۰۲م
مونتزومای دوم امپراتور آزتک‌ها می‌شود.

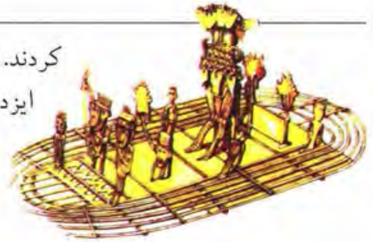
سال ۱۵۱۹م
اسپانیایی‌ها به فرماندهی ارناندو کورتز به طرف تنوچتیتلان پیشروی می‌کنند.

سال ۱۵۲۰م
آزتک‌ها برضد مهاجمان اسپانیایی قیام می‌کنند. مونتزوما زخمی می‌شود و می‌میرد.

سال ۱۵۲۱م
کورتز و افرادش طی حمله‌ای تنوچتیتلان را تسخیر می‌کنند. امپراتوری آزتک‌ها پایان می‌یابد.

سال ۱۵۲۷م
مرگ امپراتور اواینا کاپاک. جنگ داخلی آغاز می‌شود.

سال ۱۵۳۲م
فرانسیسکو پیثارو به اینکاها حمله می‌کند و کوسکو را تسخیر می‌کند.



قایقی طلا که ال دورادو، فرمانروای افسانه‌ای را نشان می‌دهد. گفته می‌شود هر سال روی بدنش گرد طلا می‌پاشیدند. این‌گونه قصه‌ها مهاجمان اروپایی را برای به دست آوردن طلا حریص می‌کرد.

کردند. امپراتور مونتزومای دوم که معتقد بود کورتز ایزد کوئتزالکواتل است، از آن‌ها استقبال کرد، اما آن‌ها امپراتور را اسیر کردند. نیزه‌ها و چماق‌های آزتک‌ها حریف تفنگ‌های اسپانیایی‌ها نشدند، و در سال ۱۵۲۱ م امپراتوری آزتک به پایان رسید.

اینکاها جانشین پادشاهی چیمو از فرمانروایان ناحیهٔ آند در آمریکای جنوبی شدند. تمدن آن‌ها در قرن پانزدهم میلادی تحت فرمانروایی پاچاکوتی به اوج قدرت رسید.



اینکاها با فرستادن پیغام‌هایی به صورت کویی‌پوها (ریسمان‌های گره‌زده) به وسیلهٔ دونده‌های تندرو با سرزمین‌های دور ارتباط برقرار می‌کردند. یک پیغام بیش از دویست کیلومتر را در طول یک روز در شبکه‌ای از جاده‌های سنگفرش‌شده طی می‌کرد.

پاچاکوتی شیوهٔ ادارهٔ پادشاهی را اصلاح کرد. او اداره‌ای مرکزی برای نظارت بر ساخت شهرها و کار در کشتزارها و کارگاه‌ها ایجاد کرد. او و جانشینانش امپراتوری اینکا را از پایتخت خود، یعنی کوسکو، تا بخش‌هایی از شیلی، بولیوی و اکوادور گسترش دادند.

اینکاها در ساخت شهرهای سنگی و جاده‌های عالی که بازرگانان در آن‌ها رفت و آمد می‌کردند مهارت داشتند. از آن‌جا که اینکاها از پول استفاده نمی‌کردند، کالاها را به صورت پایاپای مبادله می‌کردند. کشاورزان ذرت، کتان و سیب‌زمینی را در کشتزارهای پلکانی روی شیب کوه‌ها می‌کاشتند. اینکاها در پل‌سازی و پزشکی نیز مهارت بسیاری داشتند، هرچند آن‌ها هیچ‌گاه خط یا چرخ را ابداع نکردند.

در سال ۱۵۲۵ م امپراتوری اینکا به بیشترین وسعت خود رسید. ولی در سال ۱۵۲۷ م، پس از آن‌که امپراتور اواینا کاپاک درگذشت، امپراتوری میان دو پسر او تقسیم شد و جنگ داخلی درگرفت. در دههٔ ۱۵۳۰ م اسپانیایی‌ها به فرماندهی فرانسیسکو پیثارو، در جستجوی طلا، وارد سرزمین اینکاها شدند. این اروپاییان تحت تأثیر کاخ‌ها و معبدهای کوسکو و قلعهٔ ساکساهوامان قرار گرفتند. این قلعه از سنگ‌های بزرگی ساخته شده بود که بدون هیچ ملاطی به یکدیگر وصل شده بودند.

اسپانیایی‌ها تعدادشان کمتر بود، اما اسب و تفنگ داشتند. پیثارو در سال ۱۵۳۲ م آتاهوالپا فرمانروای اینکاها را اسیر کرد و در مقابل آن خواستار یک اتاق پر از طلا و دو اتاق پر از نقره شد. اینکاها برای آزادی امپراتور این باج را پرداختند، اما آتاهوالپا کشته شد. سپاه اینکاها به‌سرعت شکست خورد، هرچند مقاومت در برابر فرمانروایی اسپانیایی‌ها تا سال ۱۵۷۲ م ادامه یافت.



تعداد اسپانیایی‌ها کمتر از اینکاها بود. ولی آن‌ها اسب، زره و تفنگ داشتند. بسیاری از اینکاها شجاعانه جنگیدند، اما با کشته شدن شاهشان به‌سرعت شکست خوردند.

سفرهای اکتشافی دریایی

در اواخر قرن پانزدهم میلادی اروپاییان جستجو در اقیانوس‌ها را آغاز کردند. آن‌ها در کشتی‌های مستحکمی که سفرهای دریایی طولانی آن‌ها را تضمین می‌کرد، به دنبال تجارت، گنج و سرزمین‌های جدید رفتند. سفرهای دریایی اروپاییان را در غرب به قارهٔ آمریکا و در شرق به آسیا رساند.



کاوشگران اروپایی با کشتی‌هایی به نام کاراک که سه دکل و بادبان‌های چهارگوش داشتند سفر می‌کردند. سانتا ماریا کشتی کریستوف کلمب احتمالاً به این شکل بوده است.

پس از این‌که امپراتوری بیزانس در سال ۱۴۵۳م به دست ترکان عثمانی افتاد، راه‌های قدیمی تجارت زمینی میان اروپا و آسیا بسته شد. اروپاییان که نگران از دست دادن ادویه بودند، که از آن برای معطر کردن غذایشان استفاده می‌کردند، ناچار بودند راه جدیدی برای رسیدن به هند و جزایر اندونزی پیدا کنند. این نیاز، همراه با حس کنجکاوی و روحیهٔ ماجراجویی، اروپاییان را روانهٔ دریا کرد.

پرتغال نخستین کشوری بود که کاوش دریایی را آغاز کرد. فرمانروای پرتغال، هانری دریانورد، علاقهٔ زیادی به کشتی‌سازی و دریانوردی داشت. او دریانوردانش را به غرب به سوی اقیانوس اطلس و به جنوب برای کاوش در امتداد ساحل غربی آفریقا فرستاد. او برای محافظت از راه‌های تجاری، قلعه‌هایی در امتداد ساحل آفریقا ساخت و به تجارت طلا و عاج پرداخت. پس از پرتغالی‌ها دریانوردان اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی و انگلیسی وارد عرصه شدند. بعضی ماجراجویان، مانند کریستوف کلمب، به مناطق دورتر غرب رفتند، و سرانجام



قطب‌نما



اسطرلاب



دریانوردان برای نگه داشتن کشتی‌های خود در موقعیت درست نسبت به خورشید و ستارگان، از ابزارهای ساده‌ای از قبیل اسطرلاب و فاصله‌یاب استفاده می‌کردند. قطب‌نمای مغناطیسی جهت شمال را نشان می‌داد، اما همیشه قابل اعتماد نبود.



سال ۱۴۱۹ م
پرتغالی‌ها با کشتی به جزایر مادئیرا می‌روند.

سال ۱۴۳۱ م
پرتغالی‌ها به جزایر آزور می‌رسند.

سال ۱۴۸۸ م
بارتولومئو دیاز پرتغالی به کاوش در ساحل غربی آفریقا می‌پردازد و دماغهٔ امید نیک را دور می‌زند.

سال ۱۴۹۲ م
کریستوف کلمب ایتالیایی، گروه اعزامی اسپانیا را به قارهٔ آمریکا فرماندهی می‌کند.

سال ۱۴۹۴ م
اسپانیا و پرتغال طبق معاهدهٔ توردسیلاس، قارهٔ آمریکا را میان خود تقسیم می‌کنند.

سال ۱۴۹۷ م
جان کبوت ایتالیایی که در خدمت انگلستان است با کشتی به کانادا می‌رود.
واسکو دو گاما، کاوشگر پرتغالی، با ناوگان خود آفریقا را دور می‌زند و به هند می‌رود.

سال ۱۴۹۹ م
آمریگو وسپوتچی ایتالیایی با کشتی به آمریکای جنوبی می‌رود.

سال ۱۵۰۰ م
پدرو آلوارز کابرال از پرتغال با کشتی به برزیل می‌رود.

سال ۱۵۰۹ م
اسپانیایی‌ها به‌تدریج در قارهٔ آمریکا ساکن می‌شوند.

سال ۱۵۱۳ م
واسکو نونز دِ بالبوا، کاوشگر اسپانیایی، نخستین اروپایی است که اقیانوس آرام را می‌بیند.

سال ۱۵۱۷ م
بازرگانان پرتغالی به چین می‌روند.

سال ۱۵۲۲ م
نخستین سفر دریایی به دور دنیا را فردیناند ماژلان، از کشتی‌رانان اسپانیایی، کامل می‌کند.

سال ۱۵۲۴ م
جووانی دا ورازانوی ایتالیایی به جستجوی گذرگاهی در شمال غرب اروپا برای رفتن به آسیا می‌پردازد.



حیرت‌زده به قارهٔ آمریکا رسیدند، در حالی که نمی‌دانستند قارهٔ آمریکا وجود دارد!

پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها به‌تدریج در آمریکا ساکن شدند، آن را غارت کردند، و سرانجام آن‌جا را بر طبق معاهده‌ای میان خود تقسیم کردند. در سال ۱۵۱۷ م پرتغالی‌ها به ساحل چین رسیدند (آن‌ها با کشتی به طرف شرق رفتند و با دور زدن آفریقا به طرف هند و مناطق دورتر رفتند). آن‌ها تقریباً سی سال بعد به ژاپن رسیدند.

کشتی‌های کاوشگران کوچک بود، اما از کشتی‌های بدساخت قرون وسطی برای دریانوردی مناسب‌تر بود. در این کشتی‌ها برای حرکت آسان‌تر و جابه‌جایی بیشتر، از ترکیبی از بادبان‌های چهارگوش و رومی (سه‌گوش) استفاده می‌کردند. دریانوردان برای هدایت کشتی‌ها در سفرهای دریایی که چندین ماه طول می‌کشید، فقط نقشه‌هایی ابتدایی و ابزارهایی ساده داشتند. در سال ۱۵۱۹ م فردیناند ماژلان، ناخدای پرتغالی، از اسپانیا با پنج کشتی به راه افتاد. کشتی‌ها پس از دور زدن آمریکای جنوبی، از میان اقیانوس آرام به سمت فیلیپین (که در آن‌جا ماژلان کشته شد) رفتند و از میان اقیانوس هند به طرف آفریقا حرکت کردند. فقط یک کشتی به فرماندهی سباستین دل کانو به وطنشان اسپانیا رسید، و نخستین کشتی‌ای بود که به دور دنیا سفر کرد.

فلفل

گوجه‌فرنگی

خوراکی‌های دنیای جدید
کاوشگران اروپایی علاوه بر طلا و نقره، خوراکی‌های جدیدی از قارهٔ آمریکا آوردند. سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی و فلفل، گیاهان بومی آمریکا بودند که پیش از سال ۱۵۰۰ م در اروپا ناشناخته بودند. گوجه‌فرنگی در آغاز خوراکی تجملی بود که فقط در مهمانی‌های ثروتمندان آورده می‌شد. کاکائو که از درخت کاکائو به دست می‌آید، نخستین بار در سال ۱۵۲۰ م از مکزیک به اسپانیا آورده شد. توتون، بوقلمون و ذرت نیز از دنیای جدید آورده شدند.

سیب‌زمینی



سفرهای اکتشافی دریایی برای اروپاییان آشکار کرد که جهان بزرگ‌تر از آن است که بسیاری از جغرافی‌دانان باستان گمان کرده بودند. دریانوردان اقیانوس‌هایی را پیمودند و با اقوامی آشنا شدند که تا پیش از آن برای اروپاییان ناشناخته بودند.

اسپانیا و پرتغال

اسپانیا در قرون وسطی میان پادشاهی‌های مسیحی و مسلمان تقسیم شد. پس از چندین جنگ، دو پادشاه اروپایی به فرمانروایی مسلمانان در اسپانیا خاتمه دادند: فردیناند شاه آراگون، و ایزابلا ملکهٔ کاستیل.



فیلیپ دوم از سال ۱۵۵۶ تا سال ۱۵۹۸ م بر اسپانیا فرمانروایی کرد. او که کاتولیکی مؤمن بود، آرزوی امپراتوری‌ای کاتولیک به رهبری اسپانیا را داشت که اروپا و آمریکا را نیز در بر گیرد.

در سال ۱۴۶۹ م فردیناند و ایزابلا ازدواج کردند، و دو پادشاهی قدرتمند مسیحی اسپانیا را متحد کردند. در سال ۱۴۹۲ م نیروهای آن‌ها غرناطه، آخرین پایگاه مسلمانان در اسپانیا را تصرف کردند. فرمانروایان جدید در مورد سایر دین‌ها سختگیر بودند و دادگاه تفتیش عقاید اسپانیا را برپا کردند تا هم بدعت‌گذاران را تعقیب کنند، هم مسیحیانی را که اعتقاداتی متفاوت با کلیسای کاتولیک رومی داشتند، و هم مردم سایر دین‌ها مانند یهودیان را.

در قرن شانزدهم میلادی اسپانیا قدرتمندترین کشور اروپا بود. سپاه آن در جنگ‌های بسیاری در اروپا (از جمله با هلندی‌ها) شرکت کرد. نیروی دریایی آن هم تجارت پرسود طلا و نقره در امپراتوری جدید اسپانیا در قارهٔ آمریکا را در دست داشت.

قدرت اسپانیا در دوران سلطنت شارل اول (سال‌های ۱۵۱۶ـ۱۵۵۶ م) به اوج خود رسید. او در سال ۱۵۱۹ م امپراتور روم شد، که سلطهٔ او را بر سرزمین‌هایی در آلمان، اتریش و هلند و همچنین بخش‌هایی از فرانسه و ایتالیای امروزی در پی داشت.



کاترین آراگون (سال‌های ۱۴۸۵ـ۱۵۳۶ م) دختر شاه فردیناند و ملکه ایزابلای اسپانیا بود. او در سال ۱۵۰۹ م نخستین همسر از شش همسر هنری هشتم، شاه انگلستان، شد.



در اوایل قرن پانزدهم م اسپانیا هنوز پادشاهی متحدی نبود. آراگون و کاستیل قدرتمندترین پادشاهی‌های مسیحی بودند، در حالی که غرناطه تحت فرمانروایی امیران مسلمان بود.

سال ۷۱۱ م
مسلمانان به جنوب اسپانیا (که پرتغال را هم شامل می‌شد) حمله می‌کنند.

اوایل قرن یازدهم میلادی
حکومت مرکزی مسلمانان در اسپانیا دستخوش جنگ داخلی می‌شود.

سال ۱۱۴۳ م
پرتغال استقلال خود را از کاستیل به دست می‌آورد.

اواخر قرن سیزدهم میلادی
غرناطه تنها پادشاهی مسلمانان در اسپانیا باقی می‌ماند.

سال ۱۴۶۹ م
آراگون و کاستیل به پادشاهی واحدی تبدیل می‌شوند.

سال ۱۴۹۲ م
مسلمانان وادار به خروج از غرناطه می‌شوند. یهودیان از اسپانیا اخراج می‌شوند. کریستوف کلمب با کشتی به قارهٔ آمریکا می‌رود.

سال ۱۵۱۲ م
فردیناند ناوار را تصرف می‌کند تا وحدت اسپانیا را کامل کند.

سال ۱۵۲۱ م
اسپانیا امپراتوری آزتک در مکزیک را تسخیر می‌کند.

سال ۱۵۳۵ م
اسپانیا امپراتوری اینکا در پرو را تسخیر می‌کند.

سال ۱۵۵۶ م
فیلیپ دوم شاه اسپانیا می‌شود.

سال ۱۵۶۵ م
اسپانیا فیلیپین را مستعمره می‌کند.

سال ۱۵۶۸ م
جنگ در هلندِ اسپانیا آغاز می‌شود.

سال ۱۵۷۱ م
جنگ لپانتو: اسپانیا و اتریش یکی از ناوگان‌های عثمانی را شکست می‌دهند.

سال ۱۵۸۰ م
اسپانیا پرتغال را تسخیر می‌کند و تا سال ۱۶۴۰ م حکومت آن‌جا را در دست دارد.

سال ۱۵۸۸ م
ناوگان اسپانیا برای حمله به انگلستان اعزام می‌شود، اما شکست می‌خورد.



کریستوف کلمب برای سفر دریایی خود به طرف غرب ناگزیر بود حمایت شاه فردیناند و ملکه ایزابلا را به دست آورد. او که گمان می‌کرد اقیانوس اطلس کم‌عرض است، در سال ۱۴۹۲ م رهسپار آن‌جا شد.



خط عربی روی سنگ‌کاری اسپانیایی. مسلمانان میراث ارزشمندی از معماری در شهرهایی از قبیل غرناطه و قرطبه در جنوب اسپانیا باقی گذاشتند.

با مرگ او سرزمین‌هایش میان پسرش فیلیپ دوم (که بر اسپانیا، هلند و مستعمرات اسپانیا در قارهٔ آمریکا فرمانروایی می‌کرد) و برادرش فردیناند (که امپراتور روم شد) تقسیم شد.

امپراتوری اسپانیا در سال ۱۵۸۰م پرتغال را جزو خاک خود کرد. پرتغال پیشرو اروپاییان در اکتشافات دریایی بود. دریانوردان پرتغالی راه‌های تجاری جدیدی به سوی آسیا باز کرده بودند. پرتغالی‌ها در گذشته بر امپراتوری آن سوی دریاها سلطه داشتند؛ این امپراتوری بخش‌های بزرگی از سواحل شرقی و غربی آفریقا، برزیل و هند، و همچنین مراکز تجاری از قبیل گوا در هند، ماکائو در چین و جزایر بسیار در جنوب شرق آسیا را شامل می‌شد.



هانری دریانورد

هانری، شاه پرتغال (سال‌های ۱۳۹۴ـ۱۴۶۰ م)، علاقهٔ زیادی به کاوش داشت. او دریانوردان، کشتی‌سازان و نقشه‌کش‌ها را گرد هم می‌آورد تا سفرهای دریایی به جزایر مادئیرا و سواحل جنوبی آفریقا را طراحی کنند. در این سفرهای دریایی کاراک‌ها (کشتی‌های سه‌دکلهٔ بزرگی که بادبان‌های چهارگوش و سه‌گوش داشتند) و کاراول‌ها (تصویر بالا) به کار گرفته می‌شدند. کاراول‌ها کشتی‌های بادبانی سبکی بودند که در قرن پانزدهم میلادی پدیدار شدند. آن‌ها در زمان خود جزو کشتی‌های تندرو بودند و احتمالاً در بسیاری از سفرهای اکتشافی دریایی، از جمله سفر کریستوف کلمب به قارهٔ آمریکا، از آن‌ها استفاده شده است.



یادمان اکتشافات در لیسبون در سال ۱۹۶۰م به مناسبت یادبود پانصدمین سالگرد درگذشت هانریِ دریانورد برپا شد. در جلوی یادمان، هانری با در دست داشتن نمونه‌ای از کشتی کاراول نشان داده شده است.

امپراتوری‌های آفریقایی

آفریقا قارهٔ پادشاهی‌ها و امپراتوری‌های بسیاری بوده است. ثروتمندترین فرمانروایان آفریقایی تجارت طلا، عاج و برده را در اختیار داشتند ــ کالاهایی که در سال ۱۵۰۰م توجه بازرگانان اروپایی را به خود جلب می‌کرد.





پادشاهی‌های آفریقایی در حدود سال‌های ۱۴۰۰ـ۱۶۰۰م. به این دلیل که حمل و نقل در بیشتر بخش‌های آفریقا دشوار بود آفریقایی‌ها با اروپایی‌ها و آسیایی‌ها (که از راه دریا با آن‌ها تجارت می‌کردند) بیش از دولت‌های آفریقایی ارتباط داشتند.

بازرگانان پرتغالی که با کشتی به ساحل غربی آفریقا می‌رفتند، داستان‌هایی دربارهٔ پادشاهی‌های شگفت‌انگیز مرکز آفریقا می‌شنیدند. قدرتمندترین آن‌ها سُنغای نام داشت، که سلسله‌ای مسلمان بود و تجارت سراسر صحرای شمال آفریقا را در دست داشت. در سال ۱۴۶۴م شاه سُنّی علی سُنغای را از سلطهٔ امپراتوری مالی آزاد کرد و مرزهای آن را گسترش داد. سلسلهٔ جدید سُنغای را در سال ۱۴۹۳م اَسکیا محمد اول بنیان‌گذاری کرد. او از شهرهای تجاری جنّه و تیمبوکتو ثروت زیادی به دست آورد. فرمانروایی سُنغای تا سال ۱۵۹۱م ادامه داشت؛ در این زمان سپاه سُنغای از نیروهای مراکشی که تفنگ داشتند شکست خورد.

امپراتوریِ مسلمان دیگر، کانم‌ـبورنو بود که بخش‌هایی از چاد، کامرون، نیجریه، نیجر و لیبی امروزی را در بر می‌گرفت. کانم‌ـبورنو از راه تجارت میان شمال و جنوب آفریقا پیشرفت کرد. این امپراتوری در حدود سال ۱۵۷۰م تحت فرمانروایی ادریس آلاوما به اوج خود رسید.



مسیحیان اتیوپی برای ساختن کلیساهای صلیبی‌شکل خود، صخره‌های محکم را می‌تراشیدند و داخل آن‌ها را خالی می‌کردند. پانزده کلیسای صخره‌ای در لالیبلا (بعدها روها نامیده شد)، پایتخت امپراتوری اتیوپی در قرن سیزدهم میلادی، به جا مانده است.

قرن چهاردهم میلادی
فرمانروایان اروپایی می‌کوشند با پرستر جان افسانه‌ای ارتباط برقرار کنند.
سال ۱۳۳۵ م
سلسلهٔ سُنغای تأسیس می‌شود.
سال ۱۳۴۱ م
سلیمان تا سال ۱۳۶۰ م شاه مالی است.
دهۀ ۱۴۳۰ م
پرتغالی‌ها کاوش خود را در امتداد سواحل غربی آفریقا آغاز می‌کنند.
دهۀ ۱۴۶۰ م
کاوشگران پرتغالی از پادشاهی بنین عاج، فلفل، روغن نخل و برده می‌خرند.
سال ۱۴۶۴ م
سُنغای از سلطهٔ مالی خارج می‌شود.
سال ۱۴۶۸ م
سنّی علی، تیمبوکتو را تسخیر می‌کند.
از دهۀ ۱۴۸۰ م
بازرگانان پرتغالی قلعه‌هایی به عنوان پایگاهی برای تجارت با فرمانروایان آفریقایی می‌سازند.
سال ۱۴۸۸ م
بارتولومئو دیاز کاوشگر پرتغالی دماغهٔ امید نیک را دور می‌زند.
سال ۱۴۹۳ م
سُنغای در اوج قدرت است. اَسکیا محمد اول زمام امور امپراتوری مندینگو را به دست می‌گیرد.
سال ۱۵۰۶ م
آلفونسوی اول، نخستین پادشاه مسیحی کنگو.
سال ۱۵۱۱ م
کاوشگری پرتغالی به زیمبابوهٔ بزرگ وارد می‌شود که در این زمان رو به زوال است.
سال ۱۵۲۰ م
مأموریت پرتغالی‌ها در اتیوپی (تا سال ۱۵۲۶ م به طول می‌انجامد).
حدود سال ۱۵۳۰ م
تجارت برده از آفریقا به قارهٔ آمریکا آغاز می‌شود.
سال ۱۵۹۱ م
سُنغای از مراکشی‌ها، که سربازان اسپانیایی و پرتغالی به آن‌ها کمک می‌کنند، شکست می‌خورد.

در شمال شرق آفریقا امپراتوری مسیحی اتیوپی قرار داشت. اروپاییان دربارهٔ پرستر جان، فرمانروای افسانه‌ای آن‌جا، داستان‌هایی شنیده بودند. مردم آن‌جا از راه کشاورزی و گاوداری زندگی می‌کردند.

در سال ۱۴۵۰ م زیمبابوهٔ بزرگ در جنوب آفریقا به بیشترین وسعت خود رسیده بود. زیمبابوهٔ بزرگ که در طول چهارصد سال شکل گرفته بود، احتمالاً پایگاه سلطنتی مشرف بر دره‌ای بود که تا بیست هزار نفر در آن‌جا ساکن بودند. این ناحیه در میان حصارهایی عظیم و برجی بلند قرار داشت. مردمی که در این پادشاهی ثروتمند زندگی می‌کردند، مس و آهن به کار می‌بردند، و با ناحیهٔ سوفالا در ساحل شرقی (موزامبیک امروزی) به تجارت طلا می‌پرداختند. با این حال، در سال ۱۵۰۰ م تمدن زیمبابوهٔ بزرگ رو به افول رفت، و مردم آن‌جا را ترک کردند.

پرستر جان

مسافران دربارهٔ پرستر («کشیش») جان، مسیحی ثروتمند افسانه‌ای اتیوپی، داستان‌هایی نقل می‌کردند. در یکی از این داستان‌ها آمده است که او آینه‌ای جادویی داشت و هر اتفاقی را که در امپراتوری‌اش می‌افتاد می‌توانست در آن ببیند. در داستانی دیگر از مورچه‌های غول‌پیکری سخن گفته شده است که برای خزانهٔ او طلا استخراج می‌کردند.



تیمبوکتو در حاشیهٔ جنوبی صحرای شمال آفریقا، مرکز تجارت طلا و نمک بود و بازرگانان از مناطق دوری چون مراکش برای خرید پارچه و اسب به آن‌جا می‌آمدند. دانشمندان مسلمان شهر، طرف مشورت اَسکیا محمد اول، فرمانروای امپراتوریِ سُنغای، بودند.

اصلاحات



اصلاحات نهضتی اعتراضی برای اصلاح کلیسای کاتولیک بود. اصلاحات در زمانی اتفاق افتاد که انسان‌گرایی مورد توجه و علاقهٔ مردم قرار گرفت. انسان‌گرایی اعتقاد به این نکته بود که انسان‌ها اختیار سرنوشت خود را دارند. اصلاحگران با آگاهی از افزایش نارضایتی از روش ادارهٔ کلیسای مسیحی غربی، از شکل‌های جدیدی از عبادت سخن می‌گفتند که رابطهٔ جدیدی میان مردم، کلیسا و خدا ایجاد می‌کرد.

مارتین لوتر معتقد بود که مردم تنها از راه ایمان رستگار می‌شوند، اساس کتاب مقدس اساس ایمان است، مراسم مذهبی و عبادت کلیسا باید به زبان مردم هر منطقه باشد، نه به زبان لاتین.

در سال ۱۵۱۷ م مارتین لوتر که راهبی آلمانی بود، با دیدن فساد کلیسا آشکارا به آن اعتراض کرد و خواستار اصلاحات شد. مبارزات او منجر به پیدایش نهضتی مذهبی معروف به اصلاحات شد. اندیشه‌های او را سایر اصلاحگران در سراسر اروپا، از قبیل اولریش تسوینگلی در سویس و ژان کالوَن در فرانسه، حمایت کردند و گسترش دادند. این امر منجر به تشکیل کلیسای پروتستان («اعتراض‌کننده») شد.

صنعت چاپ موجب شد این اندیشه‌ها در همه‌جا منتشر شود. کتاب مقدس که قبلاً فقط به زبان لاتین



اسپانیا در سال ۱۵۸۸ م
برای برقراری دوبارهٔ حاکمیت کاتولیک‌ها در انگلستان، ناوگان خود را به آن‌جا فرستاد. حملهٔ رزمناو انگلیسی در نزدیکی‌های کاله که مواد منفجره با خود حمل می‌کرد باعث شد تا حملهٔ طراحی‌شدهٔ اسپانیایی‌ها به شکست بینجامد. سرانجام ناوگان بزرگ اسپانیا به علت طوفان‌های اطراف سواحل شمال بریتانیا در هم شکست.



سال ۱۴۹۸ م
ساوونارولا، راهبی ایتالیایی که از اصلاح کلیسا طرفداری می‌کرد، در فلورانس در آتش سوزانده می‌شود.

سال ۱۵۱۷ م
مارتین لوتر در اعلامیهٔ خود ۹۵ استدلال در انتقاد از کلیسای کاتولیک می‌نویسد و آن را بر در کلیسایی در ویتنبرگ در آلمان نصب می‌کند. این کار او آغاز اصلاحات است.

سال ۱۵۱۹ م
اولریش تسوینگلی اصلاحات را در سویس آغاز می‌کند.

سال ۱۵۲۱ م
لوتر از کلیسا اخراج می‌شود.

سال ۱۵۳۲ م
ژان کالوَن نهضت پروتستان را در فرانسه آغاز می‌کند.

سال ۱۵۳۴ م
ایگناتیوس لویولا فرقهٔ یسوعی‌ها را بنیان‌گذاری می‌کند. هنری هشتم رئیس کلیسای انگلستان می‌شود.

سال ۱۵۳۶ م
صومعه‌ها در انگلستان از میان می‌روند.

سال ۱۵۴۱ م
جان ناکس اصلاحات را به اسکاتلند می‌برد.

سال ۱۵۴۹ م
کتاب دعای جدیدی، با نام کتاب دعای عمومی، در انگلستان رواج می‌یابد.

سال ۱۵۶۲ م
جنگ‌های مذهبی در فرانسه میان کاتولیک‌ها و هوگنوها (پروتستان‌ها).

سال ۱۵۶۸ م
هلندی‌های پروتستان در برابر فرمانروایی اسپانیایی‌ها قیام می‌کنند.

سال ۱۵۸۱ م
هلند استقلال خود را از اسپانیا اعلام می‌کند. این استقلال را اسپانیا تا سال ۱۶۴۸ م به رسمیت نمی‌شناسد.

سال ۱۵۸۸ م
شکست ناوگان اسپانیا (آرمادا) در فاصله‌ای دور از ساحل بریتانیا.

سال ۱۵۹۸ م
فرمان نانت به پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در فرانسه حقوق مساوی می‌دهد.



ژان کالوَن، اصلاحگر مذهبی، در فرانسه به دنیا آمد. او معتقد بود که فقط افراد برگزیده از سوی خدا از بدبختی نجات خواهند یافت. اصلاحات او به عنوان «کالونیسم» شناخته شد.

(زبان دانشمندان) در دسترس بود، برای این‌که همهٔ مردم آن را بخوانند به زبان‌های بومی ترجمه شد. بعضی فرمانروایان از نارضایتی مردم از کلیسا برای پیشبرد هدف‌های خود استفاده می‌کردند. مثلاً، هنری هشتم شاه انگلستان می‌خواست کاترینِ آراگون را طلاق دهد. هنگامی که پاپ با طلاق او موافقت نکرد، هنری از کلیسای کاتولیکِ رومی جدا شد و راه خود را در پیش گرفت.



شاه هنری هشتم خود را رهبر کلیسای انگلستان خواند. هنری با وجود درگیری با پاپ، بر سر جدا شدنش از کاترین آراگون، همیشه خود را کاتولیک به شمار می‌آورد.

کلیسای کاتولیک در سال ۱۵۴۵ م با نهضتی معروف به ضداصلاحات، به جنگ متقابل دست زد. کلیسای کاتولیک کشیشان یسوعی را برای مبارزه با گسترش آیین پروتستان و دعوت مردم امپراتوری اسپانیا به آیین کاتولیک به همه‌جا می‌فرستاد. اختلاف میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپای غربی منجر به جنگ‌های زیادی شد به طوری که کشورها با اتحاد در گروه‌های مذهبی جدید با یکدیگر جدال می‌کردند. کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در سراسر اروپا، اغلب با بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ها، یکدیگر را شکنجه می‌کردند و آزار می‌دادند.



عثمانی‌ها و صفویان



فتح قسطنطنیه به دست عثمانی‌ها در سال ۱۴۵۳م را آغاز دوران طلایی ترکان دانسته‌اند. ترکان عثمانی بر شرق دریای مدیترانه و خاورمیانه سلطه داشتند و سپاهیان آن‌ها همواره از طرف غرب، اروپاییان را تهدید می‌کردند. آن‌ها همچنین با صفویان، رقیبان مسلمان خود در ایران، جنگ‌های زیادی کردند.

سلیمان اول امپراتوری عثمانی را به قدرتی مورد احترام و ترسناک تبدیل کرد. اروپاییان او را سلیمان شکوهمند می‌نامیدند.

ترکان عثمانی پس از تصرف قسطنطنیه نام جدید استانبول را روی این شهر گذاشتند و آن‌جا را مرکز امپراتوری اسلامی خود کردند که در اوج خود، سرزمین‌های شرق دریای مدیترانه را در بر می‌گرفت. بیشتر فتوحات عثمانی در دوران فرمانروایی سلیمان اول (سال‌های ۱۵۲۰ـ۱۵۶۶م) صورت گرفت. ترک‌ها به ایران حمله کردند، بغداد را تصرف کردند، بر جزیرهٔ رودس سلطه یافتند و از رود دانوب عبور کردند و به مجارستان رفتند و در آن‌جا در سال ۱۵۲۶م در جنگ موهاچ پیروز شدند.

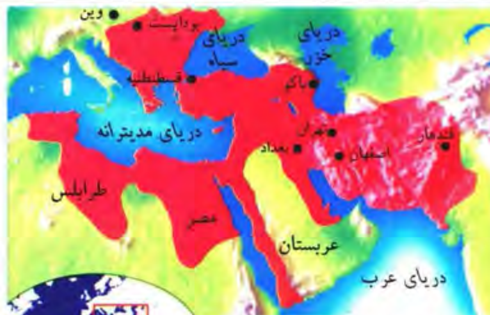
در سال ۱۵۲۹م، سپاه عثمانی پشت دیوارهای شهر وین بود و خطر حملهٔ آن‌ها



سال ۱۲۸۸ م
عثمان فرمانروای ترکان عثمانی می‌شود.
سال ۱۴۰۲ م
تیمور لنگ تا زمان مرگش در سال ۱۴۰۵ م بر بیشتر خاک امپراتوری عثمانی فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۴۵۳ م
قسطنطنیه به تصرف عثمانی‌ها درمی‌آید. آن‌ها نام جدید استانبول را روی آن می‌گذارند.
سال ۱۵۰۱ م
شاه اسماعیل اول سلسلهٔ صفوی را در ایران بنیان می‌گذارد.
سال ۱۵۱۶ م
ترکان عثمانی با شکست دادن مملوک‌ها، مصر را تسخیر می‌کنند.
سال ۱۵۲۰ م
سلیمان اول سلطان امپراتوری عثمانی می‌شود.
سال ۱۵۲۶ م
جنگ موهاچ در مجارستان به پیروزی ترک‌ها می‌انجامد.
سال ۱۵۲۹ م
ترک‌ها وین را محاصره می‌کنند اما موفق به تسخیر شهر نمی‌شوند.
سال ۱۵۳۴ م
ترک‌ها تونس، بغداد و بین‌النهرین را تسخیر می‌کنند.
سال ۱۵۶۵ م
ترک‌ها به مالت حمله می‌کنند، اما به دست شهسواران ژان قدیس عقب رانده می‌شوند.
سال ۱۵۷۱ م
جنگ لپانتو. دون خوان اتریشی ناوگان عثمانیِ تحت فرماندهی علی پاشا را نابود می‌کند.
حدود سال ۱۶۰۰ م
امپراتوری عثمانی ضعیف می‌شود و سرانجام در سال ۱۹۱۸ م از هم می‌پاشد.
سال ۱۶۸۵ م
ترک‌ها وین را محاصره می‌کنند اما باز موفق به تسخیر شهر نمی‌شوند.

به اروپای غربی وجود داشت. اما آن‌ها از محاصرهٔ وین دست کشیدند و اروپا از خطر نجات یافت. ولی کشتی‌های جنگی عثمانی همچنان بر دریای مدیترانه سلطه داشتند. دزدان دریایی ترک، از قبیل بارباروسای وحشی (خیرالدین پاشا)، به بندرها حمله می‌کردند، کشتی‌های تجاری را تصرف می‌کردند و مسیحیان را به بردگی می‌بردند. در سال ۱۵۷۱ م، هنگامی که ناوگانی اروپایی ترک‌ها را در جنگ لپانتو در خلیج کورنت در یونان شکست داد، قدرت دریایی عثمانی مهار شد.

سلیمان سه بار تلاش کرد ایران را تسخیر کند. ایران از سال ۱۵۰۱ م تحت فرمانروایی سلسلهٔ صفوی قرار گرفت که شاه اسماعیل اول آن را بنیان‌گذاری کرده بود. مردم ایران شیعه بودند و مردم عثمانی سنی.



این نقشه امپراتوری عثمانی (به رنگ نارنجی) و امپراتوری صفوی (به رنگ صورتی) را نشان می‌دهد.

جنگ لپانتو در سال ۱۵۷۱م میان ناوگان بزرگ عثمانی‌ها و ناوگان کوچک‌تر اروپایی درگرفت. عثمانی‌ها شکست خوردند و دست‌کم بیست هزار نفر تلفات دادند. اروپاییان حدود هشت هزار نفر را از دست دادند.



فرش سنتی ایرانی. طرح‌ها معمولاً شامل گل و شکل‌های هندسی بود.

رقابت صفویان با عثمانی در زمان فرمانروایی شاه عباس اول (سال‌های ۱۵۵۷ـ۱۶۲۸ م) هم ادامه داشت. شاه عباس اول از پایتخت خود اصفهان نه‌فقط بر ایران بلکه بر بیشتر خاک بین‌النهرین (عراق امروزی) فرمانروایی می‌کرد. جنگ‌های میان دو امپراتوری در سراسر قرن شانزدهم میلادی ادامه یافت و باعث شد ترکان عثمانی نتوانند به سمت اروپا پیشروی کنند.



مسجد آبی استانبول به فرمان سلطان احمد اول (سلطنت در سال‌های ۱۶۰۹ـ۱۶۱۶ م) ساخته شد. عثمانی‌ها پس از تسخیر این شهر در سال ۱۴۵۳ م، کلیساهای مسیحی را به مساجد باشکوهی مانند این مسجد تبدیل کردند.

امپراتوری تیموریان هند

سلسلهٔ تیموریان هند حدود دویست سال بر امپراتوری قدرتمندی در هند فرمانروایی کرد. این سلسله در سال ۱۵۲۶ م به دست بابر بنیان‌گذاری شد. در زمان فرمانروایی نوهٔ او، اکبرشاه، هند در هنر و دانش به شکوفایی رسید.

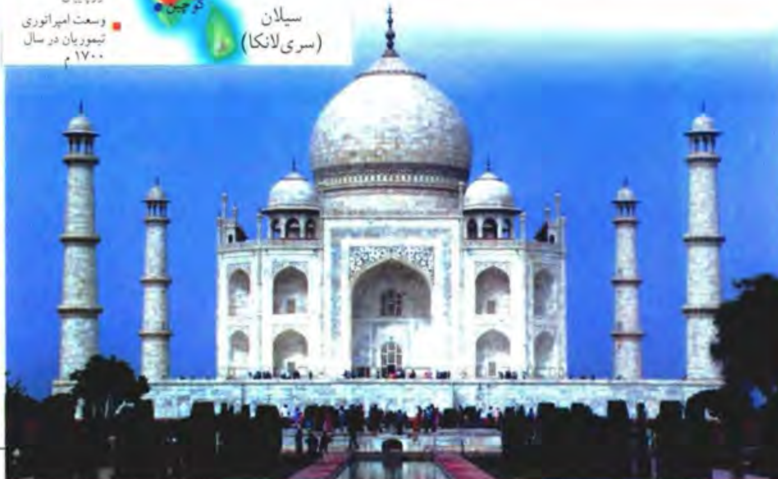
دوران طلایی هند در زمان تیموریان در سال ۱۵۵۶ م تحت فرمانروایی نوهٔ بابر، اکبرشاه (که در آن زمان فقط سیزده سال داشت)، آغاز شد. اکبرشاه با استفاده از جنگ و سیاستگری، امپراتوری خود را گسترش داد. از جمله فتوحات او بنگال بود که ثروت آن، یعنی برنج و ابریشم، را نصیب او ساخت. اکبرشاه تا سال ۱۶۰۵ م فرمانروایی کرد.

پس از اکبرشاه پسرش جهانگیر به پادشاهی رسید و پس از او نیز در سال ۱۶۲۷ م شاه‌جهان قدرت را به دست گرفت. شاه‌جهان دوستدار و پشتیبان بزرگ هنر بود و هزینهٔ ساخت بسیاری از ساختمان‌های باشکوه، از جمله تاج‌محل در آگرا را عهده‌دار شد. او در سال ۱۶۵۷ م بیمار شد و میان پسرانش بر سر فرمانروایی جنگ درگرفت. پسر سومش اورنگ‌زیب برادرانش را کشت، شاه‌جهان را زندانی کرد و تاج و تخت را تصاحب کرد.

اورنگ‌زیب، آخرین فرمانروای بزرگ تیموری، امپراتوری را به اوج وسعت و قدرت رساند. پس از مرگ او در سال ۱۷۰۷ م انحطاط و تجزیهٔ امپراتوری تیموریان هند آغاز شد.



نقشهٔ امپراتوری تیموریان هند در اوج قدرت. اکبرشاه از آگرا و فاتح‌پور سیکری فرمانروایی می‌کرد.



سال ۱۵۲۶ م
بابر سلسلهٔ تیموری هند را بنیان‌گذاری کرد. پیروزی او در پانیپات در برابر ابراهیم لودی، سلطان دهلی، باعث شد بر شمال هند سلطه یابد.
سال ۱۵۳۰ م
همایون امپراتور می‌شود.
سال ۱۵۴۰ م
همایون از شیرشاه، فرمانروای شرق هند، شکست می‌خورد و به ایران پناهنده می‌شود.
سال ۱۵۵۶ م
آغاز سلطنت اکبرشاه؛ او در جنگ دوم پانیپات در برابر هندوها پیروز می‌شود.
سال ۱۵۶۵ م
اکبرشاه فرمانروایی‌اش را تا جنوب هند گسترش می‌دهد.
سال ۱۵۶۷ م
اکبرشاه بر حکمرانان راجپوت غلبه می‌کند و با مواد منفجره و توپخانه، قلعهٔ چیتور را تصرف می‌کند.
سال ۱۵۷۵ م
اکبرشاه بنگال را تسخیر می‌کند.
سال‌های ۱۶۲۷ـ۱۶۵۷ م
فرمانروایی شاه‌جهان.
سال‌های ۱۶۵۸ـ۱۷۰۷ م
فرمانروایی اورنگ‌زیب.
سال ۱۶۶۴ م
ماراتاهای هندو غرب هند را تصرف می‌کنند.
دههٔ ۱۷۲۰ م
امپراتوری تیموریان هند تجزیه می‌شود.

تاج‌محل میان سال‌های ۱۶۳۱ و ۱۶۴۸ م به عنوان مقبره‌ای برای همسر محبوب شاه‌جهان، امپراتور تیموری هند، ساخته شد. بیست هزار کارگر و هنرمند در ساخت این ساختمان مرمری سفید و زیبا همکاری می‌کردند.

چین در دورهٔ مینگ

در قرن چهاردهم میلادی سلطهٔ مغولان بر چین ضعیف شد. طی قیامی، آخرین امپراتور یوان (مغول) بیرون رانده شد. در سال ۱۳۶۸ م راهبی بودایی، که خود را مینگ هونگ وو می‌خواند، فرمانروای جدید چین شد. سلسلهٔ مینگ حدود سیصد سال بر چین فرمانروایی می‌کرد.



گلدان دورهٔ مینگ. دورهٔ مینگ دورهٔ شکوفایی هنرهای ظریف به‌خصوص در زمینهٔ ظروف چینی بود.



مبلغ مسیحی ماتئو ریچی ایتالیایی در سال ۱۵۸۳ م به چین رفت و سی سال در آن‌جا ماند. او در سال ۱۶۰۱ م در پکن با امپراتور ملاقات کرد و دو ساعت دیواری به او هدیه داد.

در زمان فرمانروایی مینگ هونگ وو، نخستین امپراتور مینگ، چین اعتمادبه‌نفس و غرور ملی خود را بازیافت. هونگ وو، که فرمانروایی توانا و لایق بود، صلح و رفاه را در چین برقرار کرد. او با برچیدن برده‌داری و با گرفتن زمین‌های بزرگ و تقسیم دوبارهٔ آن‌ها میان فقیران، جامعهٔ چین را اصلاح کرد. چین تحکیم دوبارهٔ اقتدار خود را بر همسایگانش آغاز کرد، و سپاه قدرتمند آن می‌توانست حمله‌های خارجی را عقب براند.

کشتی‌های چینی در اوایل قرن پانزدهم میلادی به یک رشته سفرهای دریایی تا آفریقا و عربستان پرداختند. فرماندهی ناوگان‌ها را دریاسالار جِنگ خه بر عهده داشت.

امپراتوران مینگ از هنرهای گوناگون پشتیبانی می‌کردند و کاخ‌های زیبای بسیاری ساختند. از سال ۱۴۲۱ م آن‌ها در داخل شهر ممنوعه در پکن زندگی می‌کردند که مجموعهٔ بزرگی از کاخ‌ها، معبدها و بوستان‌ها بود. فقط خانوادهٔ امپراتور و مأموران و خدمتگزاران خانوادهٔ سلطنتی اجازهٔ ورود به شهر ممنوعه را داشتند.

نخستین تماس‌های چین با بازرگانان اروپایی در قرن شانزدهم میلادی آغاز شد، هنگامی که کشتی‌های پرتغالی وارد بنادر آن شدند. در سال ۱۵۵۷ م پرتغالی‌ها پایگاهی در ماکائو بنا کردند.

چینی‌ها به خارج از مرزهای خود کمتر توجه می‌کردند و از اواسط قرن شانزدهم میلادی به بعد حکومت چین سفر به آن سوی دریاها را ممنوع کرد. فرمانروایی سلسلهٔ مینگ تا سال ۱۶۴۴ م به طول انجامید.



کمان زنبوری

تیر رهاشده از کمان زنبوریِ توپیِ چینی قدرتمند تا دویست متر در هوا حرکت می‌کرد و سپر چوبی را سوراخ می‌کرد. چینی‌ها سلاح‌های ابتکاری دیگر، از جمله موشک و بمب‌های باروتی ابداع کردند، که برای اولین بار در حدود قرن یازدهم میلادی آن‌ها را به کار بردند.



سربازان چینی از امپراتوری خود در برابر بیگانگان دفاع می‌کردند؛ از جمله در مقابل سرداران (سامورایی‌های) ژاپنی که در دههٔ ۱۵۹۰ م کوشیدند به کره حمله کنند، اما بعد عقب‌نشینی کردند.

سال ۱۳۶۸ م
بنیان‌گذاری سلسلهٔ مینگ در چین.
سال ۱۳۹۸ م
هوونگ وو، نخستین امپراتور مینگ، می‌میرد.
سال‌های ۱۴۰۵ـ۱۴۳۳ م
جِنگ خه هفت سفر دریایی را به هند و شرق آفریقا فرماندهی می‌کند. او احتمالاً به استرالیا هم رفته است.
سال ۱۴۲۱ م
پکن پایتخت چین می‌شود.
سال ۱۴۴۹ م
امپراتور مینگ به دست مغولان اسیر می‌شود. او در سال ۱۴۵۷ م دوباره تاج و تخت را به دست می‌آورد.
سال‌های ۱۵۰۵ـ۱۵۶۰ م
دورهٔ حکومت فقیرانهٔ دو امپراتور.
سال ۱۵۱۴ م
بازرگانان پرتغالی به چین وارد می‌شوند و به دنبال آن‌ها بازرگانان هلندی در سال ۱۵۲۲ م به چین می‌آیند.
سال ۱۵۵۱ م
سفرهای دریایی به خارج از آب‌های چین ممنوع می‌شود.
سال ۱۵۵۷ م
پرتغالی‌ها پایگاهی تجاری در ماکائو برپا می‌کنند.
سال ۱۵۶۰ م
نیروهای مینگ حمله‌های مغولان و دزدان دریایی را عقب می‌رانند. جمعیت چین به حدود ۱۵۰ میلیون نفر می‌رسد.
سال ۱۵۷۵ م
اسپانیا تجارت با چین را شروع می‌کند.
سال‌های ۱۵۹۲ـ ۱۵۹۸ م
سپاه مینگ در عقب راندن مهاجمان ژاپنی به کره‌ای‌ها کمک می‌کنند.
سال ۱۶۱۸ـ دههٔ ۱۶۳۰ م
قیام منچوها در برابر فرمانروایی مینگ. مالیات‌های بالا بسیاری از مردم چین را خشمگین می‌کند.

کاوش در اقیانوسیه

دریانوردان اروپایی برای اولین بار در قرن شانزدهم میلادی از اقیانوس آرام عبور کردند و کشتی‌های تجاری آن‌ها در طول نیمهٔ دوم این قرن مرتباً به شبه‌قارهٔ هند و خاور دور سفر می‌کردند. با وجود این، اروپاییان استرالیا، نیوزیلند و بسیاری از جزیره‌های اقیانوس آرام را تا قرن هفدهم میلادی کشف نکرده بودند.



بومیان استرالیا شیوهٔ زندگی کاملاً هماهنگی با محیط خود داشتند. پیش از قرن هجدهم میلادی تنها ارتباط آن‌ها با دنیای خارج، مبادلات تجاری گاه‌به‌گاه با ماهیگیران و بازرگانان آسیایی بود.

بدون شک مدت‌ها پیش از آن‌که نخستین کشتی‌های اروپایی به جنوب اقیانوس آرام برسند، دریانوردان چینی و اندونزیایی از سواحل شمالی استرالیا اطلاع داشتند. ماهیگیران و دریانوردان آسیایی با بومیان دادوستد می‌کردند و ابزارهایی از جمله چاقوهای آهنی به آن‌ها می‌دادند. در طول قرن شانزدهم میلادی شایعات و داستان‌هایی دربارهٔ «سرزمین جنوبی» ناشناخته به اروپا رسید، و روی نقشه‌هایی که بعد از سال ۱۵۴۰ م ترسیم شده‌اند، تکه‌ای خشکی نمایان شده است.

نخستین فرد اروپایی که استرالیا را دید و به کشورش بازگشت، ویلم یانس کاوشگر هلندی بود. او در سال ۱۶۰۶ م با کشتی به شمال خلیج کارپنتاریا رفت و در آن‌جا به گفتهٔ خودش «انسان‌های سیاه وحشی» را دید. نخستین سفر شناخته‌شده به استرالیا ده سال بعد یعنی سال ۱۶۱۶ م اتفاق افتاد. در این زمان مردی هلندی به نام دیرک هارتوخ در ساحل آن‌جا پیاده شد.

هارتوخ ناخدای کشتی‌ای بود که از دماغهٔ امید نیک به طرف جاوه رهسپار بود، اما باد او را از مسیر خارج کرد. کشتی او از مسیر شرق بسیار دور شد و به ساحل غربی استرالیا رسید. کشتی‌های هلندی دیگری نیز همین راه را در پیش گرفتند و با این سرزمین جدید روبه‌رو شدند. آن‌ها در سواحل غربی و جنوبی آن به کاوش پرداختند، اما در آن‌جا سکونت نکردند.

در سال ۱۶۴۲ م آبل تاسمان، ناخدای هلندیِ دیگری، جزیرهٔ تاسمانی را می‌بینند و آن‌جا را

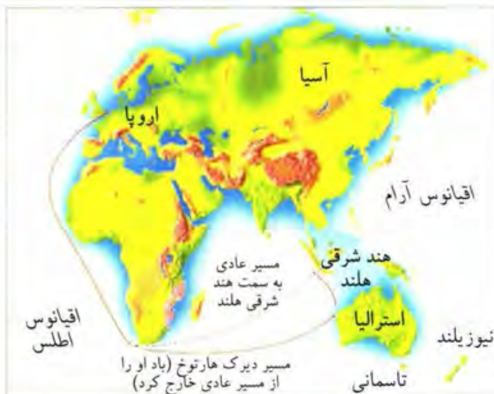


دیرک هارتوخ برای این‌که ورودش به استرالیا در سال ۱۶۱۶ م را نشانه‌گذاری کند، لوحی فلزی در ساحلی که اکنون جزیرهٔ هارتوخ است برپا کرد. این لوح بعدها به هلند بازگردانده شد و هم‌اکنون در موزهٔ آمستردام نگهداری می‌شود. هلندی‌ها تمایلی برای سکونت در استرالیا نداشتند.

قرن شانزدهم میلادی
دریانوردان پرتغالی شروع به کاوش در اقیانوسیه می‌کنند.
سال‌های ۱۵۱۹ـ۱۵۲۱ م
کشتی‌های فردیناند ماژلان در طول نخستین سفر دریایی به دور دنیا، از اقیانوس آرام عبور می‌کنند.
سال ۱۵۲۶ م
پرتغالی‌ها به سواحل پاپوا در گینهٔ نو می‌رسند.
سال ۱۵۶۷ م
کاوشگر اسپانیایی مِندانیا دِ نئیرا از جزایر سلیمان دیدار می‌کند.
سال‌های ۱۵۷۷ـ۱۵۸۰ م
کاوشگر انگلیسی سِر فرانسیس دریک در طول سفر دریایی‌اش به دور دنیا، در اقیانوس آرام کاوش می‌کند.
سال ۱۶۰۶ م
ویلم یانس دریانورد هلندی به ساحل شمالی استرالیا می‌رسد.
سال ۱۶۱۵ م
لوئیس واِئز دِ تورس اسپانیایی در سواحل گینهٔ نو و شمال استرالیا به کاوش می‌پردازد.
سال ۱۶۱۶ م
دریانورد هلندی دیرک هارتوخ و خدمه‌اش در خلیج کوسه در ساحل غربی استرالیا پیاده می‌شوند.
سال ۱۶۲۷ م
ناخدا فرانسوا تیسن به نمایندگی از شرکت هند شرقی هلند، با کشتی از امتداد ساحل جنوبی استرالیا می‌گذرد.
سال ۱۶۴۲ م
دریانورد هلندی آبل تاسمان به کاوش در ساحل تاسمانی و جزیرهٔ جنوبی نیوزیلند می‌پردازد.

سرزمین وان دیمن می‌نامد. کشتی او در مسیر حرکت به طرف شرق جزیره‌ای بزرگ‌تر را پیش‌روی خود دید. او جزیرهٔ جنوبی نیوزیلند را کشف کرده بود.

متأسفانه نخستین تماس تاسمان با قوم مائوری که در آن‌جا زندگی می‌کردند به طرز خشونت‌باری پایان یافت و چهار ملوان اروپایی کشته شدند. تاسمان در گزارش خود نوشت که بهتر است سرزمین جدید را به حال خود گذاشت. و تا حدود صد سال بعد، یعنی ورود جیمز کوک به استرالیا در سال ۱۷۶۹ م، این سرزمین به حال خود رها شده بود.



مسیر دیرک هارتوخ به سمت جزایر ادویه در سال ۱۶۱۶ م او را از شمال استرالیا (خط نقطه‌چین) به طرف هند شرقی هلند (اندونزی) می‌برد. ولی بادهای معروف به «چهلگان پرخروش» او و خدمه‌اش را از مسیر اصلی دور کرد و به ساحل غربی استرالیا برد.

عبور از اقیانوس پهناور آرام ماجراجویی مخاطره‌آمیزی بود. نخستین سفر برای گذر از اقیانوس به فرماندهی کاوشگر پرتغالی فردیناند ماژلان در سال‌های ۱۵۱۹ـ۱۵۲۱ م صورت گرفت. این سفر نخستین دریانوردی به دور دنیا بود. با وجود این، ماژلان زنده نماند تا پایان سفر را ببیند زیرا او در آوریل سال ۱۵۲۱ م در فیلیپین کشته شد. پنج ماه بعد باقیمانده‌های ناوگان او به اسپانیا بازگشتند. از پنج کشتی رهسپارشده فقط یک کشتی این سفر دریایی را به پایان رساند و از ۲۷۰ خدمهٔ اصلی کشتی فقط هفده دریانورد اروپایی بازگشتند. بیش از پنجاه سال بعد، فرانسیس دریک، دریانورد انگلیسی، در سال‌های ۱۵۷۷ـ۱۵۸۰ م دومین سفر دریایی به دور دنیا را انجام داد و در میان راه در استرالیا پیاده شد. مدت زیادی پس از آن، در دههٔ ۱۶۸۰ م ویلیام دامپیر، دزد دریایی انگلیسی، در سواحل استرالیا و نیوزیلند کاوش می‌کرد. ظاهراً تجارت پرسودی در این منطقه جریان نداشت و ثروت کمی از آن به دست می‌آمد، بنابراین اروپاییان تا قرن هجدهم میلادی به سرزمین‌های جنوبیِ تازه‌کشف‌شده توجه زیادی نداشتند.



فرانسیس دریک با کشتی ماده‌گوزن طلایی به دور دنیا گشت. او دومین کاوشگری بود که این سفر دریایی را انجام داد.



نخستین دیدارکنندگان اروپایی از نیوزیلند به مائوری‌های جنگجو بسیار احترام می‌گذاشتند. سلاح مائوری‌ها گرز، نیزه و چماق‌های بلند بود.

جنگ سی‌ساله

جدال‌های مذهبی در اروپا که پس از اصلاحات آغاز شد، تا قرن هفدهم میلادی ادامه یافت. جنگ سی‌ساله در سال ۱۶۱۸م به نشانهٔ اعتراض اشراف پروتستان بوهم (بخشی از جمهوری چک امروزی) در برابر فرمانروایان کاتولیکشان، یعنی امپراتوران مقدس روم، آغاز شد.



سیاستمدار فرانسوی ریشلیو (سال‌های ۱۵۸۵_۱۶۴۲م) پروتستان‌ها را در فرانسه بی‌رحمانه سرکوب کرد، اما در جنگ سی‌ساله برای شکست دادن اسپانیا از دولت‌های پروتستان حمایت کرد.

اشراف بوهم فردریک بوهمی را، که پروتستان بود، شاه خود کردند. سپس در سال ۱۶۱۹م فردیناند دوم، از اعضای خاندان سلطنتی قدرتمند هابسبورگ، امپراتور روم شد. فردیناند تصمیم گرفت که تمامی امپراتوری مقدس روم را به آیین کاتولیک بازگرداند؛ بنابراین او سپاهی برای سرنگون کردن فرمانروای جدید بوهمی‌ها و جایگزین کردن او با فرمانروایی کاتولیک، به کشور بوهم فرستاد.

در سال ۱۶۲۰م سپاه فردیناند سربازان فردریک را شکست دادند و او و خانواده‌اش ناگزیر به هلند که بیشتر مردمش پروتستان بودند فرار کردند. در این زمان آیین کاتولیک تنها شکل مجاز مسیحیت در بوهم بود. اسپانیا هم تحت فرمانروایی خاندان هابسبورگ بود و در سال ۱۶۲۱م به جانبداری از امپراتوری مقدس روم وارد جنگ شد و سپاهی به جنگ با هلندی‌های پروتستان فرستاد. در سال ۱۶۲۵م هلندی‌ها از دانمارک و انگلستان تقاضای کمک کردند و هر دو کشور نیروهایی برای کمک به آن‌جا فرستادند. بسیاری از سربازان انگلیسی نه در جنگ، بلکه بر اثر طاعون از میان رفتند. درست چهار سال بعد، در سال ۱۶۲۹م، سپاه هابسبورگ دانمارکی‌ها را نیز شکست داد.

گوستاو آدولف دوم، شاه پروتستان سوئد، در سال ۱۶۳۰م سپاهش را به جنگ با اسپانیا و امپراتوری مقدس روم برد. او در سال ۱۶۳۱م در ساکسونی در برایتنفلد و بار دیگر در سال ۱۶۳۲م در لوتسن پیروز شد. با این حال، گوستاو طی حملهٔ



در سال ۱۶۱۸م، گروهی از اشراف بوهم دو حاکم کاتولیک را از پنجره‌ای در قلعهٔ پراگ به بیرون پرت کردند. این عمل، که اکنون معروف به «بیرون انداختن افرادی از پنجره در پراگ» است، منجر به بروز جنگ سی‌ساله شد.

سال ۱۶۱۸ م
با بیرون انداختن افرادی از پنجره در پراگ جنگ آغاز می‌شود.
سال ۱۶۱۹ م
فردیناند دوم تاج امپراتوری مقدس روم را بر سر می‌گذارد.
سال ۱۶۲۰ م
سپاه فردیناند وارد بوهم می‌شود و شاه فردریک پروتستان را شکست می‌دهد.
سال‌های ۱۶۲۵_۱۶۲۹ م
دانمارک و انگلستان برای حمایت از هلندی‌ها وارد جنگ می‌شوند.
سال ۱۶۳۰ م
گوستاو آدولف دوم، شاه سوئد، به جانبداری از پروتستان‌ها وارد جنگ می‌شود.
سال ۱۶۳۱ م
پیروزی سوئد در جنگ برایتنفلد.
سال ۱۶۳۲ م
گوستاو پس از جنگ لوتسن کشته می‌شود.
سال ۱۶۳۴ م
سوئد پس از شکست در نوردلینگن عقب‌نشینی می‌کند.
سال ۱۶۳۵ م
ریشلیو فرانسه را درگیر جنگ با هابسبورگ‌ها می‌کند.
سال ۱۶۳۷ م
فرانسه و متحدانش شکست‌هایی بر اسپانیا وارد می‌کنند.
سال ۱۶۴۳ م
پیروزی فرانسه بر اسپانیا در روکروا.
سال ۱۶۴۸ م
عهدنامهٔ وستفالی به جنگ سی‌ساله پایان می‌دهد.
سال ۱۶۵۹ م
اسپانیا و فرانسه به جنگ خاتمه می‌دهند. فرانسه قدرتمندترین کشور در اروپا می‌شود.

سواره‌نظام در نبرد لوتسن، هنگامی که از نیروهای خود جدا شده بود، کشته شد. دو سال بعد سوئد از جنگ کنار کشید.

سرانجام در سال ۱۶۳۵م فرانسه وارد جنگ شد. اگرچه فرانسه کشوری کاتولیک بود، به منظور تضعیف قدرت خاندان هابسبورگ در اروپا، به جانب پروتستان‌ها رفت. در ابتدا اسپانیا پیروز میدان بود اما از سال ۱۶۳۷م فرانسوی‌ها و متحدان پروتستانشان اسپانیا را شکست دادند. عهدنامهٔ وستفالی به جنگی پایان داد که، همراه با بیماری، جمعیت بسیاری از ایالت‌های آلمانی را به نصف کاهش داد.





اروپا پس از پایان جنگ در سال ۱۶۴۸م. ایالت‌های آلمانی کوچکِ بسیاری ویران شدند، در حالی که فرانسه قدرتمندترین کشور اروپا شد.

گوستاو آدولف دوم، شاه سوئد، چنان‌که عادتش بود، در جنگ خودش سربازانش را فرماندهی می‌کرد. او برای دفاع از اعتقادات پروتستانی و همچنین برای محافظت از تجارت سوئد در دریای بالتیک که از جانب اسپانیا تهدید می‌شد، به جنگ با هابسبورگ‌ها رفت.

ژاپن در دورهٔ توکوگاوا

دورهٔ توکوگاوا یا ادو در ژاپن را پایان رشته جنگ‌های داخلی که کشور را ویران کرده بود و شروع دوره‌ای طولانی از ثبات و وحدت دانسته‌اند. این دوره از سال ۱۶۰۳ م آغاز شد که توکوگاوا اییاسو نخستین شوگون توکوگاوا شد. شوگون‌ها فرماندهان نظامی قدرتمند و فرمانروایان کارآمد ژاپن بودند.



شوگون توکوگاوا اییاسو
(سال‌های ۱۵۴۳_۱۶۱۶ م) از کشاورزی و آیین کنفوسیوسی در ژاپن حمایت می‌کرد. او بر اشراف و خانواده‌هایشان به‌شدت کنترل و نظارت داشت.

در سال ۱۵۴۳ م، در زمان تولد توکوگاوا اییاسو، سرداران ژاپنی بر سر به دست گرفتن قدرت در کشور درگیر جنگ با یکدیگر بودند. اییاسو در کودکی مهارت‌های جنگیدن را از خاندان رقیبی که نزد آن‌ها گروگان بود یاد گرفت. سرانجام هنگامی که او به نزد خاندان خود بازگشت، مبارزهٔ طولانی و طراحی‌شده‌ای را برای به دست گرفتن قدرت آغاز کرد. در سال ۱۵۹۸م اییاسو بزرگ‌ترین سپاه در ژاپن و حاصلخیزترین زمین‌ها را داشت که در روستای ماهیگیری ادو متمرکز بود. در سال ۱۶۰۳م امپراتور او را به مقام شوگون منصوب کرد و به او اختیار داد تا کشور را به نمایندگی از امپراتور اداره کند.

اییاسو ادو را به شهری مستحکم (توکیوی امروزی) تبدیل کرد. او کشور را دوباره به صورت ناحیه‌هایی ساماندهی کرد که هریک تحت ادارهٔ یک دایمیو بود که بر جنگجویان بومی (سامورایی‌ها) نظارت می‌کرد.

اییاسو در سال ۱۶۰۵ م از قدرت کناره‌گیری کرد اما قدرت واقعی را همچنان در دست داشت. در سال ۱۶۱۲ م

جنگجویان سامورایی به‌صورت پیاده یا سوار بر اسب می‌جنگیدند. آن‌ها زره می‌پوشیدند و نقاب‌هایی می‌گذاشتند تا آن‌ها را ترسناک‌تر نشان دهد و همچنین از آن‌ها محافظت کند.

سال ۱۵۴۳ م
تولد توکوگاوا اییاسو.
سال ۱۵۵۰ م
اییاسو به عنوان گروگان به نزد خاندان ایماگاوا فرستاده می‌شود.
سال ۱۵۶۰ م
اییاسو به سرزمین خود بازمی‌گردد و با سردار نوبوناگا متحد می‌شود.
سال ۱۵۸۲ م
نوبوناگا خودکشی می‌کند. هیدیوشی جانشین او می‌شود.
سال ۱۵۸۴ م
اییاسو پس از چند نبرد کوچک، با هیدیوشی متحد می‌شود.
سال ۱۶۰۰ م
اییاسو سرداران رقیب را در نبرد سکیگاهارا شکست می‌دهد.
سال ۱۶۰۳ م
اییاسو شوگون می‌شود. دورهٔ توکوگاوا آغاز می‌شود.
سال ۱۶۰۵ م
اییاسو کناره‌گیری می‌کند، اما همچنان قدرت زیادی دارد.
سال ۱۶۱۳ م
ادو در حدود ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد. ۸۰ هزار نفر از آن‌ها سامورایی‌اند.
سال ۱۶۱۶ م
مرگ اییاسو.
سال ۱۶۳۷ م
همهٔ بیگانگان بجز هلندی‌ها مجبور می‌شوند ژاپن را ترک کنند.
دههٔ ۱۸۳۰ م
دهقانان و سامورایی‌ها در برابر توکوگاواها قیام می‌کنند.
سال ۱۸۶۷ م
آخرین شوگونِ توکوگاوا سرنگون می‌شود.



او که نگران بود مسیحیت موقعیتش را متزلزل کند، از ورود مبلغان مسیحی خارجی به ژاپن جلوگیری کرد.

ایپاسو در سال ۱۶۱۶ م درگذشت، اما سیاست او در جلوگیری از کار مبلغان مسیحی ادامه یافت و در سال ۱۶۳۷ م تبلیغ برای همهٔ مبلغان ممنوع شد. همهٔ مسیحیان ژاپنی می‌بایست از دین خود دست می‌کشیدند یا کشته می‌شدند. شوگون بعدی جلوی ورود بازرگانان خارجی به ژاپن را گرفت، بجز هلندی‌ها که اجازه داشتند سالی یک کشتی تجاری به بندر ناگازاکی بفرستند. ژاپن با وجود این‌که با هیچ کشوری ارتباط نداشت پیشرفت کرد. سلسلهٔ توکوگاوا تا سال ۱۸۶۷ م فرمانروایی کرد.



زنان تزیینی
در زمان فرمانروایی توکوگاواها زنان ژاپنی ثروتمند جزو تزیینات به شمار می‌رفتند. پوشیدن کفش‌هایی با کف بلند و داشتن مدل موهای تزیینی پیچیده، تا حد زیادی مانع تحرک آن‌ها می‌شد. قوانین جامعه‌ای که آن‌ها در آن زندگی می‌کردند نیز سختگیرانه بود. مردم، در صورتی که خود یا خانواده‌هایشان بدنام می‌شدند، می‌بایست خودکشی می‌کردند.



نمایش کابوکی با لباس‌ها و آرایش‌های پر زرق و برق آن، از قرن هفدهم میلادی به هنری مردم‌پسند تبدیل شد.

قلعهٔ اوزاکا را سردار تویوتومی هیدیوشی ساخت که از سال ۱۵۸۵ تا سال ۱۵۹۸ م بر ژاپن فرمانروایی می‌کرد. در زمان فرمانروایی توکوگاواها قدرت این سرداران تا حد زیادی کاهش یافت.

امپراتوری هلند



سال ۱۵۶۸ م
ویلیام اورانژ قیام هلند را در برابر فرمانروایی اسپانیا رهبری می‌کند.
سال ۱۵۷۶ م
سربازان اسپانیایی آنتورپ را ویران می‌کنند. بسیاری از اهالی آن به آمستردام نقل‌مکان می‌کنند.
سال ۱۵۷۷ م
هلند برای جنگ با اسپانیا با انگلستان پیمان می‌بندد.
سال ۱۵۷۹ م
هفت ایالت شمالی هلند اتحادیهٔ اوترشت را تشکیل می‌دهند.
سال ۱۵۸۱ م
جمهوری هلندِ متحد استقلالش را اعلام می‌کند.
سال ۱۵۹۹ م
هلند سلطه بر جزایر ملوک را از دست پرتغال بیرون می‌آورد.
سال ۱۶۰۲ م
شرکت هند شرقی هلند تأسیس می‌شود.
سال ۱۶۲۱ م
شرکت هند غربی هلند تأسیس می‌شود.
سال ۱۶۴۸ م
اسپانیا در پایان جنگ سی‌ساله استقلال هلند را به رسمیت می‌شناسد.
سال‌های ۱۶۵۱_۱۶۷۴ م
سه جنگ میان هلند و انگلستان بر سر تجارت درمی‌گیرد.
سال ۱۶۸۹ م
تاج و تخت انگلستان در اختیار ویلیامِ سوم اورانژ و همسرش مری (دخترِ جیمز دوم شاه انگلستان) گذاشته می‌شود.

کشورهایی را که امروزه با نام بلژیک، لوکزامبورگ و هلند می‌شناسیم، تا سال ۱۵۸۱ م، بخشی از کشورهای سفلی یا گروهی متشکل از هفده ایالت بودند. مردم هلند در سال ۱۵۸۱ م استقلال خود را از حکومت اسپانیا به دست آوردند. آن‌ها کشتی‌هایی را برای تجارت به غرب و شرق می‌فرستادند و در قرن هفدهم میلادی امپراتوری هلند را به وجود آوردند.



ویلیام اورانژ (سال‌های ۱۵۳۳_۱۵۸۴ م) هلندی‌ها را در چند قیام در برابر فرمانروایی اسپانیا رهبری کرد. او به عنوان نخستین فرمانروای جمهوری متحد هلند انتخاب شد، اما به دست یک عامل اسپانیایی کشته شد.

از سال ۱۵۱۶ م هلند که بخشی از امپراتوری مقدس روم بود تحت فرمانروایی اسپانیا قرار گرفت. چون شارل پنجم، امپراتور روم، شاه اسپانیا نیز بود. فیلیپ دوم، پسر شارل، کاتولیکی پرشور بود، در حالی که بیشتر مردم در کشورهای سفلای شمالی، پروتستان بودند. اسپانیایی‌ها کوشیدند پروتستان‌ها را سرکوب کنند، اما هلندی‌ها به رهبری ویلیامِ اورانژ شورش کردند. در سال ۱۵۸۱ م هفت ایالت شمالی از فرمانروایی اسپانیا جدا شدند و خود را جمهوری متحد هلند اعلام کردند.

هلند در حالی که هنوز در حال جنگ با اسپانیا بود، اقدام به ایجاد یک امپراتوری تجاری در آن سوی دریاها در دریای کارائیب و آسیا کرد. آن‌ها در سال ۱۵۹۹ م به‌تدریج جزایر ملوک یا جزایر ادویه را از دست پرتغالی‌ها خارج کردند. در سال









قهوه، چای، دارچین و میخک جزو کالاهای باارزشی بودند که شرکت هند شرقی هلند به تجارت آن‌ها می‌پرداخت.



این نقشه امپراتوری تجاری هلند را نشان می‌دهد. علاوه بر برده، کالاهای تجاری شامل ادویه، شکر و برنج بود. آمستردام شهر اصلی هلند، مرکزی برای بازرگانان و بانکداران بود.

بازرگانان شرکت هند شرقی هلند هنگامی که با کشتی از هلند به طرف هند شرقی سفر می‌کردند در رأس جنوبی آفریقا (دماغهٔ امید نیک) توقف می‌کردند تا آذوقهٔ مورد نیاز خود را برای ادامهٔ سفر بخرند. هلندی‌ها در سال ۱۶۵۲ م مهاجرنشینی را در آن‌جا ایجاد کردند.

۱۶۰۲ م شرکت هند شرقی هلند برای حمایت از تجارت با هند شرقی (اندونزی) بنیان گذاشته شد و ادارهٔ مرکزی آن در سال ۱۶۱۹ م در باتاویا (جاکارتای امروزی) در جزیرهٔ جاوه تأسیس شد. این شرکت بعدها بر سیلان (سری‌لانکای امروزی) و چند بندر هند سلطه یافت.

سایر بازرگانان هلندی به غرب روی آوردند و در سال ۱۶۲۱ م شرکت هند غربی هلند را بنیان گذاشتند. این شرکت جزیره‌هایی را در دریای کارائیب و گویانِ هلند در آمریکای جنوبی تحت اداره داشت. شرکت هند غربی هلند به تجارت برده، شکر و توتون می‌پرداخت. امپراتوری تجاری آن‌ها که با تعصب از آن حمایت می‌کردند، ثروت هلند را افزایش داد، که منجر به رقابت و جنگ‌هایی با انگلستان در قرن هفدهم میلادی شد.



یکی از مشهورترین هنرمندان هلندی در این دوره رامبراند وان راین (سال‌های ۱۶۰۶ـ۱۶۶۹ م) است. پس از آن‌که هلند از اسپانیا استقلال یافت، هنر هلند به شکوفایی رسید.

ایجاد مهاجرنشین‌ها در آمریکای شمالی



اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که در آمریکای شمالی کاوش کردند. بازرگانان و مبلغان مذهبی فرانسوی در شمال آمریکا کاوش کردند و آن‌جا را کانادا نامیدند. در جنوب، اسپانیایی‌ها جایی را که اکنون نیومکزیکو است پایگاه خود قرار دادند و به کاوش در کالیفرنیا و تکزاس پرداختند.

بومیان آمریکا به ساکنان جدید یاد دادند که چگونه محصولات جدید خود را کشت کنند. آن‌ها پوست حیوانات را با تفنگ و الکل مبادله می‌کردند.

نخستین تلاش‌های جدی اروپاییان برای ایجاد مهاجرنشین‌ها، در دههٔ ۱۵۸۰م، به رهبری سر والتر رالی، کاوشگر انگلیسی، در ناحیه‌ای صورت گرفت که آن را ویرجینیا نامید. تشکیل این مهاجرنشین‌های اولیه با موفقیت همراه نبود، اما در سال ۱۶۰۷م رالی با موفقیت بیشتری مهاجرنشین جیمز تاون را بنیان گذاشت. مهاجرنشینان با گرسنگی و بیماری مبارزه کردند، با بومیان آمریکا که سرزمینشان را تصرف کرده بودند جنگیدند، اما زنده ماندند. در سال ۱۶۲۰م گروهی از مخالفان کلیسای انگلستان، یعنی پدران زائر، پلیموت را در انگلستان ترک کردند و در جستجوی مکانی که در آن‌جا بتوانند در آرامش به تکالیف مذهبی خود عمل کنند، با کشتی به آمریکای شمالی رفتند. آن‌ها نزدیک دماغهٔ کود در ماساچوست از کشتی پیاده شدند و سکونتگاه کوچکی به نام کشتزار پلیموت تأسیس کردند. آن‌ها فقط با کمک بومیان آمریکا توانستند جان سالم به در ببرند. در سال ۱۶۲۴م شرکت هند غربی هلند مهاجرنشین هلندی جدیدی را در ساحل رود هودسون به وجود آورد و در سال ۱۶۲۵م هلند در جزیرهٔ منهتن پایگاهی تجاری به نام نیوآمستردام ایجاد کرد.



سر والتر رالی (سال‌های ۱۵۵۲ـ۱۶۱۸م) مورد توجه و علاقهٔ ملکه الیزابت اول، «ملکهٔ دوشیزهٔ» انگلستان، بود. او ویرجینیا را به افتخار ملکه به این نام خواند. در سال ۱۶۱۵م او سرپرستی گروهی را در سفر به آمریکای جنوبی برای جستجوی طلا بر عهده گرفت، اما در این کار موفق نشد. او در بازگشت به دست جیمز اول، پادشاه انگلستان، زندانی و بعد اعدام شد.

فرانسوی‌ها شروع به ایجاد مهاجرنشین‌هایی در کانادا کردند. ساموئل دو شامپلن کِبک را در سال ۱۶۰۸م بنیان گذاشت و از آن‌جا به کاوش در آن سوی رود سنت لارنس پرداخت و مدعی مالکیت تمامی آن سرزمین برای فرانسه شد.

سال ۱۵۳۶م
ژاک کارتیه مدعی مالکیت رود سنت لارنس در کانادا برای فرانسه می‌شود.
سال ۱۵۴۲م
در این زمان اسپانیا مدعی مالکیت فلوریدا، نیومکزیکو، کالیفرنیا، آریزونا و تکزاس می‌شود.
سال ۱۶۰۸م
ساموئل دو شامپلن، کاوشگر فرانسوی، کبک را بنیان می‌گذارد.
سال ۱۶۱۰م
هنری هودسون خلیج هودسون را در کانادا کشف می‌کند.
سال ۱۶۱۴م
جان رولف که یکی از مهاجران است با پوکوهونتاس، دختر یکی از رؤسای قبایل سرخپوست، ازدواج می‌کند.
سال ۱۶۱۹م
نخستین بردگان از آفریقا برای کار در کشتزارهای توتون به ویرجینیا وارد می‌شوند.
سال ۱۶۲۱م
پدران زائر پس از نخستین برداشت موفقیت‌آمیز محصول، نخستین جشن روز شکرگزاری را برگزار می‌کنند.
سال ۱۶۳۰م
در این تاریخ شانزده هزار انگلیسی در ماساچوست ساکن شده‌اند.
سال ۱۶۳۶م
دانشکدهٔ هاروارد در کمبریج در ماساچوست تأسیس می‌شود.
سال ۱۶۶۴م
انگلیسی‌ها نیوآمستردام را از دست هلند بیرون می‌آورند و نام جدید نیویورک را بر آن می‌گذارند.
سال ۱۶۷۰م
شرکت خلیج هودسون برای حمایت از تجارت، به‌خصوص در زمینهٔ تجارت پوست، میان کانادا و انگلستان تأسیس می‌شود.
سال ۱۶۷۹م
تاجران فرانسوی پوست نخستین اروپاییانی هستند که آبشارهای نیاگارا را می‌بینند.
سال ۱۶۸۲م
لا سال کاوشگر مدعی مالکیت تمامی درهٔ رود می‌سی‌سی‌پی برای فرانسه می‌شود.
سال ۱۶۸۳م
نخستین مهاجران آلمانی وارد پنسیلوانیا می‌شوند.



نمونهٔ بازسازی‌شدهٔ کشتی میفلاور، که در سال ۱۶۲۰ م پدران زائر را به آمریکا برد. آن‌ها طبق برنامه می‌خواستند که در ویرجینیا از کشتی پیاده شوند، اما باد آن‌ها را به سمت شمال نزدیک دماغهٔ کود برد. اواسط زمستان بود و فقط ۵۴ نفر از ۱۰۲ مسافر تا بهار زنده ماندند.

بعدها کاوشگران فرانسوی دیگری در امتداد رود می‌سی‌سی‌پی سفر کردند و مدعی مالکیت تمامی درهٔ رود برای فرانسه شدند و آن‌جا را از روی نام لویی چهاردهم، شاه فرانسه، لوئیزیانا نامیدند.



مهاجران اروپایی درختان را قطع می‌کردند تا کلبه‌های چوبی ساده‌ای برای خود و طویله‌هایی برای حیواناتشان بسازند. دور زمین‌های خود را نرده می‌کشیدند و محصولاتی از قبیل ذرت و کدو حلوایی در آن کشت می‌کردند. بوقلمون پرورش می‌دادند و توتون، نیل و برنج را برای صادر کردن به اروپا کشت می‌کردند.



اروپاییان بر سر آمریکای شمالی می‌جنگند

انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و اسپانیایی‌ها مدعی مالکیت نواحی بزرگی از آمریکای شمالی بودند، با این‌که بسیاری از بومیان آمریکا پیش از آن‌ها در آن‌جا زندگی می‌کردند. بعضی از اروپاییان کوشیدند بومیان آمریکا را به دین مسیحیت درآورند. مهاجران با بومیان آمریکا و با مهاجرنشینان دیگر بر سر مالکیت سرزمین‌ها می‌جنگیدند.

جنگ داخلی در انگلستان

جنگ داخلی انگلستان در دوران سلطنت چارلز اول از سلسلهٔ استوارت درگرفت که در سال ۱۶۲۵ م شاه شده بود. چارلز سپاه سلطنتی را فرماندهی می‌کرد که در برابر سپاه مجلس می‌جنگید. چارلز در جنگ داخلی شکست خورد و اعدام شد. برای مدتی انگلستان به جمهوری‌ای تحت سلطهٔ آلیور کرامول تبدیل شد.

جنگ به دلایل مذهبی، اقتصادی و سیاسی درگرفت. پاک‌دین‌ها (پروتستان‌های افراطی) گمان می‌کردند چارلز طرفدار کاتولیک‌هاست، او همسر ملکه هنریتا، کاتولیک فرانسوی، بود. چارلز معتقد بود که خداوند حق فرمانروایی و انتخاب مشاورانش را به او داده است. او بر سر افزایش مالیات‌ها با مجلس درگیر شد و از سال ۱۶۲۹ م کوشید بدون مجلس فرمانروایی کند.

چارلز در سال ۱۶۴۰ م ناچار شد برای فراهم کردن پول از راه مالیات برای جنگ با پروتستان‌های شورشی اسکاتلند، مجلس را احضار کند. او بعداً سعی کرد پنج مخالف مهم خود در مجلس عوام را دستگیر کند، اما آن‌ها فرار کردند. گروه‌هایی به حمایت از اعضای مجلس قیام کردند و چارلز ناگزیر شد لندن را ترک کند. سپس هر دو طرف ارتشی از داوطلبان گرد آوردند.

در نخستین نبرد اصلی که در ماه اوت سال ۱۶۴۲ م در اِجهیل درگرفت، هیچ‌یک از دو طرف پیروز نشدند. تا حد زیادی به سبب وجود ارتش جدید کرامول، طرفداران مجلس در سال ۱۶۴۵ م سلطنت‌طلبان را در نبرد نیزبی به طور



آلیور کرامول (سال‌های ۱۵۹۹_۱۶۵۸ م). او به سربازگیری، آموزش و فرماندهی ارتش جدید کمک کرد. او با لقب لرد محافظ کوشید قانون مجلس را به‌زور بر اسکاتلند و ایرلند تحمیل کند.



سربازان سواره‌نظام مجلس چکمه‌های بلند مهمیزدار به پا می‌کردند. کلاهخودهای آهنی با حفاظ‌های گردن و صورت، آن‌ها را از ضربه‌های شمشیر محافظت می‌کرد. در سال ۱۶۴۵ م نیروهای طرفدار مجلس به صورت ارتش جدید دوباره ساماندهی شد. این نیروی آموزش‌دیده و بسیار منظم، سپاه سلطنت‌طلبان را در نبردهای مختلف شکست داد، و این امر به جنگ داخلی پایان داد.



سربازان شاه «سلطنت‌طلب» نامیده می‌شدند. بعضی از آن‌ها موهایشان را بلند می‌کردند و به طرزی پر زرق و برق کلاه‌هایی با لبهٔ پهن بر سر می‌گذاشتند و پیراهن‌هایی از کتان ظریف می‌پوشیدند. بیشتر سربازان هر دو گروه برای محافظت از سینه‌شان نیم‌تنه‌های چسبان چرمی و زره‌های آهنی می‌پوشیدند.

سال ۱۶۲۵ م
چارلز اول شاه می‌شود. او با هنریتا ماریای فرانسوی ازدواج می‌کند.
سال ۱۶۲۹ م
مجلس می‌خواهد قدرت چارلز را کاهش دهد، اما منحل می‌شود.
سال ۱۶۳۷ م
چارلز کتاب دعای انگلیسی را بر اسکاتلند تحمیل می‌کند.
سال ۱۶۳۹ م
در اسکاتلند قیام برپا می‌شود.
سال ۱۶۴۰ م
چارلز مجلس را برقرار می‌کند، بعد تعطیل می‌کند و سپس دوباره برقرار می‌کند.
سال ۱۶۴۲ م
چارلز می‌کوشد پنج عضو مجلس را دستگیر کند. جنگ داخلی آغاز می‌شود.
سال ۱۶۴۵ م
ارتش جدید، سلطنت‌طلبان را در نِیزبی شکست می‌دهد.
سال ۱۶۴۶ م
چارلز در برابر اسکاتلندی‌ها تسلیم می‌شود.
سال ۱۶۴۷ م
چارلز به مجلس تحویل داده می‌شود. او به جزیرهٔ وایت فرار می‌کند.
سال ۱۶۴۸ م
چارلز به کمک اسکاتلندی‌ها جنگ داخلی دوم را آغاز می‌کند، اما شکست می‌خورد.
سال ۱۶۴۹ م
چارلز به جرم خیانت محاکمه و در ۳۱ ژانویه اعدام می‌شود.
سال ۱۶۵۱ م
پسر چارلز به فرانسه تبعید می‌شود.
سال‌های ۱۶۵۳_۱۶۵۸ م
کرامول با لقب لرد محافظ فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۶۶۰ م
برقراری دوبارهٔ سلطنت؛ چارلز دوم به سلطنت می‌رسد.



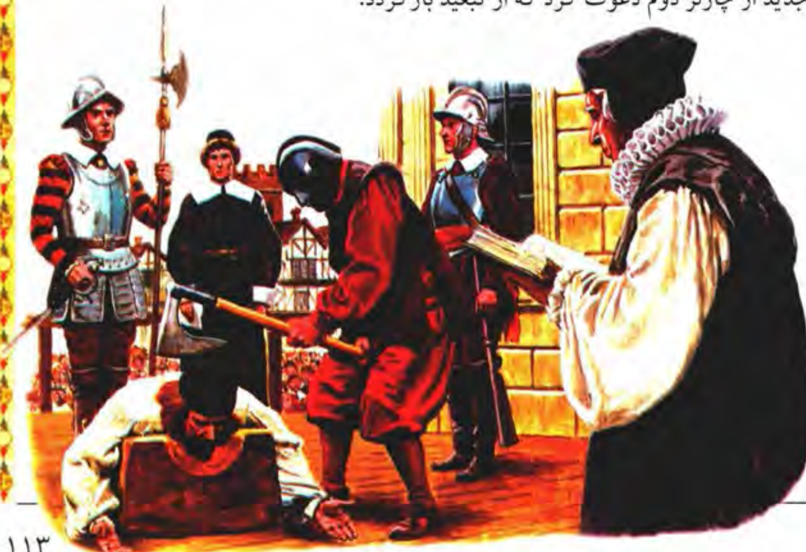


این نقشه میدان‌های اصلی جنگ را نشان می‌دهد. ناحیهٔ صورتی سرزمین تحت اختیار چارلز اول پس از سال ۱۶۴۴ م است، زمانی که او سلطه بر شمال کشور را از دست داد. مجلس بقیهٔ کشور را در دست داشت.

شاه چارلز اول مردی کوچک‌جثه، کمرو و با کمی لکنت زبان بود. ولی سوارکاری ماهر و دوستدار هنر بود. او بهترین نقاشان عصر، از جمله آنتوان وان دیک و پتر پل روبنس، را به انگلستان دعوت کرد.

کامل شکست دادند. پس از آن سلطنت‌طلبان چند بار شکست خوردند و ستاد فرماندهی چارلز در آکسفورد در سال ۱۶۴۶ م تسخیر شد.

چارلز به اسکاتلند فرار کرد، و اسکاتلندی‌ها او را به مجلس تحویل دادند. او فرار کرد و همراه با اسکاتلندی‌ها دوباره برای جنگ نقشه کشید (سال ۱۶۴۸ م)، اما نیروهایش خیلی زود شکست خوردند. چارلز به جرم خیانت محاکمه و گناهکار شناخته شد و در ۳۱ ژانویهٔ سال ۱۶۴۹ م اعدام شد. در سال ۱۶۵۱ م پسرش چارلز دوم با کمک اسکاتلندی‌ها حمله کرد و در سوم سپتامبر در ووستر شکست خورد. این نبرد به جنگ داخلی خاتمه داد. مجلس از این زمان انگلستان را به صورت جمهوری اداره می‌کرد تا آن‌که اعضای آن با هم درگیر شدند و مجلس به دست آلیور کرامول منحل شد. از سال ۱۶۵۳ م کرامول ادارهٔ کشور را به دست گرفت و با پشتیبانی ارتش خود، با لقب لرد محافظ فرمانروایی کرد. او کشور را به یازده منطقه تقسیم و فرماندهان نظامی را برای ادارهٔ آن‌ها تعیین کرد. بیشتر این فرماندهان پاک‌دین‌های سختگیری بودند که مردم علاقه‌ای به آن‌ها نداشتند، زیرا میخانه‌ها را تعطیل کردند و جلوی تفریحات و ورزش‌های مردم‌پسند را گرفتند. در سال ۱۶۵۸ م هنگامی که کرامول درگذشت، پسرش ریچارد با لقب لرد محافظ زمام امور را به دست گرفت اما خیلی زود از منصب خود برکنار شد. در سال ۱۶۶۰ م مجلس جدید از چارلز دوم دعوت کرد که از تبعید بازگردد.



شاه چارلز اول در ۳۱ ژانویهٔ سال ۱۶۴۹ م در وایتهال لندن اعدام شد. در زمان اعدام، چارلز دو پیراهن پوشیده بود تا از سرما نلرزد و مردم تصور نکنند که او ترسیده است. او هنگامی که سرش را روی کنده گذاشت دست‌هایش را باز کرد که علامتی برای جلاد بود تا تبر را روی گردن او پایین آورد.

تجارت برده

بردگی در آفریقا تاریخی طولانی دارد. تا اوایل قرن شانزدهم میلادی بیشتر بردگان از اسیران جنگی بودند. بعضی از آن‌ها به بازرگانان عرب فروخته می‌شدند. سپس اروپاییان از سواحل آفریقا دیدن کردند و بردن بردگان با کشتی به دنیای نو را آغاز کردند.



کشتی‌های مخصوص حمل برده بیش از چهارصد نفر را به صورت انباشته و تا حد ممکن فشرده به هم حمل می‌کردند. سفر دریایی از غرب آفریقا به قارهٔ آمریکا گاه تا دوازده ماه طول می‌کشید.

کاوشگران اروپایی در دنیای نو مهاجرنشین‌هایی در سرزمین اصلی آمریکا و جزایر دریای کارائیب به وجود آوردند. آن‌ها در کشتزارهای وسیع محصولاتی از قبیل نیشکر کشت می‌کردند، و در بسیاری از مناطق ساکنانِ بومی را برای انجام کارهای خود به بردگی می‌کشیدند. ولی وضعیت طاقت‌فرسا و بیماری‌های اروپاییان بسیاری از بومیان را از میان برد. بنابراین مهاجران شروع به جستجوی کارگر در نقاط دیگر کردند تا آن‌ها را جایگزین بومیان کنند. بعضی مجرمان را از اروپا آوردند، اما آن‌ها پس از مدت کوتاهی بر اثر بیماری مردند. مهاجرنشینان سپس در آفریقا به دنبال برده می‌گشتند.

طولی نکشید که تعداد زیادی از مردم آفریقای مرکزی اسیر شدند. آن‌ها را به زنجیر می‌کشیدند و در ساحل به تاجران برده می‌فروختند. سپس آن‌ها را در حالی که همچنان



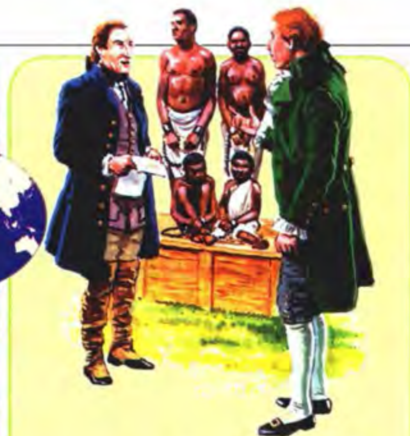


با بردگان وحشیانه رفتار می‌کردند. بعضی از آن‌ها را وادار می‌کردند طوق‌های آهنی سنگین به گردن بیندازند. از این رو آن‌ها نمی‌توانستند دراز بکشند و استراحت کنند. از بسیاری از آن‌ها تا حد مرگ کار می‌کشیدند.

سال ۱۴۴۱ م
پرتغالی‌ها برای نخستین بار از غرب آفریقا طلا و برده به اروپا می‌آورند.
سال ۱۴۴۸ م
پرتغالی‌ها نخستین پایگاه تجاری را در آفریقا ایجاد می‌کنند.
سال ۱۴۹۳ م
کریستوف کلمب از اروپا نیشکر به ناحیهٔ کارائیب وارد می‌کند.
سال ۱۵۰۲ م
اسپانیایی‌ها نخستین بردگان را برای کار در کشتزارها از آفریقا به آمریکا می‌برند.
دههٔ ۱۵۷۰ م
پرتغالی‌ها بردگانی را برای کار در کشتزارهای شکر از آفریقا به برزیل می‌برند.
سال ۱۶۱۹ م
بردگان آفریقایی برای کار در کشتزارهای توتون وارد ویرجینیا می‌شوند.
سال ۱۶۸۱ م
در این زمان حدود دو هزار برده در ویرجینیا وجود دارند.
سال ۱۶۸۳ م
تا این زمان تقریباً همهٔ بومیان ناحیهٔ کارائیب از بین رفته‌اند.
قرن هجدهم میلادی
تجارت برده در اوج خود است. شهرهایی از قبیل بریستول، لیورپول و نانت به دلیل این تجارت پرسود ثروتمند می‌شوند.
سال ۱۷۳۰ م
در حدود نود درصد جمعیت جامائیکا منشأ آفریقایی دارند.
دههٔ ۱۷۸۰ م
مردم مبارزه با برده‌داری را شروع می‌کنند.



کشتی‌ها از اروپا تفنگ و پارچه به آفریقا می‌بردند و برده می‌خریدند. بردگان را برای فروش به قارهٔ آمریکا می‌بردند. کشتی‌ها در بازگشت از آمریکا، شکر و پنبه به اروپا می‌بردند.



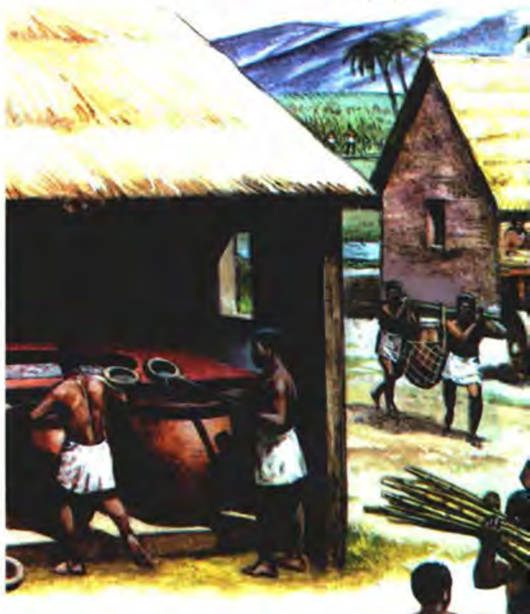
حراج بردگان
هنگامی که بردگان آفریقایی وارد ناحیهٔ کارائیب، آمریکای جنوبی و مهاجرنشین‌های آمریکای شمالی می‌شدند، آن‌ها را در حراجی به بالاترین قیمت پیشنهادی می‌فروختند. آفریقایی‌هایی از فرهنگ‌های گوناگون و با زبان‌های متفاوت، برای کار کردن به آن‌جا آورده شده بودند.

با زنجیر بسته شده بودند، در کشتی‌های حمل برده بر روی هم انباشته می‌کردند و به آن سوی اقیانوس اطلس می‌بردند. شرایط در کشتی طاقت‌فرسا بود، نور، هوا، غذا یا آب کافی وجود نداشت، و در هر سفر دریاییِ هشت هفته‌ای به آمریکا تا یک‌سوم بردگان می‌مردند.

بردگان در کشتزارها زندگی سختی داشتند. غذای آن‌ها بسیار بد بود و برای کوچک‌ترین اشتباه شلاق می‌خوردند. بسیاری از آن‌ها مدت کوتاهی پس از رسیدن به کشتزارها جان خود را از دست می‌دادند. قوی‌ترین برده‌ها به‌ندرت بیش از ده سال زنده می‌ماندند، و تعداد بسیار کمی از آن‌ها دوباره به آفریقا بازمی‌گشتند.

تجارت برده در قرن هجدهم میلادی به اوج خود رسید. تا این زمان بین شش تا هفت میلیون برده با کشتی از آفریقا به آمریکا برده شده بودند. تأثیر این کار بر بعضی جوامع سنتی آفریقا ویران‌کننده بود. از دهۀ ۱۷۸۰ م، پس از آن‌که اصلاحگران اروپایی متوجه شدند برده‌داری تا چه حد بی‌رحمانه است، به مبارزه با آن پرداختند.

در کشتزارهای شکر، بردگان در مزارع و کارخانه‌های عمل‌آوری کار می‌کردند. کار سنگین، شرایط کاری نامناسب و ساعت‌های کار طولانی بود. بعضی مالکان کشتزارها بردگانی را که در خانه‌های مجلل آن‌ها کار می‌کردند حتی کتک می‌زدند و گرسنگی می‌دادند.



لویی چهاردهم

لویی چهاردهم شاه فرانسه قدرتمندترین شاه اروپا در قرن هفدهم میلادی بود. او فرمانروایی مستبد بود، به این معنا که به‌تنهایی بر سراسر کشور فرانسه حکومت می‌کرد. این موضوع او را هم به جنگ با اشراف و هم به جنگ با مردم عادی کشاند.



لویی چهاردهم (سال‌های ۱۶۳۸ـ۱۷۱۵ م) از سوی هنرمندان و نویسندگان با لقب «شاه خورشید» ستایش می‌شد. او به مدت ۷۲ سال بر فرانسه فرمانروایی کرد.

لویی چهاردهم در سال ۱۶۴۳ م، هنگامی که فقط پنج سال داشت، به سلطنت رسید. مادر او تا سال ۱۶۵۱ م به نیابت از او فرمانروایی کرد. شورای اشراف، که گروهی از برگزیدگان اجتماعی فرانسه بودند که در ادارهٔ کشور کمک می‌کردند، دائم با ملکه مشاجره داشتند، زیرا این شورا سهمی از قدرت را می‌خواست. همچنین در سال ۱۶۴۸ م، مردم به دلیل مالیات‌های سنگینی که می‌پرداختند قیام کردند. هنگامی که اشراف هم شورش کردند، لویی از پاریس فرار کرد و تا سال ۱۶۵۳ م بازنگشت. او مصمم شد که نگذارد چنین قیامی هرگز دوباره رخ دهد.

لویی در سال ۱۶۶۱ م، شورای اشراف را منحل کرد و حکومت فرانسه را در دست گرفت. در این زمان فرانسه به قدرتمندترین کشور اروپا تبدیل شده بود.



کاخ ورسای (ساخته شده در سال‌های ۱۶۶۲ـ۱۷۱۰ م). اشراف تشویق می‌شدند تا در این‌جا تحت نظارت شدید لویی چهاردهم زندگی کنند.

سال ۱۶۳۸ م
تولد لویی، پسر لویی سیزدهم شاه فرانسه و آنِ اتریشی.
سال ۱۶۴۳ م
لویی چهاردهم بر تخت می‌نشیند.
سال ۱۶۴۸ م
در پایان جنگ سی‌ساله، فرانسه قدرتمندترین کشور اروپا شد.
سال ۱۶۵۳ م
کاردینال ژول مازارن سرانجام قیام پنج‌سالهٔ معروف به فروند را سرکوب می‌کند و لویی به پاریس بازمی‌گردد.
سال ۱۶۶۰ م
لویی با ماری ترز اتریشی دختر شاه اسپانیا ازدواج می‌کند.
سال ۱۶۶۱ م
مازارن می‌میرد و لویی حکومت فرانسه را در دست می‌گیرد.
سال ۱۶۶۷ م
جنگ با اسپانیا بر سر هلند شروع می‌شود. لویی بر فلاندرز سلطه می‌یابد، اما در سال ۱۶۶۸ م ناچار به عقب‌نشینی می‌شود.
سال ۱۶۷۲ م
آغاز جنگ شش‌ساله با هلند که با پیروزی فرانسه به پایان می‌رسد.
سال ۱۶۷۸ م
لویی دربارش را به ورسای انتقال می‌دهد.
سال ۱۶۸۵ م
پیگرد هوگنوها (پروتستان‌های فرانسوی) بسیاری از آن‌ها را مجبور به ترک فرانسه می‌کند.
سال‌های ۱۶۸۹ـ۱۶۹۷ م
جنگ اتحاد بزرگ به رهبری انگلیس در برابر فرانسه، با شکست فرانسه پایان می‌یابد.
سال‌های ۱۷۰۱ـ۱۷۱۳ م
جنگ جانشینی اسپانیا که در آن لویی بر سر سلطه بر امپراتوری اسپانیا می‌جنگد.
سال ۱۷۱۵ م
لویی چهاردهم در ۷۷ سالگی می‌میرد.



باغ‌های واقع در ورسای را آندره لو نوتر بین سال‌های ۱۶۶۱ و ۱۷۰۰ م طراحی کرد. بعدها یک روستای ساختگی به آن اضافه شد که در سال ۱۷۷۴ م برای ماری آنتوانت، همسر لویی شانزدهم، ساخته شد.



مولیر

لویی چهاردهم پشتیبان بزرگ هنر و ادبیات بود. یکی از نمایشنامه‌نویسان مورد علاقهٔ او ژان باپتیست پوکلن معروف به مولیر (سال‌های ۱۶۲۲ـ۱۶۷۳ م) پدر کمدی جدید فرانسه بود. از سال ۱۶۵۹ تا سال ۱۶۷۳ م مولیر نمایشنامه‌های زیادی را در ورسای نوشت و کارگردانی کرد. او در نمایشنامه‌های خود بازی هم می‌کرد.

ژان کولبر، مشاور اصلی لویی چهاردهم، مالیات‌ها را دوباره ساماندهی کرد و نظام حقوقی را اصلاح کرد. او صنایع جدید و شبکه‌ای از جاده‌ها و آبراه‌ها را ایجاد کرد، و برای حمایت از تجارت خارجی در آن سوی دریاها، ناوگان تجاری را افزایش داد. لویی بخش زیادی از ثروت فرانسه را برای ساختن کاخی باشکوه در ورسای نزدیک پاریس و همچنین برای جنگ‌هایش در نقاط گوناگون اروپا خرج کرد. او می‌خواست مرز فرانسه را تا کوه‌های آلپ و پیرنه و رود راین گسترش دهد. او بین سال‌های ۱۶۶۷ و ۱۶۹۷م به سه جنگ عمده با دیگر قدرت‌های اروپایی، از جمله اسپانیا و انگلیس، دست زد.

دهقانان فرانسوی ناگزیر بودند مالیات‌هایی سنگین برای طرح‌های ساختمان‌سازی و جنگ‌های پرهزینهٔ شاه بپردازند، در حالی که اشراف و روحانیان چیزی نمی‌پرداختند. برداشت بد محصول در دو سال پیاپی هزاران نفر از مردم را دچار گرسنگی کرد، اما اعتراضات به‌سرعت سرکوب شد. هنگامی که لویی در سال ۱۷۱۵ م درگذشت، نوهٔ بزرگ پنج‌ساله‌اش جانشین او و وارث کشوری شد که به دنبال سال‌ها جنگ به لحاظ مالی ناتوان شده بود.

انقلاب و صنعت

در سال‌های میان ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ م در بسیاری از بخش‌های جهان دورانی از جنگ، انقلاب و تغییر بود. امپراتوری‌هایی پیروز شدند و شکست خوردند، حکومت‌هایی سرنگون شدند، در حالی که کشاورزی و صنعت به‌سرعت پیشرفت کرد.

ص ۱۲۱ تلسکوپ پیشرفته تصویرهای واضح‌تری از عالم در دسترس ستاره‌شناسان قرار داد.



ص ۱۲۳ گلدان‌های چینی ساخته‌شده از سفال مرغوب در دورهٔ سلسلهٔ چینگ (منچو) به غرب صادر می‌شد.

کشورهای شمال غرب اروپا قدرتمندتر شدند، در حالی که اسپانیا و پرتغال ضعیف شدند. سیزده مهاجرنشین آمریکایی در سال ۱۷۷۶ م استقلال خود را از انگلیس اعلام کردند و به ایالات متحدهٔ آمریکا تبدیل شدند. فرانسوی‌ها که خود در سال ۱۷۸۹ م انقلاب کردند، به آن‌ها کمک می‌کردند. فرانسوی‌ها شاه خود را سرنگون کردند و حکومتشان ابتدا به جمهوری و سپس به امپراتوری تبدیل شد. این امر در سال ۱۷۹۳ م منجر به جنگ‌هایی میان فرانسه و اتریش، انگلیس، هلند، پرتغال، پروس، روسیه و اسپانیا شد.

مهاجرنشین‌های اسپانیایی و پرتغالی در آمریکای جنوبی، از جنگ‌های پیش‌آمده در اروپا برای به دست آوردن استقلالشان استفاده کردند. جدال‌های بعدی، دولت‌های آلمان و ایتالیا را



ص ۱۲۲ کاترین کبیر در سال ۱۷۶۲ م فرمانروای روسیه شد.



ص ۱۲۹ جورج واشینگتن سربازانش را در میان رود دلاور فرماندهی کرد و انگلیسی‌ها را در نبرد ترنتُن در سال ۱۷۷۶ م شکست داد.



ص ۱۳۴ دوکِ ولینگتون ارتش بریتانیا را در اسپانیا و پرتغال فرماندهی کرد، و ناپلئون را در واترلو در بلژیک کنونی شکست داد.



ص ۱۳۹ جیمز هارگریوز ماشین ریسندگی را اختراع کرد.



ص ۱۴۸ جنگ داخلی آمریکا سلاح‌های جدید بسیاری، از جمله کشتی‌های جنگی زره‌پوش را به میان کشاند.



به صورت دو کشور متحد کرد. در ایالات متحدهٔ آمریکا جدال بر سر برده‌داری منجر به جنگ داخلی شد.

انقلاب در کشاورزی، صنعت و حمل و نقل در زندگی بسیاری از مردم، به‌خصوص در اروپا و آمریکا، تأثیر گذاشت. روش‌های جدید کشاورزی تغذیهٔ تعداد بیشتری از مردم را امکان‌پذیر کرد، و عدهٔ زیادی برای گذران زندگی در شهرهای بزرگ، نواحی روستایی را ترک کردند. در کارخانه‌ها برای تولید کالای بیشتر، که زمانی با دست ساخته می‌شد، از ماشین‌ها استفاده می‌کردند.

ص ۱۳۲ ناخدا جیمز کوک هنگام مشخص کردن ساحل نیوزیلند روی نقشه، برای نخستین بار با مائوری‌ها ملاقات کرد. کوک در سال ۱۷۷۹ م در هاوایی به دست جزیره‌نشینان کشته شد.

برای تهیهٔ مواد خام و به دست آوردن بازار برای فروش این کالاهای کارخانه‌ای، بسیاری از کشورهای اروپایی مستعمره‌هایی را در آن سوی دریاها ایجاد کردند. انگلیس سلطهٔ خود بر هند را محکم‌تر کرد و مدعی مالکیت بر استرالیا و نیوزیلند شد. ایالات متحده قدرت نوظهوری بود که میلیون‌ها اروپایی، که بومیان آمریکا را به‌زور از وطنشان بیرون رانده بودند، در آن‌جا ساکن بودند.

ص ۱۵۲ جنگجویان زولو در آغاز جنگ زولو در سال ۱۸۷۹ م ۱۷۰۰ نفر از سربازان ارتش انگلیس را کشتند.





عصر روشنگری



روشنگری به دورانی از اندیشه‌های جدید گفته می‌شود که از قرن هفدهم میلادی آغاز شد و تا پایان قرن هجدهم میلادی به طول انجامید. این دوران را «عصر خرد» نیز نامیده‌اند، زیرا مردم شروع کردند به جستجوی دلایل و چرایی اتفاقاتی که می‌افتاد. دانش جدید از این روش سؤال کردن به وجود آمد. اندیشه‌های جدید دربارۀ حکومت و این‌که مردم چگونه باید زندگی کنند نیز در کانون روشنگری قرار داشت.

این دایرةالمعارف را دنیس دیدرو نویسنده و منتقد فرانسوی گردآوری کرد که کارشناسانی در موضوعات متعدد و با هدف در بر گرفتن همۀ شاخه‌های دانش نوشته بودند و برای نخستین بار بین سال‌های ۱۷۵۱ و ۱۷۷۲ م منتشر شد. این اثر شامل هفده جلد متن و یازده جلد تصویر بود.

بعضی از حاکمان اروپایی با اشتیاق از اندیشه‌های روشنگری حمایت کردند. مردم عادی نیز که دیگر مایل نبودند حاکمان به آن‌ها بگویند چه کار کنند و می‌خواستند در ادارۀ حکومت دخالت داشته باشند، از روشنگری حمایت کردند. افراد دیگری نگران بودند که این روش جدید تفکر، دنیای قدیمی را برای همیشه تغییر دهد. رنه دکارت، فیلسوف فرانسوی (سال‌های ۱۵۹۶ـ۱۶۵۰ م)، استدلال می‌کرد که فقط اندیشه‌هایی درست‌اند که بتوان آن‌ها را با مدرک و دلیل ثابت کرد. این‌گونه استدلال‌ها رهبران کلیسای مسیحی را نگران می‌کرد. این گفتگوها همچنین شاهان و ملکه‌ها در سراسر اروپا را، که معتقد بودند حق الهی (خدادادی) برای فرمانروایی دارند، نگران می‌کرد.



فرانسوا ماری آروئه از نام مستعار ولتر استفاده می‌کرد. او دانشمند، متفکر و نویسنده بود و به دلیل هوشمندی‌اش معروف بود. او می‌گفت: «من ممکن است با آنچه تو می‌گویی مخالف باشم، اما تا هنگام مرگ از حق تو برای گفتن آن دفاع می‌کنم.»



سال‌های ۱۶۳۲ـ۱۷۰۴ م
دورۀ زندگی جان لاک، فیلسوف انگلیسی. او معتقد بود که همۀ انسان‌ها برابر و آزادند و قدرتِ حکومت ناشی از موافقت و رضایت مردم است.

سال ۱۶۸۷ م
اسحاق نیوتن نظریه‌هایش دربارۀ نور و طیف نوری، سه قانون حرکت و وجود جاذبه را تنظیم می‌کند.

سال ۱۷۴۳ م
بنجامین فرانکلین انجمن فلسفۀ آمریکا را در فیلادلفیا تأسیس می‌کند. اعضای این انجمن دوستدار دانش و فلسفه‌اند.

سال ۱۷۵۱ م
جلد اول دایرةالمعارف منتشر می‌شود.
لینایوس اثر خود، فلسفۀ گیاه‌شناسی، را منتشر می‌کند.

سال ۱۷۵۵ م
لغت‌نامۀ کامل زبان انگلیسی اثر ساموئل جانسون منتشر می‌شود. این کتاب شامل ۴۳ هزار لغت است.

سال ۱۷۶۸ م
دایرةالمعارف بریتانیکا برای نخستین بار منتشر می‌شود.

سال ۱۷۸۸ م
روزنامۀ تایمز برای اولین بار در لندن منتشر می‌شود.

سال ۱۷۹۱ م
کتاب حقوق بشر اثر توماس پین بر مبارزۀ آمریکایی‌ها برای به دست آوردن استقلالشان تأثیر می‌گذارد.

سال ۱۷۹۲ م
کتاب دفاع از حقوق زنان اثر مری وولستنکرافت از فرصت‌های برابر آموزش و تحصیل سخن می‌گوید.

ولتر، متفکر فرانسوی، هم از کلیسا و هم از حکومت زمان خود انتقاد می‌کرد. ژان ژاک روسو نیز، که اندیشه‌هایش وقایعی را ایجاد کرد که منجر به انقلاب‌های آمریکا و فرانسه شد، جزو منتقدان بود.

روشنگری دوره‌ای از کشف‌های عملی و نیز نظریه‌های فلسفی بسیار بود. اسحاق نیوتن، دانشمند انگلیسی، نظریه‌هایی دربارهٔ نور و طیف و نیز حرکت و وجود و تأثیرات جاذبه منتشر کرد. دانشمندان دیگری به بررسی جهان زنده به‌صورت بسیار دقیق روی آوردند، از جمله کارل فون لینه (لینایوس)، دانشمند هلندی، که بخش‌های گوناگون گیاهان و قلمروهای حیوانات را مشخص کرد. پیدایش تجهیزات علمی پیشرفته از قبیل تلسکوپ‌ها و میکروسکوپ‌های قوی‌تر، به این دانشمندان کمک کرد.

دیگر افراد مشهور در عصر روشنگری عبارت بودند از بنجامین فرانکلین دانشمند، مخترع و سیاستمدار؛ آدام اسمیتِ اقتصاددان؛ دیوید هیومِ مورخ؛ ایمانوئل کانتِ فیلسوف؛ و مری وولستنکرافتِ نویسنده. این اعتقاد که هر فرد حق تحصیل دانش، آزادی و شادی دارد، شور انقلابی و مردم‌سالارانهٔ تازه‌ای ایجاد کرد که دنیای قرن نوزدهم میلادی را شکل داد.



زنان تأثیرگذار
اندیشه‌های جدید در جلسه‌های افراد هنرمند و تحصیلکرده رد و بدل می‌شد. آن‌ها اغلب در خانه‌های زنان ثروتمند جمع می‌شدند تا دربارهٔ آخرین کشف‌های علمی، نمایشنامه‌ها، کتاب‌ها و موضوعات روز بحث کنند. دو نمونه از این زنان مادام ژوفرین و ماری-آن لاووازیه همسر آنتوان لاووازیهٔ شیمیدان بودند.



تلسکوپ دنیای جدیدی از اکتشافات را بر روی بشر باز کرد. در تلسکوپ‌های پیشرفته‌ای که نیوتن در سال ۱۶۶۸ م و کاسگرن در سال ۱۶۷۲ م ساختند آینه‌هایی برای منعکس کردن نور به کار رفته بود و باعث شد ستاره‌شناسان تصویرهای واضح‌تری را از عالم ببینند.



لینایوس نخستین فردی بود که قلمروهای گیاهی و حیوانی را طبقه‌بندی و تعریف کرد و موجودات زنده را در گونه‌های مشخص دسته‌بندی کرد. او در سال ۱۷۵۱ م کتاب فلسفهٔ گیاه‌شناسی را منتشر کرد که حاوی بررسی‌های دقیق بسیاری دربارهٔ صدها نوع گیاه است.

امپراتوری روسیه





پتر کبیر روسیه را از کشوری عقب‌مانده و منزوی به یکی از قدرت‌های اصلی اروپا تبدیل کرد. نزدیک به چهل سال پس از مرگ او، کاترین کبیر دیگر فرمانروای بزرگ روسیه، جاه‌طلبی او را دنبال کرد.

کاترین کبیر بی‌رحم و جاه‌طلب بود. او به اندیشه‌های جدید علاقه‌مند بود، اما طرح‌هایش برای پیشرفت نظام تعلیم و تربیت روسیه و اصلاح قانون به جایی نرسید.

پتر کبیر از سال ۱۶۸۲ تا سال ۱۷۲۵ م بر روسیه فرمانروایی کرد. او مردی بسیار بلندقد، نیرومند و فعال و نیز درنده‌خو بود. او پسر خود را زندانی و شکنجه کرد.

در سال ۱۶۸۲ م پتر کبیر (پتر اول)، که فقط ده سال داشت، تزار روسیه شد. در ابتدا او همراه با برادر ناتنی‌اش ایوان پنجم فرمانروایی می‌کرد. اما پس از مرگ برادرش در سال ۱۶۹۶ م، تا سال ۱۷۲۵ م به‌تنهایی فرمانروایی می‌کرد. روسیه از سال ۱۶۳۹ م، به‌سرعت گسترش یافت، اما در مقایسه با بقیهٔ اروپا هنوز عقب‌افتاده بود. پتر مصمم بود این وضع را تغییر دهد. او به مدت هجده ماه در اروپا سفر کرد و با شاهان و دانشمندان و افراد گوناگون در زمینهٔ صنعت، کشاورزی و کشتی‌سازی ملاقات کرد. او در هلند حتی مدتی در یک کارگاه کشتی‌سازی کار کرد. پتر هنگامی که به روسیه بازگشت نیروی دریایی و نیروی زمینی ایجاد کرد، از صنایع، کشاورزی و کشتی‌سازی حمایت کرد و برای کمک به تجارت جاده‌ها و آبراه‌های جدیدی ساخت. پتر همچنین از راه جنگ با سوئد یک خط ساحلی در دریای بالتیک برای روسیه به دست آورد؛ از این رو روسیه دارای بندری شد که در زمستان یخ‌بسته نبود. او پایتخت روسیه را از مسکو به سن‌پترزبورگ در ساحل دریای بالتیک انتقال داد. در سال ۱۷۲۵ م هنگامی که پتر درگذشت، روسیه از آنچه هنگام به قدرت رسیدن او بود ایمن‌تر و پیشرفته‌تر شده بود.

در سال ۱۷۶۲ م کاترین دوم (کبیر) به سلطنت رسید. او همانند پتر از اندیشه‌های غربی حمایت کرد و از طریق جنگ با امپراتوری عثمانی در سال‌های ۱۷۷۴ و ۱۷۹۲ م و با سوئد در سال ۱۷۹۰ م قلمروِ روسیه را گسترش داد. او همچنین مدعی مالکیت بخش بزرگی از لهستان شد. با وجود این، شرایط برای رعیت‌های روسی بهتر نشد و قیام مردم در سال ۱۷۷۳ م با خشونت سرکوب شد.



در **کالسکه‌ها** به‌جای چرخ از تیغه‌های سورتمه استفاده می‌کردند. به این ترتیب آن‌ها در طول زمستان‌های طولانی روسیه می‌توانستند از میان برف‌ها سُر بخورند.



سال ۱۶۷۲ م
پتر کبیر به دنیا می‌آید.
سال ۱۶۹۶ م
پتر تنها فرمانروای روسیه می‌شود.
سال‌های ۱۷۰۰ـ۱۷۲۱ م
جنگ شمالی بزرگ با سوئد.
سال ۱۷۰۳ م
شهر سن‌پترزبورگ تأسیس می‌شود. پتر آن‌جا را «پنجره‌ای به سوی اروپا» می‌نامد.
سال ۱۷۱۲ م
سن‌پترزبورگ پایتخت و بندر اصلی روسیه می‌شود.
سال‌های ۱۷۲۲ـ۱۷۲۳ م
جنگِ با ایران، دریای خزر را در دسترس روسیه قرار می‌دهد.
سال ۱۷۲۵ م
پتر کبیر می‌میرد.
سال ۱۷۲۹ م
کاترین کبیر در پروس به دنیا می‌آید.
سال ۱۷۴۵ م
کاترین با پسرعمویش پتر سوم، وارث تاج و تخت روسیه، ازدواج می‌کند.
سال ۱۷۶۲ م
کاترین پس از مرگ شوهرش امپراتریس روسیه می‌شود.
سال ۱۷۷۳ م
شورش رعیت‌ها بی‌رحمانه سرکوب می‌شود.
سال ۱۷۸۷ م
کاترین در بازدیدی از روسیه با بازیگرانی تندرست، قوی و خوش‌لباس ملاقات می‌کند در حالی که رعیت‌های واقعی را از دید او پنهان می‌کنند.
سال ۱۷۹۶ م
کاترین می‌میرد و پسرش جانشین او می‌شود.

چین در دورهٔ منچو

در اوایل قرن هفدهم میلادی در چین در برابر حکومت غیرمردمی امپراتور مینگ و مالیات‌های سنگین آن قیام‌هایی درگرفت. در همین زمان، قبایلی در منچوری (ناحیه‌ای در شمال شرق چین) در حال متحد شدن بودند.



گلدان‌های خوش‌ساخت از جنس چینی عالی و تزیین‌شده با طرح‌هایی از گل و حیوانات در دورهٔ سلسلهٔ چینگ به غرب صادر می‌شد.

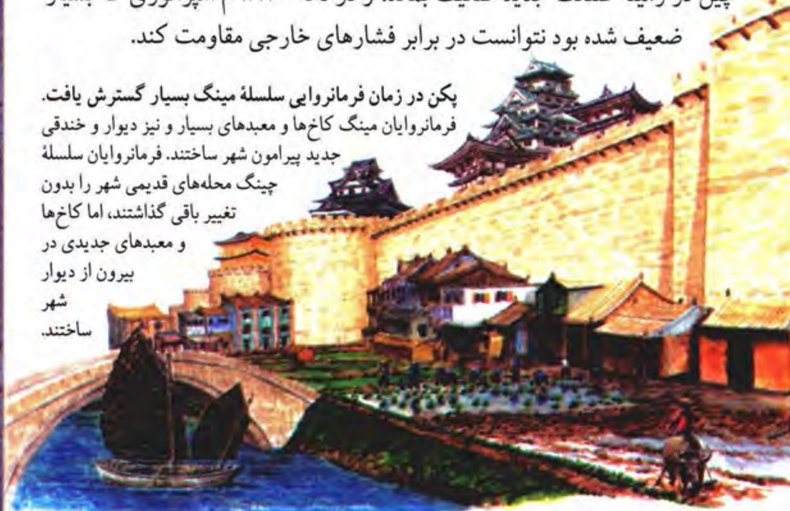
در سال ۱۶۱۸ م قوم منچو به اندازه‌ای قدرتمند شدند که بر ایالت لیائوتونگ در قلمرو سلسلهٔ مینگ سلطه یافتند و آن‌جا را در اختیار گرفتند. سپس شورش سال ۱۶۴۴ م در چین منجر به تسخیر پکن پایتخت آن شد. مأموران حکومت مینگ از منچوها درخواست کردند تا در سرکوب شورشیان به آن‌ها کمک کنند. به جای آن، منچوها قدرت را به دست گرفتند و سلسلهٔ جدید چینگ (منچو) را تأسیس کردند که به مدت بیش از ۲۵۰ سال بر چین فرمانروایی کرد.



امپراتوری چینگ (به رنگ نارنجی) از چین امروزی (مرزِ نشان داده شده به رنگ آبی) وسیع‌تر بود.

چین در زمان فرمانروایی سلسلهٔ چینگ بار دیگر پیشرفت کرد. تولید ابریشم، چینی، ظروف لعاب‌دار و پنبه توسعه یافت و تجارت افزایش پیدا کرد.

در سال ۱۷۹۲ م انگلیس نخستین سفیر خود را، برای درخواست امتیازات تجاری بیشتر، به چین فرستاد. امپراتور که می‌خواست چین منزوی بماند و با کشوری ارتباط نداشته باشد از قبول این درخواست خودداری کرد. این سیاست امپراتور باعث شد که چین در زمینهٔ صنعت جدید ضعیف بماند، و در دههٔ ۱۸۴۰ م امپراتوری که بسیار ضعیف شده بود نتوانست در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند.



پکن در زمان فرمانروایی سلسلهٔ مینگ بسیار گسترش یافت. فرمانروایان مینگ کاخ‌ها و معبدهای بسیار و نیز دیوار و خندقی جدید پیرامون شهر ساختند. فرمانروایان سلسلهٔ چینگ محله‌های قدیمی شهر را بدون تغییر باقی گذاشتند، اما کاخ‌ها و معبدهای جدیدی در بیرون از دیوار شهر ساختند.

سال ۱۶۱۸ م
قبایل متحد منچو بر ایالت چینی لیائوتونگ سلطه می‌یابند.
دههٔ ۱۶۳۰ م
چینی‌ها در برابر مالیات‌های سنگینی که سلسلهٔ مینگ به آن‌ها تحمیل می‌کند، قیام می‌کنند.
سال ۱۶۴۴ م
منچوها بر پکن سلطه می‌یابند و سلسلهٔ مینگ را سرنگون می‌کنند.
سال ۱۶۶۱ م
کانگ‌شی دومین امپراتور چینگ می‌شود. او تایوان، مغولستان خارجی، بخش‌هایی از سیبری و تبت را تسخیر می‌کند.
سال ۱۶۹۲ م
کانگ‌شی به مبلغان یسوعی اجازه می‌دهد تا به تبلیغ مسیحیت در میان چینی‌ها بپردازند.
سال ۱۷۰۴ م
همهٔ مبلغان مذهبی بجز یسوعیان به علت نپذیرفتن سنت‌های چینی اخراج می‌شوند.
سال ۱۷۲۲ م
کانگ‌شی می‌میرد.
سال ۱۷۳۶ م
چین‌لونگ، نوهٔ کانگ‌شی، امپراتور چین می‌شود و به مدت شصت سال فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۷۷۰ م
قدرت منچو شروع به ضعیف شدن می‌کند. چین‌لونگ بجز یک بندر همهٔ بندرها را به روی بازرگانان خارجی می‌بندد و می‌کوشد تا چین را جدا از بقیهٔ دنیا نگه دارد.
سال ۱۷۹۲ م
امپراتور با افزایش امتیازات تجاری انگلیسی‌ها مخالفت می‌کند.
سال ۱۷۹۶ م
چین‌لونگ کناره‌گیری می‌کند، اما در زمان بازنشستگی هم بر دولت سلطه دارد.
سال ۱۸۴۰ م
به دنبال قیام‌ها در چین و حمله‌های موفقیت‌آمیز خارجی‌ها، سلسلهٔ چینگ ضعیف می‌شود.

انقلاب زراعتی

از قرون وسطی تا پایان قرن هفدهم میلادی روش‌های کشاورزی در اروپا بدون تغییر باقی ماند. بیشتر مردم همچنان در روستاها زندگی می‌کردند و فقط غذای کافی برای مصرف خانوادهٔ خود با مقدار کمی برای فروش در بازار محلی کشت می‌کردند.

مردم در باریکه‌های کوچکی از زمین که در سه یا چهار کشتزار عمومی بزرگ پیرامون روستایشان قرار داشت، کشاورزی می‌کردند. برای حاصلخیز نگه داشتن زمین، هر سال یک کشتزار کشت‌نشده یا در حال آیش رها می‌شد و به این ترتیب محصول تولید نمی‌شد. این روش تا زمانی که جمعیت کم بود کارایی داشت. اما، سرانجام جمعیت افزایش یافت و مردم بیشتری به شهرهای در حال گسترش نقل‌مکان کردند، در آن‌جا هیچ زمینی برای کشاورزی وجود نداشت. برای تأمین غذای این جمعیت رو به افزایش می‌بایست راه‌های بهتری برای کشت محصولات پیدا می‌کردند.

آسیای بادی بادبزنی در سال ۱۷۴۵ م اختراع شد. هنگامی که جهت باد تغییر می‌کرد بادبزن پره‌های اصلی را جابه‌جا می‌کرد. پیش از این، هرگاه جهت باد تغییر می‌کرد پره‌های اصلی آسیای بادی را باید جابه‌جا می‌کردند تا رو به باد قرار بگیرند.

بعضی از قدیمی‌ترین شیوه‌های کشاورزی در هلند به کار رفت، که زمین‌های کشاورزی در آن‌جا محدود بود. بنابراین هلندی‌ها با ساختن سد، دریاچه‌ها را خشک کردند و نواحی وسیعی از بستر دریا را به زمین کشاورزی تبدیل کردند. آن‌ها برای خارج کردن آب از این زمین‌ها، از تلمبه‌هایی استفاده می‌کردند که آسیاهای بادی آن‌ها را به کار می‌انداختند. کشاورزان هلندی هیچ کشتزاری را کشت‌نشده باقی نمی‌گذاشتند. به‌جای آن، کشت گردشی محصولات را آزمایش کردند که در آن چهار محصول متفاوت در طول یک دورهٔ چهارساله کشت می‌شد. علاوه بر این، پیشرفت‌های کشاورزی دیگری صورت گرفت: خیش پیشرفته‌تر شد و بذرکار اسب‌کش و کج‌بیل اختراع شد. این وسایل این امکان را به وجود آوردند که چند ردیف بذر به‌طور همزمان کاشته شود و بعداً وجین شود.

در بسیاری از مناطق، زمین‌ها دوباره ساماندهی شدند. کشتزارهای عمومی وسیع به کشتزارهای کوچک‌تر تقسیم شدند و با پرچین یا دیوار آن‌ها را جدا کردند. قوانینی در بریتانیا وضع شد که به زمین‌داران حق می‌داد دور زمین‌های عمومی، که پیش‌تر

سال ۱۷۰۱ م
جترو تال، مخترع انگلیسی، بذرکار اسب‌کش را اختراع می‌کند.
سال ۱۷۱۵ م
هلندی‌ها نواحی وسیعی از بستر دریا را به زمین کشاورزی تبدیل می‌کنند.
سال ۱۷۳۰ م
کشت چهارمحصوله در انگلستان رایج می‌شود.
سال‌های ۱۷۵۹ـ۱۸۰۱ م
در انگلیس بر اساس قوانین حصارکشی، دور نواحی بزرگی از زمین‌های عمومی را حصارکشی می‌کنند.
سال ۱۷۹۶ م
مدرسه‌ای برای کشاورزان در مجارستان تأسیس می‌شود.
سال ۱۸۰۰ م
در بریتانیا پرورش انتخابی، میانگین وزن گاوها را نسبت به صد سال قبل از آن بیش از دو برابر کرده است.
سال ۱۸۴۰ م
نخستین کتاب در مورد استفاده از مواد شیمیایی در کشاورزی منتشر می‌شود.



همه از آن‌ها برای چراندن حیواناتشان استفاده می‌کردند، دیوار بکشند.

هنگامی که مردم بیشتری به شهرهای صنعتی جدید نقل‌مکان کردند، تعداد کشاورزان کمتر شد، اما ناچار بودند غذای بیشتری تولید کنند.

در طول قرن هجدهم میلادی **نژادهای بزرگ‌تر جدیدی از حیوانات اهلی** پرورش داده می‌شدند، به طوری که از آن‌ها گوشت، شیر و پشم بیشتری به دست می‌آمد.

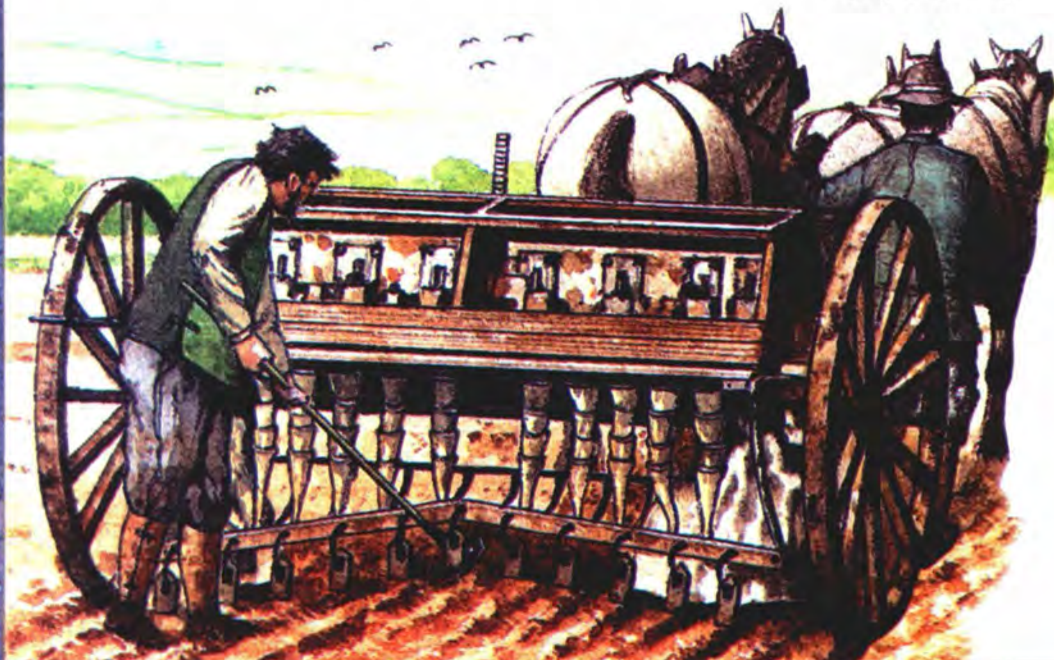


کشت گردشی محصولات

کشت گردشی محصولات باروری خاک را افزایش داد. کشاورزان در کشتزار نخست گندم، در کشتزار دوم شلغم، در کشتزار سوم جو و در کشتزار چهارم شبدر می‌کاشتند. هر سال محصولات گردش می‌کردند، به این ترتیب که در سال دوم گندم در کشتزار دوم کشت می‌شد و محل کشت بقیه محصولات هم به همین ترتیب تغییر می‌کرد.

تحولات زراعتی بین سال‌های ۱۷۰۰ و ۱۸۵۰م به کشاورزان کمک کرد تا برای جمعیت رو به افزایش غذا فراهم کنند.

بذرکار اسب‌کِش یک ردیف سوراخ یکسان ایجاد می‌کرد که بذرها در داخل آن‌ها می‌افتادند. سپس یک کارگر روی سوراخ‌ها را با شن‌کش صاف می‌کرد. تا پیش از آن، بذرها را با دست روی زمین می‌پاشیدند. بذرها به طور نامنظم می‌افتادند و اغلب امکان روییدن نداشتند یا پرنده‌ها آن‌ها را می‌خوردند.



اتریش و پروس

اروپا در قرن هجدهم میلادی زیر سلطهٔ شاهان مستبدی قرار داشت که قدرت آن‌ها را هیچ مجلس منتخبی محدود نمی‌کرد. آن‌ها کاخ‌هایی می‌ساختند و هنرمندان و روشنفکران را به دربارهای «روشنفکرانه»ی خود جلب می‌کردند. دو تا از قدرتمندترین کشورهای اروپایی اتریش و پروس بودند.

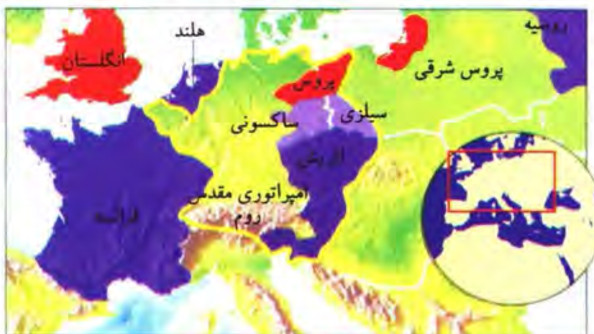


ماری ترز (سال‌های ۱۷۱۷_۱۷۸۰ م) در سال ۱۷۴۰ م تاج و تخت اتریش را به ارث برد. میان رقیبانش جنگ درگرفت اما در سال ۱۷۴۸ م موقعیت او مستحکم شد.



فردریک کبیر (سال‌های ۱۷۱۲_۱۷۸۶ م)، شاه پروس، مردی بافرهنگ، اما حاکمی سختگیر بود. او مطالعهٔ دانش و کشاورزی را تشویق کرد و تعلیم و تربیت را بهبود بخشید.

اتریش تحت فرمانروایی هابسبورگ‌ها بود؛ خاندانی که از قرن سیزدهم میلادی بر اروپا سلطه داشتند. در اوایل قرن شانزدهم میلادی شارل پنجم هابسبورگ، که در آن هنگام امپراتور مقدس روم بود، قلمروِ وسیع خود را تقسیم کرد. نیمه‌ای از آن از اسپانیا و نیمهٔ دیگر از وین در اتریش اداره می‌شد. در سال ۱۷۰۰م هابسبورگ‌های اسپانیا از میان رفتند، اما هابسبورگ‌های اتریش همچنان قدرتمند باقی ماندند. از سال ۱۷۴۰م ماری ترز بر اتریش (که مجارستان را که از ترک‌ها بازپس گرفته شده بود در بر می‌گرفت) فرمانروایی



در جنگ هفت‌ساله (سال‌های ۱۷۵۶_۱۷۶۳ م) فرانسه، اتریش و روسیه با پروس و انگلیس درگیر شدند. در پایان جنگ، پروس سیلزی را از اتریش گرفت و انگلیس مستعمرات فرانسه در هند و آمریکا را به دست آورد.

سال ۱۷۰۰ م
اتریش مجارستان را از دست عثمانی‌ها بیرون می‌آورد. آخرین شاه اسپانیایی هابسبورگ می‌میرد و اسپانیا تحت فرمانروایی بوربون‌های فرانسه قرار می‌گیرد.

سال ۱۷۱۱ م
شارل ششم، دوک بزرگ اتریش، امپراتور روم می‌شود.

سال ۱۷۱۳ م
فردریک ویلهلم بر تخت پادشاهی پروس می‌نشیند.

سال ۱۷۴۰ م
ماری ترز جانشین شارل ششم می‌شود. رقیبانش به حق او برای فرمانروایی اعتراض می‌کنند. فردریک دوم (کبیر) شاه پروس می‌شود.

سال‌های ۱۷۵۶_۱۷۶۳ م
جنگ هفت‌ساله. فرانسه، اتریش و روسیه با انگلیس و پروس می‌جنگند.

سال ۱۷۶۵ م
ماری ترز همراه با پسرش یوزف بر امپراتوری مقدس روم فرمانروایی می‌کند.

سال ۱۷۷۲ م
نخستین تقسیم لهستان توسط اتریش، پروس و روسیه.

سال ۱۷۸۰ م
یوزف دوم جانشین ماری ترز می‌شود.

سال ۱۷۸۱ م
یوزف دوم اصلاحاتی انجام می‌دهد و رعیت‌ها را آزاد می‌کند.

سال ۱۷۸۶ م
فردریک کبیر می‌میرد.

سال ۱۷۹۵ م
تقسیم دوم لهستان میان اتریش، پروس و روسیه. موجودیت لهستان تا سال ۱۹۱۹ م از بین می‌رود.



کاخ شونبرون در وین (ساخته‌شده در سال‌های ۱۶۹۶ـ۱۷۱۱ م) کاخ تابستانی هابسبورگ‌ها بود. این کاخ که برای رقابت با کاخ ورسای، کاخ شاهان فرانسه در حومهٔ پاریس، طراحی شده بود، ۱۴۴۰ اتاق داشت.

می‌کرد. او به اتریش نیرویی دوباره بخشید و وین را مرکز هنری اروپا کرد. هنرمندان و معماران از سراسر اروپا برای کار روی طرح‌های باشکوه ساختمان‌سازی به آن‌جا می‌رفتند. در سال ۱۷۸۰ م یوزف دوم پسر ماری ترز جانشین او شد.

یوزف تحت تأثیر اندیشه‌های روشنگری، رعیت‌ها را آزاد کرد و امتیازاتی را که اشراف از آن‌ها برخوردار بودند برچید.

فردریک دوم (کبیر) در سال ۱۷۴۰ م شاه پروس شد. او که فرماندهی برجسته بود، کشوری سامان‌یافته و منظم با ارتشی قدرتمند را به ارث برد. او با استفاده از ارتش پروس را به قدرتی اصلی در اروپا تبدیل کرد.

ولفگانگ آمادئوس موتسارت (سال‌های ۱۷۵۶ـ۱۷۹۱ م) در دربار ماری ترز ساز می‌نوازد. موتسارت از شش‌سالگی در دربار ساز می‌نواخت.



پیدایش ایالات متحده

در اواسط قرن هجدهم میلادی، سیزده مهاجرنشین انگلیسی در آمریکای شمالی وجود داشت. انگلیس علاوه بر این با شکست دادن فرانسه در جنگ هفت‌ساله (سال‌های ۱۷۵۶ـ۱۷۶۳م) بر کانادا سلطه یافت. انگلیس هیچ تصمیمی برای تغییر روش خود در ادارهٔ مهاجرنشین‌های آمریکایی‌اش نداشت، اما مهاجرنشینان دخالت در ادارهٔ خود را نپذیرفتند و قیام کردند. انقلاب آمریکا منجر به استقلال مهاجرنشین‌ها و تشکیل ایالات متحده شد.



سربازان انگلیسی برای جنگیدن در جنگ‌های اروپایی آموزش دیده بودند که بسیار متفاوت با جنگیدن در آمریکا بود. آن‌ها با ایستادن در صفوف نزدیک و تنگاتنگ و شلیک رگبارهای تیر، هدف‌هایی آسان برای شیوه‌های جنگ چریکی آمریکایی‌ها بودند. سربازان پیادهٔ انگلیسی کت‌های دنباله‌دار قرمز می‌پوشیدند و به همین دلیل به «کت‌قرمزها» معروف بودند.

انگلیس برای تأمین مخارج دفاع از آمریکای شمالی بر شهروندان آمریکایی مالیات بست. حدود دو میلیون آمریکاییِ انگلیسی وجود داشتند. آن‌ها بیشتر مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز خود را تولید می‌کردند، اما از اجبار برای پرداخت مالیات برای چای وارداتی و اسناد حقوقی ناراضی بودند. از طرفی، آمریکایی‌های انگلیسی حتی نماینده‌ای در مجلس انگلستان نداشتند و اعلام کردند که «وضع مالیات بدون داشتن نماینده استبداد است». در مقابل، انگلیس سربازانی را برای سرکوب هرگونه اعتراض به آن‌جا فرستاد.

در آوریل سال ۱۷۷۵م در لکسینگتن در ماساچوست درگیری مسلحانه میان مهاجرنشینان و سربازان انگلیسی روی داد. مهاجرنشینان سپاهی به فرماندهی جورج واشینگتن تشکیل دادند



پل ریویر

پل ریویر یکی از قهرمانان جنگ استقلال است. او از بوستون تا لکسینگتن با اسب تاخت تا خطر نزدیک شدن سربازان انگلیسی را اعلام کند. هرچند او اسیر شد، مأموریتش موفقیت‌آمیز بود. ریویر در شعر معروفی از لانگفلو جاودانه شد.

سال ۱۷۶۵ م
اعتراض‌ها علیه تحمیل مالیات از طرف انگلیس در مهاجرنشین‌های آمریکایی آغاز می‌شود.

سال ۱۷۷۰ م
در قتل‌عام بوستون سربازان انگلیسی به روی جمعیتی از مهاجرنشینان تیراندازی کردند و پنج تن از آن‌ها را کشتند.

سال ۱۷۷۳ م
مهمانی چای بوستون؛ در بندر بوستون مهاجرنشینان در اعتراضی به مالیاتِ چای، بارها را از کشتی به دریا انداختند.

سال ۱۷۷۵ م
جنگ استقلال آمریکا آغاز می‌شود.

سال ۱۷۷۶ م
در چهارم ژوئیه مجمع قاره‌ای اعلامیهٔ استقلال را می‌پذیرد.

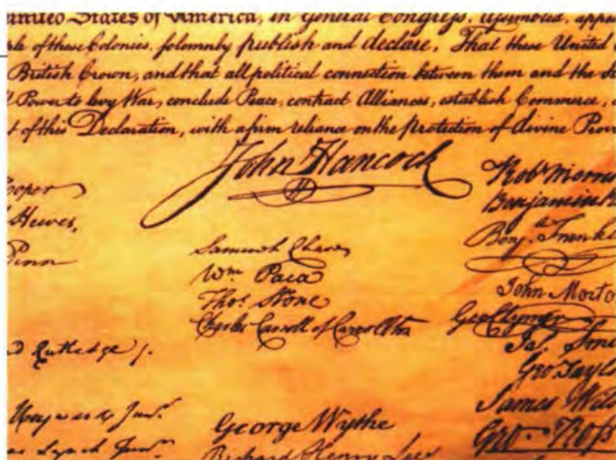
سال ۱۷۷۷ م
انگلیسی‌ها در ساراتوگا در نیویورک شکست می‌خورند. فرانسه از آمریکا طرفداری می‌کند. انگلیسی‌ها فیلادلفیا در پنسیلوانیا را تسخیر می‌کنند.

سال ۱۷۷۸ م
انگلیسی‌ها ساوانا در جورجیا را تسخیر می‌کنند.

سال ۱۷۷۹ م
اسپانیا به طرفداری از آمریکا وارد جنگ می‌شود.

سال ۱۷۸۰ م
هلند به طرفداری از آمریکا به جنگ می‌پیوندد. انگلیسی‌ها در چارلستون در کارولینای جنوبی پیروز می‌شوند.

سال ۱۷۸۱ م
انگلیسی‌ها پس از محاصره شدن در یورکتاون در ویرجینیا تسلیم می‌شوند.



اعلامیهٔ استقلال آمریکا را در چهارم ژوئیهٔ سال ۱۷۷۶ نمایندگانی از سیزده مهاجرنشین امضا کردند. بر اساس این اعلامیه سیزده مهاجرنشین از انگلیس جدا شدند و ایالات متحده را به وجود آوردند.

و در هفدهم ژوئن دو سپاه در بانکر هیل در نزدیکی بوستون با یکدیگر جنگیدند. انگلیسی‌ها پیروز شدند اما جنگ استقلال یا انقلاب آمریکا آغاز شده بود.

در حالی که جنگ ادامه داشت، رهبران مهاجرنشین‌ها در چهارم ژوئیهٔ سال ۱۷۷۶م اعلامیهٔ استقلال را امضا کردند. دولت انگلیس از پذیرش آن خودداری کرد. سپاه مهاجرنشینان تحت فرماندهی جورج واشینگتن انگلیسی‌ها را شکست داد. فرانسه، اسپانیا و هلند به جانبداری از مهاجرنشینان برخاستند. جنگ شش‌ساله در سال ۱۷۸۱م، با تسلیم شدن انگلیسی‌ها در یورکتاون پایان یافت. دو سال بعد انگلیس استقلال ایالات متحدهٔ آمریکا را به رسمیت شناخت.

در شب کریسمس سال ۱۷۷۶ م جورج واشینگتن سربازانش را از میان رود یخ‌زدهٔ دلاوِر عبور داد و برای شکست دادن انگلیسی‌ها در نبرد ترنتُن حرکت کرد. این نبرد یکی از پیروزی‌های مهم آمریکا در جنگ استقلال بود.



در سال ۱۷۹۳ م ماکسیمیلین روبسپیر (سال‌های ۱۷۵۸_۱۷۹۴ م) حکومت وحشت را آغاز کرد. در طول نه ماه حکومت او، هزاران نفر از مخالفان انقلاب کشته شدند، تا این‌که خود او متهم شد و سرش را با گیوتین قطع کردند.

در طول حکومت وحشت، حدود پانصد هزار نفر دستگیر و هفده هزار نفر از آن‌ها به اعدام با گیوتین در برابر مردم محکوم شدند. بسیاری از قربانیان اولیه از اشراف بودند که به عنوان «دشمنان ملت» محکوم شدند.



انقلاب فرانسه

انقلاب سال ۱۷۸۹ م فرانسه سراسر اروپا را تکان داد. انقلاب با اعتراضی برای به دست آوردن عدالت، غذا و مردم‌سالاری آغاز شد. مردم فرانسه، که بیشتر آن‌ها اجازهٔ دخالت در امور حکومتی را نداشتند، بر ضد «نظم قدیم» قیام کردند. سال‌ها درگیری و خونریزی منجر به پیدایش فردی مستبد شد که خود را امپراتور خواند ــ ناپلئون بناپارت.

در قرن هجدهم میلادی جامعهٔ فرانسه به سه طبقه تقسیم می‌شد. طبقهٔ اول اشراف، طبقهٔ دوم روحانیان و طبقهٔ سوم بقیهٔ افراد جامعه بودند. فقط مردم طبقهٔ سوم مالیات می‌پرداختند. افراد تحصیلکرده، که در این زمان با اندیشه‌های روشنگری آشنا بودند، می‌دانستند که حکومت تا چه حد ناعادلانه است. در سال ۱۷۸۸ م، هنگامی که برداشت بدِ محصول قیمت‌ها را بالا برد و بسیاری از مردم دچار گرسنگی شدند، نارضایتی تحصیلکرده‌ها بیشتر شد. پس از سال‌ها ولخرجی شاهان و جنگ‌های پرهزینه، حکومت برای حل بحران پول کافی نداشت. در سال ۱۷۸۹ م، هنگامی که لویی شانزدهم مجلس طبقاتی (نزدیک‌ترین مجمع به مجلس قانونگذاری که فرانسه داشت) را برای تشکیل جلسه به منظور فراهم کردن پول بیشتر فراخواند، طبقهٔ سوم در برابر پرداخت مالیات، خواستار دخالت در ادارهٔ امور کشور شدند. لویی شانزدهم این درخواست را رد کرد.

شورشیان، که خود را مجمع ملی می‌نامیدند، از ترک کردن کاخ ورسای خودداری کردند تا زمانی که شاه به درخواست‌های آن‌ها گوش داد. در پاریس جمعیتی به باستیل، زندان سلطنتی، حمله کردند و شورش‌هایی در سراسر فرانسه درگرفت. مجمع ملی «اعلامیهٔ حقوق بشر» را تنظیم کرد. این اعلامیه

۱۵ مه سال ۱۷۸۹ م
مجلس طبقاتی برای نخستین بار از سال ۱۶۱۴ م تشکیل جلسه می‌دهد. مجلس سوم منحل می‌شود و مجمع ملی تشکیل می‌شود.

۱۴ ژوئیهٔ سال ۱۷۸۹ م
با تصرف زندان باستیل به دست مردم، انقلاب فرانسه آغاز می‌شود.

۲۶ اوت سال ۱۷۸۹ م
اعلامیهٔ حقوق بشر تنظیم می‌شود.

۵ اکتبر سال ۱۷۸۹ م
شاه و خانواده‌اش به دست گروهی از مردم دستگیر، زندانی و به پاریس برده می‌شوند.

سال ۱۷۹۱ م
خانوادهٔ سلطنتی می‌کوشند فرار کنند اما به پاریس بازگردانده می‌شوند.

سال ۱۷۹۲ م
حکومت فرانسه جمهوری اعلام می‌شود.

سال ۱۷۹۳ م
لویی شانزدهم در ژانویه و ماری آنتوانت در اکتبر اعدام می‌شوند. حکومت وحشت آغاز می‌شود. هلند، اتریش، بریتانیا، پروس و اسپانیا در حال جنگ با فرانسه‌اند.

سال ۱۷۹۴ م
اعدام روبسپیر به حکومت وحشت پایان می‌دهد. فرانسه را هیئت مدیره، که یک هیئت پنج‌نفره است، اداره می‌کند.

سال ۱۷۹۵ م
هنگامی که ناپلئون بناپارت از پاریس در برابر شورشیان دفاع می‌کند، به قدرت رسیدنش آغاز می‌شود.



ماری آنتوانت

ماری آنتوانت (سال‌های ۱۷۵۵_۱۷۹۳ م)، دختر ماری ترز ملکهٔ اتریش، با لویی شانزدهم شاه فرانسه ازدواج کرد. در ابتدا مردم به او علاقه داشتند، اما ولخرجی‌هایش خیلی زود مردم را از او روگردان کرد. می‌گویند او با شنیدن این‌که پاریسی‌ها به سبب کمبود نان در حال شورش هستند، گفته است: «خب، کیک بخورند!»



ستون ژوئیه در پاریس در محل زندان باستیل برپا شده است. این زندان در ۱۴ ژوئیه سال ۱۷۸۹ م به دست جمعیت انقلابی ویران شد.

دربردارندهٔ آزادی، برابری و حق مقاومت در برابر ظلم بود. لویی شانزدهم و خانواده‌اش دستگیر و تا سال ۱۷۹۳ م تحت نظر بودند. سرانجام شاه در ژانویهٔ آن سال محاکمه و اعدام شد. این اقدام آغاز حکومت وحشت بود.

در طول دورهٔ وحشت به رهبری ماکسیمیلین روبسپیر، هزاران نفر از مردم کشته شدند. اتریش، بریتانیا، هلند، پروس و اسپانیا همگی به جنگ با فرانسه رفتند. همکاران روبسپیر، که از تغییر مسیر انقلاب احساس خطر کرده بودند، فرمان اعدام او را صادر کردند. خطر جنگ داخلی در سال ۱۷۹۵ م منجر به قدرت گرفتن یک سرباز فرانسوی جاه‌طلب به نام ناپلئون بناپارت شد.



استرالیا و نیوزیلند

در اواخر قرن هجدهم میلادی علاقهٔ اروپاییان به استرالیا و نیوزیلند و اقوامی که در آن مناطق زندگی می‌کردند، یعنی بومیان و مائوری‌ها، دوباره شدت گرفت. انگلیس در سال ۱۷۸۸ م مهاجرنشین کردن استرالیا را آغاز کرد، و در سال ۱۸۴۰ م نیوزیلند مستعمرهٔ انگلیس شد. به تدریج مهاجرانی از اروپا در هر دو کشور ساکن شدند.

دریانورد انگلیسی جیمز کوک در طول قرن هجدهم میلادی سه بار به اقیانوس آرام سفر کرد. نخستین سفر او در سال ۱۷۶۸ م آغاز شد. کوک با کشتی نیوزیلند را دور زد و سپس به سواحل شرقی و شمالی استرالیا رفت. او در خلیج بوتانی در ساحل جنوب شرقی از کشتی پیاده شد و مدعی مالکیت این قلمرو برای بریتانیا شد. او در سفر دوم خود در بسیاری از جزیره‌های پراکندهٔ اطراف اقیانوس آرام کاوش کرد.

در سومین سفر دریایی، در سال ۱۷۷۶ م، کوک به نیوزیلند بازگشت. او سپس پیش از رفتن به هاوایی، به کاوش در ساحل آمریکای جنوبی در اقیانوس آرام پرداخت.

در سال ۱۷۸۸ م نخستین ناوگانی که از بریتانیا به استرالیا آمد، محکومانی را به تبعیدگاه پورت جکسون برد. بعضی زندانیان پس از آزادی در آن‌جا ماندند و از سال ۱۷۹۳ م

سال‌های ۱۷۶۸ـ۱۷۷۱ م
نخستین سفر ناخدا جیمز کوک به جنوب اقیانوس آرام.
سال‌های ۱۷۷۲ـ۱۷۷۵ م
دومین سفر ناخدا کوک به جنوب اقیانوس آرام.
سال ۱۷۷۶ م
سومین و آخرین سفر ناخدا کوک به جنوب اقیانوس آرام. او در سال ۱۷۷۹ م در مشاجره‌ای با اهالی هاوایی کشته می‌شود.
سال ۱۷۸۸ م
محکومان از انگلیس به استرالیا فرستاده می‌شوند.
سال ۱۷۹۳ م
نخستین ساکنان آزاد از انگلیس به استرالیا وارد و در خلیج بوتانی ساکن می‌شوند.
سال ۱۸۰۳ م
برای نخستین بار افرادی از انگلستان به تاسمانی می‌روند.
سال ۱۸۱۳ م
در این زمان گوسفندان مرینو (از اسپانیا) به استرالیا وارد می‌شوند. مهاجران در شمال و غرب در آن سوی کوه‌های آبی پراکنده می‌شوند.
سال ۱۸۴۰ م
رهبران مائوری عهدنامهٔ وایتانگی را امضا می‌کنند. بر اساس این عهدنامه، حق داشتن زمین و حق شهروندی کامل انگلیسی به مائوری‌ها داده می‌شود، اما عهدنامه رعایت نمی‌شود و جنگ درمی‌گیرد (سال‌های ۱۸۴۳ـ۱۸۴۸ م).
سال ۱۸۵۱ م
کشف طلا در ویکتوریا باعث هجوم مهاجران به استرالیا برای طلا می‌شود.

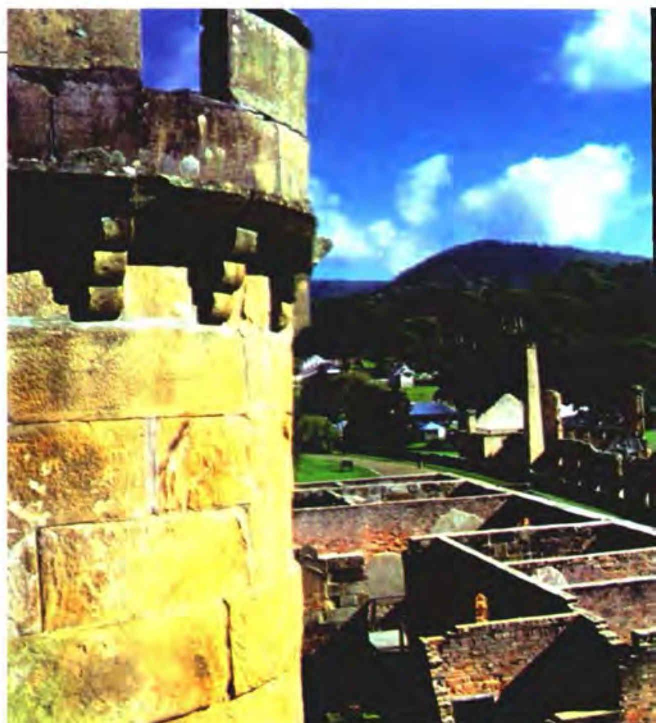


ناخدا جیمز کوک و افرادش هنگام مشخص کردن ساحل نیوزیلند روی نقشه، برای نخستین بار با مائوری‌ها ملاقات کردند. کوک در سال ۱۷۷۹ م در هاوایی به دست جزیرنشینان کشته شد.



بومیان و مائوری‌ها

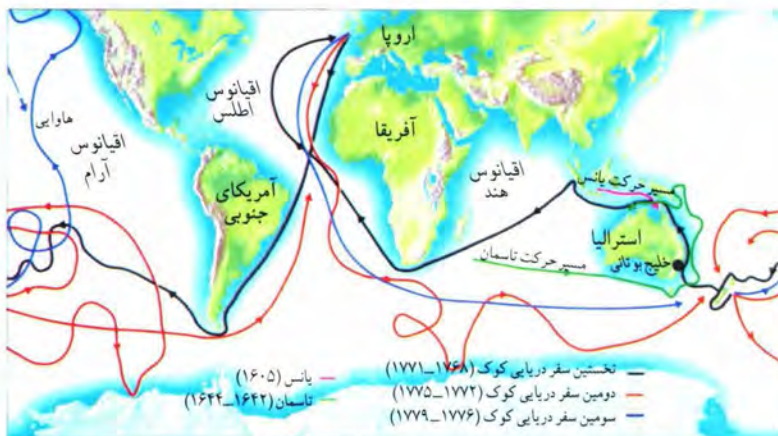
اروپاییان با بسیاری از بومیان استرالیا بدرفتاری می‌کردند. بعضی با تیر از پای درمی‌آمدند، عده‌ای دیگر از بیماری‌هایی که اروپاییان با خود آورده بودند می‌مردند. بسیاری از آن‌ها امید به زندگی را از دست می‌دادند. هنگامی که جیمز کوک به نیوزیلند وارد شد، تعداد مائوری‌های نیوزیلند در حدود صد هزار نفر بود. پس از عهدنامهٔ وایتانگی حقوق مائوری‌ها حفظ نشد، جنگ درگرفت، و در سال ۱۸۴۸ م مائوری‌ها شکست خوردند.



بقایای تبعیدگاهی در پورت آرتور در تاسمانی. پورت آرتور در سال ۱۸۳۰ م مستعمره شد و به مرکز الوار تبدیل گردید. محکومان تا سال ۱۸۷۷ م در این‌جا نگهداری می‌شدند و از این زمان به بعد این سکونتگاه اهمیت خود را از دست داد.

مهاجران دیگری به آن‌ها پیوستند. کم‌کم شهرهایی ساخته شد و کاوشگرانی به جستجو در این قاره پرداختند. مهاجران هیچ ارزش و احترامی برای بومیان استرالیا که سرزمین‌هایشان را تصرف کرده بودند قائل نبودند. آوردن محکومان به استرالیا در سال ۱۸۵۰ م پایان یافت.

فرانسوی‌ها بعد از کوک به نیوزیلند وارد شدند، اما مائوری‌ها را دشمن خود یافتند. با آمدن شکارچیان نهنگ و خوک آبی و مبلغان مسیحی در اوایل قرن نوزدهم میلادی، این ارتباطات ادامه یافت. در سال ۱۸۴۰ م، بر اساس عهدنامهٔ وایتانگی، رهبران مائوری سرزمین‌هایشان را تسلیم کردند و نیوزیلند مهاجرنشینی انگلیسی شد.





این نقشه سفرهای دریایی کاوشگران هلندی ویلم یانس و آبل تاسمان در قرن هفدهم میلادی به استرالیا و نیوزیلند و سه کاوش (سال‌های ۱۷۶۸ـ۱۷۷۹ م) جیمز کوک انگلیسی را نشان می‌دهد.

جنگ‌های ناپلئون

ناپلئون بناپارت (سال‌های ۱۷۶۹ـ۱۸۲۱م) از مقام افسر توپخانه به مقام امپراتوری فرانسه رسید. او که مصمم بود اروپا را تحت فرمانروایی خود متحد سازد، جنگ‌های توسعه‌طلبانه‌اش بر اوایل قرن نوزدهم میلادی سایه افکنده بود.



در نبردهای زمینی، ناپلئون در به کار بردن توپخانه (توپ‌های چرخ‌دار) استاد بود. در دریا او تلاش کرد با قطع روابط تجاری انگلیس و گرسنگی دادن به آن‌ها، انگلیسی‌ها را وادار به صلح کند، اما نتوانست نیروی دریایی انگلیس را شکست دهد.

ناپلئون در جزیرهٔ کرس در سواحل جنوبی فرانسه به دنیا آمد. او در سال ۱۷۸۵م به ارتش فرانسه پیوست و از انقلاب فرانسه پشتیبانی کرد و در سال ۱۷۹۳م نیروهای ضدانقلاب را در تولون شکست داد. در سال ۱۷۹۵م به پاریس احضار شد تا از شهر در برابر شورشیان دفاع کند، و در سال ۱۷۹۶م به فرماندهی سپاه فرانسه در ایتالیا منصوب شد، سپس به امید قطع کردن راه تجاری انگلیس به هند، رهسپار مصر شد. او مصریان را در سال ۱۷۹۸م در نبرد اهرام شکست داد، اما بعد که نیروی دریایی انگلیس ناوگان فرانسه را در نبرد نیل نابود کرد، ناامید شد. ناپلئون به فرانسه بازگشت و دست‌به‌کار شد تا به‌جای کمیته یا هیئت‌مدیره‌ای که بر کشور فرمانروایی می‌کرد، خود را تنها رهبر فرانسه معرفی کند. این اتفاق در سال ۱۷۹۹م افتاد. بیشتر مردم از فرمانروایی قدرتمند استقبال کردند، و در سال ۱۸۰۲م ناپلئون کنسول اول شد. او قانون‌نامهٔ جدیدی با عنوان قانون‌نامهٔ ناپلئون تنظیم کرد که بعضی از اصول انقلاب فرانسه را داشت. در سال ۱۸۰۴م او در مقام امپراتور تاجگذاری کرد.

ناپلئون پیروزی‌هایی در میدان نبرد در برابر دشمنانش پروس، اتریش و روسیه به دست آورد. با وجود این نتوانست بر انگلیس غلبه کند. شکست دریایی او از دریاسالار انگلیسی هوراشیو نلسون در نبرد ترافالگار در سال ۱۸۰۵م به امیدهای او برای حمله به انگلیس پایان داد. در سال ۱۸۰۷م او و سپاهش را برای حمله به پرتغال از میان خاک اسپانیا فرماندهی کرد و برادرش را شاه اسپانیا کرد. انگلیس با فرستادن سربازانی به پرتغال به این کار واکنش نشان داد و جنگ طولانی شبه‌جزیره را آغاز کرد.

در سال ۱۸۱۲م ناپلئون سپاه عظیم خود را به سمت



کاریکاتوری از دوکِ ولینگتون (چکمهٔ ولینگتون از روی نام او نامگذاری شده است). او سپاه انگلیس را در اسپانیا و پرتغال فرماندهی کرد و ناپلئون را در واترلو در بلژیک کنونی شکست داد.

سال ۱۷۸۵م
ناپلئون در ارتش فرانسه افسر می‌شود.

سال ۱۷۹۵م
ناپلئون از پاریس در برابر شورشیان دفاع می‌کند و جلوی جنگ داخلی را می‌گیرد.

سال ۱۷۹۷م
سپاه فرانسوی به فرماندهی ناپلئون اتریشی‌ها را از بیشتر بخش‌های شمال ایتالیا بیرون می‌راند.

سال ۱۷۹۸م
نلسون ناوگان فرانسه را در نبرد نیل در مصر شکست می‌دهد.

سال ۱۷۹۹م
ناپلئون به فرانسه بازمی‌گردد و قدرت را به دست می‌گیرد.

سال ۱۸۰۴م
ناپلئون خود را امپراتور فرانسه اعلام می‌کند.

سال ۱۸۰۵م
ناوگان فرانسه در نبرد ترافالگار از نلسون شکست می‌خورد. سپاه ناپلئون اتریشی‌ها و روس‌ها را در نبرد اوسترلیتس شکست می‌دهد.

سال ۱۸۰۶م
سپاه ناپلئون پروسی‌ها را در ینا شکست می‌دهد.

سال ۱۸۰۷م
سپاه ناپلئون روس‌ها را در فریدلاند شکست می‌دهد. فرانسه بر پرتغال سلطه می‌یابد.

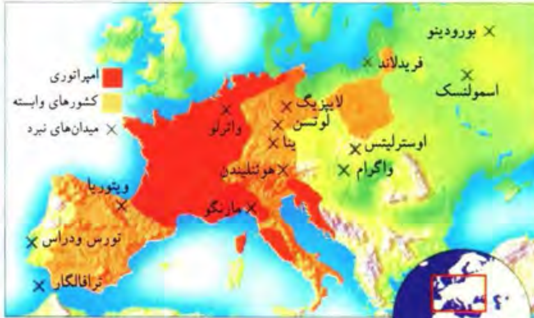
سال ۱۸۰۸م
هنگامی که ناپلئون برادرش ژوزف را بر تخت سلطنت اسپانیا می‌نشاند، جنگ شبه‌جزیره آغاز می‌شود.

سال ۱۸۰۹م
ناپلئون با ماری لوئیز دختر امپراتور اتریش ازدواج می‌کند.

سال ۱۸۱۲م
سپاه ناپلئون به روسیه حمله می‌کند، اما به علت سرمای سخت زمستان آن‌جا شکست می‌خورد. سپاه فرانسه در سالامانکا در اسپانیا شکست می‌خورد.

سال ۱۸۱۴م
ناپلئون مجبور به استعفا می‌شود و به جزیرهٔ الب در نزدیکی ایتالیا تبعید می‌شود.

سال ۱۸۱۵م
ناپلئون از الب فرار می‌کند. او سرانجام در نبرد واترلو شکست می‌خورد.



این نقشه امپراتوری فرانسه را تحت فرمانروایی ناپلئون و میدان‌های اصلی نبرد را در جنگ‌های ناپلئونی نشان می‌دهد.

روسیه فرماندهی کرد. او در رأس نیرویی بیش از ششصد هزار نفر از لهستان به طرف روسیه پیشروی کرد و تا مسکو پیش رفت. با این حال، زمستان سخت روسیه او را عقب راند. سپاه عظیم ناپلئون که سواره‌نظام روسی به آن حمله کرده بود، تنها با ده هزار سرباز سالم به لهستان بازگشت.

در سال ۱۸۱۳ م امپراتوری فرانسه در حال فروریختن بود. ناپلئون در سال ۱۸۱۴ م از امپراتوری استعفا کرد و به جزیرهٔ الب در نزدیکی ایتالیا تبعید شد. او با فرار از تبعید، سپاه تازه‌ای گردآوری کرد و آخرین تلاشش را برای پیروزی و صلح به عمل آورد. شکست او در واترلو در سال ۱۸۱۵ م به امیدهایش پایان داد. او به سنت هلن در وسط اقیانوس اطلس تبعید شد و در سال ۱۸۲۱ م در همان‌جا درگذشت.

در نبرد اوسترلیتس در دسامبر سال ۱۸۰۵، سپاه ۷۳ هزار نفرهٔ فرانسوی تحت فرماندهی ناپلئون و فرماندهانش سولت و برنادوت، سپاه ۸۷ هزار نفرهٔ اتریشی و روسی را شکست داد.

کانادا



پلیس سوارهٔ سلطنتی کانادا در سال ۱۸۷۵ م با سیصد سوار برای گشت زدن در صحرا تأسیس شد.

در سال ۱۷۵۹ م انگلیسی‌ها کِبِک را از دست فرانسوی‌ها بیرون آوردند، و در سال ۱۷۶۳ م فرانسهٔ جدید (کانادای فرانسه) تبدیل به کانادای انگلیس شد. مردم کانادا فرهنگ یکپارچه‌ای از سنت‌های فرانسوی، انگلیسی و آمریکایی بومی به وجود آوردند.

کانادا سرزمینی پهناور با جمعیتی کم بود. در طول انقلاب آمریکا (۱۷۷۵ـ۱۷۸۳ م) هزاران تن از وفاداران به امپراتوری متحده از آمریکا به کانادا نقل‌مکان کردند. کانادایی‌ها بعدها در برابر تلاش‌های آمریکایی‌ها برای حمله به آن‌ها در طول جنگ ۱۸۱۲ م مقاومت کردند. بریتانیا کانادا را به دو بخش کانادای سفلی (بیشتر فرانسوی‌زبان) و کانادای علیا تقسیم کرد.

اروپاییان در ابتدا فقط در بخش شرقی کشور ساکن شدند. غرب و شمال قطبی برای بومیان آمریکا و اسکیموها باقی ماند. ولی طولی نکشید که تاجران پوست و کاوشگران و به دنبال آن‌ها کشاورزان و سازندگان راه‌آهن به غرب هجوم آوردند. انگلیس در سال ۱۸۴۱ م کانادای علیا و سفلی را دوباره وحدت بخشید، و در سال ۱۸۶۷ م کانادا کشوری خودمختار شد.

در سال ۱۸۶۹ م قیام رود سرخ، که تلاش ساکنان فرانسوی‌زبان برای برقراری حکومت موقت بود، در تجزیهٔ کانادا ناکام ماند، و در دهۀ ۱۸۹۰ م کشور از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام امتداد داشت و قلمرو یوکان را در بر می‌گرفت.



سال ۱۷۵۹ م
ژنرال جیمز وولف کبک را برای انگلیس تسخیر می‌کند.

سال ۱۷۶۳ م
عهدنامهٔ پاریس سراسر سرزمین‌های آمریکای شمالی فرانسه را به انگلیسی‌ها می‌دهد.

سال ۱۷۷۴ م
قانون کبک حقوق کانادایی‌های فرانسوی در کانادای تحت فرمانروایی انگلیس را به رسمیت می‌شناسد.

سال ۱۷۷۵ م
آمریکایی‌ها می‌کوشند به کانادا حمله کنند.

سال ۱۷۹۱ م
انگلیس کانادای علیا و سفلی ایجاد می‌کند.

سال ۱۸۰۶ م
جمعیت کانادای علیا به ۷۱ هزار نفر می‌رسد. جمعیت کانادای سفلی تقریباً ۲۵۰ هزار نفر است.

سال ۱۸۲۱ م
شرکت خلیج هودسون بر سرزمین‌های غرب دریاچه‌های بزرگ سلطه می‌یابد.

سال ۱۸۴۱ م
کانادای علیا و سفلی دوباره به صورت واحد درمی‌آیند.

سال ۱۸۵۵ م
مهاجرنشین‌های انگلیسیِ آمریکای شمالی به خودگردانی دست می‌یابند.

سال ۱۸۶۷ م
کانادا کشور خودگردان امپراتوری بریتانیا می‌شود.

سال ۱۸۸۶ م
راه‌آهن پاسیفیک (اقیانوس آرام) کانادا در تمام کانادا امتداد می‌یابد.

ساخت نخستین راه‌آهن سراسری کانادا، یا راه‌آهن پاسیفیک (اقیانوس آرام) کانادا، در دهۀ ۱۸۸۰ م بخش‌های شرقی و غربی این کشور پهناور را به هم وصل کرد.

استقلال آمریکای جنوبی



خوزه دِ سان مارتین آرژانتین را از فرمانروایی اسپانیا آزاد کرد، سپس سپاهش را به آن سوی کوه‌های آند برد تا به مردم شیلی برای به دست آوردن استقلالشان یاری رساند.

در سال ۱۸۰۰م اسپانیا و پرتغال هنوز بر نواحی وسیعی از آمریکای شمالی و جنوبی فرمانروایی می‌کردند. بیشتر مردم محلی از این‌که مستعمره باشند و مالیات‌هایی به حکومت‌های دوردست بپردازند، نفرت داشتند. پس از آن‌که جنگ‌های ناپلئونی در اروپا برای اسپانیا و پرتغال آشوب به بار آورد مستعمره‌نشین‌ها تصمیم گرفتند برای به دست آوردن استقلالشان تلاش کنند.

جنگ اصلی با فرمانروایی اسپانیا را سیمون بولیوار از ونزوئلا و خوزه دِ سان مارتین از آرژانتین رهبری می‌کردند. سان مارتین در سال ۱۸۱۶م برای کشور خود آزادی به دست آورد، اما جنگ سیمون بولیوار طولانی‌تر و دشوارتر بود. او به سپاهی شورشی پیوسته بود که کاراکاس پایتخت ونزوئلا را در سال ۱۸۱۰م تسخیر کرد، اما بعد از اسپانیایی‌ها شکست خورد. بولیوار در سال ۱۸۱۱م فرمانده سپاه شد و سه سال با اسپانیایی‌ها جنگید. او هنگامی که برای بار دوم شکست خورد به جامائیکا تبعید شد. او در سال ۱۸۱۹م سپاهی را در آن سوی کوه‌های آند از ونزوئلا تا کلمبیا فرماندهی کرد و در آن‌جا اسپانیایی‌ها را در حمله‌ای غافلگیرانه در نبرد بویاکا شکست داد. او در سال ۱۸۲۱م ونزوئلا را آزاد کرد و سپس در سال ۱۸۲۲م اکوادور و پاناما را آزاد ساخت. او همهٔ این مناطق را به بخشی از کشور جدید جمهوری گران کلمبیا تبدیل کرد و خودش رئیس‌جمهور آن‌جا شد. سرانجام پرو آزاد شد و بخشی از آن، از روی نام بولیوار، بولیوی نامیده شد.



در نبرد آیاکوچو در سال ۱۸۲۴م سپاه سیمون بولیوار اسپانیایی‌ها را شکست دادند و پرو استقلال یافت.

سال ۱۸۱۵م
اسپانیا نیروی قدرتمندی به آمریکای جنوبی می‌فرستد تا هرگونه ناآرامی را سرکوب کند.

سال ۱۸۱۶م
خوزه دِ سان مارتین آرژانتین را برای مستقل شدن از اسپانیا رهبری می‌کند.

سال ۱۸۱۸م
شیلی از اسپانیا مستقل می‌شود.

سال ۱۸۱۹م
کلمبیا استقلالش را از اسپانیا به دست می‌آورد.

سال‌های ۱۸۱۹_۱۸۳۰م
سیمون بولیوار رئیس‌جمهور گران کلمبیا می‌شود.

سال ۱۸۲۱م
سیمون بولیوار استقلال ونزوئلا را به دست می‌آورد.

سال ۱۸۲۲م
برزیل از پرتغال استقلال می‌یابد.
در پیچینچا، سیمون بولیوار نیروهای اسپانیایی را شکست می‌دهد و اکوادور آزاد می‌شود.

سال‌های ۱۸۲۳_۱۸۲۶م
سیمون بولیوار دیکتاتور پرو می‌شود.

سال ۱۸۲۴م
پس از آن‌که نیروهای اسپانیایی در نبرد آیاکوچو شکست می‌خورند، بولیوار استقلال پرو را به دست می‌آورد.

سال ۱۸۲۵م
جمهوری جدید بولیوی از روی نام سیمون بولیوار نامگذاری می‌شود.

سال ۱۸۲۸م
اوروگوئه از اسپانیا استقلال می‌یابد.

سال ۱۸۲۹م
ونزوئلا از گران کلمبیا مستقل می‌شود.

سال ۱۸۳۰م
سیمون بولیوار از بیماری سل می‌میرد.

انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم میلادی در انگلیس آغاز شد. هنگامی که مردم برای کار در کارخانه‌ها از نواحی روستایی به شهرها مهاجرت کردند، جامعه دستخوش تغییر شد.



راکت (موشک)، که در انگلستان طراحی و ساخته شد (سال ۱۸۳۰ م)، نخستین لوکوموتیو بخاری حمل و نقل بین‌شهری بود.

دو رویداد در اوایل قرن هجدهم میلادی به پیدایش انقلاب صنعتی کمک کرد. رویداد نخست کشف آبراهام داربی بود که برای ذوب آهن، کُک سوخت بهتری از زغال است. رویداد دوم اختراع موتور بخار پیشرفته به دست توماس نیوکومن بود که برای خالی کردن آب با استفاده از تلمبه از معدن‌های زغال‌سنگ به کار می‌رفت. از این زمان تولید زغال‌سنگِ بیشتر و آهن باکیفیت‌تر برای صنعت امکان‌پذیر شد.

تا دههٔ ۱۷۶۰ م بیشتر کالاها را مردمی که در خانه یا در کارگاه‌های کوچک کار می‌کردند، با دست می‌ساختند. فلزگران میخ، سنجاق و چاقو می‌ساختند و ریسندگان و بافندگان پارچه‌های پشمی و نخی تولید می‌کردند. ولی در قرن هجدهم میلادی تقاضایی فزاینده برای پارچهٔ نخی که در آن زمان از هند وارد می‌شد، به وجود آمد. بعدها برای تولید نخ در بریتانیا، پنبهٔ خام وارد کردند.

در سال ۱۷۳۳ م اختراع ماسورهٔ پرنده به کار پارچه‌بافی چنان سرعتی بخشید که چرخ‌های ریسندگی نمی‌توانستند برای بافندگان نخ کافی فراهم کنند. سپس در سال ۱۷۶۴ م جیمز هارگریوز ماشین

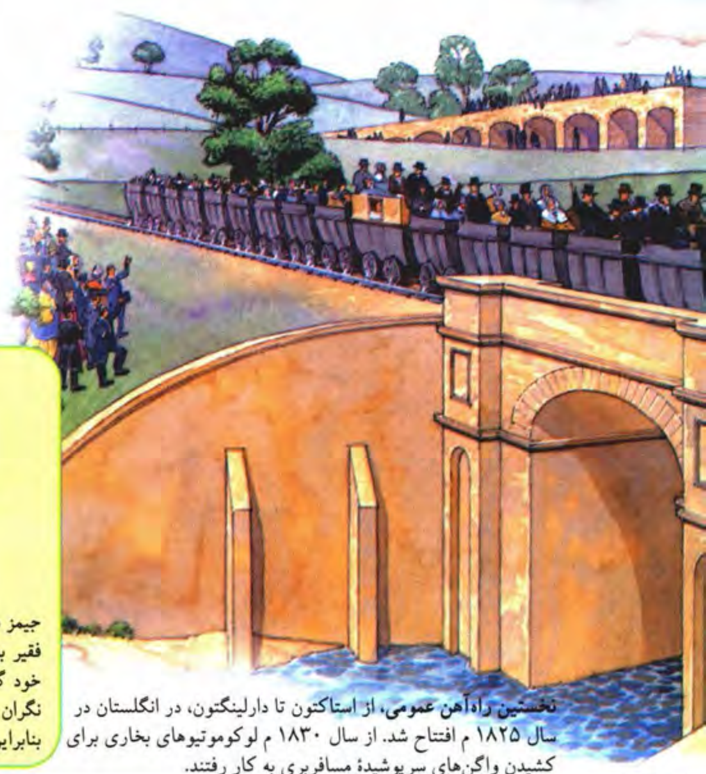


تا سال ۱۸۴۲ م **کودکانی** فقط پنج‌ساله می‌توانستند در معدن‌های زغال‌سنگ کار کنند. بعضی از آن‌ها بارهای سنگین را می‌کشیدند؛ و بعضی دیگر تمام روز در تاریکی می‌نشستند و درها را باز و بسته می‌کردند تا هوا را به جریان بیندازند.

سال ۱۶۹۸ م
توماس سیوری موتور بخار را برای خالی کردن آب از معدن با تلمبه به بهره‌برداری می‌رساند.
سال ۱۷۰۹ م
آبراهام داربی ذوب با کُک را ابداع می‌کند.
سال ۱۷۱۲ م
توماس نیوکومن موتور بخار را تکمیل می‌کند.
سال ۱۷۳۳ م
جان کی ماسورهٔ پرنده را اختراع می‌کند که سرعت بافندگی را بالا می‌برد.
سال ۱۷۴۲ م
نخستین کارخانه‌های نخ‌ریسی در انگلستان ایجاد می‌شود.
سال ۱۷۶۴ م
جیمز هارگریوز ماشین ریسندگی را اختراع می‌کند.
سال ۱۷۶۹ م
جیمز وات موتور بخار کارآمدتری را طراحی می‌کند. ریچارد آرکرایت دار ریسندگی‌ای را اختراع می‌کند که با آب کار می‌کند. جوسایا وِجوود کارگاه سفالگری ایجاد می‌کند.
سال ۱۷۷۹ م
نخستین پل آهنی ساخته می‌شود.
سال ۱۷۹۹ م
موتورهای بخار کارخانه‌ها را به کار می‌اندازند و کاغذ، آرد و منسوجات تولید می‌شود.
سال ۱۸۱۱ م
آغاز اعتراضات مخالفان صنعت جدید به ماشین‌ها.
سال ۱۸۱۵ م
هامفری دیوی یک چراغ ایمنی اختراع می‌کند که به معدنچیان خطر گاز انفجاری را هشدار می‌دهد.
سال ۱۸۲۵ م
ساخت نخستین راه‌آهن مسافربری در انگلستان (استاکتون تا دارلینگتون)
سال ۱۸۴۲ م
مجلس انگلیس کار کردن زنان و نیز کودکان کمتر از ده سال را در معدن‌های زغال‌سنگ زیرزمینی ممنوع می‌کند.


ماشین‌های معدن زغال‌سنگ در یک معدن زغال‌سنگ انگلیس در سال ۱۷۹۲ م. در وسط، یک تلمبهٔ بخاری قرار دارد که برای بیرون آوردن آب از معدن به کار می‌رفت. علاوه بر این، موتورهای بخار برای به کار انداختن ماشین‌ها در کارخانه‌ها نیز به کار می‌رفتند.

ریسندگی را اختراع کرد که به هر نفر امکان می‌داد تا در یک زمان هشت رشته را بریسد. پنج سال بعد ریچارد آرکرایت، دار سنگین ریسندگی را اختراع کرد که با آب به کار می‌افتاد. کارخانه‌ها نزدیک جریان‌های تند آب ساخته می‌شدند تا این ماشین‌های جدید را در آن‌جاها قرار دهند، و صنعت نخ رونق یافت. در سال ۱۷۹۰ م جیمز وات در ماشین بخار تغییراتی به وجود آورد که برای راندن ماشین‌ها به کار می‌رفت. این ماشین بخار جدید تقاضا برای زغال‌سنگ و آهن را افزایش داد؛ زغال‌سنگ به منظور گرم کردن آب برای تولید بخار و آهن برای ساخت موتورها و سایر ماشین‌ها. آبراه‌ها (و بعدها راه‌آهن‌هایی) برای آوردن مواد خام به کارخانه‌ها و بردن کالاهای ساخته‌شده ایجاد شد. شهرها به‌سرعت رشد کردند، اما وضعیت مسکن و کار اغلب بسیار نامساعد بود و بسیاری از مردم دچار گرسنگی، بیماری یا حوادث حین کار می‌شدند.


نخستین راه‌آهن عمومی، از استاکتون تا دارلینگتون، در انگلستان در سال ۱۸۲۵ م افتتاح شد. از سال ۱۸۳۰ م لوکوموتیوهای بخاری برای کشیدن واگن‌های سرپوشیدهٔ مسافربری به کار رفتند.


ماشین ریسندگی

جیمز هارگریوز، مخترع ماشین ریسندگی، ریسنده‌ای فقیر بود. او نام دخترش جنی را روی ماشین جدید خود گذاشت. ریسندگانی که با دست کار می‌کردند نگران بودند که این ماشین‌ها آن‌ها را از کار بیکار کند، بنابراین آن‌ها را از کار می‌انداختند یا از بین می‌بردند.

اروپا در آشوب

در سال ۱۸۱۵ م، در پایان جنگ‌های ناپلئونی، اروپا آشفته بود. حکومت‌های قدیمی همراه با اندیشه‌های قدیمی دوباره برقرار شدند، اما دوران تازه‌ای از صنعتی شدن و مردم‌سالاری در حال شکل‌گیری بود. اوایل، درخواست مردم برای تغییر، یا نادیده گرفته می‌شد یا سرکوب می‌شد. در سراسر اروپا برای مردمی که هیچ حقی برای تعیین نوع حکومت خود نداشتند، «انقلاب» تنها سلاح بود.



فیرگوس اوکانور ایرلندی (سال‌های ۱۷۹۴ـ۱۸۵۵ م) در سال ۱۸۳۲ م به نمایندگی مجلس انگلیس انتخاب شد. او برای حق رأی برای همهٔ مردان مبارزه کرد، و چارتیست‌ها را از سال ۱۸۴۱ تا سال ۱۸۴۸ م رهبری کرد.

قیام در فرانسه در سال ۱۸۳۰ م درگرفت و در این هنگام لویی فیلیپ به عنوان «شاه شهروند» انتخاب شد تا جانشین شارل دهم غیرمردمی شود. گزارش‌های قیام منتشر شد و اعتراض‌ها را در سایر کشورها برانگیخت. ظرف دو سال یونان استقلالش را از امپراتوری عثمانی و بلژیک از هلند اعلام کرد.

در سال ۱۸۴۸ م در سراسر اروپا آن‌قدر انقلاب و اعتراض رخ داد که آن سال معروف به «سال انقلاب‌ها» شد. در انگلیس چارتیست‌ها برای اصلاحات سیاسی



سال ۱۸۳۰ م
هدف قیام در فرانسه این است که لویی فیلیپ فرمانروا و جانشین شارل دهم شود.

سال ۱۸۳۱ م
بلژیک از هلند اعلام استقلال می‌کند.

سال ۱۸۳۲ م
یونان از امپراتوری عثمانی مستقل می‌شود.

سال ۱۸۳۸ م
در انگلیس «منشور مردم» که خواستار اصلاحات سیاسی است منتشر می‌شود. پشتیبانان این منشور، به چارتیست‌ها [منشوری‌ها] معروف می‌شوند.

سال ۱۸۴۴ م
فریدریش انگلس به بررسی زندگی کارگران در منچستر انگلستان می‌پردازد.

سال ۱۸۴۸ م
سال انقلاب‌ها بر بیشتر اروپا تأثیر می‌گذارد.

سال ۱۸۵۲ م
در فرانسه امپراتوری دوم جانشین جمهوری دوم می‌شود.

انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ م با قیام کوچکی در سیسیل در ۲۰ ژانویه آغاز شد. این قیام، قیامی را در ۲۴ فوریه در فرانسه برانگیخت. پس از مدت کوتاهی روحیهٔ اعتراض در سراسر اروپا گسترش یافت.

و حق رأی برای همهٔ مردان تظاهرات کردند. در فرانسه گروهی از شورشیان در پاریس که خواستار حق رأی برای همهٔ مردان و جمهوری جدید بودند، هدف تیراندازی سربازان قرار گرفتند. اما در بلژیک، دانمارک و هلند اصلاحات سیاسی به طور مسالمت‌آمیز انجام شد.



در برلین در سال ۱۸۴۸ م شورش درگرفت. مردان، زنان و کودکان مورد حملهٔ سربازان پروسی قرار گرفتند به طوری که درخواست آن‌ها برای اصلاحات و آلمان یکپارچه سرکوب شد.

در آلمان مردم بسیاری خواهان آن بودند که همهٔ ایالت‌های آلمانی به صورت یک کشور واحد درآیند، و ایتالیایی‌ها خواهان یک ایتالیای واحد بودند. برعکس، گروه‌های زیادی از مردم که امپراتوری وسیع اتریش را تشکیل می‌دادند، خواهان آن بودند که امپراتوری به کشورهای جداگانه‌ای تقسیم شود تا نشان‌دهندهٔ فرهنگ‌های متفاوت و متعدد آن باشد.

انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ م در پایان سال ۱۸۴۹ م سرکوب شدند. با وجود این، اندیشه‌هایی که آن انقلاب‌ها را به راه انداختند، از میان نرفت. بسیاری از حکومت‌ها پی بردند که باید بعضی اصلاحات را انجام دهند. اصلاحات در جستجوی روش‌های جدید حکومت و تقسیم ثروت به نحوی عادلانه‌تر بود. سوسیالیست‌های آلمانی کارل مارکس و فریدریش انگلس در سال ۱۸۴۸ م اندیشه‌های خود را در مانیفست کمونیست [بیانیهٔ کمونیستی] منتشر کردند. این بیانیه تأثیر عظیمی در رویدادهای آینده داشت.





این نقشه مراکز اصلی آشوب را در سال ۱۸۴۸ م، «سال انقلاب‌ها»، نشان می‌دهد. در پایان سال ۱۸۴۹ م همهٔ قیام‌ها سرکوب شدند.

استعمار آفریقا

هرچند اروپاییان از قرن شانزدهم میلادی با آفریقا تجارت کرده بودند، دربارهٔ نواحی داخلی این قاره اطلاعات بسیار کمی داشتند. اغلب آن‌ها به‌ندرت جرئت کرده بودند به آن سوی پایگاه‌های تجاری‌شان در کنار ساحل بروند.



کوه میز در نزدیکی کِیپ تاون در آفریقای جنوبی. کیپ تاون را هلندی‌ها در سال ۱۶۵۲ م به عنوان ایستگاه تأمین آذوقه برای کشتی‌های تجاری هلندی تأسیس کردند.

در انگلستان کنجکاوی دربارهٔ نواحی داخلی آفریقا بیشتر شد، و در سال ۱۷۸۸ م انجمنی برای تشویق کاوش و تجارت در آن‌جا تشکیل شد. در همین زمان بسیاری از اروپاییان شروع به مبارزه با برده‌داری کردند. تجارت برده در انگلستان در سال ۱۸۰۷ م برچیده شد، و سرانجام برده‌داری در سال ۱۸۳۳ م در سراسر امپراتوری بریتانیا پایان یافت. در سال ۱۸۲۲ م لیبریا در غرب آفریقا به عنوان وطنی برای بردگان آمریکاییِ آزادشده تأسیس شد.

مبلغان مذهبی مسیحی برای تأسیس کلیسا و مدرسه از اروپا به آفریقا رفتند. مهاجرانی نیز به آفریقا رفتند که بیشتر آن‌ها رهسپار مهاجرنشین کِیپ (آفریقای جنوبی) شدند، انگلیس آن‌جا را در سال ۱۸۰۶ م از دست هلند بیرون آورد. این منطقه بزرگ‌ترین سکونتگاه اروپایی در آفریقا بود. بیشتر مهاجرنشینان کیپ کشاورزان هلندی، معروف

زولوها ترسناک‌ترین سربازان در جنوب آفریقا بودند. آن‌ها با بوئرها و انگلیسی‌ها جنگیدند، اما سرانجام در سال ۱۸۷۹ م از انگلیسی‌ها شکست خوردند.



سال ۱۷۹۵ م
انجمن آفریقایی مانگو پارک را برای کاوش در رود نیجر می‌فرستد.
سال ۱۸۰۵ م
مانگو پارک در حالی که هدایت گروه اعزامی در امتداد رود نیجر را بر عهده دارد، غرق می‌شود.
سال ۱۸۰۶ م
انگلیس سلطه بر مهاجرنشینِ کِیپ را از دست هلند بیرون می‌آورد.
سال ۱۸۰۷ م
تجارت برده در انگلیس برچیده می‌شود.
سال ۱۸۲۲ م
لیبریا در غرب آفریقا به عنوان کشوری برای بردگان آزادشده تأسیس می‌شود.
سال ۱۸۲۸ م
رنه اگوست کایلی فرانسوی نخستین فرد اروپایی است که از تیمبوکتو در مالی دیدار می‌کند و زنده بازمی‌گردد.
سال ۱۸۳۰ م
فرانسویان به الجزایر حمله می‌کنند.
سال ۱۸۳۵ م
آغاز «سفر طولانی بزرگ»؛ بوئرها مهاجرنشین کیپ را ترک می‌کنند و رهسپار شمال می‌شوند.
سال ۱۸۴۱ م
دیوید لیوینگستون به عنوان مبلغ مذهبی و پزشک به آفریقا می‌رود.
سال ۱۸۴۵ م
«انجمن کتاب مقدس بریتانیا» جیمز ریچاردسون را به آن سوی صحرای شمال آفریقا می‌فرستد.
سال ۱۸۵۲ م
لیوینگستون با دنبال کردن رود زامبزی سفر چهارسالهٔ خود را از میان آفریقا آغاز می‌کند.
سال ۱۸۵۸ م
ریچارد برتون و جان اسپک نخستین اروپاییانی هستند که دریاچهٔ تانگانیکا را می‌بینند.
سال ۱۸۶۶ م
لیوینگستون عازم سفری برای یافتن مصب رود نیل می‌شود. سه سال بعد هنری استانلی روزنامه‌نگار به جستجوی او فرستاده می‌شود.
سال ۱۸۷۹ م
شاه بلژیک استانلی را به کار می‌گیرد تا در تأسیس امپراتوری بلژیک در آفریقا به او کمک کند.



آبشارهای ویکتوریا یا موسی ـ اوئا ـ تونیا («دودی که غرش می‌کند») روی رود زامبزی. نخستین فرد اروپایی که این آبشارها را دید دیوید لیوینگستون در سال ۱۸۵۵ م بود.



مسیر «سفر طولانی بزرگ» به رنگ آبی نشان داده شده است. آن‌ها به جستجوی سرزمین‌های جدید شمال رود وال (ترانسوال) رفتند. بعضی از آن‌ها کوشیدند در سرزمین‌های ناتال که متعلق به زولوها بود ساکن شوند، اما شکست خوردند. بعدها انگلیسی‌ها بر ناتال سلطه یافتند.



هنری استانلی، روزنامه‌نگار و کاوشگر، در سال ۱۸۷۱ م دیوید لیوینگستون را در حالی که در اوجیجی در سواحل دریاچهٔ تانگانیکا اردو زده بود پیدا کرد.

به بوئرها، بودند. در سال ۱۸۳۵ م بسیاری از آن‌ها از زندگی کردن زیر فرمانروایی انگلیسی‌ها ناراضی بودند و رهسپار «سفر طولانی بزرگ» به سمت نواحی داخلی شدند. آن‌ها پس از سختی بسیار، دو جمهوری جدید، یعنی ترانسوال و کشور آزاد اورانژ، را تشکیل دادند. ولی هنگامی که به سرزمین‌های زولو رسیدند، با زولوها درگیر شدند. سرانجام در سال ۱۸۷۹ م زولوها از انگلیسی‌ها شکست خوردند.

بسیاری از هیئت‌های اعزامی انگلیسی به کاوش در نواحی داخلی آفریقا در امتداد رودهای بزرگ آن‌جا پرداختند. از سال ۱۷۶۸ تا سال ۱۷۷۳ م جیمز بروس به کاوش در اتیوپی پرداخت و مانگو پارک در دو سفر از سال ۱۷۹۵ تا سال ۱۸۰۶ م به کاوش در اطراف رود نیجر پرداخت. از سال ۱۸۵۲ تا سال ۱۸۵۶ م دیوید لیوینگستون با دنبال کردن رود زامبزی، قارهٔ آفریقا را پیمود. او در سال ۱۸۶۶ م در جستجوی سرچشمهٔ رود نیل رهسپار شد، اما ارتباطش با انگلیس به مدت سه سال قطع شد. گروهی اعزامی به سرپرستی هنری استانلی او را در سواحل دریاچهٔ تانگانیکا یافت. استانلی که از شاه بلژیک، که خواستار امپراتوری‌ای آفریقایی برای بلژیک بود، حقوق می‌گرفت، به کاوش در اطراف رود کنگو ادامه داد. این اقدامات آغاز تلاش اروپا برای سلطه بر تمام قاره آفریقا بود.

امپراتوری‌های اروپایی

در قرن هفدهم میلادی تجارت اروپا با آسیا چنان اهمیت یافت که انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها شرکت‌هایی برای ادارهٔ منافع خود تأسیس کردند. این شرکت‌ها مستعمرات را پایه‌گذاری کردند. در طول سلطنت طولانی ملکه ویکتوریا، انگلیس قدرتمندترین کشور جهان شد که بر یک امپراتوری وسیع فرمانروایی می‌کرد.



مأموران شرکت هند شرقی خدمتکاران زیادی داشتند و اغلب در تخت‌های روان سرپوشیده به نام پالکی به این طرف و آن طرف برده می‌شدند.

هلند روی جزایر اندونزی متمرکز شد. انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها تا سال ۱۷۶۳م بر سر هند جنگیدند، و در این زمان شرکت هند شرقی انگلیس بر بیشتر خاک آن کشور سلطه یافت.

در دههٔ ۱۸۳۰م هلندی‌ها خواستار سلطه بر چیزی بیش از فقط تجارت با اندونزی شدند، و به این ترتیب نظارت بر کشاورزی در این جزایر را آغاز کردند. آن‌ها کشتزارهایی برای کشت محصولاتی از جمله قهوه و نیل (گیاهی که رنگی آبی از آن به دست می‌آید) به وجود آوردند. شاهزاده‌های اندونزیایی و استعمارگران هلندی به بهای زیان مردم عادی که دیگر وقت یا زمینی برای کشت محصولات مورد نیاز خود نداشتند، سودهای کلان به دست آوردند.

انگلیس علاوه بر سلطه بر هند، شروع به ایجاد مستعمره‌هایی در آسیای جنوب شرقی کرد. یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها در سال ۱۸۱۹م سنگاپور در رأس شبه‌جزیرهٔ مالایا بود. در سال ۱۸۶۷م مالاکا و پنانگ نیز مستعمرهٔ انگلیس شدند، و در سال ۱۸۹۶م بقیهٔ کشورهای مالایا اتحادیه‌ای زیر نظر مستشاران انگلیسی تشکیل دادند. انگلیس با فرمانروایی از طریق سلطان‌های محلی،

جنگ کریمه

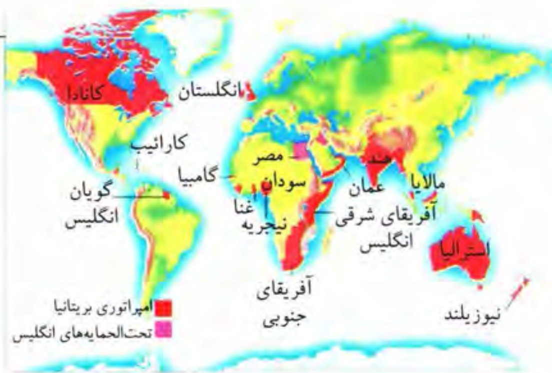
در طول جنگ کریمه (سال‌های ۱۸۵۳ـ۱۸۵۶م) ترکیه، فرانسه و انگلیس با روسیه جنگیدند. هزاران سرباز انگلیسی به دلیل بی‌توجهی و بیماری جان خود را از دست دادند. فلورانس نایتینگل و گروه پرستاران او بیمارستان‌های نظامی را سامان دادند و نخستین مدرسهٔ آموزشی پرستاری در انگلیس را تأسیس کردند.



سال ۱۷۶۳ م
انگلیس بر هند سلطه می‌یابد.
سال ۱۷۸۸ م
نخستین اسکان انگلیسی‌ها در استرالیا.
سال ۱۸۱۵ م
بر اساس عهدنامهٔ وین مهاجرنشین کیپ (آفریقای جنوبی)، سیلان (سری‌لانکا)، موریس، مالت و جزایر فرانسوی در دریای کارائیب به انگلیس داده می‌شود.
سال ۱۸۱۹ م
تأسیس مستعمرهٔ انگلیسی سنگاپور.
سال ۱۸۲۹ م
انگلیس مدعی مالکیت بر تمام استرالیا می‌شود.
سال ۱۸۳۰ م
انگلیس بر ساحل طلا (غنا) سلطه می‌یابد.
سال‌های ۱۸۳۹ـ۱۸۴۲ م
انگلیس جنگ‌های تریاک را شروع می‌کند تا درهای چین را به روی تجارت خارجی باز کند.
سال ۱۸۴۰ م
با عهدنامهٔ وایتانگی انگلیس بر نیوزیلند دست می‌یابد.
سال ۱۸۴۲ م
چین در پایان جنگ اول تریاک، هنگ‌کنگ را به انگلیس واگذار می‌کند.
سال ۱۸۴۳ م
گامبیا مستعمرهٔ انگلیس می‌شود.
سال‌های ۱۸۵۳ـ۱۸۵۶ م
جنگ کریمه.
سال‌های ۱۸۵۷ـ۱۸۵۸ م
شورش هندی‌ها موجب می‌شود که دولت انگلیس ادارهٔ هند را از دست شرکت هند شرقی بیرون آورد.
سال ۱۸۶۷ م
مالاکا و پنانگ جزو دومینیون‌های [جامعه‌های خودمختار در امپراتوری بریتانیا] انگلیس می‌شوند.
سال ۱۸۷۵ م
انگلیس سهامی را در شرکت آبراه سوئز می‌خرد.
سال ۱۸۷۶ م
ویکتوریا در مقام امپراتریس هند تاجگذاری می‌کند.
سال ۱۸۸۲ م
انگلیس بر مصر حکومت می‌کند.
سال ۱۸۸۷ م
فرانسوی‌ها با ادغام کامبوج، کوشنشین، تونکن و آنام (ویتنام)، هندوچین را تشکیل می‌دهند.
سال ۱۸۹۳ م
لائوس به هندوچین فرانسه اضافه می‌شود.

مالایا را اداره می‌کرد و کشتزارهای کائوچو و معادن قلع دایر کرد. از سال ۱۸۲۴ م انگلیس کوشید تا بر برمه هم سلطه یابد. برمه‌ای‌ها مقاومت کردند، اما سرانجام در سال ۱۸۸۵ م شکست خوردند.

در این ضمن، فرانسه بر هندوچین (کامبوج و ویتنام امروزی) سلطه یافت، و بعدها لائوس را نیز بر مستعمراتش اضافه کرد.

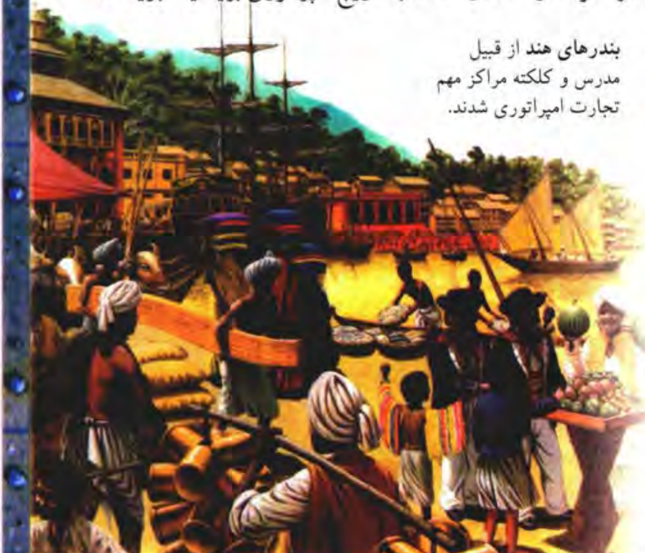


امپراتوری بریتانیا در سراسر قرن نوزدهم میلادی گسترش یافت. وسیع‌ترین امپراتوری‌ای که جهان تا آن زمان دیده بود «امپراتوری‌ای که در آن خورشید هرگز غروب نمی‌کند» نامیده می‌شد.

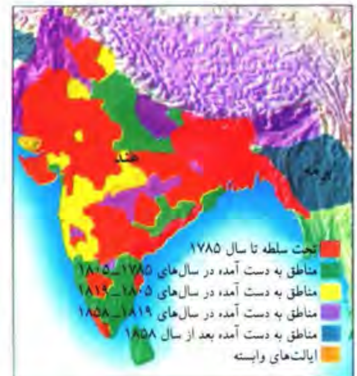
بخش زیادی از ثروت انگلیس از مستعمره‌ها به دست می‌آمد. مستعمره‌ها و پایگاه‌های تجاری در قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی در مناطق گوناگون از کانادا تا هند، استرالیا و ناحیهٔ کارائیب تأسیس شده بودند. بر اساس عهدنامهٔ وین در پایان جنگ‌های ناپلئونی، مستعمره‌ها و پایگاه‌های تجاری دیگری اضافه شدند. در دوران سلطنت ویکتوریا مستعمره‌های دیگر، شامل نیوزیلند، بسیاری از جزایر اقیانوس‌های آرام و اطلس، بخش‌هایی از خاور دور و نواحی وسیعی از آفریقا اضافه شدند. امپراتوری بریتانیا در اوج وسعتش در اواخر قرن نوزدهم میلادی شامل یک‌چهارم خشکی‌های جهان و یک‌چهارم جمعیت آن بود.

مستعمره‌ها برای کارخانه‌های انگلیس مواد خام و برای کالاهای آن‌ها بازار فراهم می‌کردند. در ابتدا بعضی از مستعمره‌ها را شرکت‌های تجاری از قبیل شرکت هند شرقی در هند اداره می‌کردند. اما به‌تدریج همهٔ آن‌ها تحت فرمانروایی مستقیم انگلیس قرار گرفتند. در بسیاری از مستعمره‌ها کشتزارهایی برای تولید چای، شکر، قهوه، ادویه، کائوچو و پنبه به وجود آمد.

نفوذ امپراتوری بریتانیا جهانشمول بود، و سایر کشورها قوانین، صنعت و فرهنگ انگلیس را پذیرفتند. با وجود این، در طول قرن بیستم میلادی نفوذ انگلیس کاهش یافت و این کشور دیگر قدرت صنعتی برتر به شمار نمی‌آمد. پس از جنگ جهانی دوم هنگامی که کشورهای مستعمره خواستار استقلال شدند، به‌تدریج امپراتوری بریتانیا تجزیه شد.



بندرهای هند از قبیل مدرس و کلکته مراکز مهم تجارت امپراتوری شدند.



مناطقی از هند که از سال ۱۷۸۵ تا سال ۱۸۵۸ م تحت سلطهٔ انگلیس درآمدند؛ هنگامی که هند بخشی از امپراتوری بریتانیا شد. ایالت‌های وابسته تحت فرمانروایی حکمرانان هندی و تحت «حمایت» انگلیس بودند.

غرب آمریکا

در سال ۱۷۷۶م پس از آن‌که ایالات متحده از انگلیس اعلام استقلال کرد، مهاجران بیشتری از اروپا به آن‌جا وارد شدند. بیشتر مهاجران اولیه خانه‌های خود را در ایالات شرقی ساختند، اما عدهٔ کمی به مناطق دورتر در غرب به سمت اوهایو، میشیگان، ایندیانا و ایلینویز سفر کردند.

پس از سال ۱۸۲۵ م که باز شدن آبراه ایری حمل و نقل را بسیار آسان‌تر کرد، مردم بسیار بیشتری به ناحیهٔ اطراف دریاچه‌های بزرگ نقل‌مکان کردند. در سمت غرب رود می‌سی‌سی‌پی، کاوشگران و بازرگانان جاده‌ها یا کوره‌راه‌هایی ایجاد کردند که مهاجران آن‌ها را دنبال کردند. در سال ۱۸۴۸ م، در پایان جنگ مکزیک و آمریکا، مردم به سرزمین‌های جدید در غرب آمریکا سفر کردند. آن‌ها که معروف به پیشگامان بودند، در ردیف‌هایی طولانی از گاری‌های سرپوشیده سفر می‌کردند. خانواده‌ها هنگام رسیدن به مقصد، محل‌هایی را برای سکونت انتخاب می‌کردند، آن‌ها برای ساختن خانه درختان را قطع می‌کردند و زمین را برای کشاورزی صاف می‌کردند. اگر محصولات به عمل نمی‌آمد، خانواده‌ها دچار گرسنگی می‌شدند یا ناچار بودند غذا را از طبیعت جمع‌آوری کنند. در سال ۱۸۶۲ م دولت ایالات متحده قانون «زمین



هجوم جویندگان طلا
کشف طلا در کالیفرنیا در سال ۱۸۴۸ م و در نوادا و کلرادو در سال ۱۸۵۹ م هزاران جویندهٔ طلا را به این منطقه جلب کرد. آن‌ها به امید پیدا کردن طلا شن‌های رودخانه را در ماهی‌تابه‌های بزرگ می‌شستند، اما عدهٔ کمی از آن‌ها ثروتمند شدند.



ردیف‌هایی از گاری‌ها پیشگامان را به سمت غرب می‌بردند. گاری‌ها را گله‌ای از گاوهای نر و قاطرها می‌کشیدند. آب در بشکه‌های بسته‌شده در کنار گاری‌ها حمل می‌شد. پیشگامان همواره در معرض خطر حملهٔ بومیان آمریکا قرار داشتند چرا که پیشگامان زمین‌های آن‌ها را تصرف می‌کردند.

سال ۱۸۰۳ م
خرید لوئیزیانا. ایالات متحده ناحیهٔ وسیع غرب رود می‌سی‌سی‌پی را از فرانسه می‌خرد.
سال ۱۸۳۰ م
قانون جابه‌جایی سرخپوستان، همهٔ بومیان آمریکا را مجبور می‌کند که به قرارگاه‌ها نقل‌مکان کنند.
سال ۱۸۳۵ م
تگزاس از مکزیک جدا می‌شود.
سال ۱۸۳۶ م
مکزیکی‌ها تگزاسی‌ها را در آلامو شکست می‌دهند، اما بعد در سان جاکینتو شکست می‌خورند.
سال ۱۸۴۲ م
اختلاف مرزی میان کانادا و ایالات متحده رفع می‌شود.
سال ۱۸۴۵ م
تگزاس بیست و هشتمین ایالت ایالات متحده می‌شود.
سال‌های ۱۸۴۶ـ۱۸۴۸ م
جنگ میان ایالات متحده و مکزیک. ایالات متحده کالیفرنیا، نوادا، یوتا و آریزونا به اضافهٔ بخش‌هایی از نیومکزیکو و تگزاس را به دست می‌آورد.
سال ۱۸۴۹ م
اوج هجوم برای طلا.
سال ۱۸۶۲ م
قانون «زمین واگذاری» کشاورزان را تشویق می‌کند که به دشت‌های بزرگ نقل‌مکان کنند.
سال ۱۸۶۴ م
ناواهوها در «راهپیمایی طولانی» مجبور به رفتن به بوسکه ردوندو می‌شوند.
سال ۱۸۶۷ م
ایالات متحده آلاسکا را از روسیه می‌خرد.
سال ۱۸۶۹ م
راه‌آهن اتحادیهٔ پاسیفیک (اقیانوس آرام) تکمیل می‌شود.
سال ۱۸۷۶ م
نیروی سواره‌نظام ژنرال کاستر در نبرد لیتل بیگهورن به دام جنگجویان سو و شاین می‌افتند و به دست آن‌ها کشته می‌شوند.
سال ۱۸۹۳ م
راه‌آهن شمالی بزرگ به سیاتل می‌رسد.



سوها بزرگ‌ترین ملت دشت‌های بزرگ بودند. آن‌ها در خیمه‌های کلبه‌ای زندگی می‌کردند که از تیرهای چوبی پوشیده در پوست بوفالو (گاومیش) ساخته شده بود. این چادرها به دلیل جابه‌جایی آسان خانه‌های مناسبی برای شکارچیان بودند که گله‌های بوفالو را از میان دشت‌ها دنبال می‌کردند.



شکارچیان سفیدپوست هزاران بوفالو (گاومیش) را برای خوراک کارگران راه‌آهن شکار می‌کردند. بدون بوفالو سرخپوستان دشت‌ها دچار گرسنگی می‌شدند.

واگذاری» را تصویب کرد که به هر خانواده که به مدت دست‌کم پنج سال در زمینی سکونت داشت و کشاورزی می‌کرد ــ در برابر کارمزدی کم ــ ۶۵ هکتار زمین می‌داد.

هزاران نفر این پیشنهاد را پذیرفتند، و در سراسر دشت‌های بزرگ و غرب آمریکا شهرهایی ایجاد شد. زمین‌هایی که دولت چنین ارزان می‌فروخت، از بومیان آمریکا گرفته شده بود که مجبور به رفتن به قرارگاه‌ها شده بودند.

طولی نکشید که ورود اروپاییان بر بومیان آمریکا، که بدن آن‌ها در برابر بیماری‌هایی از قبیل سرخک و آبله هیچ مقاومتی نداشت، تأثیر مصیبت‌باری گذاشت. هرچه اروپاییان بیشتری برای سکونت به غرب نقل‌مکان می‌کردند، بومیان بیشتری در درگیری‌ها بر سر زمین جان می‌باختند. قانون جابه‌جایی سرخپوستان در سال ۱۸۳۰ م، همهٔ بومیان آمریکا در ایالات شرقی را وادار به زندگی در قرارگاه‌ها کرد و زمین‌های آن‌ها به دست مهاجران اروپایی افتاد.

در دههٔ ۱۸۶۰ م، با گسترش راه‌آهن به سمت غرب، بومیان آمریکا تحت فشار بیشتری قرار گرفتند. بوفالو (گاومیش) که بسیاری از مردم دشت‌ها به آن وابسته بودند، برای تغذیهٔ گروه‌های سازندهٔ راه‌آهن، تقریباً تا حد انقراض شکار شدند. در سال ۱۸۷۶ م سوها و متحدان آن‌ها سواره‌نظام ایالات متحده را در کنار رود لیتل بیگهورن شکست دادند. ولی قتل‌عام نهایی دویست مرد، زن و کودک سو در ووندد نی کریک در سال ۱۸۹۰ م، به داستان غم‌انگیز «جنگ با سرخپوستان» پایان داد.



جرونیمو

جرونیمو (سال‌های ۱۸۲۹ــ۱۹۰۹م) رهبر آپاچی‌ها بود. بعد از این‌که سربازان مکزیکی خانوادهٔ او را کشتند، او جنگجوی چریک شد که هم سربازان مکزیکی و هم آمریکایی از او می‌ترسیدند. او سرانجام تسلیم شد و در سال ۱۹۰۵م در رژهٔ پیروزی انتخاب رئیس‌جمهور روزولت شرکت کرد.





سال ۱۸۶۱ م
با حملهٔ سربازان ایالات جنوبی به زندان اتحادیه در فورت سامتر در کارولینای جنوبی، جنگ داخلی آغاز می‌شود.
سال ۱۸۶۲ م
ژنرال لی از ایالات جنوبی جلوی تصرف ریچموند در ویرجینیا به دست سپاه اتحادیه را می‌گیرد و سپاه دیگر اتحادیه را در فردریکسبرگ در ویرجینیا شکست می‌دهد.
سال ۱۸۶۳ م
بیانیهٔ آزادی امضا می‌شود. لی در گتیزبرگ در پنسیلوانیا شکست می‌خورد.
سال ۱۸۶۴ م
نیروهای اتحادیه به فرماندهی گرانت نیروهای لی را در پترزبورگِ ویرجینیا محاصره می‌کنند. ژنرال شرمن به فرماندهی از سوی اتحادیه، آتلانتا و ساوانا در جورجیا را تسخیر می‌کند.
سال ۱۸۶۵ م
نیروهای گرانت، ریچموند در ویرجینیا را تسخیر می‌کنند. در ۹ آوریل لی در آپوماتوکس در ویرجینیا در برابر گرانت تسلیم می‌شود و جنگ را به پایان می‌رساند. در ۱۵ آوریل لینکلن در تماشاخانه‌ای به دست بازیگری به نام جان ویلکز بوث که طرفدار ایالات جنوبی است مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد.



جنگ داخلی آمریکا

جنگ داخلی میان ایالات شمالی و جنوبی، ایالات متحدهٔ آمریکا را دو نیم کرد و میراث تلخی باقی گذاشت. جنگ داخلی برای جلوگیری از جدا شدن ایالات جنوب از اتحادیه درگرفت.



یولیسس اس. گرانت (سال‌های ۱۸۲۲_۱۸۸۵ م) نیروهای اتحادیه را به سمت پیروزی فرماندهی کرد. او از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۷ م رئیس‌جمهور ایالات متحده بود.



پیش از جنگ، لینکلن فرماندهی نیروهای فدرال را به رابرت ای. لی (سال‌های ۱۸۰۷_۱۸۷۰ م) پیشنهاد کرد، اما هنگامی که ویرجینیا (زادگاه او) از اتحادیه کنار کشید، او این پیشنهاد را رد کرد و فرمانده کل ارتش ایالات جنوبی شد.

ایالات شمالی شهرهای بزرگ‌تر و کارخانه‌های بیشتری داشتند. برده‌داری در سال ۱۸۲۰ م ممنوع شد، اما در ایالات جنوبی که صنایع کمتری داشت، کشتزارها متکی بر نیروی کار تعداد زیادی برده بود. در آن‌جا مالکیت بر بردگان پذیرفته‌شده بود. آبراهام لینکلن در سال ۱۸۶۱ م رئیس‌جمهور شد. او تعهد کرد که به برده‌داری در ایالات متحده پایان دهد. بسیاری از جنوبی‌ها این تعهد را تهدیدی برای شیوهٔ زندگی خود می‌دانستند، بنابراین در سال ۱۸۶۱ م یازده ایالت جنوبی اعلام کردند که می‌خواهند از اتحادیه جدا شوند تا اتحادیهٔ خود را تشکیل دهند. اما با مخالفت دولت با تصمیم آن‌ها جنگ داخلی درگرفت.

حدود ۲۳ ایالت اتحادیه (شمالی) سربازان بیشتر و پول بیشتری از اتحادیهٔ ایالات جنوبی و نیز راه‌آهن و صنایعی برای تهیهٔ سلاح و ملزومات جنگی داشتند. آن‌ها با داشتن نیروی دریایی می‌توانستند بندرهای جنوبی را محاصره کنند و ورود لوازم ضروری به ایالات جنوبی را از خارج قطع کنند و جلوی صدور پنبه را، که منبع اصلی ثروت جنوب بود، بگیرند.

در جنگ‌های اولیه جنوب پیروز شد، اما در ژوئیهٔ سال ۱۸۶۳ م سربازان اتحادیه، نیروهای ایالات جنوبی را در گتیزبرگ در پنسیلوانیا شکست دادند.



نوع جدیدی از جنگ

در جنگ داخلی آمریکا سلاح‌های جدید از قبیل تفنگ‌هایی که به‌سرعت گلوله‌گذاری می‌شدند، کشتی‌های زره‌پوش، زیردریایی‌ها و حتی بالون‌ها (برای مشاهدهٔ تحرکات دشمن) به کار می‌رفت. راه‌آهن و تلگراف به ارتباطات سرعت می‌بخشید. بسیاری از سربازانی که در فضاهای باز می‌جنگیدند، در رویارویی با آتشبارِ مرگبار کشته می‌شدند.

یک سپاه دیگر اتحادیه، ویکسبرگ را در می‌سی‌سی‌پی تسخیر کرد. در آوریل سال ۱۸۶۵ م رابرت ای. لی، ژنرال ایالات جنوبی، در آپوماتوکس در ویرجینیا تسلیم شد. در این زمان بیشتر بخش‌های جنوب ویران شده بود. بیش از ششصد هزار سرباز جان خود را از دست داده بودند که بیش از نیمی از این مرگ و میر بر اثر بیماری بود. پنج روز پس از تسلیم شدن جنوبی‌ها، لینکلن کشته شد. هرچند جنگ پایان یافت و بردگان آزاد شدند، وضعیت آن‌ها فقط کمی بهبود یافت.



در سال ۱۸۶۳ م آبراهام لینکلن (سال‌های ۱۸۰۹ـ۱۸۶۵ م) سخنرانی معروفش را در گتیزبرگ ایراد کرد و برچیدن برده‌داری را در سراسر ایالات متحده اعلام نمود. این سخنان در سال ۱۸۶۵ م در کنگره تصویب شد.

در طول جنگ‌های داخلی، گروه‌های بزرگی از مردان که می‌کوشیدند از میان زمین‌های باز حمله کنند در زیر آتش تفنگ و توپ، کشته یا مجروح می‌شدند.

وحدت ایتالیا

در اوایل قرن نوزدهم میلادی ایتالیا تحت فرماندهی ناپلئون کشوری یکپارچه بود. پس از شکست ناپلئون در سال ۱۸۱۵ م ایالت‌های ایتالیا به فرمانروایان سابق آن‌ها بازگردانده شدند. فقط پیمونته ـ ساردنی مستقل ماند.





وحدت ایتالیا در طول ده سال شکل گرفت. آخرین ناحیه‌ای که ملحق شد، ایالت‌های پاپی بود که در اطراف رم قرار داشت. رم در سال ۱۸۷۱ م پایتخت ملی شد.

اتریش قدرتمندترین فرمانروای بیگانه بود که بر ایالت‌های ایتالیا حکومت کرد. در طول دههٔ ۱۸۲۰ م مخالفت با فرمانروایی بیگانگان افزایش یافت. نهضت «انجمن‌های مخفی» مردم را به مبارزه برای ایجاد ایتالیای مستقل و یکپارچه تشویق می‌کرد. در سال ۱۸۴۸ م انقلاب در بسیاری از ایالت‌های ایتالیا درگرفت، اما سرکوب شد. در سال ۱۸۵۸ م پیمونته‌ـساردنی با فرانسه متحد شد و اتریش را شکست داد. به دنبال این پیروزی، قیام موفقیت‌آمیزی در سال ۱۸۶۰ م به رهبری جوزپه گاریبالدی و سپاهش معروف به «پیراهن قرمزها» رخ داد.

گاریبالدی سیسیل و سپس ناپل را تسخیر کرد. در این ضمن، ایالت‌های شمالی به پیمونته‌ـساردنی پیوستند و ویکتور امانوئل دوم را در مقام شاه جدید خود پذیرفتند. گاریبالدی در نوامبر سال ۱۸۶۰ م ناپل و سیسیل را واگذار می‌کند و در سال ۱۸۶۱ م ایتالیا تحت حکومت پادشاهی وحدت می‌یابد.



جوزپه گاریبالدی (سال‌های ۱۸۰۷ـ۱۸۸۲ م)، رهبر «پیراهن‌قرمزها»، در سال ۱۹۶۰ م موافقت می‌کند که پادشاهی دو سیسیل را به ویکتور امانوئل واگذار کند.

سال ۱۸۱۵ م
پس از شکست ناپلئون، ایالت‌های ایتالیا به فرمانروایان سابق آن‌ها بازگردانده می‌شوند.
از دههٔ ۱۸۲۰ م
ریسورجیمنتو، یا انجمن‌های مخفی، برای مقابله با فرمانروایی بیگانگان تشکیل می‌شوند.
سال ۱۸۴۷ م
سربازان اتریشی شهر پاپی فرارا را اشغال می‌کنند، این واقعه رهبران ایتالیا را به همکاری در برابر اتریشی‌ها تشویق می‌کند.
سال ۱۸۴۸ م
انقلاب‌های ناموفقی در بسیاری از ایالت‌ها برای ایجاد وحدت صورت می‌گیرد.
سال ۱۸۴۹ م
ویکتور امانوئل دوم شاه پیمونته‌ـساردنی می‌شود.
سال ۱۸۵۲ م
کنت کامیلو کاوور شمال ایتالیا را وحدت می‌بخشد.
سال ۱۸۶۰ م
گاریبالدی و سپاه «پیراهن‌قرمزها»ی او عازم تسخیر پادشاهی دو سیسیل می‌شوند.
سال ۱۸۶۱ م
ویکتور امانوئل دوم شاه ایتالیای یکپارچه می‌شود.
سال ۱۸۶۶ م
ونیز بخشی از ایتالیا می‌شود.
سال ۱۸۷۱ م
رم بخشی از ایتالیا می‌شود.

وحدت آلمان



در سال ۱۸۵۱ م ناپلئون سوم (سال‌های ۱۸۰۸_۱۸۷۳ م) خود را امپراتور فرانسه خواند. او پاریس را به طور کلی تغییر داد و از صنعت حمایت کرد. پس از جنگ فرانسه و پروس امپراتوری او سقوط کرد و خودش نیز تبعید شد.



اوتو فون بیسمارک (سال‌های ۱۸۱۵_۱۸۹۸ م) به جنگ با اتریش و فرانسه رفت و ایالت‌های آلمانی شمال را یکپارچه و پروس را فرمانروای آلمان یکپارچه کرد.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی آلمان همانند ایتالیا از ایالت‌های جداگانه تشکیل می‌شد. در سال ۱۸۱۵ م، پس از شکست ناپلئون، ۳۸ ایالت به یکدیگر پیوستند تا اتحادیهٔ آلمان را تشکیل دهند. اتریش و پروس قدرتمندترین ایالت‌هایی بودند که به این گروه پیوستند.

از همان ابتدا اتریش و پروس بر سر رهبری اتحادیه با یکدیگر رقابت می‌کردند و در سال ۱۸۶۶ م پروس به اتریش اعلان جنگ داد. پس از آن‌که پروس در نبردی در سادووا در کنار رود اِلب پیروز شد، اوتو فون بیسمارک، وزیر اصلی پروس، اتحادیهٔ آلمان شمالی را به صورت جداگانه و تحت سلطهٔ پروس تأسیس کرد.

فرانسه که به علت قدرت رو به افزایش پروس در معرض خطر بود، در سال ۱۸۷۰ م اعلان جنگ داد. سپاه ۱۲۰ هزار نفری فرانسه به فرماندهی ناپلئون سوم در نبرد سدان از سپاه آلمان که بیش از ۲۰۰ هزار نفر بود شکست سختی خورد. ناپلئون سوم اسیر شد. مردم پاریس، در واکنش به این رخداد، بر ضد او قیام کردند و امپراتوری دوم فرانسه سرنگون شد. سپس سپاه پروس پاریس را محاصره کرد.

در دهم مه سال ۱۸۷۱ م، هنگامی که جنگ فرانسه و پروس پایان یافت، آلمان آلزاس و لورن را از دست فرانسوی‌ها بیرون آورد و آن‌ها را مجبور به پرداخت پنج میلیارد فرانک غرامت جنگی کرد. امپراتوری دوم آلمان برقرار شد و ویلهلم اول، شاه پروس، امپراتور و اوتو فون بیسمارک صدراعظم این امپراتوری شد.



این نقشه وسعت اتحادیهٔ آلمان را در سال ۱۸۱۵ م نشان می‌دهد. این پهنه شامل بیشتر خاک امپراتوری مقدس روم قدیم (به رنگ قرمز) می‌شد.

سال ۱۸۱۵ م
حدود ۳۸ ایالت آلمانی اتحادیهٔ آلمان را تشکیل می‌دهند.

سال ۱۸۶۲ م
بیسمارک وزیر خارجهٔ پروس می‌شود. او تصمیم می‌گیرد که پروس را قدرتمندترین دولت در اتحادیهٔ آلمان کند.

سال ۱۸۶۴ م
اتریش و پروس به دانمارک اعلان جنگ می‌دهند و شلسویگ_هولشتاین را تصرف می‌کنند.

سال ۱۸۶۶ م
پروس در جنگ هفت‌هفته‌ای اتریش را شکست می‌دهد. ونیز از دست اتریش گرفته و به ایتالیا داده می‌شود.

سال‌های ۱۸۷۰_۱۸۷۱ م
جنگ فرانسه با پروس به پیروزی پروس می‌انجامد.

سال ۱۸۷۱ م
ایجاد امپراتوری دوم آلمان به فرمانروایی ویلهلم اول شاه سابق پروس.

جدال بر سر آفریقا

در سال ۱۸۸۰م کمتر از پنج درصد قارهٔ آفریقا تحت فرمانروایی قدرت‌های اروپایی بود. بیش‌تر کشورهای اروپایی به مستعمره‌های تجاری در اطراف ساحل قانع بودند. فقط انگلیسی‌ها و بوئرها در آفریقای جنوبی به مناطق دور از ساحل رفتند و سکونتگاه‌های جدید برقرار کردند. ولی ظرف بیست سال وضع کاملاً تغییر کرد و این وضعیت به «جدال بر سر آفریقا» معروف شد.



هفت کشور اروپایی بر تمام آفریقا، بجز لیبریا و اتیوپی، سلطه داشتند. در سال ۱۸۸۴ م بلژیک، انگلیس، فرانسه، پرتغال و اسپانیا ادعای مالکیت بر مستعمرات جدید در آفریقا یا گسترش دادن مستعمرات قدیمی خود را شروع کردند. کشورهای آلمان و ایتالیا که به‌تازگی وحدت پیدا کرده بودند نیز خواستار سهمی از این قاره بودند. قدرت‌های اروپایی برای جلوگیری از درگیری جدی، در همایشی بین‌المللی در مورد آفریقا، که در برلین برگزار شد، با هم دیدار کردند.

در این همایش، کشورهای اروپایی تصمیم گرفتند که آفریقا را میان خود تقسیم کنند. اما به اقوام آفریقایی، فرهنگ آن‌ها یا مرزهای طبیعی‌شان هیچ توجهی نشد. مقاومت آفریقاییان سیاهپوست، یا در حقیقت بوئرهای

در ایساندهلوانا در آفریقای جنوبی زولوها با انگلیسی‌ها جنگیدند و در آغاز جنگ زولو در سال ۱۸۷۹ م ۱۷۰۰ سرباز انگلیسی را کشتند. سرانجام زولوها شکست خوردند.



در سال ۱۹۱۴ م قدرت‌های اروپایی بر بیشتر آفریقا سلطه داشتند. فقط دو کشور مستقل بودند: اتیوپی و لیبریا.

سال ۱۸۸۰ م
لئوپولد دوم، شاه بلژیک، مدعی مالکیت کنگو به عنوان قلمروِ شخصی خود می‌شود.
سال ۱۸۸۲ م
انگلیس بر مصر سلطه می‌یابد تا به آبراه سوئز دسترسی پیدا کند.
سال ۱۸۸۴ م
همایش برلین آفریقا را میان هفت کشور اروپایی تقسیم می‌کند.
سال ۱۸۸۹ م
انگلیسی‌ها بر قوم ماتابله پیروز می‌شوند و سرزمین آن‌ها را تصرف می‌کنند و آن‌جا را رودزیا می‌نامند.
سال ۱۸۹۰ م
ایتالیایی‌ها اریتره را تصرف می‌کنند و می‌کوشند حبشه (اتیوپی کنونی) را تسخیر کنند اما موفق نمی‌شوند.
سال ۱۸۹۱ م
تانگانیکا (تانزانیای کنونی) تحت‌الحمایهٔ آلمان می‌شود. فرانسه شمال الجزایر را تبدیل به بخشی از فرانسه می‌کند.
سال ۱۸۹۳ م
فرانسه بر مالی سلطه می‌یابد.
سال ۱۸۹۴ م
اوگاندا تحت‌الحمایهٔ انگلیس می‌شود.
سال ۱۸۹۵ م
کنیا تحت سلطهٔ انگلیس درمی‌آید و با نام تحت‌الحمایهٔ آفریقای شرقی شناخته می‌شود.
سال ۱۸۹۹ م
آغاز جنگ‌های بوئر میان انگلیس و قوم بوئر بر سر سلطه بر آفریقای جنوبی.
سال ۱۹۱۰ م
اتحادیهٔ آفریقای جنوبی تشکیل می‌شود.
سال ۱۹۱۱ م
مستعمرهٔ انگلیسی رودزیا به رودزیای شمالی (زامبیای کنونی) و رودزیای جنوبی (زیمبابوهٔ کنونی) تقسیم می‌شود.
سال ۱۹۱۲ م
مراکش به دو بخش تحت‌الحمایهٔ اسپانیا و تحت‌الحمایهٔ فرانسه تقسیم می‌شود.



سیسیل رودز
سیسیل رودز انگلیسی‌الاصل (سال‌های ۱۸۵۳ـ۱۹۰۲ م) هنگامی که هفده‌ساله بود به ناتال در آفریقای جنوبی رفت. او در سال ۱۸۸۱ م عضو مجلس مستعمرهٔ کیپ و در سال ۱۸۹۰ م نخست‌وزیر شد. رودز کمک کرد تا قلمرو بیشتری تحت سلطهٔ انگلیس قرار گیرد، امّا بلندپروازی او برای تشکیل امپراتوری آفریقایی بریتانیا که از کیپ تا مصر امتداد داشته باشد ناکام ماند.



بریتانیای کبیر در سال ۱۸۸۲ م بر مصر سلطه یافت. همراه با سلطه بر کشور، نظارت بر آبراه سوئز را هم به دست آورد که برای روابط تجاری با هند حیاتی بود.

سفیدپوست در آفریقای جنوبی، به دست نیروهای اروپایی که کاملاً مجهز و آموزش‌دیده بودند سرکوب شد. هزاران آفریقایی بر اثر جنگ مردند، و چندین هزار نفر دیگر با تغییر شیوه‌های سنتی زندگی‌شان به سختی افتادند و به گرسنگی مبتلا شدند. عده‌ای از آن‌ها کارگران ارزان‌قیمتی شدند که مجبور به کار در معدن‌ها و کشتزارها بودند و پنبه، چای، قهوه و کاکائو برای صادر کردن به اروپا کشت می‌کردند. اروپاییان کشتزارهایی در نواحی حاصلخیز ایجاد کردند و جاده و راه‌آهن ساختند.

در مستعمراتی که بهتر اداره می‌شدند، مدارس و مراکز درمانی برای اهالی بومی ساخته شد. اما در مستعمراتی که به بدترین شکل اداره می‌شدند با بومیان آفریقایی کمی بهتر از بردگان رفتار می‌شد. تحت فرمانروایی اروپاییان، آفریقاییان با اندیشه‌های جدید آشنا شدند، اما در این‌که کشورشان چگونه اداره شود و زندگی‌شان چگونه سپری شود، دخالتی نداشتند.



در طول راهپیمایی بزرگ در دههٔ ۱۸۳۰ م، بسیاری از بوئرها مستعمرهٔ کیپ را ترک کردند و برای فرار از فرمانروایی انگلیسی‌ها رهسپار مناطق شمالی شدند.

جهان امروز



از آغاز قرن بیستم میلادی، تغییراتی سریع در جامعه، دانش و صنعت، و زندگی روزمره رخ داد. این دوران عصر هواپیما، تلویزیون، موشک‌های فضایی، کامپیوتر و مهندسی ژنتیک بود. جمعیت جهان به طور چشمگیری تا بیش از شش میلیارد نفر افزایش یافت. بسیاری از مردم در این دوره فقیر و گرسنه بودند، و فقط عده‌ای در آسایش و تجمل زندگی می‌کردند.

ص ۱۹۶ در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، القاعده به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشینگتن حمله کرد.

در بسیاری از کشورها مردم خواستار حقوق برابر بودند و انقلاب‌های زیادی صورت گرفت. انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷م باعث شد که بعضی از مردم اعتقاد پیدا کنند که کمونیسم نظم جهانی است. انقلاب‌های ضدکمونیستی در اروپای شرقی در دههٔ ۱۹۸۰ و دههٔ ۱۹۹۰م نشان داد که این‌گونه نبوده است. دو جنگ جهانی (سال‌های ۱۹۱۴ـ۱۹۱۸م و سال‌های ۱۹۳۹ـ۱۹۴۵م) و بسیاری جنگ‌های کوچک‌تر درگرفت. جنگ جهانی اول با شکست آلمان و متحدانش پایان یافت، اما صلحی که در پی آن آمد زیاد طول نکشید. جنگ جهانی دوم پرخرج‌ترین و هولناک‌ترین جنگ تا به امروز بوده است.



ص ۱۵۶ املین پانکهرست مبارز حقوق زنان بود.



ص ۱۵۸ جنگ جهانی اول نخستین جنگی بود که در آن از هواپیما به طور گسترده استفاده شد.



ص ۱۷۹ اسپوتنیک ۱ نخستین سفینه‌ای بود که به فضا رفت.



ص ۱۹۸ مطالعهٔ دی‌ان‌ای دری به سوی مهندسی ژنتیک باز کرده است.



ص ۱۸۳ نلسون ماندلا در سال ۱۹۹۴ م رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی شد.



در سال ۱۹۵۰م ایالات متحده قدرتمندترین کشور بود، و اتحاد شوروی کمونیستی در دورانی که به جنگ سرد معروف شد، ایالات متحده را مدتی به مبارزه طلبید. اروپا که به علت جنگ بسیار خسارت دیده بود، در قالب اتحادیهٔ اروپا دوباره خود را سامان بخشید. ژاپن مدرن شد و به قدرتی صنعتی تبدیل شد. امپراتوری‌های قدیمی خاتمه یافتند و اتحادهای جدیدی شکل گرفتند. کشورهای مستقل جدید، از جمله هند و کشورهای جدید آفریقا، به سازمان ملل متحد پیوستند. چین پس از سال‌ها از انزوا بیرون آمد.

پدیده‌های تازه‌ای از قبیل اینترنت، تلویزیون ماهواره‌ای و گردشگریِ جهانی باعث شد جهان کوچک‌تر به نظر برسد. مشکلات یک کشور اغلب بر کشورهای دیگر تأثیر می‌گذاشت. از نگرانی‌های جهانی از قبیل خطر از بین رفتن جنگل‌های بارانی حاره‌ای یا کاهش سریع ذخایر نفت نمی‌شد در داخل مرزهای ملی جلوگیری کرد. تروریسم تهدید تازه‌ای برای صلح شد. آهنگ تغییر چنان سریع است که پیش‌بینی این‌که در پایان قرن بیست و یکم جهان چگونه خواهد بود، دشوار است.



ص ۱۸۶ صدر مائو برای اولین بار در سال ۱۹۴۹م به قدرت رسید. جنگ داخلی، مشکلات مالی بسیاری برای کشور به وجود آورده بود. اصلاحات اولیهٔ مائو، که طرح پنج‌ساله نامیده می‌شد، به پیشرفت اقتصاد چین کمک کرد.

ص ۱۷۲ ورود متفقین به ساحل نورماندی در ۶ ژوئن سال ۱۹۴۴م (روز موعود) آغاز شد. حدود ۱۵۶ هزار سرباز در بزرگ‌ترین حملهٔ دریایی که تا آن زمان انجام شده بود، در ساحل پیاده شدند.



حق رأی برای زنان

حق رأی برای زنان، که مری وولستنکرافت در کتابش دفاع از حقوق زنان (سال ۱۷۹۲ م) توصیه کرده بود، از مدت‌ها قبل مطرح شده بود. گروه‌های مبارزه‌کننده برای اصلاحات سیاسی در دههٔ ۱۸۳۰ م فقط به حق رأی برای همهٔ مردان علاقه‌مند بودند و زنان شامل آن نمی‌شدند.



املین پانکهرست، مبارز حقوق زنان، چند بار به علت از بین بردن اموال عمومی دستگیر شد. معترضان از پرداخت مالیات خودداری می‌کردند و اجتماعات سیاسی را بر هم می‌زدند.

با وجود این، در اواسط قرن نوزدهم میلادی نهضتی در ایالات متحده آغاز شد که هدف آن به دست آوردن حق رأی برای زنان در سراسر جهان بود. این نهضت نخستین اجتماع خود را در سال ۱۸۴۸ م در سنکا فالز در نیویورک برگزار کرد. اجتماعات عمومی بسیاری برگزار می‌شد که اغلب با مخالفت سرسختانهٔ کسانی روبه‌رو می‌شد که نمی‌خواستند زنان حق رأی داشته باشند. از جمله سخنرانان حقوق زنان سوجورنر تروث و هریت تابمن بودند که هر دو برده به دنیا آمده بودند.

نهضت گسترش پیدا کرد و در سال ۱۸۹۰ م وایومینگ نخستین ایالتی در ایالات متحده بود که به زنان اجازه داد در انتخابات محلی رأی دهند. سه سال بعد نیوزیلند نخستین کشوری شد که به زنان اجازه داد در انتخابات ملی رأی دهند. در انگلیس این پیروزی، انجمن‌های گوناگون حق رأی زنان را تشویق کرد تا در سال ۱۸۹۷ م متحد شوند.



سال ۱۸۴۸ م
نخستین مجمع حقوق زنان در سنکا فالز در نیویورک برگزار می‌شود.
سال ۱۸۹۰ م
ایالت وایومینگ در ایالات متحده اجازه می‌دهد که زنان در انتخابات محلی رأی دهند.
سال ۱۸۹۳ م
نیوزیلند به زنان در انتخابات محلی حق رأی می‌دهد.
سال ۱۸۹۷ م
اتحادیهٔ ملی انجمن‌های حق رأی زنان در انگلیس تشکیل می‌شود.
سال ۱۹۰۲ م
استرالیا به زنان حق رأی می‌دهد.
سال ۱۹۰۳ م
املین پانکهرست اتحادیهٔ اجتماعی و سیاسی زنان را تشکیل می‌دهد.
سال ۱۹۰۵ م
برای اولین بار دو نفر از طرفداران حق رأی برای زنان در انگلیس به زندان فرستاده می‌شوند.
سال ۱۹۰۶ م
فنلاند به زنان حق رأی می‌دهد، و در سال ۱۹۰۷ م نخستین نمایندگان زن به مجلس فنلاند راه می‌یابند.
سال ۱۹۱۳ م
امیلی دیویسون، طرفدار انگلیسی حقوق زنان، در مسابقات اسبدوانی خود را زیر پای اسب شاه می‌اندازد و کشته می‌شود. نروژ به زنان حق رأی می‌دهد.
سال ۱۹۱۷ م
روسیه به زنان حق رأی می‌دهد.
سال ۱۹۱۸ م
به زنان انگلیسی بالای سی سال حق رأی داده می‌شود. به زنان کانادایی حق رأی برابر با مردان داده می‌شود.
سال ۱۹۱۹ م
آلمان، اتریش، لهستان و چکسلواکی به زنان حق رأی می‌دهند.
سال ۱۹۲۰ م
به زنان در ایالات متحده حق رأی داده می‌شود.



بسیاری از زنان طرفدار حق رأی زنان، در زندان هم با اعتصاب غذا به اعتراضاتشان ادامه می‌دادند. مقامات حکومت که می‌ترسیدند آن‌ها بمیرند و شهیدان راه حق رأی شوند، از روی درماندگی به پزشکان و مأموران زندان دستور می‌دادند که به زندانیان به‌زور غذا بدهند.



مبارزان حقوق زنان، یا زنان طرفدار حق رأی، در انتخابات از حق خود دفاع می‌کردند. این زنان در طول مرحلهٔ پیش از انتخابات عمومی انگلستان در سال ۱۹۱۰ م مشغول سخن گفتن هستند.

در ابتدا مبارزات مسالمت‌آمیز بود، اما در سال ۱۹۰۳ م املین پانکهرست انجمن جدیدی به نام «اتحادیهٔ اجتماعی و سیاسی زنان» تأسیس کرد که بیشتر طرفدار عمل بود تا حرف. اتحادیهٔ اجتماعی و سیاسی زنان در اعتراض به پایمال شدن حقوق زنان، به اموال عمومی حمله می‌کردند. بسیاری از اعضای این گروه به زندان فرستاده شدند و اعتصاب غذا کردند تا توجهات را به خود جلب کنند.

با بروز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م بسیاری از زنان شغل‌های مردان را به دست گرفتند و ثابت کردند که به همان کارآمدی مردان‌اند. در سال ۱۹۱۸ م به همهٔ زنان انگلیسی بالای سی سال حق رأی داده شد (سن رأی دادن برای مردان فقط ۲۱ سال بود). به زنان در ایالات متحده در سال ۱۹۲۰ م حق رأی داده شد. در سال ۱۹۲۸ م سن رأی دادن برای زنان انگلیسی به ۲۱ سال کاهش یافت.



بسیاری از زنان برای به دست آوردن حق رأی به طور مسالمت‌آمیز مبارزه می‌کردند. آن‌ها اجتماعاتی برگزار می‌کردند تا حمایت دیگران را در این موضوع به دست آورند. با وجود این، بعضی از آن‌ها به علت کند بودن پیشرفت، ناامید شدند و تصمیم گرفتند در اقدامات مستقیم‌تری شرکت کنند که همراه با از بین بردن اموال یا بر هم زدن رویدادهای بزرگ عمومی بود.

جنگ جهانی اول

علت شروع جنگ جهانی اول رقابت میان کشورهای اروپایی بود. این جنگ از مرزهای اروپا فراتر رفت و تا خاورمیانه و آفریقا گسترش یافت. جنگ به بهای جان بیش از هشت میلیون سرباز تمام شد که بسیاری از آن‌ها در درگیری‌های هولناک در پشت سنگرها کشته شدند. این جنگ چنان وحشتناک بود که پس از آن مردم می‌گفتند این جنگی بزرگ و «جنگی برای پایان جنگ‌ها» بوده است. در حالی که چنین نبود.



هواپیماهای جنگی
جنگ جهانی اول (سال‌های ۱۹۱۴ـ۱۹۱۸ م) نخستین جنگی بود که در آن از هواپیما به طور گسترده استفاده می‌شد. از آن‌ها ابتدا برای زیر نظر گرفتن سنگرها و تحرکات سربازان دشمن استفاده شد. بعدها آن‌ها را در نبردهای هوایی و بمباران به کار بردند.

بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۷م قدرت‌های اروپایی اتحادهایی تشکیل دادند و ارتش و نیروی دریایی خود را گسترش دادند. در یک طرف نیروهای متفق: انگلیس، فرانسه، روسیه و بعداً ایتالیا قرار داشتند، و در طرف دیگر قدرت‌های محور: آلمان، اتریش‌ـمجارستان، عثمانی و صربستان. جرقه‌ای که آتش جنگ را روشن کرد قتل دوک بزرگ اتریش فرانتس فردیناند به دست یکی از اهالی صربستان در سارایوو در ژوئن سال ۱۹۱۴ م بود. این امر



سربازان در سنگرها هر لحظه منتظر فرمان شروع جنگ بودند، بنابراین همان‌جا غذا می‌خوردند و می‌خوابیدند. پناهگاه‌های زیرزمینی تا حدودی از افراد در برابر خمپاره‌های دشمن محافظت می‌کرد، اما در زمستان سنگرها معمولاً سرد، گل‌آلود و خیس بود.

۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۴ م
یک صرب به نام گاوریلو پرینسیپ دوک بزرگ فرانتس فردیناند را در سارایوو می‌کشد.
۲۸ ژوئیه تا ۳ اوت سال ۱۹۱۴ م
اتریش به صربستان اعلان جنگ می‌دهد. روسیه آمادهٔ دفاع از صربستان می‌شود. آلمان به روسیه و بعد به فرانسه اعلان جنگ می‌دهد.
۴ اوت سال ۱۹۱۴ م
نیروهای آلمانی از راه بلژیک تا فرانسه پیشروی می‌کنند. انگلیس به آلمان اعلان جنگ می‌دهد.
۲۶ اوت سال ۱۹۱۴ م
آلمان نیروهای روسی را در نبرد تاننبرگ شکست می‌دهد.
سپتامبر سال ۱۹۱۴ م
در نبرد مارن متفقین پیشروی آلمان را به سمت پاریس متوقف می‌کنند.
نوامبر سال ۱۹۱۴ م
در پایان نبرد اپیر جلوی تهدید آلمانی‌ها در بندرهای آبراه انگلستان گرفته می‌شود.
آوریل تا مه سال ۱۹۱۵ م
آلمان در نبرد دوم اپیر برای نخستین بار گاز سمی به کار می‌برد.
۲۲ مه سال ۱۹۱۵ م
ایتالیا به متفقین می‌پیوندد.
فوریهٔ سال ۱۹۱۶ م
آغاز نبرد وردن که پنج ماه طول می‌کشد.
۱ ژوئیهٔ سال ۱۹۱۶ م
آغاز نبرد سُوم که در نوامبر خاتمه می‌یابد.
سال ۱۹۱۷ م
ایالات متحده در ۶ آوریل به طرفداری از متفقین وارد جنگ می‌شود.
ژوئیهٔ سال ۱۹۱۷ م
سومین نبرد اپیر (پاسنداله).
۳ مارس سال ۱۹۱۸ م
آتش‌بس میان روسیه و آلمان.
نوامبر سال ۱۹۱۸ م
در ۱۱ نوامبر در ساعت ۱۱ آتش‌بس امضا می‌شود. جنگ جهانی اول پایان می‌یابد.



جنگ در اروپا در جبههٔ غربی میان فرانسه و آلمان، و در جبهه شرقی از دریای بالتیک تا دریای سیاه درگرفت. همچنین جنگ در خاورمیانه، در مرز ایتالیا و اتریش، و در آفریقا جریان داشت.

منجر به تجهیز و بسیج نیروها (آماده‌سازی برای جنگ) شد و در ۴ اوت نیروهای آلمانی به بلژیک حمله کردند. این اقدام آلمان، انگلیس را، که از سال ۱۸۳۷ م متحد بلژیک بود، به جنگ کشاند.

بیشتر درگیری‌ها در جنگ جهانی اول در خشکی بود (فقط یک نبرد دریاییِ بزرگ در ژوتلند در سال ۱۹۱۶ م درگرفت). هر دو طرف در جنگ سنگری زمینگیر می‌شدند و نیروهای آن‌ها فقط با دادن تلفات سنگین قادر به پیشروی بودند. سربازان می‌بایست از سنگر بالا می‌رفتند (سنگر را ترک می‌کردند)، چهار دست و پا از میان استحکاماتی که سیم‌خاردار داشت رد می‌شدند، سپس از میان زمین باز (فاصلهٔ میان دو نیروی دشمن) عبور می‌کردند تا به خطوط دشمن می‌رسیدند. مسلسل‌ها و توپ‌های سنگین چنان سریع و قدرتمند بودند که هزاران سرباز در دم کشته می‌شدند. فقط در نبرد سُوم (سال ۱۹۱۶ م) بیش از یک میلیون نفر کشته و زخمی شدند.

در سال ۱۹۱۷ م ارتش روسیه چنان ناتوان شده بود که مذاکرات صلح را با آلمان شروع کرد. مدتی آلمان دست بالا را در جنگ داشت، اما در سال ۱۹۱۸ م ورود بیش از یک میلیون سرباز از ایالات متحده متفقین را تقویت کرد، و آن‌ها شروع به پیشروی کردند. آلمان با کمبود مواد غذایی و افزایش ناآرامی مواجه بود، امپراتور ویلهلم دوم در ۱۱ نوامبر استعفا داد و آتش‌بسی میان آلمان و متفقین امضا شد و جنگ به پایان رسید.



در جبههٔ غرب، جنگ بیشتر در شمال فرانسه و بلژیک درگرفت. از قاطرها و اسب‌ها برای بردن ملزومات و توپ‌های سنگین به جبهه استفاده می‌کردند.

انقلاب روسیه



سال ۱۸۸۷ م
لنین مارکسیست می‌شود.
سال ۱۸۹۴ م
نیکلای دوم تزار روسیه می‌شود.
سال ۱۹۰۵ م
حدود دویست هزار نفر به طرف کاخ زمستانی در سن‌پترزبورگ راهپیمایی می‌کنند. لنین تبعید می‌شود.
سال ۱۹۱۷ م
لنین بازمی‌گردد. نیکلای دوم استعفا می‌کند و دولت جمهوری تشکیل می‌شود. انقلابیون به کاخ زمستانی حمله می‌کنند و دولت سقوط می‌کند.
سال ۱۹۱۸ م
روسیه از جنگ جهانی اول کناره می‌گیرد. خانوادهٔ سلطنتی اعدام می‌شوند. جنگ داخلی میان ارتش سرخ (کمونیست‌ها) و روس‌های سفید (ضد کمونیست‌ها) تا سال ۱۹۲۰ م ادامه می‌یابد.
سال ۱۹۲۲ م
امپراتوری روسیه به «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» تغییر نام می‌دهد.



بسیاری از روس‌ها راسپوتین (سال‌های ۱۸۶۹_۱۹۱۶ م) را به دلیل برانگیختن تزار نیکلای دوم به نادیده گرفتن شکایات مردم سرزنش می‌کردند. راسپوتین که کشیش بود، ادعا می‌کرد قدرت شفا دادن پسر بیمار امپراتور را دارد.

در قرن نوزدهم میلادی تلاش برای امروزی کردن روسیه با آزاد کردن رعیت‌ها (دهقانان)، ساختن کارخانه‌ها و رواج دادن مردم‌سالاری به جایی نرسید. تزار آلکساندر دوم اصلاحاتی انجام داد اما در سال ۱۸۸۱ م کشته شد. تزار آلکساندر سوم بیشتر کارهای پدرش را باطل کرد، و بعضی روس‌ها که از اصلاحات ناامید شده بودند به انقلاب روی آوردند.



لئون تروتسکی (سال‌های ۱۸۷۹_۱۹۴۰ م) رهبر انقلاب بلشویکی، قدرتمندترین مردِ روسیه پس از لنین بود. در سال ۱۹۲۴ م هنگامی که استالین به قدرت رسید، تروتسکی تبعید شد و بعدها به قتل رسید.

نخستین قیام جدی در سال ۱۹۰۵ م درگرفت، زمانی که سربازان در سن‌پترزبورگ، پایتخت روسیه، به روی کارگران اعتصابی تیراندازی کردند. قیام خیلی زود سرکوب شد و رهبران آن، از جمله لنین، تبعید شدند. لنین تا سال ۱۹۱۷ م در تبعید ماند. تزار نیکلای دوم که در سال ۱۸۹۴ م به سلطنت رسیده بود، به مردم وعدهٔ حقوق مدنی بیشتر داد، اما این وعده خیلی زود زیر پا گذاشته شد.

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد، وضعیت زندگی بیشتر مردم روسیه از بد بدتر شد. راه‌آهن‌ها دیگر مواد غذایی، سوخت و لوازم ضروری را به شهرها حمل



کارگران مسلح به رهبری بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ م به کاخ زمستانی در سن‌پترزبورگ هجوم بردند و انقلاب آغاز شد. سربازان روسی که از جنگ با آلمانی‌ها در جنگ جهانی اول خسته شده بودند، به آن‌ها پیوستند.



کاخ زمستانی در سن‌پترزبورگ که بلشویک‌ها در نوامبر سال ۱۹۱۷ م به آن هجوم بردند و آن را تصرف کردند.

نمی‌کردند. اقتصاد تقریباً فروریخت و مردم به گرسنگی دچار شدند. در مارس سال ۱۹۱۷ م شورش‌ها دوباره آغاز شد. این بار سربازان به شورشیان پیوستند. نیکلای استعفا کرد و مشاورانش کناره‌گیری کردند.

دولت جدیدی به رهبری آلکساندر کرنسکی برقرار شد، اما ناآرامی ادامه یافت. بلشویک‌ها به رهبری لنین انتقال قدرت را طرح‌ریزی کردند. آن‌ها در ماه نوامبر به کاخ زمستانی در سن‌پترزبورگ حمله کردند و قدرت را به دست گرفتند (این رویداد به انقلاب اکتبر معروف است، زیرا روسیه در آن زمان از تقویم متفاوتی استفاده می‌کرد). بلشویک‌ها پایتخت را به مسکو انتقال دادند و با آلمان صلح کردند. آن‌ها زمین‌های بزرگ را تقسیم کردند و به دهقانان زمین دادند، و کارگران ادارهٔ کارخانه‌ها را به دست گرفتند. در سال ۱۹۱۸ م جنگ داخلی میان ارتش سرخ بلشویک و روس‌های سفیدِ ضد کمونیست درگرفت. این جنگ به پیروزی بلشویک‌ها در سال ۱۹۲۱ م انجامید. سال بعد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل شد. لنین در سال ۱۹۲۴ م درگذشت و ژوزف استالین جانشین او شد. حکومت استالین استبدادی بود. به دستور او میلیون‌ها نفر از مردم را کشتند یا به اردوگاه‌هایی فرستادند که تا زمان مرگ در آن‌جا زندانی بودند.



لنین

ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (سال‌های ۱۸۷۰_۱۹۲۴م) از نام لنین استفاده می‌کرد. او از سال ۱۸۹۸م بلشویک‌ها را رهبری کرد، اما از سال ۱۹۰۵ تا سال ۱۹۱۷م تبعید شد. با بازگشت او بلشویک‌ها قدرت را به دست گرفتند و او رهبر جدید روسیه شد.

خودمختاری ایرلند

قیام ملی‌گرایان ایرلند در سال ۱۹۱۶ م که خواستار «خودمختاری» ــ جمهوری ایرلند مستقل از بریتانیا ــ بودند، منجر به سال‌ها مشاجره و خشونت شد.





این نقشه ایرلند را پس از تقسیم در سال ۱۹۲۱ م نشان می‌دهد. سه استان از نُه استان آلستر، بخشی از کشور آزاد ایرلند شدند؛ شش استان دیگر، بخشی از انگلیس باقی ماندند.

بیشتر مردم در شمال ایرلند، معروف به آلستر، خواهان آن بودند که بخشی از انگلیس باقی بمانند در حالی که بیشتر مردم در جنوب ایرلند خواستار ایرلند مستقل بودند. در سال ۱۹۱۶ م جمهوری‌خواهان در دوبلین در قیامی در دوشنبهٔ عید پاک به پا خاستند. پس از چهار روز آن‌ها مجبور به تسلیم شدند. در سال ۱۹۱۸ م اعضای ملی‌گرای شین‌فین مجلس ایرلند (یا دائیل ایرن) را تأسیس کردند. این کار منجر به جنگ میان جناح نظامی شین‌فین (بعدها ارتش جمهوری‌خواه ایرلند نامیده شد) و انگلیسی‌ها شد. در سال ۱۹۲۱ م مایکل کالینز موافقت کرد که با انگلیس مذاکره کند. بر اساس این مذاکره بیشتر بخش‌های ایرلند مستقل شدند، اما شش استان ایرلند شمالی کنار گذاشته شدند. این امر منجر به درگیری‌های بیشتر شد. کالینز هم کشته شد.

در سال ۱۹۴۹ م جمهوری ایرلند تشکیل شد. ارتش جمهوری‌خواه ایرلند به جنگ برای ایرلندی یکپارچه ادامه داد، هدفی که طرفداران وحدت ایرلند شمالی و انگلیس در ایرلند شمالی سرسختانه در برابر آن مقاومت می‌کردند. در سال ۱۹۹۸ م آتش‌بس (توافقنامهٔ جمعهٔ مقدس) برای حل مسالمت‌آمیز این نزاع قدیمی مایهٔ امیدواری شد.



سال‌های ۱۸۸۶ـ۱۸۹۳ م
تلاش‌ها برای دادن مجلس به ایرلند، در لندن به شکست می‌انجامد.
سال ۱۹۰۵ م
حزب ملی ایرلند به نام شین‌فین تأسیس می‌شود.
سال ۱۹۱۲ م
سومین لایحهٔ خودمختاری ایرلند در مجلس انگلیس مطرح می‌شود، اما پیش از آن‌که تصویب شود، جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م آغاز می‌شود.
سال ۱۹۱۶ م
قیام عید پاک در دوبلین.
سال ۱۹۱۹ م
جنگ شدید میان جمهوری‌خواهان ایرلندی و سربازان انگلیسی.
سال ۱۹۲۱ م
عهدنامهٔ انگلیس و ایرلند منجر به تقسیم ایرلند و جنگ داخلی تا سال ۱۹۲۳ م می‌شود.
سال ۱۹۳۷ م
کشور آزاد ایرلند نام خود را به ایره تغییر می‌دهد.
سال ۱۹۴۹ م
ایره تبدیل به جمهوری ایرلند می‌شود.

در طول قیام عید پاک سال ۱۹۱۶ م، سربازان انگلیسی با جمهوری‌خواهان ایرلندی در آن سوی سنگرهای دوبلین درگیر شدند که در آن صد سرباز انگلیسی و ۴۵۰ جمهوری‌خواه ایرلندی کشته شدند.

دهۀ بیست پرهیاهو

برای مردم آمریکا و اروپا دهۀ ۱۹۲۰ م سال‌های تجدید قوا و تفریح و سرگرمی پس از سال‌های وحشتناک جنگ جهانی اول بود. این دوره، دورۀ اندیشه‌های جدید، موسیقی جاز، رادیو و «تصویرهای ناطق» (فیلم‌های سینمایی صدادار) بود. زنان آزادی بیشتری داشتند. در سال‌های بی‌قانونی که پس از ممنوعیت نوشابه‌های الکلی در ایالات متحده فرا رسید، تبهکاران هم آزادی بیشتری یافتند.



چارلستون نوعی رقص جدید در سال ۱۹۲۵ م بود. افراد جوان عاشق آن بودند؛ اما بسیاری از افراد مسن‌تر با آن مخالف بودند.



روح سنت‌لوئیس

در «دهۀ بیست پرهیاهو» جامعه آزادتر و بی‌قیدتر شد. برای نخستین بار زنان موهایشان را کوتاه کردند و دامن‌های کوتاه پوشیدند. قهرمانان این دوره کسانی چون چارلز لیندبرگ هوانورد تنها و رودولف والنتینو ستارۀ سینما بودند.

در سال ۱۹۲۰ م دولت ایالات متحده لایحۀ ممنوعیت نوشابه‌های الکلی را به مجلس برد، که قانونی برای ممنوعیت تهیه و فروش نوشابه‌های الکلی بود. بسیاری از مردم با رفتن به باشگاه‌های غیرقانونی مشروب‌خواری یا خرید نوشابه‌های الکلی «قاچاقی» که در کارگاه‌های غیرمجاز ساخته می‌شد، این قانون را نقض کردند. تبهکاران برای سلطه بر این تجارت غیرقانونی مبارزه می‌کردند. دورۀ ممنوعیت نوشابه‌های الکلی در سال ۱۹۳۳ م پایان یافت.

دهۀ ۱۹۲۰ م این احساس اشتباه را به همراه آورد که همه‌چیز خوب است؛ در حالی که مشکلات به جا مانده از جنگ جهانی اول حل نشده بود. در آلمان اقتصاد فروریخت. در انگلیس کارگران نخستین اعتصاب عمومی را برگزار کردند. در اکتبر سال ۱۹۲۹ م، هنگامی که با ورشکستگی بازار بورس، میلیون‌ها نفر از مردم اندوخته‌های خود را از دست دادند، آن خیال واهی از بین رفت. جشن «عصر جاز» سپری شد؛ رکود داشت آغاز می‌شد.



در سال ۱۹۲۷ م، چارلز لیندبرگ آمریکایی نخستین کسی بود که به‌تنهایی از روی اقیانوس اطلس پرواز کرد. این پرواز با هواپیمای روح سنت‌لوئیس ۳۳ ساعت طول کشید.

سال ۱۹۲۱ م
موسولینی رهبر فاشیست‌های ایتالیا می‌شود.

سال ۱۹۲۲ م
مقبرۀ توت‌عنخ‌آمون، فرعون خردسال مصر باستان، گشوده می‌شود.

سال ۱۹۲۳ م
لنین از رهبری شوروی استعفا می‌کند. زلزله‌ای در توکیو سیصد هزار نفر را می‌کشد.

سال ۱۹۲۶ م
در انگلیس اعتصاب عمومی (از طرف همۀ اتحادیه‌های تجاری) اتوبوس‌ها، قطارها، معدن‌ها و بسیاری از کارخانه‌ها را از کار می‌اندازد.

سال ۱۹۲۷ م
خوانندۀ جاز نخستین فیلم ناطق است.

سال ۱۹۲۸ م
آلکساندر فلمینگ پنی‌سیلین را کشف می‌کند.

سال ۱۹۲۹ م
در قتل‌عام روز سن والنتاین در شیکاگو هفت نفر به ضرب گلولۀ تبهکاران کشته می‌شوند. در ۲۴ اکتبر، با سقوط بازار بورس نیویورک، میلیون‌ها نفر دارایی خود را از دست می‌دهند.

رکود بزرگ

پس از جنگ جهانی اول، اقتصاد بسیاری از کشورهای اروپایی ورشکسته بود. آلمان شکست‌خورده می‌بایست غرامت‌های جنگی به انگلیس و فرانسه می‌پرداخت. پول آلمان به علت تورمِ بیش از حد ارزش خود را از دست داد. دَر سال ۱۹۲۹م به نظر می‌رسید اقتصاد جهان در حال از هم پاشیدن است. میلیون‌ها نفر از مردم دارایی، شغل و خانهٔ خود را از دست دادند.



در نهضت جَرو (سال ۱۹۳۵م) در انگلستان، دویست مرد از جَرو در شمال انگلستان تا لندن راهپیمایی کردند تا توجه‌ها را به بیکاری در شهر محل زندگی‌شان جلب کنند.

در ایالات متحده که بانک‌ها به کشورهای دیگر برای جنگ وام داده بودند، بسیاری از مردم اندوخته‌های خود را در بورس سرمایه‌گذاری کرده بودند. خرید و تقاضای زیاد، قیمت سهام شرکت‌ها را بیش از بهای واقعی آن‌ها بالا برد. در اوت سال ۱۹۲۹م قیمت سهام شروع به کاهش کرد و نگرانی مردم آغاز شد و شروع به فروش سهام خود کردند، این کار باعث شد تا قیمت‌ها به سرعت کاهش یابد. با سقوط بازار بورس، بسیاری از مردم تمام اندوخته‌های خود را از دست دادند. بانک‌ها و شرکت‌ها تعطیل شدند و بسیاری از مردم شغل خود را از دست دادند.

وقوع خشکسالی وخیم در مناطق مرکزی غرب آمریکا اوضاع را بدتر کرد. در «زمین بی‌آب و علف» که خاک زراعی حاصلخیز به علت کشاورزی بیش از حد از بین رفته بود، خشکسالی و باد، کشتزارها را به بیابان‌های خشک تبدیل کرد. با رفتن خانواده‌ها به طرف غرب و به کالیفرنیا، کشتزارهای بسیاری رها شدند.



سال ۱۹۲۹ م
در ماه اکتبر، پس از هراس مردم و فروش سهامشان، بورس سهام نیویورک در وال استریت ورشکست می‌شود.

سال ۱۹۳۲ م
در اوج رکود، دوازده میلیون نفر بیکار در ایالات متحده وجود دارد. فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور ایالات متحدهٔ آمریکا می‌شود.

سال ۱۹۳۳ م
روزولت برای محافظت از اندوخته‌های مردم و ایجاد شغل، لایحهٔ «برنامهٔ اصلاحات» را به مجلس می‌برد. در آلمان شش میلیون نفر بیکار وجود دارد.

سال ۱۹۳۵ م
در انگلیس دویست مرد برای جلب توجه مسئولان به بیکاری‌شان، از جَرو تا لندن راهپیمایی می‌کنند.

سال ۱۹۳۶ م
در آلمان هنگامی که کارهای عمومی و تولید اسلحه اشتغال کامل به همراه می‌آورد، رکود پایان می‌یابد.

سال ۱۹۳۹ م
در حدود پانزده درصد از کارگران در ایالات متحده هنوز بیکارند.

سال ۱۹۴۱ م
هنگامی که ایالات متحده وارد جنگ جهانی دوم می‌شود، اشتغال کامل به آن‌جا بازمی‌گردد.

غذاخوری‌های خیریه که غذای مجانی می‌دادند، در بسیاری از شهرها تأسیس شدند تا به گرسنه‌ها غذا بدهند. طبق یک برآورد بیش از یک‌چهارم جمعیت ایالات متحده به گدایی، صدقه و پشتیبانی محدود تأمین اجتماعی متکی بودند.



رکود برای میلیون‌ها نفر از مردمی که شغلشان را از دست دادند بینوایی به بار آورد. این نمودار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۳۲ م چگونه بیکاری به‌شدت افزایش یافت. با بهبود یافتن اقتصاد، بیکاری به تدریج کم شد.

بازار بورس نیویورک در وال استریت. هنگامی که قیمت سهام پایین آمد، سرمایه‌گذاران بسیاری به بازار بورس هجوم بردند و فهمیدند که تمام دارایی خود را از دست داده‌اند.

بحران در ایالات متحده زمانی بر جهان تأثیر گذاشت که بانک‌های ایالات متحده خواستند وام‌هایی را که به کشورهای دیگر داده بودند بازپس بگیرند. انگلیس و آلمان به‌شدت آسیب دیدند و بیکاری به‌سرعت افزایش یافت. کشورها کوشیدند با مالیات بستن بر کالاهای خارجی، از صنایع خود حمایت کنند. در سال ۱۹۳۲ م، هنگامی که رکود به بالاترین سطح خود رسید، صادرات جهانی مواد خام بیش از هفتاد درصد کاهش یافت و اقتصاد کشورهای فقیرتر که به این صادرات وابسته بودند ورشکست شد.



برنامهٔ اصلاحات

بخشی از برنامهٔ اصلاحات رئیس‌جمهور روزولت در سال ۱۹۳۳ م شامل برنامه‌ای برای ایجاد شغل‌های بیشتر بود. جوانان در جنگل‌های ملی مشغول به کار شدند، و برای تولید برق و جلوگیری از فرسایش خاک، سدهایی بر روی رودخانهٔ تنسی ساختند. قوانین رفاهی و کارِ جدید، شرایط کارگران را بهبود بخشید.

پیدایش فاشیسم

فاشیسم نهضت سیاسی دست راستی است که در جنگ جهانی اول پدیدار شد. در دههٔ ۱۹۲۰م حزب‌های فاشیست وعدهٔ رهبری قدرتمند و جنگ با کمونیسم را دادند. آن‌ها با وعدهٔ افتخار ملی، شغل‌های بیشتر و انتقام به دلیل تحقیرهای گذشته، مردم را تحریک می‌کردند. دو رهبر فاشیست بسیار معروف بنیتو موسولینی رهبر ایتالیا و آدولف هیتلر رهبر آلمان بودند.



نخست‌وزیر انگلیس نویل چمبرلین پس از ملاقات با هیتلر در سال ۱۹۳۸م به کشور بازگشت و وعدهٔ صلح داد. ولی پس از مدتی معلوم شد که توافقنامهٔ مونیخ بی‌ارزش است.

ایتالیا نخستین کشوری بود که حکومت آن فاشیستی شد. در اکتبر سال ۱۹۲۲م بنیتو موسولینی پیروانش را با راهپیمایی به رم برد و دولت را تهدید به سرنگونی کرد. شاه تشکیل دولت جدید را به او سپرد. فاشیست‌های مسلح اعضای گروه‌های سیاسی دیگر را ترور می‌کردند و می‌کشتند. در ژانویهٔ سال ۱۹۲۳م ایتالیا کشوری تک‌حزبی شده بود. دو سال بعد موسولینی به صورت دیکتاتور شروع به فرمانروایی کرد و معروف به «دوچه» (رهبر) شد.



آدولف هیتلر (سال‌های ۱۸۸۹ـ۱۹۴۵م) به اجتماعی از نازی‌ها در نورمبرگ در سال ۱۹۳۸م سلام نظامی می‌دهد. نازی‌ها آلمان را تبدیل به کشوری پلیسی کردند، مخالفان را به زندان انداختند یا کشتند، و رادیو، فیلم‌ها و روزنامه‌ها را تحت نظارت خود درآوردند.

سال ۱۹۲۲م
فاشیست‌ها به رهبری موسولینی در ایتالیا به قدرت می‌رسند.
سال‌های ۱۹۲۳ـ۱۹۳۰م
پریمو د ریورا با دیکتاتوری بر اسپانیا فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۹۲۵م
از این تاریخ موسولینی با حکومت دیکتاتوری بر ایتالیا فرمانروایی می‌کند.
سال ۱۹۳۱م
با پیروزی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات، سلطنت اسپانیا سرنگون می‌شود.
سال ۱۹۳۲م
سر اسوالد موسلی اتحادیهٔ فاشیست‌های انگلیس را تشکیل می‌دهد.
سال ۱۹۳۳م
نازی‌ها به رهبری هیتلر در آلمان به قدرت می‌رسند. در اسپانیا حزب فالانژیست (فاشیست) ایجاد می‌شود.
سال ۱۹۳۴م
هیتلر تمام قدرت را به دست می‌آورد. رقیبان او در «شب چاقوهای بلند» کشته می‌شوند.
سال ۱۹۳۵م
ایتالیا به حبشه (اتیوپی) حمله می‌کند.
سال‌های ۱۹۳۶ـ۱۹۳۹م
جنگ داخلی اسپانیا میان جمهوری‌خواهان و ملی‌گرایان (فالانژیست‌ها)، ملی‌گرایان پیروز می‌شوند و فرانکو دیکتاتور اسپانیا می‌شود.
سال ۱۹۳۷م
در حمایت از ملی‌گرایان، هواپیمایی آلمانی شهر اسپانیایی گوئرنیکا را بمباران می‌کند.
سال ۱۹۳۸م
هیتلر آلمان و اتریش را به صورت واحد درمی‌آورد. گروه‌های نازی در «شب شیشه‌های شکسته» به یهودیان آلمان حمله می‌کنند. توافقنامهٔ مونیخ امضا می‌شود.

گروه فاشیست اسپانیا، یا حزب فالانژیست، در سال ۱۹۳۳م تأسیس شد. در سال ۱۹۳۶م حزب فالانژیست به رهبری ژنرال فرانکو دولت منتخب در اسپانیا را سرنگون کرد. جنگ داخلی هولناک تا سال ۱۹۳۹م به طول انجامید و در این زمان فرانکو دیکتاتور اسپانیا شد.

در آلمان حزب نازی و رهبر آن آدولف هیتلر در سال ۱۹۳۳م به قدرت رسیدند. هیتلر برنامه‌ای برای ایجاد شغل اجرا کرد و به تقویت تسلیحات و نیروهای مسلح پرداخت. او سایر احزاب سیاسی را غیرقانونی اعلام کرد، پلیس مخفی تأسیس کرد و به آزار یهودیان پرداخت. در سال ۱۹۳۶م هیتلر سربازانی به راینلند فرستاد، ناحیه‌ای در آلمان که با فرانسه هم‌مرز بود و در پایان جنگ جهانی اول طبق عهدنامهٔ ورسای منطقهٔ آزاد نظامی اعلام شده بود. دو سال بعد اتریش و آلمان وحدت یافتند که به اتحاد «آنشلوس» معروف شد. هیتلر همچنین تهدید کرد که ناحیهٔ سودت در چکسلواکی را زیر سلطه درمی‌آورد. در تلاش برای حفظ صلح، توافقنامهٔ مونیخ، که آلمان و دیگر قدرت‌های اروپایی امضا کرده بودند، ناحیهٔ سودت را به آلمان داد. با وجود این، در ماه مارس سال بعد سربازان هیتلر سراسر چکسلواکی را زیر سلطه درآوردند و لهستان را تهدید به حمله کردند.



بنیتو موسولینی (سال‌های ۱۸۸۳ـ۱۹۴۵م) در ابتدا با دولت «نوگرای» خود بسیاری از ایتالیایی‌ها را تحت تأثیر قرار داد. با این حال، او مستبد شد و ایتالیا را به جنگ جهانی دوم کشاند که نتایج مصیبت‌باری به همراه داشت. سرانجام، موسولینی به دست مردم کشورش سرنگون و کشته شد.



مبارزان جمهوری‌خواه در طول جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶ـ۱۹۳۹م). در این جنگ ایتالیا و آلمان به فرانکو رهبر فاشیست‌ها کمک می‌کردند. اتحاد جماهیر شوروی و داوطلبانی از سایر کشورها، از جمله ایالات متحده و انگلیس، به جمهوری‌خواهان کمک می‌کردند.



ژنرال فرانسیسکو فرانکو (سال‌های ۱۸۹۲ـ۱۹۷۵م) حزب فالانژیست (فاشیست) را در اسپانیا رهبری کرد و در جنگ داخلی پیروز شد. فرانکو اسپانیا را از جنگ جهانی دوم دور نگه داشت.

انقلاب در چین

در سال ۱۹۰۰م بخش‌های بزرگی از چین زیر سلطهٔ قدرت‌های خارجی بود. سون یات‌ـسن حزب ملی چین یا کوئومین‌تانگ را تأسیس کرد. او کوشید تا چین را تحت حکومتی مردم‌سالار وحدت بخشد. در سال ۱۹۱۱م حکومت چین جمهوری شد و آخرین امپراتور آن استعفا کرد.



امپراتریس دوواگر سیخی
(سال‌های ۱۸۳۲ـ۱۹۰۸ م) مادر یک امپراتور و عمهٔ یک امپراتور دیگر بود. او که نایب‌السلطنه بود، اجازهٔ تغییرات را در چین نمی‌داد و این کار او به سقوط امپراتوری منچو کمک کرد.

سون در سال ۱۹۲۵ م درگذشت و چیانگ کای‌ـشک به عنوان رئیس‌جمهور و رهبر کوئومین‌تانگ جانشین او شد. حزب کمونیست چین ابتدا در سال ۱۹۲۱ م در شانگهای تشکیل جلسه داد. مائو تسه‌تونگ عضو جدید حزب بود.

در طول دههٔ ۱۹۲۰م سرداران در شمال چین کوشیدند تا ادارهٔ کشور را به دست بگیرند. در سال ۱۹۲۶ م کوئومین‌تانگ و کمونیست‌ها برای جنگ با آن‌ها متحد شدند. ولی در سال ۱۹۲۷ م جنگ داخلی میان کوئومین‌تانگ و کمونیست‌ها درگرفت. کمونیست‌ها در ایالت کیانگ‌سی پناه گرفتند و در آن‌جا در



سال ۱۹۰۵ م
سون یات‌ـسن «کوئومین‌تانگ» (حزب ملی چین) را تأسیس می‌کند.
سال ۱۹۱۱ م
سرنگونی امپراتوری منچو. سون یات‌ـسن رئیس‌جمهور می‌شود.
سال ۱۹۲۱ م
حزب کمونیست چین تأسیس می‌شود.
سال ۱۹۲۵ م
مرگ سون یات‌ـسن. چیانگ کای‌ـشک رهبر چین می‌شود.
سال ۱۹۲۶ م
چیانگ کای‌ـشک با کمک کمونیست‌ها سرداران شمالی را شکست می‌دهد.
سال ۱۹۲۷ م
جنگ داخلی میان کمونیست‌ها و کوئومین‌تانگ. کمونیست‌ها به بیرون از شانگهای و به سمت تپه‌های کیانگ‌سی رانده می‌شوند.
سال ۱۹۳۱ م
کمونیست‌ها حکومت جدیدی در جنوب تأسیس می‌کنند.
سال ۱۹۳۳ م
نیروهای چیانگ کای‌ـشک به کمونیست‌ها در کیانگ‌سی حمله می‌کنند.
سال ۱۹۳۴ م
مائو کمونیست‌ها را در «راهپیمایی طولانی» رهبری می‌کند.
سال ۱۹۳۵ م
مائو رهبر حزب کمونیست می‌شود.
سال‌های ۱۹۳۷ـ۱۹۴۵ م
کوئومین‌تانگ و کمونیست‌ها برای جنگ با ژاپن متحد می‌شوند.
سال ۱۹۳۸ م
ژاپن بر بیشتر سرزمین‌های شرق سلطه دارد. کمونیست‌های مائو بر شمال غرب سلطه دارند.
سال ۱۹۳۹ م
ارتش شوروی جلوی پیشروی بیشتر ژاپن را به سمت غرب در چین می‌گیرد.
سال ۱۹۴۵ م
جنگ داخلی دوباره در چین درمی‌گیرد.
سال ۱۹۴۹ م
جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. چیانگ به تایوان فرار می‌کند.



این نقشه مسیر طی شده در «راهپیمایی طولانی» از سال ۱۹۳۴ تا سال ۱۹۳۵ م را نشان می‌دهد. این مسیر حدود ۹۷۰۰ کیلومتر را در بر می‌گرفت. در پایان راهپیمایی، مائو تسه‌تونگ گفت: «این راهپیمایی به دنیا اعلام می‌کند که ارتش سرخ ارتش قهرمان‌هاست.»



مائو تسه‌تونگ (سال‌های ۱۸۹۳ـ۱۹۷۶ م) در خانواده‌ای زمین‌دار در ایالت هونان به دنیا آمد. او در زمان جنگ در ارتش انقلابی سال ۱۹۱۱ م به سیاست علاقه‌مند شد و در سال ۱۹۲۳ م به حزب کمونیست چین پیوست و سرانجام رهبر چین شد.

سال ۱۹۳۱ م دولت جدیدی تأسیس کردند. در سال ۱۹۳۳ م چیانگ کای‌ـشک ارتش خود را برای نابود کردن کمونیست‌ها به کیانگ‌سی فرستاد. برای فرار از دست نیروهای چیانگ کای‌ـشک، مائو صد هزار کمونیست را در «راهپیمایی طولانی» از کیانگ‌سی در جنوب تا شان‌سی در شمال رهبری کرد. مائو سپس رهبر کمونیست‌ها شد.

در سال ۱۹۳۷م ژاپن به چین حمله کرد و کمونیست‌ها و ملی‌گرایان برای جنگ با ژاپن متحد شدند. در سال ۱۹۴۵ م، هنگامی که جنگ جهانی دوم پایان یافت، جنگ داخلی دوباره در چین درگرفت. این بار کمونیست‌ها به جنگی پیروزمندانه با کوئومین‌تانگ دست زدند و اعضای کوئومین‌تانگ به تایوان فرار کردند تا کشوری جداگانه تأسیس کنند. در اول اکتبر سال ۱۹۴۹ م حکومت سرزمین اصلی چین به جمهوری خلق چین تبدیل شد و مائو نخستین رئیس‌جمهور آن شد.



راهپیمایی طولانی از کیانگ‌سی در جنوب تا شان‌سی در شمال ۵۶۸ روز طول کشید. از صد هزار نفری که راهپیمایی را آغاز کردند حدود هشتاد هزار نفر در طول سفر جان خود را از دست دادند. اعضای کوئومین‌تانگ راهپیمایان کمونیست را تعقیب می‌کردند.

جنگ جهانی دوم



بسیاری از کودکان شهرهای انگلیس برای این‌که از بمباران دور باشند نزد خانواده‌هایی در روستاها فرستاده می‌شدند. شهرها تخلیه شدند.

جنگ جهانی دوم در سوم سپتامبر ۱۹۳۹، دو روز پس از آن‌که نیروهای آلمانی به لهستان حمله کردند، آغاز شد. هنگامی که، آدولف هیتلر، رهبر آلمان، از عقب کشیدن نیروهایش خودداری کرد، انگلیس و فرانسه اعلان جنگ دادند. جنگ میان قدرت‌های محور (عمدتاً آلمان، ایتالیا و ژاپن) و متفقین (که شامل انگلیس و شرکای مشترک‌المنافع آن، فرانسه، اتحاد شوروی و ایالات متحده بودند) درگرفت.

در ۱۷ سپتامبر اتحاد شوروی از سمت شرق به لهستان حمله کرد. در پایان سال ۱۹۳۹ م سربازان شوروی به استونی، لاتویا، لیتوانی و فنلاند نیز حمله کرده بودند. در بهار سال ۱۹۴۰ م سربازان آلمانی به دانمارک، نروژ، بلژیک، هلند و فرانسه حمله کردند. آن‌ها با استفاده از تعداد زیادی تانک و هواپیمای بمب‌افکن به‌سرعت استحکامات را در هم می‌کوبیدند، و این روش معروف به بلیتس‌کریگ (واژهٔ آلمانی برای «جنگ برق‌آسا») بود. پیاده‌نظام تصرف و اشغال شهرها را تکمیل می‌کرد.

تا ژوئن سال ۱۹۴۰ م بیشتر بخش‌های اروپا سقوط کرده بود. انگلیس به‌تنهایی



نبرد بریتانیا از اوت تا اکتبر سال ۱۹۴۰ م بر فراز جنوب انگلستان به‌شدت جریان داشت. هواپیماهای نیروی هوایی سلطنتی (چپ) با هواپیماهای آلمانی (راست) می‌جنگیدند. بیش از ۲۶۰۰ هواپیما سرنگون شدند.

سال ۱۹۳۹ م
آلمان چکسلواکی را به خاک خود ملحق می‌کند. ایتالیا آلبانی را به خاک خود ملحق می‌کند. ایتالیا و آلمان اتحادی تشکیل می‌دهند.
۲۳ اوت سال ۱۹۳۹ م
آلمان و اتحاد جماهیر شوروی پیمان عدم تجاوز امضا می‌کنند.
۲۵ اوت سال ۱۹۳۹ م
انگلیس، فرانسه و لهستان اتحادی تشکیل می‌دهند.
۱ سپتامبر سال ۱۹۳۹ م
آلمان به لهستان حمله می‌کند.
۳ سپتامبر سال ۱۹۳۹ م
انگلیس و فرانسه به آلمان اعلان جنگ می‌دهند.
۱۷ سپتامبر سال ۱۹۳۹ م
شوروی به لهستان حمله می‌کند.
مارس سال ۱۹۴۰ م
شوروی فنلاند را تصرف می‌کند.
آوریل تا مه سال ۱۹۴۰ م
آلمان کشورهای نروژ، دانمارک، بلژیک و هلند را اشغال می‌کند.
ژوئن سال ۱۹۴۰ م
آلمان فرانسه را اشغال می‌کند. متفقین دانکرک را تخلیه می‌کنند.
اوت تا اکتبر سال ۱۹۴۰ م
نبرد بریتانیا.
نوامبر سال ۱۹۴۰ م
ایتالیا می‌کوشد به یونان حمله کند. مجارستان، رومانی و اسلواکی به قدرت‌های محور می‌پیوندند.
فوریهٔ سال ۱۹۴۱ م
متفقین ۱۱۳ هزار سرباز ایتالیایی را در شمال آفریقا اسیر می‌کنند.
آوریل سال ۱۹۴۱ م
یوگسلاوی و یونان به تسخیر آلمان درمی‌آیند.
مه سال ۱۹۴۱ م
حملهٔ آلمان به شوروی آغاز می‌شود.
۷ دسامبر سال ۱۹۴۱ م
ژاپن به پرل هاربر حمله می‌کند. ایالات متحده به ژاپن اعلان جنگ می‌دهد. ایتالیا و آلمان به ایالات متحده اعلان جنگ می‌دهند.

سرپا بود. در اوت و سپتامبر، نیروی هوایی هیتلر، یا لوفتوافه، در روز روشن به جنوب انگلستان و لندن حمله کرد. نیروی هوایی انگلیس، با وجود داشتن هواپیماهای کمتر، از عهدهٔ جنگ با آلمانی‌ها برآمد و به این ترتیب از حمله جلوگیری کرد. با این حال، بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ انگلیس در این حمله‌ها صدمه دیدند.

در سپتامبر سال ۱۹۴۰م سربازان ایتالیایی به طرف مصر حرکت کردند، زیرا در آن‌جا انگلیس بخشی از ارتش خود را برای دفاع از آبراه سوئز مستقر کرده بود. در فوریهٔ سال ۱۹۴۱م ایتالیایی‌ها شکست خوردند، اما سربازان آلمانی انگلیسی‌ها را به سمت مرز مصر عقب راندند.

هیتلر که پیروزی‌هایش او را امیدوار کرده بود، به متحد سابق خود، اتحاد شوروی، حمله کرد. در ژوئن سال ۱۹۴۱م آلمان با کمک فنلاند، مجارستان و رومانی به شوروی حمله کرد. با وجود این، در پایان سال ۱۹۴۱م، هنگامی که ایالات متحده به دنبال حملهٔ بی‌دلیل ژاپنی‌ها به پرل هاربر در هاوایی، وارد جنگ شد، سرنوشت متفقین تغییر کرد.

پس از بمباران، امدادگران با آتش‌سوزی‌ها مبارزه می‌کردند و زنده‌ها را بیرون می‌کشیدند. هواپیماهای آلمانی در طول بلیتس (حملهٔ برق‌آسا)، انگلیس را بمباران کردند. بعدها بمب‌افکن‌های متفقین خانه‌ها و کارخانه‌های صنعتی در آلمان و ژاپن را بمباران کردند. حملهٔ هواپیماهای متفقین به شهر آلمانی درسدن در سال ۱۹۴۵م هشتاد هزار نفر را کشت.







در پایان سال ۱۹۴۱م، آلمان بر بیشتر خاک اروپا و شمال آفریقا و بخشی از روسیه سلطه داشت. در اروپا فقط کشورهای بی‌طرف و انگلیس هنوز آزاد بودند.



جهان در جنگ

حملهٔ ژاپن به پایگاه نیروی دریایی ایالات متحده در پرل هاربر، ایالات متحده را با قدرت صنعتی و نظامی آن وارد جنگ کرد. پیش از این، بسیاری از آمریکایی‌ها از انگلیس در جنگ با آلمان نازی پشتیبانی کرده بودند، ولی به درگیر شدن در جنگی اروپایی تمایلی نداشتند. اما در این زمان وضع فرق می‌کرد.



نیروهای آلمانی و فنلاندی لنینگراد (سن‌پترزبورگ امروزی) را از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۴ م محاصره کردند. حدود یک میلیون نفر از سرما، گرسنگی، بیماری و جراحت جان خود را از دست دادند.

میلیون‌ها سرباز آمریکایی خیلی زود رهسپار جنگ در اروپا و اقیانوس آرام شدند، و ایالات متحده نیروی هوایی و نیروی دریایی خود را به نبرد با آلمان و ژاپن برد. تفنگ‌ها، تانک‌ها و هواپیماهای ایالات متحده با کشتی به آن سوی اقیانوس اطلس به انگلیس برده می‌شدند، که هنوز از حمله‌های هوایی آلمان و از کمبود آذوقه و ملزومات که ناشی از حمله‌های زیردریایی‌های آلمانی به کشتی‌هایشان بود در سختی به سر می‌برد. متفقین شروع به بمباران شهرهای آلمان کردند، به طوری که انگلیسی‌ها در طول شب بمباران می‌کردند و آمریکایی‌ها هنگام روز حمله می‌کردند. آن‌ها برای شکار زیردریایی‌های دشمن از کشتی و هواپیما استفاده می‌کردند.

تا اوت سال ۱۹۴۱ م نیروهای ایالات متحده در اقیانوس آرام ژاپن را در نبردهای دریای کورال، میدوی و گوادالکانال شکست داده بودند. این پیروزی‌ها جلوی پیشروی ژاپن را به نواحی داخلی جنوب شرق آسیا و اقیانوس آرام گرفت.

حملهٔ متفقین به نورماندی در ۶ ژوئن سال ۱۹۴۴ م (روز موعود) آغاز شد. حدود ۱۵۶ هزار سرباز در بزرگ‌ترین حملهٔ دریایی که تا آن زمان انجام شده بود، در ساحل پیاده شدند.



دسامبر سال ۱۹۴۱ م
ژاپن به مالایا و هنگ‌کنگ حمله می‌کند.

فوریه تا مه سال ۱۹۴۲ م
سنگاپور، هند شرقی هلند، فیلیپین و برمه به تسخیر ژاپن درمی‌آیند.

اوت سال ۱۹۴۲ م
پیروزی ایالات متحده در گوادالکانال به پیشروی ژاپن خاتمه می‌دهد.

اکتبر سال ۱۹۴۲ م
متفقین نیروهای محور را در نبرد العلمین در مصر شکست می‌دهند.

فوریهٔ سال ۱۹۴۳ م
آلمانی‌ها در استالینگراد شکست می‌خورند.

مه سال ۱۹۴۳ م
سربازان محور در شمال آفریقا محاصره می‌شوند.

ژوئیهٔ سال ۱۹۴۳ م
سربازان متفقین به سیسیل حمله می‌کنند. موسولینی سرنگون می‌شود و ایتالیا به آلمان اعلان جنگ می‌دهد.

ژوئن سال ۱۹۴۴ م
نیروهای متفقین در ساحل نورماندی در فرانسه پیاده می‌شوند.

دسامبر سال ۱۹۴۴ م
آغاز نبرد آردن که آخرین حملهٔ آلمان در اروپاست.

فوریهٔ سال ۱۹۴۵ م
در کنفرانس یالتا متفقین با تقسیم آلمان به چهار منطقه پس از جنگ موافقت می‌کنند.

مارس سال ۱۹۴۵ م
سربازان ایالات متحده ایوو جیما را در اقیانوس آرام تسخیر می‌کنند.

آوریل سال ۱۹۴۵ م
آدولف هیتلر خودکشی می‌کند.

مه سال ۱۹۴۵ م
سربازان شوروی وارد برلین می‌شوند. آلمان تسلیم می‌شود.

ژوئن سال ۱۹۴۵ م
نیروهای ایالات متحده جزیرهٔ اوکیناوا در نزدیکی ژاپن را تسخیر می‌کنند.

اوت سال ۱۹۴۵ م
بمب‌های اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی فرومی‌ریزند. ژاپن تسلیم می‌شود.

اکتبر سال ۱۹۴۵ م
سازمان ملل متحد تأسیس می‌شود.


سربازان متفقین هزاران نفر از بازماندگان بیمار و گرسنه را از اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها از قبیل بلزن و آشویتس نجات دادند. میلیون‌ها نفر از مردم در اردوگاه‌ها کشته شده بودند.

ایالات متحده از ناوهای هواپیمابر برای جنگ با کشتی‌های ژاپنی استفاده می‌کرد، و از پایگاه‌های جزایر تسخیرشده هواپیماها را برای بمباران ژاپن می‌فرستادند.

در آفریقا سربازان انگلیسی و کشورهای مشترک‌المنافع در اواخر سال ۱۹۴۲ م در نبردی سرنوشت‌ساز در العلمین در مصر پیروز شدند. هنگامی که انگلیسی‌ها از راه بیابان به طرف غرب پیشروی کردند، دشمن را میان نیروهای بیشتری از متفقین که از سمت الجزایر و مراکش پیشروی می‌کردند، به دام انداختند. نبردهای شمال آفریقا در مه سال ۱۹۴۳ م پایان یافت، و متفقین برای حمله به ایتالیا و فرانسه برنامه‌ریزی کردند.

در روسیه، نیروهای آلمانی در نوامبر سال ۱۹۴۱ م به نزدیک مسکو رسیدند، اما عقب رانده شدند. آلمانی‌ها در سال ۱۹۴۳ م در استالینگراد (ولگاگراد امروزی) شکست خوردند، و هنگامی که ارتش سرخ شوروی بی‌وقفه به طرف غرب حرکت کرد، آلمانی‌ها از روسیه عقب‌نشینی کردند. در ۶ ژوئن سال ۱۹۴۴ م، هنگامی که نیروهای متفقین در ساحل نورماندی در فرانسه پیاده شدند، پس از انتظاری طولانی جبهۀ دوم در اروپای غربی گشوده شد.


بمب‌افکن‌های «دژ پرندۀ» ب.۱۷ ایالات متحده در روشنایی روز به هدف‌هایی در اروپا و آسیا حمله می‌کردند.

در ۲ ژوئیه یک میلیون از سربازان متفقین در ساحل فرانسه پیاده شدند. در مارس سال ۱۹۴۵ م، سربازان متفقین از رود راین عبور کردند و در آوریل به روهر، مرکز صنعت آلمان، رسیدند. هیتلر که شکست خود را نزدیک می‌دید در ۳۰ آوریل خودکشی کرد. دو روز بعد سربازان شوروی برلین را تسخیر کردند. در ۹ مه آلمان رسماً تسلیم شد.

در اواخر سال ۱۹۴۵ م متفقین آمادۀ حمله به ژاپن شدند، اما از تلفات سنگین آن نگران بودند. در ۶ اوت سال ۱۹۴۵ م یک بمب اتمی روی شهر ژاپنی هیروشیما افتاد و سه روز بعد بمب دوم روی ناگازاکی افتاد. ژاپنی‌ها تسلیم شدند، و در ۱۴ اوت جنگ جهانی دوم پایان یافت.



هندوستان و پاکستان

در آغاز قرن بیستم میلادی هندوستان بزرگ‌ترین قلمروِ مستعمراتی در جهان بود که پاکستان و بنگلادش و خود هند را شامل می‌شد، و از سال ۱۸۵۸ م مستقیماً از انگلیس اداره می‌شد و زیر سلطهٔ آن کشور بود.



جواهرلعل نهرو (سمت چپ) نخستین نخست‌وزیر هند بود (وفات در سال ۱۹۶۴ م). محمدعلی جناح (سمت راست) نخستین رهبر پاکستان مستقل بود.

اما مردم هند خواستار استقلال بودند و در سال ۱۹۱۷ م مجمع ملی هند مبارزه‌ای را برای خودگردانی آغاز کرد. انگلیس نمی‌خواست از فرمانروایی بر هند دست بکشد. به جای آن، برای قدردانی از پشتیبانی هند از انگلیس در دوران جنگ جهانی اول، دولت انگلیس قانون دولت هند را تصویب کرد (سال ۱۹۱۹ م). این قانون تا حدی به هند استقلال می‌داد، اما قدرت اصلی در دست انگلیس باقی می‌ماند. در همان سال سربازان انگلیسی در آمریتسار به روی جمعیت معترض به فرمانروایی انگلیس تیراندازی کردند. تقریباً چهارصد نفر کشته شدند و مبارزه برای استقلال هند گسترش یافت.



در سال ۱۹۲۰ م مهاتما گاندی رهبر مجمع ملی هند شد. او سیاست همکاری نکردن با انگلیس را در پیش گرفت و چند بار دستگیر شد. او در زندان با اعتصاب غذا به مبارزهٔ خود ادامه داد.



سال ۱۸۸۵ م
مجمع ملی هند تأسیس می‌شود.
سال ۱۸۸۷ م
گاندی برای تحصیل در رشتهٔ حقوق به لندن می‌رود. او از سال ۱۸۹۳ م در آفریقای جنوبی مشغول به کار می‌شود.
سال ۱۹۰۵ م
تأسیس اتحادیهٔ مسلمانان در هند.
سال ۱۹۱۹ م
قانون دولت هند تصویب می‌شود. قتل‌عام آمریتسار.
سال ۱۹۲۰ م
گاندی، که در این زمان رهبر مجمع ملی هند است، خواستار همکاری نکردن با انگلیس می‌شود.
سال ۱۹۳۴ م
محمدعلی جناح رئیس اتحادیهٔ مسلمانان هند می‌شود.
سال ۱۹۴۵ م
حکومت انگلیس با دادن استقلال به هند موافقت می‌کند.
۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ م
شمال شرق و شمال غرب هند کشور پاکستان را به وجود می‌آورند.
۱۵ اوت سال ۱۹۴۷ م
بقیهٔ هند مستقل می‌شود.

پرچم پاکستان. این کشور در ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ م تأسیس شد. ناحیه‌ای که پاکستان شرقی شناخته می‌شد بعدها نام خود را به بنگلادش تغییر داد.



این نقشه نشان می‌دهد که چگونه هند تقسیم شد. پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱ م جدا شد و کشور بنگلادش را به وجود آورد. برمه و سیلان (سری‌لانکای امروزی) در سال ۱۹۴۸ م استقلال خود را به دست آوردند.

در سال ۱۹۳۰ م گاندی در «راهپیمایی نمک»، در اعتراض به خرید اجباری نمک با مالیات سنگین، هزاران نفر را به طرف ساحل رهبری کرد. در سال ۱۹۴۵ م حکومت انگلیس سرانجام با استقلال هند موافقت کرد. دین بیشتر مردم هند هندو بود، اما در این زمان بخش دیگری از مردم برای تشکیل کشور جداگانه‌ای برای مسلمانان پرجمعیت هند که نمی‌خواستند تحت فرمانروایی هندوها زندگی کنند، شروع به مبارزه کردند. در ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ م دو ناحیه در سمت شمال شرق و شمال غرب هند تبدیل به کشور مستقل پاکستان شدند، و محمدعلی جناح نخستین فرماندار کل آن‌جا شد. روز بعد، بخش دیگر هند به رهبری جواهرلعل نهرو نخست‌وزیر آن‌جا، استقلال خود را به دست آورد. بلافاصله خشونت درگرفت. میلیون‌ها نفر از مردم خود را در حال زندگی در کشوری «اشتباهی و نامطلوب» یافتند؛ مسلمانان در هند و هندوها در پاکستان. مهاجرت‌های دسته‌جمعی آغاز شد. صدها هزار نفر از مردم در حین فرار کشته شدند.

تقسیم هند مهاجرت دسته‌جمعی مسلمانان از هند به پاکستان و هندوها از پاکستان به هند را به دنبال داشت. بیش از یک میلیون نفر در درگیری‌ها و خشونت‌های بین دو گروه کشته شدند.

فلسطین

وطن باستانی یهودیان سرزمین‌های اطراف بیت‌المقدس بود. یهودیان در طول آوارگی قوم یهود در سال ۷۰ م از اسرائیل بیرون رانده شدند و در سایر بخش‌های جهان ساکن شدند. این سرزمین، که اکنون فلسطین نامیده می‌شود، سال‌های زیادی بخشی از امپراتوری عثمانی بود. علاقهٔ یهودیان به سکونت در فلسطین منجر به درگیری طولانی با مردمی شد که در آن‌جا زندگی می‌کردند.



داوید بن- گوریون لهستانی‌الاصل (سال‌های ۱۸۸۶_۱۹۷۳ م) در سال ۱۹۰۶ م به فلسطین مهاجرت کرد. او که به «پدر ملت» معروف بود، نخستین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شد.

بیشتر فلسطینی‌ها عرب بودند. تعداد کمی از یهودیان که معروف به صهیونیست‌ها بودند، در طول دههٔ ۱۸۸۰ م شروع به سکونت در فلسطین کردند. در سال ۱۹۱۷ م انگلیس حمایت خود را از وطن یهودی در فلسطین اعلام کرد. به دنبال شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، تجزیهٔ امپراتوری عثمانی شروع شد. جامعهٔ تازه‌تأسیس ملل به انگلیس اختیار (اجازه) داد تا برای مدت کوتاهی ادارهٔ فلسطین را به دست بگیرد.

یهودیان، به‌خصوص در طول دههٔ ۱۹۳۰ م که نازی‌ها در آلمان یهودیان آلمانی را تعقیب می‌کردند و آزار می‌دادند، به مهاجرت و ساکن شدن در فلسطین اقدام کردند. برای فرار از زندانی شدن یا کشته شدن، یهودیانی که می‌توانستند، شروع به ترک آلمان کردند. بعضی از آن‌ها به فلسطین نقل‌مکان کردند.

تعداد رو به افزایش مهاجران یهودی منجر به جنگ میان یهودیان و اعراب شد، و انگلیس می‌کوشید تا تعداد مهاجران یهودی را به فلسطین محدود کند.



ت. اِ. لارنس (سال‌های ۱۸۸۸_۱۹۳۵ م)، معروف به لارنس عربستان، سربازی انگلیسی بود که به هدایت قیام اعراب در برابر امپراتوری عثمانی در طول جنگ جهانی اول کمک کرد. پس از جنگ، بسیاری از اعراب به شکل‌گیری یک کشور عربی جدید که شامل فلسطین هم می‌شد امیدوار بودند. اما این اتفاق نیفتاد.



تل‌آویو- یافا در ساحل دریای مدیترانه بزرگ‌ترین شهر رژیم اشغالگر قدس است. این شهر در سال ۱۹۵۰ م با ادغام بندر باستانی یافا و حومهٔ تل‌آویو تشکیل شد.

سال ۱۸۴۰ م
پس از فرمانروایی کوتاه مصر بر فلسطین، این سرزمین بخشی از امپراتوری عثمانی می‌شود.

سال ۱۸۸۲ م
نخستین سکونتگاه صهیونیستی در فلسطین تأسیس می‌شود.

سال ۱۹۱۷ م
اعلامیهٔ بالفور از یک وطن یهودی در فلسطین حمایت می‌کند.

سال ۱۹۲۰ م
عهدنامهٔ سور به امپراتوری عثمانی پایان می‌دهد.

سال ۱۹۲۲ م
به انگلیس اجازه داده می‌شود تا فلسطین را اداره کند.

سال ۱۹۲۹ م
نخستین نزاع عمده میان یهودیان و اعراب درمی‌گیرد.

سال ۱۹۳۳ م
تعقیب یهودیان در آلمان آغاز می‌شود.

سال ۱۹۳۹ م
انگلیس با محدود کردن مهاجرت یهودیان به فلسطین موافقت می‌کند.

سال ۱۹۴۷ م
سازمان ملل متحد به تقسیم فلسطین رأی می‌دهد.

سال ۱۹۴۸ م
در ۱۴ مه، کشور [غاصب] اسرائیل تأسیس می‌شود و اتحادیهٔ عرب اعلان جنگ می‌دهد.

سال ۱۹۴۹ م
سازمان ملل پس از اعلام آتش‌بس، سرزمین‌هایی را که اسرائیل در سال ۱۹۴۷ تصرف کرده است به آن واگذار می‌کند.



دیوار ندبه در بیت‌المقدس محل عبادت یهودیان است. پس از سال ۱۹۴۸ م، این دیوار در بخشی از شهر قرار داشت که در دست اردن بود. اسرائیل در سال ۱۹۶۷ م آن را دوباره به دست آورد و مدعی مالکیت تمام بیت‌المقدس به عنوان پایتخت خود شد. حل مشکل بیت‌المقدس به شکلی که همه را راضی کند، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.



گلدا مایر (سال‌های ۱۸۹۸ـ۱۹۷۸ م) از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۴ م نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. او در روسیه به دنیا آمد، در کودکی در ایالات متحده زندگی می‌کرد و در سال ۱۹۲۱ م به فلسطین نقل‌مکان کرد.

پس از جنگ جهانی دوم تعداد بیشتری از یهودیان خواستار نقل‌مکان به فلسطین بودند. انگلیس موضوع را در سازمان ملل متحد مطرح کرد و در سال ۱۹۴۷ م سازمان ملل متحد تصمیم گرفت فلسطین را به دو کشور یهودی و عرب تقسیم کند و بیت‌المقدس به شهری بین‌المللی تبدیل شود، زیرا آن‌جا برای یهودیان، مسلمانان و مسیحیان مقدس بود. یهودیان با این تصمیم موافقت کردند، اما اعراب آن را نپذیرفتند. انگلیس در ۱۴ مه سال ۱۹۴۸ م از قیمومت خود دست کشید و در همان روز داوید بن‌ـگوریون، رهبر یهودیان، تأسیس کشور اسرائیل را اعلام کرد. اتحادیهٔ عرب (سوریه، لبنان، عراق، اردن و مصر) به اسرائیل اعلان جنگ داد و حمله کرد. اسرائیل به‌سرعت آن‌ها را شکست داد و حتی سرزمین‌های بیشتری به دست آورد.

جنگ سرد

ایالات متحده و اتحاد شوروی پس از جنگ جهانی دوم به ابرقدرت‌های مسلط جهان تبدیل شدند. آن‌ها، که جزو متحدان سابق بودند، خیلی زود در دوره‌ای که به «جنگ سرد» معروف بود، به دشمن یکدیگر تبدیل شدند.



این نقشه تقسیم شدن اروپا پس از جنگ جهانی دوم را نشان می‌دهد. برای نخستین بار وینستون چرچیل مرز میان اروپای دموکراتیک (صورتی) و کمونیست (نارنجی) را «پردهٔ آهنین» نامید.

جنگ سرد هنگامی آغاز شد که اتحاد شوروی در کشورهای اروپای شرقی که به دست ارتش سرخ آزاد شده بودند، حکومت‌های کمونیستی برقرار کرد. این اقدام شوروی عملاً اروپا را با «پردهٔ آهنین» به دو بخش تقسیم کرد.

پس از جنگ، آلمان میان متفقین تقسیم شد. ایالات متحده، انگلیس و فرانسه بر غرب کشور نظارت داشتند، و شرق کشور زیر نظارت اتحاد شوروی بود. برلین پایتخت آلمان در منطقهٔ زیر نظارت شوروی قرار داشت، در حالی که آلمان با دیواری بتونی به دو بخش تقسیم شده بود.

هر دو طرف ذخایر عظیمی از سلاح‌های هسته‌ای ایجاد کردند. این کار منجر به بحران دیگری در سال ۱۹۶۲ م شد، که طی آن فیدل کاسترو، رهبر کوبا، به شوروی اجازه داد تا در کوبا پایگاه‌های موشکی بسازد. جان اف. کندی، رئیس‌جمهور ایالات متحده، فرمان محاصرهٔ کوبا را صادر کرد. سرانجام موشک‌ها برچیده شدند و از جنگی هسته‌ای جلوگیری شد.

هر دو طرف مبالغ هنگفتی صرف ساخت سلاح کردند. هرچند آن‌ها هرگز به طور مستقیم نجنگیدند، در جنگ کره و جنگ ویتنام درگیر شدند. آن‌ها همچنین سال‌های زیادی به جاسوسی از هم و تبلیغات بر ضد یکدیگر پرداختند.



اتحادها

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (که نماد آن در این‌جا نشان داده شده است) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ م تأسیس شد و مرکز فرماندهی آن در بروکسل پایتخت بلژیک قرار داشت. این پیمان اتحادی نظامی میان کشورهای اروپای غربی، کانادا و ایالات متحده در برابر تجاوز هر کشور خارجی بود. در سال ۱۹۵۵ م اتحاد شوروی اتحادی از کشورهای کمونیستی به نام پیمان ورشو را تشکیل داد.



سال ۱۹۴۷ م
طرح مارشال با پشتیبانی ایالات متحده به کشورهای اروپایی کمک مالی می‌دهد.
سال ۱۹۴۸ م
اتحاد شوروی برلین غربی را به مدت پنج ماه محاصره می‌کند.
سال ۱۹۴۹ م
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تشکیل می‌شود. کمونیست‌ها در چین به قدرت می‌رسند.
سال‌های ۱۹۵۰–۱۹۵۳ م
جنگ کره. کرهٔ شمالی تحت حمایت چین به کرهٔ جنوبی با حمایت ایالات متحده حمله می‌کند.
سال ۱۹۵۳ م
ژوزف استالین می‌میرد.
سال ۱۹۵۵ م
پیمان ورشو میان کشورهای اروپای شرقی تشکیل می‌شود.
سال ۱۹۵۶ م
نیروهای شوروی برای حفظ حکومت کمونیستی به مجارستان حمله می‌کنند.
سال ۱۹۵۸ م
فیدل کاسترو در کوبا به قدرت می‌رسد و کوبا را با اتحاد شوروی متحد می‌سازد.
سال ۱۹۶۰ م
شکافی میان اتحاد شوروی و چین ایجاد می‌شود.
سال ۱۹۶۱ م
دیوار برلین ساخته می‌شود.
سال ۱۹۶۲ م
بحران موشکی کوبا.
سال ۱۹۶۳ م
ایالات متحده و اتحاد شوروی پیمان منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را امضا می‌کنند.
سال ۱۹۶۴ م
ایالات متحدهٔ آمریکا در جنگ ویتنام درگیر می‌شود.
سال ۱۹۶۸ م
اتحاد شوروی برای حفظ حکومت کمونیستی به چکسلواکی حمله می‌کند.

در سال ۱۹۶۸ م شوروی با تانک‌های خود به پراگ پایتخت چکسلواکی حمله کرد. دولت جدید چکسلواکی اصلاحاتی انجام داده بود که رهبران کمونیست شوروی را نگران کرده بود.

مسابقهٔ فضایی

دانشمندان در آلمان در دههٔ ۱۹۴۰م با استفاده از فناوری‌ای که سفر به فضا را برای مردم امکان‌پذیر می‌کرد موشک‌های هدایت‌شونده ساخته بودند. این کار، ایالات متحده و اتحاد شوروی را ترغیب کرد که «مسابقهٔ فضایی» را در پیش بگیرند.



جان اف. کندی (سال‌های ۱۹۱۷_۱۹۶۳ م) در سال ۱۹۶۰ م رئیس‌جمهور ایالات متحده شد. او وعده داد که تا سال ۱۹۷۰ م آمریکایی‌ها را به ماه می‌فرستد.

اسپوتنیک ۱، که در ۴ اکتبر ۱۹۵۷ م پرتاب شد، نخستین سفینه‌ای بود که به فضا رفت. این سفینه با سرعت ۲۸ هزار کیلومتر در ساعت حرکت می‌کرد، و علامتی صوتی را در فضا پخش کرد که در سراسر جهان شنیده شد.

در سال ۱۹۵۷م اتحاد شوروی اسپوتنیک ۱، نخستین ماهواره، را به مدار زمین پرتاب کرد. ۹۶ دقیقه طول کشید تا این ماهواره در مدار کرهٔ زمین قرار گرفت. در سال بعد ایالات متحده نخستین ماهوارهٔ خود، کاوشگر ۱، را به فضا پرتاب کرد. هر دو کشور مبالغ هنگفتی صرف دانش فضایی کردند.

نخستین فردی که در مدار کرهٔ زمین حرکت کرد یوری گاگارین از اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۱ م بود. ایالات متحده در صدد برآمد تا سال ۱۹۷۰ م انسانی را به کرهٔ ماه بفرستد. این بلندپروازی در سال ۱۹۶۹م برآورده شد؛ زمانی که نیل آرمسترانگ نخستین انسانی شد که روی ماه قدم گذاشت.

در طول دههٔ ۱۹۷۰ م انگلیس، چین، فرانسه، هند و ژاپن سفینه‌های فضایی کوچکی به مدار زمین فرستادند. بسیاری از این ماهواره‌ها برای پیش‌بینی آب و هوا و برای ارتباطات بود. ایالات متحده و اتحاد شوروی سفینه‌هایی به نقاط دورتر فضا فرستادند، که تصاویر و اطلاعات علمی را از سیارات دیگر می‌فرستادند.

از دههٔ ۱۹۹۰م و با کاهش رقابت‌های جنگ سرد، دانشمندان ایالات متحده و روسیه با هم روی طرح‌های فضایی از قبیل ساخت ایستگاه فضایی بین‌المللی شروع به همکاری کردند.

سال ۱۹۵۷ م
اتحاد شوروی نخستین ماهواره، یعنی اسپوتنیک ۱، را به فضا می‌فرستد. اسپوتنیک ۲ نخستین حیوان، سگی به نام لایکا، را به فضا می‌برد.

سال ۱۹۵۸ م
ایالات متحدهٔ آمریکا نخستین ماهوارهٔ خود، یعنی کاوشگر ۱، را پرتاب می‌کند.

سال ۱۹۵۹ م
ماهوارهٔ فضایی شوروی لونای ۲ به ماه می‌رود.

سال ۱۹۶۱ م
روس‌ها نخستین سفینهٔ فضایی حامل انسان، ووستوک ۱، را پرتاب می‌کنند. یک ماه بعد ایالات متحده مرکوری، نخستین سفینهٔ فضایی حامل انسان، را پرتاب می‌کند.

سال ۱۹۶۳ م
والنتینا ترشکووا، فضانورد روسی، نخستین زنی است که به فضا می‌رود.

سال ۱۹۶۵ م
آلکسی لئونوف، فضانورد روسی، نخستین انسانی است که در فضا قدم می‌زند.

سال ۱۹۶۹ م
نیل آرمسترانگ، فضانورد ایالات متحده، نخستین انسانی است که روی ماه پیاده می‌شود.

سال ۱۹۷۰ م
سفینهٔ فضایی شوروی روی سیارهٔ زهره فرود می‌آید.

سال ۱۹۷۲ م
ایالات متحده آخرین ماه‌نشین آپولوی خود را می‌سازد.

سال ۱۹۷۵ م
سفینه‌های فضایی شوروی و ایالات متحده در فضا به هم متصل می‌شوند.

سال ۱۹۷۷ م
سفینهٔ وایکینگ ایالات متحده روی مریخ فرود می‌آید.

سال ۱۹۹۰ م
تلسکوپ فضایی هابل با شاتل (سفینهٔ رفت و برگشت) ایالات متحده به فضا فرستاده می‌شود.

سال ۱۹۹۵ م
والری پولیاکوف روسی به مدت ۴۳۷ روز در ایستگاه فضایی میر در فضا اقامت می‌کند.



باز آلدرین پس از نیل آرمسترانگ دومین انسانی بود که در ۲۱ ژوئیهٔ سال ۱۹۶۹ م روی ماه قدم زد. سومین عضو گروه، مایکل کالینز، در سفینهٔ آپولو ۱۱ باقی ماند و به دور ماه چرخید.



یوری گاگارین در داخل ووستوک ۱ در ۱۲ آوریل سال ۱۹۶۱م در حدود سیصد کیلومتر بالاتر از سطح کرهٔ زمین به مدت ۸۹ دقیقه دور کرهٔ زمین چرخید.

آفریقای نو



قوام نکرومه (سال‌های ۱۹۰۹_۱۹۷۲ م) غنا، ساحل طلای سابق، را تا استقلال در سال ۱۹۵۷ م رهبری کرد، و از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۶۶ م رئیس‌جمهور بود. او معتقد به آفریقای متحد بود.

از دههٔ ۱۹۵۰ م بیشتر کشورهای آفریقایی از حکومت‌های استعماری استقلال یافتند. آن‌ها شیوه‌های حکومتی خود را ایجاد کردند و اقتصادهای جدیدی برقرار کردند. با این حال، قحطی، فقر و جنگ‌های داخلی دشواری‌های عمده‌ای را برای آن‌ها ایجاد کرده است.

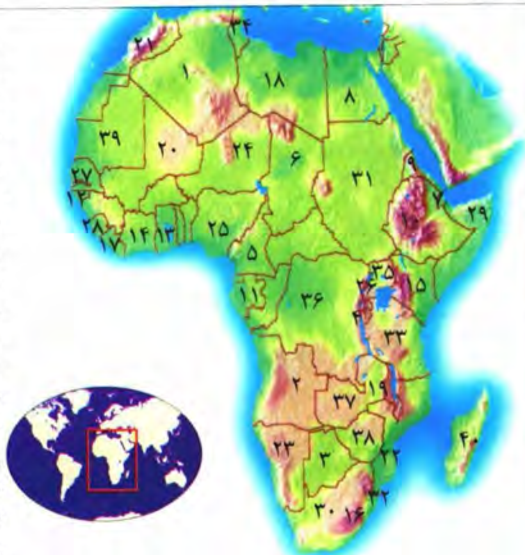
مرزهای بسیاری از کشورهای آفریقای نو همان مرزهایی است که استعمارگران اروپایی در اواخر قرن نوزدهم ایجاد کرده بودند. این مرزها اغلب بدون توجه به گروه‌های قبیله‌ای سنتی به وجود آمده بود، و گاه به دنبال جنگ داخلی میان اقوام داخل یک کشور، کشوری جدید به وجود می‌آمد. این امر در کنگو (مستعمرهٔ سابق بلژیک) و در نیجریه (مستعمرهٔ سابق انگلیس) اتفاق افتاد، در نیجریه کشورِ جداشده خود را بیافرا نامید. در اتیوپی، که هرگز مستعمره نبود، طی انقلابی، شاه هایله سلاسی سرنگون شد. در آنگولا ملی‌گرایان با پرتغالی‌ها، که مایل به دست کشیدن از مستعمرهٔ خود نبودند، جنگیدند. در کشورهای رواندا و بوروندی در آفریقای مرکزی جنگ میان گروه‌های نژادی رقیب، که هریک خواستار سلطه بر کشور بودند، جریان داشت.

در اوگاندا دیکتاتوری بی‌رحم، یعنی عیدی امین، در دههٔ ۱۹۷۰ م آسیایی‌های اوگاندا را اخراج کرد. همچنین در کشورهایی که ساکنان سفیدپوست خواستار ماندن در قدرت بودند، مانند الجزایر، رودزیا (زیمبابوهٔ امروزی) و آفریقای جنوبی، مشکلاتی



فرمانروایان محلی از قبیل این رؤسای قبایل در غنا، در بسیاری از کشورهای آفریقایی حتی پس از استقلال کشورشان همچنان قدرت را در دست داشتند.

سال ۱۹۵۱ م
لیبی نخستین کشور آفریقایی است که استقلال می‌یابد (از ایتالیا).
سال ۱۹۵۲ م
مبارزان مائومائوی کنیایی برای استقلال از انگلیس مبارزه می‌کنند.
سال ۱۹۵۶ م
مراکش و تونس از فرانسه استقلال می‌یابند.
سال ۱۹۵۷ م
غنا نخستین مستعمرهٔ انگلیس است که استقلال می‌یابد.
سال ۱۹۶۰ م
زئیر (کنگوی امروزی) از بلژیک؛ نیجریه و سومالی از انگلیس؛ چاد و مالی از فرانسه استقلال می‌یابند.
سال ۱۹۶۱ م
سیرالئون و تانزانیا از انگلیس مستقل می‌شوند.
سال ۱۹۶۲ م
اوگاندا از انگلیس؛ الجزایر از فرانسه؛ بوروندی و رواندا از بلژیک مستقل می‌شوند.
سال ۱۹۶۳ م
کنیا از انگلیس مستقل می‌شود.
سال ۱۹۶۴ م
مالاوی و زامبیا از انگلیس مستقل می‌شوند.
سال ۱۹۶۵ م
گامبیا مستقل می‌شود، مهاجرنشینان سفیدپوست در رودزیا اعلام استقلال می‌کنند.
سال ۱۹۶۶ م
بوتسوانا و لسوتو از انگلیس مستقل می‌شوند.
سال ۱۹۶۹ م
هنگامی که بیافرا خواستار استقلال از نیجریه می‌شود جنگ درمی‌گیرد.
سال ۱۹۷۵ م
آنگولا و موزامبیک از پرتغال مستقل می‌شوند.
سال ۱۹۷۶ م
جنگ داخلی در آنگولا درمی‌گیرد.
سال ۱۹۷۷ م
جیبوتی از فرانسه مستقل می‌شود.
سال ۱۹۸۰ م
زیمبابوه (رودزیا) حکومتی با اکثریت سیاهپوست دارد.
سال ۱۹۹۳ م
اریتره، که از سال ۱۹۶۲ م بخشی از اتیوپی بود، خود را مستقل اعلام می‌کند.



۱. الجزایر ۱۹۶۲
۲. آنگولا ۱۹۷۵
۳. بوتسوانا ۱۹۶۶
۴. بوروندی ۱۹۶۲
۵. کامرون ۱۹۶۰
۶. چاد ۱۹۶۰
۷. جیبوتی ۱۹۷۷
۸. مصر ۱۹۲۲
۹. اریتره ۱۹۹۳
۱۰. اتیوپی
۱۱. گابُن ۱۹۶۰
۱۲. گامبیا ۱۹۶۵
۱۳. غنا ۱۹۵۷
۱۴. ساحل عاج ۱۹۶۰
۱۵. کنیا ۱۹۶۳
۱۶. لسوتو ۱۹۶۶
۱۷. لیبریا
۱۸. لیبی ۱۹۵۱
۱۹. مالاوی ۱۹۶۴
۲۰. مالی ۱۹۶۰
۲۱. مراکش ۱۹۵۶
۲۲. موزامبیک ۱۹۷۵
۲۳. نامیبیا ۱۹۹۰
۲۴. نیجر ۱۹۶۰
۲۵. نیجریه ۱۹۶۰
۲۶. رواندا ۱۹۶۲
۲۷. سنگال ۱۹۶۰
۲۸. سیرالئون ۱۹۶۱
۲۹. سومالی ۱۹۶۰
۳۰. آفریقای جنوبی ۱۹۳۱
۳۱. سودان ۱۹۵۶
۳۲. سوازیلند ۱۹۶۸
۳۳. تانزانیا ۱۹۶۱
۳۴. تونس ۱۹۵۶
۳۵. اوگاندا ۱۹۶۲
۳۶. زئیر (کنگو) ۱۹۶۰
۳۷. زامبیا ۱۹۶۴
۳۸. زیمبابوه ۱۹۸۰
۳۹. موریتانی ۱۹۶۰
۴۰. ماداگاسکار ۱۹۶۰

این نقشه بسیاری از کشورهای مستقل آفریقایی را همراه با تاریخی که به استقلال رسیده‌اند نشان می‌دهد. فقط اتیوپی و لیبریا هرگز مستعمره نشده‌اند.

بروز کرد. در آفریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۹۰م، حکومتی که فقط متعلق به سفیدپوستان بود، شیوه‌ای معروف به آپارتاید (تبعیض نژادی) را برای خارج نگه داشتن سیاهپوستان از قدرت به کار می‌برد. هنگامی که آپارتاید برچیده شد، انتخابات آزاد برگزار شد و در سال ۱۹۹۴م نلسون ماندلا نخستین رئیس‌جمهور سیاهپوست آفریقای جنوبی شد.



خرابه‌های زیمبابوهٔ بزرگ که نام کشور از آن گرفته شده است. این کشور با نام رودزیا در سال ۱۹۶۵ م از انگلیس مستقل شد اما تا سال ۱۹۸۰ م، که نام خود را به زیمبابوه تغییر داد، استقلالش از سوی سازمان‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته نشد.



قحطی

کشورهای آفریقایی در بسیاری از مواقع که خشکسالی به نواحی کشاورزی ضعیف و محصولات آن صدمه می‌زند دچار قحطی می‌شوند. مردمی که به این مصیبت گرفتار شده‌اند یا باید متکی به کمک دیگران باشند یا به گرسنگی و بیماری دچار شوند.



پرچم الجزایر. الجزایر پس از چند سال مبارزهٔ مسلحانه با فرانسه در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، سرانجام در سال ۱۹۶۲ م استقلال یافت.

مبارزه برای حقوق مدنی

در طول نیمهٔ دوم قرن بیستم میلادی مردم در سراسر جهان برای حقوق مدنی جنگیدند. با بسیاری از مردم به علت نژاد، رنگ پوست، جنسیت یا مذهبشان غیرمنصفانه رفتار می‌شد. به گروهی از مردم حق رأی نمی‌دادند، مانع از تشکیل اتحادیه‌های تجاری آزاد به دست آن‌ها می‌شدند، یا از انتخاب رهبران سیاسی‌ای که می‌خواستند جلوگیری می‌شد.



مارتین لوتر کینگ (سال‌های ۱۹۲۹ـ۱۹۶۸ م) سخنرانی برجسته بود. اعتقاد او به مقاومت بدون خشونت در برابر ظلم، جایزهٔ صلح نوبل را در سال ۱۹۶۴ م نصیب او کرد. مشهورترین سخنرانی او «من رؤیایی دارم» بود. او در سال ۱۹۶۸ م در ممفیس در تنسی به ضرب گلوله کشته شد.

در دههٔ ۱۹۶۰ م نهضت حقوق مدنی در ایالات متحده به راه افتاد. در ایالات جنوبی در مدارس، مشاغل، حمل و نقل، مراقبت‌های بهداشتی و زندگی عمومی بین سیاهپوستان و سفیدپوستان تبعیض قائل می‌شدند. در سال ۱۹۵۵ م، پس از آن‌که رُزا پارکز، سیاهپوست آمریکایی، به علت خودداری از دادن صندلی خود به مردی سفیدپوست در اتوبوسی در آلاباما دستگیر شد، اعتراضات آغاز شد. اعتراضاتِ بدون خشونت با الهام گرفتن از سخنان مارتین لوتر کینگ، رهبر حقوق مدنی سیاهان، برگزار می‌شد.

کینگ در سال ۱۹۶۳ م راهپیمایی‌ای را به سمت واشینگتن دی‌سی رهبری کرد. بیش از ۲۵۰ هزار نفر در آن شرکت کردند، و در سال ۱۹۶۴ م دولت ایالات متحده قانون حقوق مدنی را تصویب کرد، قانونی که تبعیض نژادی را غیرقانونی اعلام کرد.



مارتین لوتر کینگ سخنرانی مشهور «من رؤیایی دارم» خود را در مقابل بنای یادبود لینکلن در واشینگتن دی‌سی در سال ۱۹۶۳ م ایراد کرد. این سخنرانی در زمان راهپیمایی به سمت واشینگتن ایراد شد که در آن دویست هزار نفر برای به دست آوردن شغل و حقوق مدنی مبارزه می‌کردند.

سال ۱۹۵۵ م
رُزا پارکز در آلاباما به علت خودداری از دادن صندلی خود در اتوبوس به یک سفیدپوست دستگیر می‌شود.
سال ۱۹۵۷ م
در ایالات متحده، مارتین لوتر کینگ بسیاری از گروه‌های حقوق مدنی را گرد هم می‌آورد.
سال ۱۹۶۰ م
پلیس آفریقای جنوبی به تظاهرکنندگان ضد آپارتاید در شارپویل تیراندازی می‌کند و ۶۹ نفر را می‌کشد.
سال ۱۹۶۲ م
نلسون ماندلا به دلیل فعالیت‌های سیاسی زندانی می‌شود.
سال ۱۹۶۳ م
مارتین لوتر کینگ به منظور درخواست حقوق مساوی برای همه، راهپیمایی‌ای را به سمت واشینگتن دی‌سی سازماندهی می‌کند.
سال ۱۹۶۴ م
قانون حقوق مدنی برای پایان دادن به همهٔ تبعیض‌ها در زمینهٔ نژاد، رنگ پوست، مذهب یا ملیت در ایالات متحده به تصویب می‌رسد.
سال ۱۹۶۶ م
هواداران آمریکایی تساوی حقوق زنان، سازمان ملیِ زنان را تأسیس می‌کنند.
سال ۱۹۷۱ م
به زنان سوییسی حق رأی داده می‌شود.
سال ۱۹۸۰ م
همبستگی، اتحادیهٔ تجاری مستقل، در لهستان تأسیس می‌شود (که تا سال ۱۹۸۹ م فعالیت آن ممنوع است).
سال ۱۹۸۵ م
ازدواج میان سیاهپوستان و سفیدپوستان در آفریقای جنوبی قانونی می‌شود.
سال ۱۹۸۶ م
درگیری در شهرک‌های سیاهپوست‌نشین در آفریقای جنوبی از سوی تظاهرکنندگان حقوق مدنی.
سال ۱۹۸۹ م
در پکن سربازان حکومت چین تظاهرات دانشجویان برای مردم‌سالاری بیشتر را سرکوب می‌کنند.
سال ۱۹۹۳ م
نلسون ماندلا و اف. دبلیو. د کلرک به دلیل فعالیت برای پایان دادن به آپارتاید برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل می‌شوند.



آپارتاید

آپارتاید به معنی «جدایی» است، و از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۹۰ م روشی در آفریقای جنوبی برای تقسیم کشور به مناطق جداگانه برای سفیدپوستان و سیاهپوستان بود. تعلیم و تربیت، اشتغال، سکونت و مراقبت‌های بهداشتی جداگانه‌ای وجود داشت. بیشتر سفیدپوستان شغل‌های خوب داشتند و در رفاه زندگی می‌کردند؛ سیاهپوستان کارهای سخت انجام می‌دادند و در شهرک‌های سیاهپوست‌نشین شلوغ زندگی می‌کردند.



در کارگاه‌های کشتی‌سازی گدانسک در لهستان سازمان همبستگی ایجاد شد. همبستگی، تحت رهبری لخ والسا، برای مردم‌سالاری بیشتر در لهستان کمونیست مبارزه می‌کرد.

مبارزهٔ مشابهی در آفریقای جنوبی در جریان بود، در آن‌جا سیاست آپارتایدِ (جدا کردن نژادها) حکومتِ اقلیت سفیدپوست ظالمانه و بی‌رحمانه بود. پس از آن‌که ۶۹ تظاهرکنندهٔ آفریقایی در سال ۱۹۶۰ م در شارپویل به ضرب گلوله کشته شدند، مبارزه خشونت‌آمیزتر شد. نلسون ماندلا، رهبر سیاهپوست، از سال ۱۹۶۲ تا سال ۱۹۹۰ م زندانی شد. پس از مبارزه‌ای بین‌المللی و طولانی به منظور اعتراض به آفریقای جنوبی و تحریم آن، در سال ۱۹۹۰ م ماندلا از زندان آزاد شد و آپارتاید پایان یافت.

در کشورهای کمونیستی، مردم خواستار حق تشکیل اتحادیه‌های تجاری آزاد و حق رأی برای انتخاب حکومت دلخواه خود بودند. زنان برای دستمزد و فرصت‌های شغلی برابر مبارزه می‌کردند. قوانین جدید در بعضی کشورها تبعیض جنسی و سنی را در اشتغال ممنوع کردند.



نلسون ماندلا (سال‌های ۱۹۱۸ــ۲۰۱۳ م) در سال ۱۹۶۲ م به دلیل دیدگاه‌های سیاسی‌اش زندانی شد و در سال ۱۹۹۰ م آزاد شد. در آوریل سال ۱۹۹۴ م او برای نخستین بار در نخستین انتخابات آزاد کشور توانست رأی دهد. حزب ماندلا، مجمع ملی آفریقا، پیروز شد و او رئیس‌جمهور شد.

جنگ ویتنام

ویتنام همراه با کامبوج و لائوس بخشی از مستعمرهٔ فرانسوی هندوچین بود. این کشور در جنگ جهانی دوم به اشغال ژاپن درآمد. در طول این دوره، اتحادیهٔ ویت مین به رهبری هو شی مینِ کمونیست استقلال ویتنام را از فرانسه اعلام کرد.



هو شی مین (سال‌های ۱۸۹۲ـ۱۹۶۹م) مبارزهٔ ویتنام برای استقلال از فرانسه را رهبری کرد. او در مقام رئیس‌جمهور ویتنام شمالی از سال ۱۹۵۴م برای ایجاد ویتنامی یکپارچه جنگید، که پس از مرگ او عملی شد.

پس از جنگ، فرانسه حکومت هو شی مین را به رسمیت نشناخت و جنگ میان فرانسوی‌ها و ویتنامی‌ها درگرفت. این جنگ با شکست فرانسوی‌ها در نبرد دین بین فو در سال ۱۹۵۴م پایان یافت. سپس توافقنامه‌ای بین‌المللی ویتنام را به شمال کمونیست و جنوب غیرکمونیست تقسیم کرد.

طولی نکشید که جنگ داخلی درگرفت. از سال ۱۹۵۹م ویتنام شمالی به چریک‌های کمونیست در جنوب، معروف به ویت کونگ، کمک می‌کرد. ایالات متحده که نگران گسترش کمونیسم بود، کمک‌های نظامی به ویتنام جنوبی می‌فرستاد. با وجود این، نبرد با شیوه‌های چریکی ویت کونگ‌ها دشوار بود. هواپیماهای ایالات متحده در تلاشی برای قطع خطوط تدارکاتی، ویتنام شمالی را بمباران کردند. برای از میان بردن هر گونه پوشش گیاهی که ممکن بود پایگاه‌های ویت کونگ‌ها را مخفی کرده باشد، نواحی وسیعی از جنگل‌ها با مواد شیمیایی بمباران شد.

حملهٔ تِت از سوی ویت کونگ‌ها در جنوب، در سال ۱۹۶۸م بیشتر آمریکایی‌ها



بخش عمده‌ای از ویتنام پوشیده از جنگل‌های بارانی انبوه است که مخفی شدن را برای نیروهای ویت کونگ آسان می‌کرد. هواپیماهای ایالات متحده در تلاش برای نابود کردن پوشش گیاهی و کاهش دادن تعداد مکان‌هایی که ویت کونگ‌ها بتوانند در آن‌ها پنهان شوند، هزاران تن مواد نابودکنندهٔ گیاهان از قبیل پرتقال شیمیایی فروریختند.

سال ۱۹۴۶م
آغاز جنگ میان ملی‌گرایان ویتنامی هو شی مین و نیروهای استعمارگر فرانسوی.
سال ۱۹۵۴م
کمونیست‌های ویتنامی فرانسوی‌ها را در دین بین فو شکست می‌دهند. کشور به دو بخش ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی تقسیم می‌شود.
سال ۱۹۶۱م
ویتنام جنوبی برای نبرد با چریک‌های ویت کونگ کمونیست، از ایالات متحده درخواست مشاورهٔ نظامی می‌کند.
سال ۱۹۶۴م
آغاز جنگ میان ویتنام شمالی (به پشتیبانی شوروی) و ویتنام جنوبی (به پشتیبانی ایالات متحده).
سال ۱۹۶۵م
ایالات متحده به ویتنام جنوبی نیروی نظامی می‌فرستد.
سال ۱۹۶۶م
سربازان استرالیایی برای جنگ در کنار سربازان آمریکایی وارد ویتنام می‌شوند. نخستین تظاهرات ضدجنگ در ایالات متحده برپا می‌شود.
سال ۱۹۶۸م
نیروهای ویتنام شمالی و ویت کونگ‌ها دست به حمله‌ای معروف با نام «حملهٔ تت» بر ضد جنوب می‌زنند.
سال ۱۹۶۹م
ایالات متحده ۲۵ هزار نفر از ۵۴۰ هزار سرباز خود را بیرون می‌کشد. جنگ ــ و اعتراضات ضدجنگ ــ ادامه می‌یابد.
سال ۱۹۷۱م
جنگ به لائوس کشیده می‌شود.
سال ۱۹۷۳م
آتش‌بس. نیروهای ایالات متحده عقب‌نشینی می‌کنند. ویتنامی‌ها جنگ را ادامه می‌دهند.
سال ۱۹۷۵م
کمونیست‌ها بر ویتنام جنوبی سلطه می‌یابند.
سال ۱۹۷۶م
ویتنام تحت حکومتی کمونیستی دوباره وحدت می‌یابد.



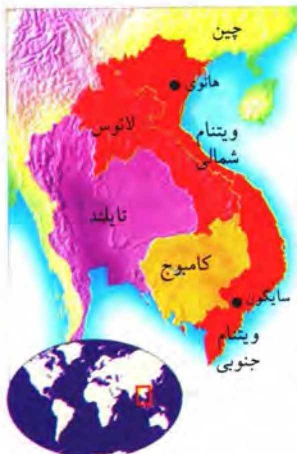
تانک آمریکایی خراب‌شده که در ویتنام رها شده است. در جنگ ویتنام سربازانی از ایالات متحده، کرهٔ شمالی و جنوبی، تایلند، استرالیا، نیوزیلند، چین و فیلیپین درگیر بودند.



تظاهرات ضدجنگ

جنگ ویتنام نخستین جنگی بود که به طور گسترده در تلویزیون به آن پرداخته می‌شد. مردم رویدادهای جنگ را از تلویزیون می‌دیدند. با زخمی یا کشته شدن تعداد زیادی از سربازان آمریکایی، مردم آمریکا در اعتراض به خیابان‌ها می‌آمدند. در سال ۱۹۶۷ م تظاهرات به خارج از ایالات متحده کشیده شد. شدت احساسات ضدجنگ باعث شد تا رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون به کنار کشیدن از جنگ ترغیب شود.

را متقاعد کرد که نمی‌توانند در جنگ پیروز شوند. در سال ۱۹۶۹ م ایالات متحده شروع به خارج کردن نیروهایش کرد و در سال ۱۹۷۳ م در مورد آتش‌بس توافق کردند. جنگ تا سال ۱۹۷۵ م ادامه یافت، و در این هنگام نیروهای ویتنام شمالی جنوب را تصرف کردند و ویتنام به صورت یکپارچه درآمد.



بیشتر جنگ در جنگل‌های ویتنام جنوبی درگرفت. خط هو شی مین، خط تدارکاتی ویت کونگ‌ها از شمال بود. این خط از چین با گذر از میان لائوس تا ویتنام جنوبی امتداد داشت.

بیشتر ویتنامی‌ها از راه کشاورزی زندگی می‌کردند و اغلب در کشتزارهای اطراف روستاهایشان برنج کشت می‌کردند. هنگامی که محصولات کشاورزی و روستاها در جنگ از میان رفتند، بسیاری از مردم دچار رنج و سختی شدند.



قدرت نوظهور چین

هنگامی که کمونیست‌ها به رهبری مائو تسه‌تونگ در چین به قدرت رسیدند، شروع به نوسازی کشور کردند. هدف آن‌ها فراهم کردن غذا، مدرسه، بیمارستان و کار برای میلیون‌ها چینی بود. این برنامه‌ها در دههٔ ۱۹۶۰ م با «انقلاب فرهنگی» مائو از مسیر اصلی دور شد. رهبران بعدی کمتر افراط گرا (تندرو) بودند، اما از دادن آزادی یا حق انتخاب بیشتر به مردم خودداری می‌کردند.



دنگ شیائوپینگ (سال‌های ۱۹۰۴_۱۹۹۵ م) از سال ۱۹۷۷ م تا زمان مرگش بر چین فرمانروایی کرد. او روابط با جهان خارج را دوباره از سر گرفت و با تأسیس کارخانه‌هایی با مالکیت خصوصی، از رشد اقتصاد چین حمایت کرد.

کمونیست‌ها به زنان حقوق برابر با مردان دادند و زمین‌ها را میان دهقانان تقسیم کردند. آن‌ها جاده، راه‌آهن، کارخانه و نیروگاه‌هایی ساختند. در «پیش به سوی جهش بزرگ» قرار شد که هر روستا خودکفا باشد، غذای خود را کشت کند و لباس و ابزار را در کارگاه‌های کوچک تولید کند. ولی این روش‌ها به شکست انجامید، و پس از چند برداشت بد محصول و گرسنگی فراگیر، مائو از این برنامه دست کشید.

مائو در سال ۱۹۶۶م به قدرت بازگشت، و برای حفظ روحیهٔ انقلابی چین تلاش کرد. او با هدف برانداختن چین قدیم، انقلاب فرهنگی را به پیش برد. همهٔ پیروان جوان او کتاب سرخ کوچک او را برای الهام گرفتن به همراه داشتند. رسوم و اندیشه‌های سنتی ممنوع شد. به خارجی‌ها و قدیمی‌ها توهین



کتاب سرخ کوچک حاوی «اندیشه‌های صدر مائو» بود که بسیاری از شهروندان چینی در طول اغتشاش انقلاب فرهنگی در چین آن را به همراه داشتند.



مائو برای اولین بار در سال ۱۹۴۹ م به قدرت رسید. جنگ داخلی باعث شد کشور دچار نابسامانی‌های مالی شود. اصلاحات اولیهٔ مائو، که برنامهٔ پنج‌ساله نام دارد، به پیشرفت اقتصاد چین کمک کرد.



سال ۱۹۴۹ م
حزب کمونیست مائو تسه‌تونگ در چین قدرت را به دست می‌گیرد.

سال ۱۹۵۳ م
در برنامهٔ پنج‌ساله دهقانان به ایجاد مزارع اشتراکی (تعاونی) تشویق می‌شوند.

سال‌های ۱۹۵۸_۱۹۶۰ م
پیش به سوی جهش بزرگ. هنگامی که شیوه‌های این برنامه منجر به قحطی فراگیر می‌شود، این برنامه کنار گذاشته می‌شود.

سال ۱۹۵۹ م
مائو تسه‌تونگ با سِمَت رئیس حزب کمونیست چین بازنشسته می‌شود.

سال ۱۹۶۶ م
مائو از قدرت کنار می‌کشد و انقلاب فرهنگی را آغاز می‌کند. در سال ۱۹۶۸ م تولید کارخانه‌ها ۱۲ درصد پایین‌تر از تولید در سال ۱۹۶۶ م است.

سال ۱۹۷۳ م
رقابت میان حامیان مائو، معروف به «گروه چهارنفره»، افزایش می‌یابد، و دنگ شیائوپینگ بالاتر از کسانی است که جانشین مائو خواهند شد.

سال ۱۹۷۴ م
چین نخستین سلاح‌های هسته‌ای خود را آزمایش می‌کند.

سال ۱۹۷۶ م
درگذشت مائو. گروه چهارنفره که خواهان ادامهٔ انقلاب فرهنگی هستند، مدت کوتاهی جانشین او می‌شوند.

سال ۱۹۷۷ م
دنگ شیائوپینگ به قدرت می‌رسد. او از ایالات متحده دیدار می‌کند.

سال ۱۹۸۹ م
دانشجویان هوادار مردم‌سالاری در میدان تیانانمن تظاهرات می‌کنند.

سال ۱۹۹۵ م
درگذشت دنگ شیائوپینگ. رهبر بعدی چین جیانگ زِمین (تا سال ۲۰۰۲ م) اقتصاد چین را نوسازی می‌کند.



میدان تیانانمن در پکن محل تظاهرات هواداران مردم‌سالاری در مه سال ۱۹۸۹ م بود. حکومت چین سربازان و تانک‌ها را برای متفرق کردن تظاهرکنندگان فرستاد و افراد زیادی کشته شدند.

می‌شد. استادان دانشگاه‌ها و آموزگاران از کار خود برکنار و برای کار به مزارع فرستاده شدند. بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها، که بدون پزشک و مدیر رها شده بودند، تعطیل شدند.

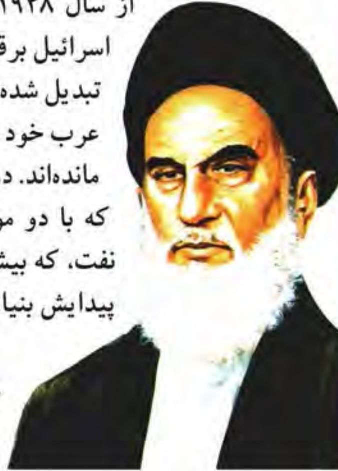
در سال ۱۹۷۶ م که مائو درگذشت، انقلاب او هم پایان یافت. جانشین او دنگ شیائوپینگ بود که روابط تجاری با دنیای خارج را دوباره برقرار کرد و برای رونق تجارت در چین از آن حمایت کرد. این سیاست در زمان رهبر بعدی، جیانگ زِمین، ادامه یافت. چین دوباره شروع به پیشرفت کرد، اما حکومَت تمایلی به دادن آزادی‌های سیاسی نداشت و به حقوق بشر زیاد توجه نمی‌کرد. اعتراضات دانشجویی در سال ۱۹۸۹ م بی‌رحمانه سرکوب شد.



در طول انقلاب فرهنگی، مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شدند و آموزگاران و دانش‌آموزان مجبور به کار روی زمین‌ها شدند. نگهبانان سرخ مخالفان را بی‌رحمانه سرکوب می‌کردند.

خاورمیانه در بحران

از سال ۱۹۴۸م که صلحی شکننده پس از جنگ اعراب و اسرائیل برقرار شد، خاورمیانه به کانون ناآرامی‌های جهان تبدیل شده است. اسرائیل در سه جنگ دیگر با همسایگان عرب خود درگیر شده است، و فلسطینیان بدون وطن باقی مانده‌اند. در این درگیری‌ها، تروریسم سلاحی هولناک شد که با دو موضوع دیگر پیوند خورد: تشنگی جهان برای نفت، که بیشتر از کشورهای خاورمیانه به دست می‌آمد، و پیدایش بنیادگراییِ اسلامی.



امام خمینی (ره) (سال‌های ۱۹۰۰_۱۹۸۹م) رهبر مذهبی انقلاب ایران بود. او در سال ۱۹۷۹ م پس از آن‌که شاه ایران سرنگون شد، رهبر ایران شد و حکومت ایران از شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر کرد.

در طول دههٔ ۱۹۵۰ م، هنگامی که یهودیان از اروپا، روسیه و ایالات متحده مهاجرت کردند، جمعیت سرزمین‌های اشغالی افزایش یافت. اعراب فلسطینی که مجبور به اسکان در مناطق جداگانه‌ای در سرزمین‌های اشغالی شدند، شروع به مبارزه برای ایجاد کشور مستقلی برای خود کردند.

جنگ‌هایی در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ م درگرفت. نخستین جنگ زمانی آغاز شد که مصر کنترل آبراه سوئز را به دست گرفت. انگلیس و فرانسه به مصر حمله کردند، اما بعد عقب‌نشینی کردند. اسرائیل نیز به مصر حمله کرد. در جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷ م اسرائیل بر بیت‌المقدس و کرانهٔ غربی رود اردن سلطه یافت. اسرائیل حمله‌های مصر و سوریه در جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ م را دفع کرد.



رژیم اشغالگر قدس برای محافظت از خود در برابر حمله‌های مبارزان فلسطینی، دیوار بتنی بزرگی میان سرزمین‌های اشغالی و سرزمین‌های فلسطینی‌نشین ساخته است.

سال ۱۹۵۶ م
مصر ادارهٔ آبراه سوئز را به دست می‌گیرد.
سال ۱۹۶۴ م
سازمان آزادی‌بخش فلسطین تشکیل می‌شود.
سال ۱۹۶۷ م
جنگ شش‌روزهٔ اسرائیل با مصر، اردن و سوریه به پیروزی اسرائیل می‌انجامد.
سال ۱۹۷۳ م
جنگ رمضان. اسرائیل با مصر و سوریه می‌جنگد.
سال ۱۹۷۶ م
جنگ در لبنان درمی‌گیرد.
سال ۱۹۷۹ م
عهدنامهٔ صلح میان اسرائیل و مصر. شاه ایران سرنگون می‌شود و حکومت جمهوری اسلامی برقرار می‌شود.
سال‌های ۱۹۸۰_۱۹۸۸ م
جنگ ایران و عراق.
سال ۱۹۸۲ م
اسرائیل به لبنان حمله می‌کند.
سال ۱۹۸۷ م
جنگ میان فلسطینی‌ها و سربازان رژیم اشغالگر قدس در کرانهٔ غربی و باریکهٔ غزه.
سال‌های ۱۹۹۰_۱۹۹۱ م
در جنگ خلیج، عراق به کویت حمله می‌کند، اما نیروهای سازمان ملل متحد عراق را عقب می‌رانند.
سال ۱۹۹۳ م
رهبران رژیم اشغالگر قدس و فلسطین گفتگوهایی در ایالات متحده انجام می‌دهند.
سال ۱۹۹۴ م
اسرائیل و اردن توافقنامهٔ صلح امضا می‌کنند.
سال ۱۹۹۵ م
رژیم اشغالگر قدس توافقنامه‌ای برای دادن خودگردانی به فلسطینی‌ها امضا می‌کند.
سال ۲۰۰۳ م
حکومت صدام حسین طی جنگ کوتاهی در عراق سرنگون می‌شود.
سال ۲۰۰۶ م
صدام حسین به جرم جنایات ضد بشری اعدام می‌شود.

علاوه بر این، اسرائیل در جنگ داخلی در لبنان درگیر شد، در آن‌جا بسیاری از فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های پناهندگان زندگی می‌کردند. در دههٔ ۱۹۹۰ م اسرائیل با مصر، اردن و سوریه توافقنامه‌های صلح امضا کرد، و به فلسطینی‌ها خودگردانی محدودی داده شد. با وجود این، مبارزان فلسطینی به مخالفت و مبارزه با ایجاد شهرک‌های جدید در سرزمین‌های اشغالی و اساس موجودیت اسرائیل ادامه دادند.

صدام حسین (تصویر روی اسکناس عراقی) از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۳ م بر عراقِ سرشار از نفت حکومت می‌کرد. در سال ۲۰۰۶ م دادگاه ویژهٔ عراق او را محاکمه و به اعدام محکوم کرد. او در ۳۰ دسامبر سال ۲۰۰۶ م اعدام شد.



در سال ۱۹۷۹ م شاه ایران سرنگون شد و حکومت اسلامی زمام امور را به دست گرفت. ایران در سال ۱۹۸۰ م به جنگ با عراق کشیده شد. پس از هشت سال این جنگ پرهزینه به پایان رسید. در سال ۱۹۹۰ م عراق به همسایهٔ کوچک خود، کویت، حمله کرد، اما در این جنگ کوتاه، که به جنگ خلیج معروف شد، از نیروهای ائتلافی سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده شکست خورد. سرانجام در سال ۲۰۰۳ م، هنگامی که نیروهای تحت رهبری ایالات متحده به عراق حمله کردند، صدام حسین از حکومت عراق برکنار شد.

ایالات متحده همواره کوشیده است در مسائل خاورمیانه دخالت کند و بسیاری از اعراب آمریکا را متحد رژیم صهیونیستی می‌دانند. در سال ۱۹۹۳ م رئیس‌جمهور بیل کلینتون (وسط) از میانجی‌گری میان اسحاق رابین (چپ)، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، و یاسر عرفات، رهبر فلسطینی‌ها، برای برقراری حکومت خودگردان فلسطین استقبال کرد. رابین در سال ۱۹۹۵ م کشته شد.



صنعت آسیا

پس از جنگ جهانی دوم، آسیا بهبود اقتصادی چشمگیری یافت. با بهتر شدن سطح زندگی و افزایش کارخانه‌های جدید، ژاپن، سنگاپور، کرهٔ جنوبی، مالزی و تایوان تبدیل به «اقتصادهای پرتوان» شدند. کالاهایی که این کشورها تولید می‌کنند در سراسر جهان فروخته می‌شود.



توکیو مرکز تجارت جهانی ژاپن است. این شهر با بندر یوکوهاما و ناحیهٔ صنعتی کاواساکی یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان است.

ژاپن که کارخانه‌هایش در طول جنگ جهانی دوم از سوی متفقین بمباران شده بود، در سراسر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ م از کمک‌های ایالات متحده استفاده می‌کرد. کارخانه‌های جدید با جدیدترین ماشین‌ها شروع به تولید اتومبیل، رادیو، تجهیزات اداری و لوازم خانگی کردند. در دههٔ ۱۹۸۰ م کارخانه‌ها استفاده از روبات‌های خودکار را برای ساخت کالاهای برقی و دیگر کالاها از جمله تلویزیون و کامپیوتر آغاز کردند، و ژاپن بزرگ‌ترین سازندهٔ اتومبیل و کامیون شد.

ژاپن، بجز در تجارت، تمایلی به ایفای نقشی بزرگ در امور جهانی نداشت. ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم از نیروهای نظامی بزرگ خود دست کشید و هیچ سرباز ژاپنی در هیچ منازعه‌ای پس از جنگ، از قبیل جنگ‌های کره و ویتنام، شرکت نکرد. کرهٔ جنوبی از جنگ با همسایهٔ کمونیست خود، کرهٔ شمالی، سر برآورد تا مانند ژاپن تغییری اساسی در اقتصاد خود بدهد. کرهٔ جنوبی همچنین نیروی کار آموزش‌دیده و سازمان‌یافته داشت، و در زمینهٔ ماشین‌آلات و کامپیوترهای جدید سرمایه‌گذاری کرد. کرهٔ شمالی، با داشتن حکومتی کمونیستی، از نظر ثروت با کرهٔ جنوبی بسیار فاصله دارد.

در دههٔ ۱۹۸۰ م روبات‌های خودکار برای ساختن اتومبیل و کامپیوتر به طور گسترده در ژاپن به کار گرفته شدند. ژاپنی‌ها در زمرهٔ نخستین کسانی بودند که شیوه‌های جدید سوار کردن قطعات را به کار بردند.



سال ۱۹۴۹ م
ملی‌گرایان چینی در جزیرهٔ تایوان حکومت جمهوری تأسیس می‌کنند که هرچند سازمان ملل متحد آن را به رسمیت نشناخته است، اقتصاد پررونقی ایجاد می‌کند.

سال ۱۹۵۳ م
جنگ کره پایان می‌گیرد. کرهٔ جنوبی در صنعت به‌سرعت پیشرفت می‌کند.

دههٔ ۱۹۶۰ م
ژاپن فروش اتومبیل را در بازار جهانی آغاز می‌کند.

دههٔ ۱۹۷۰ م
تایوان شروع به ایجاد صنایعی با فناوری عالی می‌کند.

سال ۱۹۷۵ م
جنگ ویتنام پایان می‌گیرد. ویتنام از انزوا خارج می‌شود تا به کشوری فعال در زمینهٔ تجارت تبدیل شود. ژاپن نخستین دستگاه ویدئوی خانگی را به بازار وارد می‌کند.

سال ۱۹۷۶ م
از این تاریخ، ژاپن دارای موازنهٔ مازاد تجاری است به این معنی که صادرات آن ارزشمندتر از واردات آن است.

سال ۱۹۷۹ م
ویتنام و چین در جنگی کوتاه درگیر می‌شوند. شرکت‌های هلندی و ژاپنی به طور مشترک لوح‌های فشرده تولید می‌کنند.

دههٔ ۱۹۸۰ م
ژاپن در ساخت وسایل نقلیهٔ موتوری رهبری جهانی می‌شود.

سال ۱۹۹۵ م
در این تاریخ، بیش از نیمی از تولید صنعتی چین از کسب و کارهای خصوصی است.

سال ۱۹۹۷ م
انگلیس هنگ‌کنگ را به چین بازمی‌گرداند.



در هند بسیاری از زنان و کودکان برای تولید کفش و لباس صادراتی به کار گرفته می‌شوند.

سنگاپور و هنگ‌کنگ، که هر دو کشورهای کم‌وسعتی‌اند، از راه تجارت و بانکداری ثروتمند شدند. هنگ‌کنگ تا سال ۱۹۹۷م تحت سلطهٔ حکومت انگلیس بود و در این زمان طبق توافقنامه‌ای به چین بازگردانده شد. موقعیت خاص تجاری هنگ‌کنگ همچنان حفظ شد، و چین در دههٔ ۱۹۹۰م محدودیت‌هایش در زمینهٔ کار و کسب خصوصی را کاهش داد. ویتنام نیز به اقتصاد «بازار آزاد» روی آورد. هند، مالزی، اندونزی و فیلیپین از طریق صنایعی پیشرفت کرده‌اند که در آن‌ها افراد زیادی برای ساخت کفش و لباس یا سوار کردن قطعات تجهیزات برقی برای صادر کردن، دستمزدهای پایینی می‌گیرند. هند، که هنوز عمدتاً کشوری زراعتی است، از سال ۱۹۵۰م تولید صنعتی خود را بیش از شش برابر افزایش داده است. صنایع پوشاک و پارچه بزرگ‌ترین کارفرمایان هند هستند.

هنگ‌کنگ که به معنی «بندر خوب» است، مرکزی عمده برای بانکداری، سرمایه‌گذاری و صنعت در چین است.



پایان جنگ سرد

از دههٔ ۱۹۷۰م تلاش‌هایی صورت گرفت تا خطر جنگ سرد را که دورانی از بدگمانی، جاسوسی و ابرموشک‌ها بود مهار کنند. ایالات متحده و اتحاد شوروی دریافتند که در بعضی امور، مانند کوتاه کردن فهرست سلاح‌های خود، می‌توانند توافق کنند، و توافقنامه‌هایی امضا کردند. رهبر شوروی تحت فشار زیادی قرار داشت؛ امپراتوری کمونیستی او ترک برداشته بود.



دیوار برلین در سال ۱۹۸۹م ویران شد. این دیوار از سال ۱۹۶۱م شهر برلین را به دو بخش تقسیم کرده بود. مردم تکه‌هایی از آن را برای یادگاری برداشتند. چند قطعه برای یادآوری شهری که زمانی تقسیم شده بود، برپا مانده است.

در سال ۱۹۷۲م ایالات متحده و شوروی توافقنامهٔ سالت اول (خلع سلاح موشکی) را امضا کردند. در سال ۱۹۸۰م روس‌ها در جنگی طولانی و پرهزینه در افغانستان درگیر شدند، و اقتصاد آن‌ها دچار مشکل شد. در سال ۱۹۸۵م میخائیل گورباچف، رهبر جدید شوروی، شروع به اصلاحات سیاسی و اقتصادی کرد. او همچنین درصدد دوستی با غرب برآمد. رونالد ریگان، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در سال ۱۹۸۰م بر اساس موضعی ضدکمونیستی انتخاب شد. او حاضر بود تا میلیاردها دلار روی یک سپر موشکی دفاعی در فضا خرج کند. ولی در سال ۱۹۸۷م ریگان و متحد انگلیسی‌اش مارگارت تاچر توافقنامهٔ مهمی با شوروی برای ممنوعیت کاربرد موشک‌های هسته‌ای میان‌برد امضا کردند.

اصلاحات گورباچف در اتحاد شوروی منجر به درخواست‌هایی برای انتخابات آزاد

سال ۱۹۶۷ م
ایالات متحده، انگلیس و اتحاد شوروی پیمان‌هایی برای ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در بیرون از مرزهای خود امضا می‌کنند.

سال ۱۹۶۹ م
لیندون بی. جانسون، رئیس‌جمهور ایالات متحده، گفتگوهای محدودسازی سلاح‌های راهبردی (سالت) را آغاز می‌کند.

سال ۱۹۷۲ م
توافقنامهٔ سالت اول را ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور ایالات متحده، و لئونید برژنف، رهبر شوروی، امضا می‌کنند.

سال ۱۹۷۹ م
پیمان سالت دو را کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده، و برژنف امضا می‌کنند. نیروهای شوروی به افغانستان حمله می‌کنند. مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس می‌شود.

سال ۱۹۸۱ م
رونالد ریگان رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌شود. او هزینه‌های نظامی را افزایش می‌دهد.

سال ۱۹۸۵ م
میخائیل گورباچف در اتحاد شوروی به قدرت می‌رسد و اصلاحات را آغاز می‌کند.

سال ۱۹۸۹ م
انتخابات آزاد در لهستان برگزار می‌شود. کمونیسم در مجارستان، آلمان شرقی، چکسلواکی و رومانی سقوط می‌کند.

سال ۱۹۹۰ م
آلمان شرقی و غربی دوباره به صورت واحد درمی‌آیند. انتخابات آزاد در بلغارستان برگزار می‌شود.

سال ۱۹۹۱ م
حکومتی چندحزبی در آلبانی برقرار می‌شود. اتحاد شوروی برچیده می‌شود و جای خود را به پانزده کشور مستقل می‌دهد.



پس از فروپاشی اتحاد شوروی بسیاری از نمادهای کمونیستی را از بین بردند. مجسمه‌های رهبران سابق مانند لنین پایین کشیده شد و از آن به جای فلز اوراقی استفاده کردند. کمونیست‌ها در سال ۱۹۱۷ م با نمادهای حکومت تزارها به همین صورت رفتار کرده بودند.

در اروپای شرقی شد. در پایان سال ۱۹۸۹ م کمونیسم در لهستان، مجارستان، آلمان شرقی، چکسلواکی و رومانی سقوط کرده بود. در سال ۱۹۹۰ م آلمان شرقی و غربی دوباره به صورت واحد درآمد و انتخابات آزاد در بلغارستان برگزار شد. در اوت سال ۱۹۹۱ م کودتایی ناموفق منجر به سقوط دولت گورباچف شد. بوریس یلتسین، رئیس‌جمهور روسیه، تا سال ۱۹۹۹ م زمام امور را به دست گرفت و در این زمان ولادیمیر پوتین جانشین او شد. با استقلال یافتن جمهوری‌های شوروی از روسیه، اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید. در بعضی موارد، ادعای استقلال، از جمله در چچن، به دست حکومت روسیه که ارتش را برای سرکوب هرگونه قیام فرستاده بود، با خشونت سرکوب شد. با فروپاشی اتحاد شوروی، جنگ سرد به پایان رسید؛ فقط یک ابرقدرت در جهان باقی ماند که آن هم ایالات متحدهٔ آمریکا بود.



نخستین غذاخوری مکدونالد در مسکو. گورباچف درهای روسیه را به روی شرکت‌ها و مؤسسات غربی باز کرد. خیلی زود صف‌های طولانی برای غذای حاضری غربی [فست‌فود] تشکیل شد.

پراگ، پایتخت چک، در سال ۱۹۸۹ م صحنهٔ تظاهراتی بزرگ بود. در سراسر آن سال مردم سراسر اروپای شرقی خواستار حکومت‌های مردم‌سالار و پایان سرکوب شدند.

جهان واحد

قرن بیستم میلادی به دلیل انتشار سریع اطلاعات در اطراف جهان، تغییراتی شگفت‌انگیز ایجاد کرد. کشورها در گروه‌های جدید، و بعضی با مجلس‌ها و قوانین خود، گردهم آمدند؛ مانند اتحادیهٔ اروپا. شرکت‌های چندملیتی، که در بسیاری از کشورها به کار و کسب می‌پرداختند، از همهٔ کشورها، بجز چند کشور، ثروتمندتر شدند.



سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ م، پس از جنگ جهانی دوم، شروع به فعالیت کرد. هدف این سازمان، که پس از ناموفق بودن جامعهٔ ملل ادارهٔ امور را به عهده گرفت، حفظ صلح جهانی و حل مشکلات بین‌المللی بیشتر از راه همکاری به جای جنگ بود. این هدف در نماد این سازمان منعکس شده است که نقشهٔ جهان را احاطه‌شده با شاخه‌های درخت زیتون نشان می‌دهد.

این دگرگونی‌ها مردم را در مورد رویدادهای جهانی آگاه‌تر کرده‌اند. آن‌ها احساس می‌کنند فقط شهروندان یک کشور نیستند بلکه شهروندان یک سیاره‌اند؛ سیاره‌ای با منابع محدود. شیوه‌های بومی زندگی به‌سرعت در حال از میان رفتن است و جای خود را به «تک‌فرهنگی» داده است. در بسیاری از کشورها مردم به جای لباس‌های سنتی لباس‌های سبک غربی می‌پوشند، همان غذاهای حاضری را می‌خورند، و همان برنامه‌های تلویزیونی را می‌بینند که با ماهواره یا کابل‌های زیرزمینی برای آن‌ها پخش می‌شود.

ثروت جهان به طور مساوی توزیع نمی‌شود. بسیاری از مردم گرسنه‌اند و آب آشامیدنی ندارند. کشورهای ثروتمند برای تأمین رفاه هرچه بیشتر زندگی خود سهم بسیار زیادی از منابع کرهٔ زمین را مصرف می‌کنند.

بازیافت به حفظ منابع کرهٔ زمین کمک می‌کند. از کاغذ، شیشه، فلز و بعضی پلاستیک‌ها می‌توان بارها استفاده کرد. زبالهٔ بسیار زیادی در کوره‌های زباله‌سوزی سوزانده می‌شود یا در مکان‌های دفن زباله دفن می‌شود.



سال ۱۹۶۲ م
بهار خاموش اثر ریچل کارسون در مورد خطرهای آلودگی به مردم هشدار می‌دهد.
سال ۱۹۷۱ م
صلح سبز، سازمان بین‌المللی علاقه‌مند به حفظ محیط زیست، تأسیس می‌شود.
سال ۱۹۷۲ م
هنگامی که ایالات متحده دِدِت، نوعی آفت‌کش قوی، را ممنوع می‌کند، نگرانی دولت‌ها در مورد محیط زیست آغاز می‌شود.
سال ۱۹۷۶ م
دانشمندان ایالات متحده در مورد آسیب به لایهٔ اوزون در جو ابراز نگرانی می‌کنند.
سال ۱۹۸۵ م
در نیوزیلند مأموران فرانسوی صلح سبز کشتی جنگجوی رنگین‌کمان را، که در حال اعتراض به آزمایش هسته‌ای در اقیانوس آرام است، منفجر می‌کنند. کنسرت‌های «کمک به زندگی» در انگلیس و ایالات متحدهٔ آمریکا برای قربانیان قحطی اتیوپی پول فراهم می‌کنند.
سال ۱۹۸۶ م
انفجار و آتش‌سوزی در نیروگاهی در چرنوبیل در اوکراین (که در آن زمان بخشی از اتحاد شوروی بود) مقادیر زیادی رادیواکتیویته را آزاد می‌کند.
سال ۱۹۸۷ م
دانشمندان در بالای جنوبگان در لایهٔ اوزون حفره‌ای کشف می‌کنند.
سال ۱۹۹۲ م
همهٔ کشورها نمایندگانی به اولین اجلاس سران کرهٔ زمین که سازمان ملل متحد در ریو دو ژانیرو در برزیل برگزار کرده است می‌فرستند تا دربارهٔ آیندهٔ سیارهٔ زمین گفتگو کنند.
سال ۱۹۹۸ م
اجلاس سران محیط زیست سازمان ملل متحد در کیوتوی ژاپن، کاهش پنج درصدی انتشار گاز دی‌اکسید کربن تا سال ۲۰۱۲ م را هدف خود تعیین می‌کند. ۱۷۸ کشور (بجز ایالات متحده) موافقت می‌کنند.
سال ۲۰۰۰ م
۱۲۲ دولت برای توقف استفاده از برخی مواد شیمیایی خطرناک در رنگ‌ها و آفت‌کش‌ها توافق می‌کنند.



سوزاندن سوخت‌های فسیلی باعث آزاد شدن دی‌اکسید کربن در جو می‌شود و این گاز در جو در آب باران حل می‌شود و باران اسیدی ایجاد می‌کند که منجر به نابودی درختان و ماهی‌ها می‌شود.



قحطی در آفریقا
نمایش تصاویر مردم گرسنهٔ آفریقا از تلویزیون بارها جهان را تکان داده است. دادن پول به مؤسسات خیریه برای کمک به تهیهٔ غذا و دارو مشکل را در کوتاه‌مدت حل می‌کند. ولی برنامه‌های بلندمدت برای جلوگیری از قحطی‌های آینده ضروری است.

در طول دههٔ ۱۹۷۰م گروه‌های فشار از قبیل صلح سبز، شروع به مبارزه در زمینهٔ موضوعات زیست‌محیطی کردند. برای حفظ منابع برای نسل‌های آینده کارهای زیادی می‌توان انجام داد، از قبیل توقف انباشتن ضایعات هسته‌ای، محافظت از حیات وحش در معرض خطر، حفظ جنگل‌های بارانی حاره‌ای باقیمانده، و روی آوردن به منابع انرژی جایگزین (مانند نیروی باد، موج و انرژی خورشیدی) پیش از آن‌که تمام سوخت‌های فسیلی (زغال‌سنگ، نفت و گاز) کرهٔ زمین را بسوزانیم.

حکومت‌ها در کنفرانس‌های بین‌المللی گردهم می‌آیند تا به بررسی مسائل زیست‌محیطی بپردازند و اهدافی را مشخص کنند، اما در نهایت همه چیز به خود ما بستگی دارد و ما مسئول حفظ آنیم.

جنگ با تروریسم

رویدادهای ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م چشم‌انداز سیاسی را تغییر داد. ایالات متحده برای جنگ با تروریسم و اقدامات بازدارنده در برابر آن، جنگ با برخی کشورها از جمله افغانستان و عراق را آغاز کرد.



برج‌های مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک در حمله‌های تروریستی هولناک سال ۲۰۰۱م فروریختند.

آن‌ها افغانستان را در زمان حکومت طالبان مخفیگاه اسامه بن لادن، رئیس سازمان تروریستی القاعده، می‌دانستند؛ این سازمان حمله‌هایی به شهر نیویورک و واشینگتن دی‌سی طراحی و اجرا کرده بود. نیروهای آمریکایی با همراهی برخی کشورهای غربی به افغانستان حمله و حکومت طالبان را سرنگون کردند.

هدف بعدی عراق بود که جورج دبلیو. بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به سبب همکاری عراق با تروریست‌ها و داشتن سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های زیست‌شناختی و شیمیایی، به آن‌جا حمله کرد. بسیاری از مردم و از جمله سازمان ملل متحد، با این اقدام مخالف بودند. سازمان ملل متحد به گفتگو و توافق پیش از هر گونه عملی بر ضد یک کشور تأکید دارد. این سازمان بازرسان سلاح را به عراق فرستاد تا به جستجوی هر گونه سلاح کشتار جمعی بپردازند. اعضای سازمان ملل متحد در مورد این‌که آیا جنگ با عراق یا هر «کشور شرور»ی موجه است، توافق نداشتند.

شکست نیروهای عراقی در سال ۲۰۰۳ م به معنای پایان درگیری نظامی در عراق نبود. بمب‌گذاری‌های انتحاری و حمله‌هایی با تله‌های انفجاری نیروهای خارجی را مدتی طولانی پس از پایان عملیات جنگی در عراق درگیر کرد.



۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م
تروریست‌ها هواپیماهایی را به طرف مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در ایالات متحده به پرواز درمی‌آورند. بیش از ۲۵۰۰ نفر در این حمله کشته می‌شوند.

اکتبر سال ۲۰۰۱ م
نیروهای تحت فرماندهی ایالات متحده برای سرنگون کردن حکومت طالبان و یافتن اعضای القاعده به افغانستان حمله می‌کنند.

۲۰ مارس سال ۲۰۰۳ م
نیروهای تحت فرماندهی ایالات متحده به عراق حمله می‌کنند.

۹ آوریل سال ۲۰۰۳ م
نیروهای عراقی شکست می‌خورند و بغداد اشغال می‌شود.

۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۳ م
صدام حسین دستگیر می‌شود.

۱۱ مارس سال ۲۰۰۴ م
انفجار بمب در قطارهای مسافربری در مادرید، پایتخت اسپانیا، ۱۹۲ نفر را می‌کشد. افراد زیادی القاعده را مسئول این حمله می‌دانند.

۷ ژوئیهٔ سال ۲۰۰۵ م
چهار انفجار بمب در قطار زیرزمینی و یک اتوبوس در لندن ۵۶ نفر را می‌کشد.



بقایای اتوبوس منفجرشده در لندن در طول حمله‌های تروریستی در ۷ ژوئیهٔ سال ۲۰۰۵ م. سه بمب‌گذار انتحاری به شبکهٔ راه‌آهن زیرزمینی حمله کردند و بمب‌گذار چهارم خود را داخل این اتوبوس منفجر کرد. در مجموع ۵۶ نفر در این حمله‌ها کشته شدند.

با وجود این، ایالات متحده، همراه با ائتلاف کوچکی از برخی کشورهای دیگر، در مارس سال ۲۰۰۳ م به عراق حمله کرد و کمتر از یک ماه بعد صدام حسین رهبر آن‌جا را سرنگون کرد.

با این حال، حمله‌های تروریستی پایان نیافت. بمب‌گذاری‌های انتحاری در عراق و افغانستان تا مدتی طولانی پس از سقوط طالبان و صدام حسین ادامه یافت، و حتی حمله‌هایی به برخی پایتخت‌های اروپایی صورت گرفت. در ۱۱ مارس سال ۲۰۰۴ م چند بمب در قطارهای مسافربری مادرید در ساعات شلوغی منفجر شد که ۱۹۲ نفر کشته و بسیاری دیگر زخمی شدند. کمی بیش از یک سال بعد، در ۷ ژوئیهٔ سال ۲۰۰۵ م، چهار بمب‌گذار انتحاری در لندن در زمان شلوغی به قطارهای زیرزمینی شلوغ و یک اتوبوس دو طبقه حمله کردند. ۵۶ نفر در این حمله‌ها کشته شدند.



نیروهای تحت فرماندهی ایالات متحده در جنگ با تروریسم از جدیدترین سلاح‌ها، از قبیل بمب‌افکن ضد رادار B_2، استفاده می‌کنند.



در جنگ‌های امروزی، نیروی هوایی و سلاح‌های پیشرفته در کنار تفنگ و موشک‌اندازهای مبارزان محلی به کار می‌روند، از جمله در افغانستان در سال ۲۰۰۱ م.

سال ۱۹۹۹ م
ولادیمیر پوتین رهبر روسیه می‌شود.
سال ۱۹۹۹ م
جمعیت جهان به شش میلیارد نفر می‌رسد.
سال ۲۰۰۰ م
آمریکایی‌های اسپانیایی بزرگ‌ترین گروه اقلیت در ایالات متحده هستند.
سال ۲۰۰۰ م
اطلاعاتی از سوی سفینهٔ پیمایشگر جهانی ایالات متحده احتمال وجود آب را در مریخ نشان می‌دهد. این موضوع برای هر گونه کاوش توسط انسان در آینده حیاتی است.
سال ۲۰۰۰ م
انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده در جنجالی حقوقی پایان می‌پذیرد. جورج دبلیو. بوش پیروز می‌شود.
سال ۲۰۰۰ م
دانشمندان نقشهٔ ژنتیک انسان را تقریباً تکمیل کرده‌اند.
سال ۲۰۰۲ م
اتحادیهٔ اروپا استفاده از پول رایج جدید خود، یورو، را به صورت سکه و اسکناس شروع می‌کند، هرچند انگلیس همچنان از یورو استفاده نمی‌کند.
سال ۲۰۰۲ م
اتحادیهٔ آفریقا مجلس خود را تأسیس می‌کند.
سال ۲۰۰۲ م
ملکه الیزابت دوم پنجاه‌سالگی سلطنت خود را در مقام ملکهٔ انگلیس جشن می‌گیرد. ملکهٔ مادر در ۱۰۱ سالگی می‌میرد.
سال ۲۰۰۲ م
اعضای سابق پیمان کمونیستی ورشو اجازه می‌یابند که به ناتو بپیوندند.

آینده

هنگامی که قرن بیست و یکم آغاز شد، مردم مشتاقانه منتظر یک هزارهٔ جدید (هزار سال بعدی) بودند. هیچ‌کس نمی‌توانست پیش‌بینی کند که جهان جدید چگونه خواهد بود. آیا کامپیوتر شغل افراد بیشتری را خواهد گرفت؟ دانشمندان به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینهٔ نقش ژن‌های هویتی در فعالیت‌های بدن انسان رسیده‌اند. آیا دانش می‌تواند گیاهان یا حتی حیوانات جدید به وجود آورد؟

منابع زمین به اندازه‌ای زیاد است که حتی جمعیتی بیش از شش میلیارد نفر را تأمین می‌کند. اما هیچ‌گاه در تاریخ بشر جهان چنین کوچک و تحت چنین فشاری نبوده است. انسان‌ها ممکن است در صد سال آینده از مریخ دیدار کنند، اما هیچ سیاره‌ای شبیه زمین در این نزدیکی وجود ندارد تا به آن نقل‌مکان کنند. هومو ساپینس باید در دنیایی که نیاکان پیش از تاریخ ما کشف کردند زندگی کند و آن را حفظ کند، حتی زیر فشار فزایندهٔ جمعیتی رو به افزایش — که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ م به هفت میلیارد نفر برسد.

بسیاری از مردم معتقدند که منابع با سرعتی جایگزین‌نشدنی در حال تمام شدن‌اند، و در زمانی نه‌چندان دور، ما قادر نخواهیم بود برای تهیهٔ غذا، لباس، گرما



اسرار ژن
بررسی مولکول دی‌ان‌ای (بالا) دنیای جدیدی را به روی مهندسی ژنتیک باز کرد؛ یعنی تغییر دادن موجودات زنده با اصلاح ترکیب ژنتیکی آن‌ها.

اینترنت دنیای کاملی از اطلاعات را به روی میلیون‌ها نفر گشوده است. با اینترنت انتشار اندیشه‌ها بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد و با ایمیل (پست الکترونیک) مردم به‌سرعت و به‌آسانی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. با وجود این، بعضی افراد اینترنت را یک مشکل و مسئلهٔ نگران‌کننده می‌دانند چراکه احتمال دارد اندیشه‌های خطرناک در آن انتشار یابند.

و سرپناه انرژی کافی تولید کنیم. افراد دیگری به تأثیری که تولید انرژی امروزه بر سیارهٔ زمین دارد اشاره می‌کنند. آن‌ها گمان می‌کنند که آلودگی ناشی از سوزاندن سوخت‌های فسیلی باعث افزایش دمای زمین و گرم شدن کل جهان شده است، و این امر پیامدهای مصیبت‌باری برای طبیعت و نیز شهرهای کوچک و بزرگی که ما در آن‌ها زندگی می‌کنیم دارد.

علاوه بر این، در توزیع و پراکندگی تولید انرژی و ثروت در زمین نابرابری‌های زیادی وجود دارد. اقلیت کوچکی از مردم بخش وسیعی از ثروت را دارند و بیشترین انرژی را مصرف می‌کنند، در حالی که شمار زیادی از مردم در فقر زندگی می‌کنند.



باید میان توسعه (که اغلب همراه با قطع بی‌ملاحظهٔ درختان جنگل‌های استوایی است) و محافظت از محیط زیست، یعنی حفظ ثروت‌های طبیعی کرهٔ زمین برای همهٔ انسان‌ها، توازن برقرار کرد.

مردمی که در محله‌ای فقیرنشین زندگی می‌کنند، در توده‌ای از زباله‌ها به دنبال یافتن موادی هستند که بتوانند دوباره از آن‌ها استفاده کنند یا آن‌ها را بفروشند.

	۱۰۰۰۰ـ۲۰۰۰ ق.م	۲۰۰۰ـ۱۰۰۰ ق.م	۱۰۰۰ـ۵۰۰ ق.م	۵۰۰ـ۲۰۰ ق.م	۲۰۰ ق.م ـ اول میلادی
سیاست	حدود ۳۵۰۰ ق.م سومریان دولتشهرهایی در بین‌النهرین تأسیس می‌کنند. حدود ۳۱۰۰ ق.م شاه منس مصر علیا و سفلی را وحدت می‌بخشد. حدود ۲۵۰۰ ق.م تمدن درهٔ سند در هند باستان در اوج خود است.	حدود ۱۸۰۰ ق.م بابل امپراتوری جدیدی در بین‌النهرین ایجاد می‌کند. حدود ۱۶۰۰ـ۱۱۰۰ ق.م میسنی‌ها بر یونان باستان سلطه می‌یابند. حدود ۱۲۰۰ ق.م آغاز فرمانروایی اولمک‌ها در غرب مکزیک.	حدود ۱۰۰۰ـ۹۶۰ ق.م داود بر پادشاهی واحد یهودیه و اسرائیل فرمانروایی می‌کند. ۸۸۳ـ۸۵۹ ق.م آشورنصیرپال دوم بر پادشاهی آشور در بین‌النهرین فرمانروایی می‌کند. سال ۷۵۳ ق.م تاریخ روایی تأسیس شهر رم.	۴۷۹ـ۴۳۱ ق.م آتن بر یونان باستان سلطه دارد. ۳۳۶ـ۳۲۳ ق.م اسکندر مقدونی بر مقدونیه، یونان، ایران و مصر فرمانروایی می‌کند. ۲۲۱ ق.م کین شی هوانگ‌دی چین را وحدت می‌بخشد و نخستین امپراتور چین می‌شود.	۱۴۷ـ۱۴۶ ق.م رومی‌ها به یونان حمله می‌کنند و آن را تسخیر می‌کنند. ۴۹ـ۴۴ ق.م یولیوس سزار در مقام دیکتاتور بر روم فرمانروایی می‌کند. ۲۷ ق.م اوکتاویان نخستین امپراتور روم می‌شود و لقب آوگوستوس می‌گیرد.
کاوشگری	حدود ۳۰۰۰ ق.م کشتی‌های فنیقی پیرامون دریای مدیترانه در رفت و آمد هستند. حدود ۲۳۰۰ ق.م حرخوف، کاوشگر مصری، با کشتی در امتداد رود نیل به طرف جنوب می‌رود.	حدود ۱۴۹۲ ق.م مصریان به سرزمین پونت (احتمالا اتیوپی) سفر می‌کنند. حدود ۱۰۰۱ ق.م مردمی از آسیای جنوب شرقی شروع به مهاجرنشین کردن پولینزی می‌کنند.	حدود ۶۵۰ ق.م دریانوردان یونانی تنگهٔ جبل‌الطارق را کشف می‌کنند. حدود ۶۰۰ ق.م فنیقی‌ها با کشتی به اقیانوس اطلس می‌روند و ممکن است با کشتی آفریقا را دور زده باشند. حدود ۵۱۵ ق.م اسکیلاکس، جغرافی‌دان یونانی، در رود سند کاوش می‌کند.	حدود ۴۷۰ ق.م هانو، دریانورد کارتاژی، سکونتگاهی در آفریقای غربی ایجاد می‌کند. ۴۴۹ـ۴۴۴ ق.م هرودوت، مورخ یونانی، در خاور نزدیک کاوش می‌کند. حدود ۳۳۰ ق.م پوتئاس، دریانورد و منجم یونانی، اهل مارسیلیا (مارسی) با کشتی به اطراف جزایر بریتانیا می‌رود.	۱۳۸ـ۱۲۵ ق.م چانگ چین چینی به هند، سری‌لانکا و جاوه سفر می‌کند. ۱۲۰ ق.م اودوکسوس یونانی از مصر به هند سفر می‌کند. ۵۵ـ۵۴ ق.م یولیوس سزار، سردار رومی، دو بار به بریتانیا حمله می‌کند.
فناوری	حدود ۴۰۰۰ ق.م نخستین قایق‌های بادبانی قایق‌های روی رود نیل هستند. حدود ۳۵۰۰ ق.م سومریان در بین‌النهرین خط و چرخ را اختراع می‌کنند. حدود ۳۰۰۰ ق.م مصریان برای آبیاری کشتزارهای خود شبکهٔ آبیاری می‌سازند.	حدود ۲۰۰۰ ق.م توتون در مکزیک و آمریکای جنوبی کشت می‌شود. حدود ۲۰۰۰ ق.م بابلی‌ها شروع به شمارش در واحدهای شصتگانی می‌کنند و از این‌جا ۳۶۰ درجه در دایره به وجود می‌آید. حدود ۱۴۵۰ ق.م یونانیان باستان شروع به استفاده از ساعت‌های آفتابی می‌کنند.	حدود ۱۰۰۰ ق.م فنیقیان رنگ ارغوانی را که از حلزون‌های مورکس ساخته می‌شد رواج می‌دهند. ۸۷۶ ق.م استفاده از نماد برای عدد صفر برای اولین بار روی کتیبه‌ای در هند دیده می‌شود. حدود ۷۰۰ ق.م آشوریان از ساعت‌های آبی استفاده می‌کنند.	حدود ۵۰۰ ق.م سوسراتا، چراح هندی، با جراحی آب‌مروارید چشم را درمان می‌کند. حدود ۵۰۰ ق.م فولاد در هند ساخته می‌شود. ۴۰۶ ق.م دیونوسیوس اهل سیراکوز در یونان نخستین منجنیق جنگی را می‌سازد.	حدود ۲۰۰ ق.م چرخ‌دنده اختراع می‌شود. حدود ۱۱۰ ق.م چینی‌ها افسار اسب را اختراع می‌کنند که هنوز کاربرد دارد.
فرهنگ و هنر	حدود ۲۸۰۰ ق.م ساخت و ساز در استونهنج در انگلستان آغاز می‌شود. حدود ۲۶۰۰ ق.م کار روی هرم بزرگ در مصر آغاز می‌شود. حدود ۲۰۰۰ ق.م در سومر حماسهٔ گیلگمش نوشته می‌شود.	حدود ۱۵۰۰ ق.م پرده‌های دیوارکوب در مصر، چین و بابل بافته می‌شوند. ۱۳۳۹ ق.م در مصر شاه توت‌عنخ‌آمون فرعون مصر همراه با گنجینه‌ای دفن می‌شود. حدود ۱۱۰۰ ق.م نخستین واژه‌نامهٔ چینی تألیف می‌شود.	در این دوره موسیقی در بابل، یونان و اسرائیل شکوفا می‌شود. حدود ۹۵۰ ق.م معبد سلیمان در اورشلیم ساخته می‌شود. حدود ۸۵۰ ق.م قوم چاوین در پرو ظروف و مجسمه‌های سفالی بسیاری می‌سازند.	حدود ۴۵۰ـ۳۸۷ق.م آریستوفان، نمایشنامه‌نویس یونانی، نمایشنامه می‌نویسد. ۴۴۷ـ۴۳۸ ق.م یونانیان معبد پارتنون را در آتن می‌سازند. ۳۵۱ ق.م موسولئوم، یکی از عجایب هفتگانهٔ جهان، ساخته می‌شود.	حدود ۱۴۰ ق.م مجسمهٔ ونوس میلو در یونان تراشیده می‌شود. حدود ۱۱۲ ق.م فرقهٔ فریسی‌ها در فلسطین پدید می‌آید. ۴۷ ق.م کتابخانهٔ بزرگ اسکندریه در مصر در آتش‌سوزی از میان می‌رود.
دین	حدود ۳۰۰۰ ق.م در طول این دوره سومریان تموز الههٔ مادر را پرستش می‌کنند. حدود ۳۰۰۰ ق.م در طول این دوره مصریان فرعون را در مقام ایزدـشاه پرستش می‌کنند.	حدود ۲۰۰۰ ق.م بابلیان ایزد مردوک را پرستش می‌کنند. حدود ۱۵۰۰ ق.م تاریخ احتمالی پیدایش دین هندو. حدود ۱۳۶۴ـ۱۳۴۷ ق.م «آتون» دین جدید یکتاپرستی در مصر.	قرن هشتم ق.م اشعیا، پیامبر یهودی، مردم را هدایت می‌کند. حدود ۵۶۳ ق.م تولد بودا (سیدهارتا گوتاما) در نپال. حدود ۵۵۱ ق.م تولد کنفوسیوس (کونگ کیو) فیلسوف چینی.	حدود ۴۰۰ ق.م پنج کتاب نخست تورات (اسفار خمسه) نوشته می‌شود. ۲۶۰ ق.م امپراتور آشوکا ماوریا دین بودایی را دین رسمی هند می‌کند. حدود ۲۵۵ ق.م نسخهٔ یونانی کتاب عهد عتیق تألیف می‌شود.	۱۶۸ ق.م آنتیوخوس چهارم، شاه سوریه، به آزار یهودیان می‌پردازد و اورشلیم را غارت می‌کند. حدود ۱۶۵ ق.م کتاب دانیال در عهد عتیق نوشته می‌شود. ۴ ق.م تاریخ احتمالی تولد عیسی [ع] در ناصره.
زندگی روزمره	حدود ۸۰۰۰ ق.م کشاورزی ابتدا در خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی به وجود می‌آید. حدود ۵۰۰۰ ق.م استرالیایی‌های بومی از بومرنگ استفاده می‌کنند. در طول این دوره مس برای اولین بار در آسیا و آمریکای شمالی به کار می‌رود.	حدود ۱۵۰۰ ق.م نخستین ظروف شیشه‌ای در مصر و بین‌النهرین به کار می‌رود. حدود ۱۴۵۰ ق.م فوران آتشفشان ترا در دریای مدیترانه تمدن کرت را نابود می‌کند.	حدود ۹۵۰ ق.م بوته‌های خشخاش در مصر کشت می‌شوند. حدود ۹۰۰ ق.م اشراف مصری و آشوری از کلاه‌گیس استفاده می‌کنند. ۷۷۶ ق.م نخستین بازی‌های المپیک در یونان برگزار می‌شود.	۴۳۰ـ۴۲۳ ق.م طاعون در آتن شیوع می‌یابد. حدود ۲۵۰ ق.م پوست‌نوشته ابتدا در پرگاموم (اکنون برگاما در ترکیه) به کار می‌رود. ۲۱۴ ق.م ساختن دیوار بزرگ چین آغاز می‌شود.	حدود ۱۷۰ ق.م خیابان‌های روم سنگفرش می‌شود. ۴۶ ق.م رومی‌ها تقویم یولیانی و روش شمارش سال‌های کبیسه را اقتباس می‌کنند. حدود ۵۰ ق.م آیورودا کتاب پایهٔ پزشکی هندویی تألیف می‌شود.

	اول میلادی-۶۰۰ م	۶۰۰-۷۰۰ م	۷۰۰-۸۰۰ م	۸۰۰-۹۰۰ م	۹۰۰-۱۰۰۰ م
سیاست	قرن دوم میلادی پادشاهی اکسوم در اتیوپی کنونی به قدرت می‌رسد. ۳۵۰-۵۵۰ م امپراتوری گوپتا بر هند سلطه دارد. ۴۷۶ م سقوط امپراتوری روم غربی؛ امپراتوری بیزانس در شرق باقی می‌ماند.	حدود ۶۰۰ م امپراتوری هواری در پرو گسترش می‌یابد. ۶۵۵-۶۹۸ م مسلمانان بر شمال آفریقا سلطه دارند و اسلام را گسترش می‌دهند. ۶۸۷ م پپن آریستال در گل رهبر فرانک‌ها می‌شود.	۷۳۲ م شارل مارتل فرانسوی مسلمانان را در نبرد پواتیه شکست می‌دهد. ۷۸۶ م هارون‌الرشید خلیفهٔ بغداد می‌شود. ۸۰۰ م شارلمانی، شاه فرانک، در مقام امپراتور غرب تاجگذاری می‌کند.	قرن نهم م پادشاهی ایفه در نیجریه به قدرت می‌رسد. ۸۰۲ م امپراتوری خمر در کامبوج تأسیس می‌شود. ۸۷۸ م آلفرد کبیر وایکینگ‌ها را شکست می‌دهد و انگلستان را با آن‌ها تقسیم می‌کند.	۹۲۶ م ولزی‌ها، پیکت‌ها و اسکاتلندی‌ها تسلیم اثلستن شاه انگلستان می‌شوند. ۹۳۶ م اوتوی اول، شاه آلمان، در مقام امپراتوری مقدس روم تاجگذاری می‌کند. ۹۶۸ م تولتک‌ها در مکزیک، پایتخت خود تولا را می‌سازند.
کاوشگری	۱۴-۳۷ م هیپالوس رومی با کشتی از دریای سرخ به رود سند می‌رود. حدود ۵۰ م بطلمیوس، دانشمند یونانی، کتاب راهنمای جغرافیا را منتشر می‌کند. ۳۹۹ م فو-هسین، راهب چینی، به هند، سری‌لانکا و جاوه سفر می‌کند.	۶۲۹-۶۴۵ م هسوان-تانگ، راهب چینی، برای به دست آوردن متون بودایی به هند می‌رود. ۶۹۸ م ویلیبرورد اهل اوترشت (هلند) هلیگولند را کشف می‌کند.	۷۸۷ م نخستین حملهٔ وایکینگ‌ها به بریتانیا. حدود ۸۰۰ م وایکینگ‌ها در جزایر شتلند، اورکنی، هبرید و فارو ساکن می‌شوند.	حدود ۸۵۰ م سلیمان، بازرگان عرب، با کشتی به مالزی کنونی می‌رود. حدود ۸۶۰ م می‌گویند قدیس ایرلندی برندن اهل کلانفرت با کشتی به آمریکا رفته و بازگشته است.	حدود ۹۸۲ م اریک سرخ وایکینگ، در ساحل گروئنلند کاوش می‌کند. حدود ۹۸۶ م بیارنی هریولفسون وایکینگ در ساحل آمریکای شمالی پیاده می‌شود. حدود ۱۰۰۰ م لیف اریکسون وایکینگ با کشتی به وینلند در آمریکای شمالی می‌رود.
فناوری	حدود ۱۰۰ م هرو، دانشمند اهل اسکندریه، نخستین موتور بخار را می‌سازد. حدود ۱۵۰ م چینی‌ها نخستین کاغذ را می‌سازند. ۲۷۱ م چینی‌ها اولین قطب‌نما را اختراع می‌کنند؛ این قطب‌نما جهت جنوب را نشان می‌دهد.	حدود ۶۰۰ م قدیمی‌ترین آسیاب‌های بادی شناخته‌شده در ایران ساخته می‌شوند. حدود ۶۵۰ م آتش یونانی، که در آب می‌سوزد، در مصر اختراع می‌شود. حدود ۶۷۰ م آثار هندی در زمینهٔ ریاضیات به عربی ترجمه می‌شود.	حدود ۷۲۵ م بومیان آمریکا قلعهٔ کاسا گرانده را در آریزونا می‌سازند. حدود ۷۶۵ م ژاپنی‌ها نخستین کتاب‌های تصویردار را چاپ می‌کنند. ۷۸۲ م در انگلستان ساخت دیوار اوفا (حصاری در برابر ولزی‌ها) آغاز می‌شود.	حدود ۸۵۰ م قدیمی‌ترین نشانه از باروت در چین.	حدود ۹۴۰ م ستاره‌شناسان در چین نقشهٔ ستارگان را تهیه می‌کنند. حدود ۹۶۰ م ژربر، کشیش فرانسوی، اعداد عربی را در اروپا رواج می‌دهد. ۹۸۴ م سدهای سلولی در چین اختراع می‌شوند.
فرهنگ و هنر	حدود ۱۶۴ م قدیمی‌ترین بناهای یادبود مایاها ساخته می‌شوند. ۳۸۶م آمبروز اسقف میلان خواندن سرود را معمول می‌سازد. ۴۷۸ م نخستین معابد شینتو در ژاپن ساخته می‌شوند.	۶۵۰ م فن بافندگی در بیزانس رونق می‌یابد. ۶۵۰ م نئوم‌ها، شکل اولیهٔ نت‌های موسیقی، پدیدار می‌شوند. ۷۰۰ م ساخت معابد تراشیده‌شده در صخره، در الورا در هند آغاز می‌شود.	حدود ۷۵۰ م ارگ‌های بادی به‌تدریج جایگزین ارگ‌های آبی می‌شوند.	حدود ۸۵۰ م شکل‌گیری زیمبابوهٔ بزرگ، که اکنون در زیمبابوهٔ امروزی است.	۹۴۲ م مسلمانان شیپور و دهل را به اروپا وارد می‌کنند. ۹۶۱ م لی یو، امپراتور چین، فرهنگستان نقاشی در نانجینگ تأسیس می‌کند.
دین	۳۰ م تاریخ احتمالی مصلوب کردن عیسی مسیح. ۴۵ م پولس قدیس مأموریت خود را برای مسیحیان آغاز می‌کند. ۳۱۳ م کنستانتین، امپراتور روم، فرمان مدارا با مسیحیان را صادر می‌کند.	سال ۶۳۲ م ابوبکر، خلیفهٔ اول مسلمانان، گسترش اسلام را در خارج از عربستان شروع می‌کند. حدود ۶۸۰ م، ویلفرید قدیس اهالی ساسکس را به دین مسیحی درمی‌آورد. سال ۷۰۰ م ساخت معابد تراشیده‌شده در صخره در الورا در هند آغاز می‌شود.	۷۳۰ م بید محترم کتاب تاریخ کلیسای انگلیس را می‌نویسد. ۷۸۲ م الکوین اهل یورک برای تدریس در مدرسهٔ شارلمانی به آخن می‌رود.	۸۴۵ م آزار و شکنجهٔ بوداییان در چین متداول می‌شود. ۸۷۹ م قدیمی‌ترین مسجد در قاهره، مسجد ابن طولون، ساخته می‌شود.	۹۵۹ م در انگلستان دانستن قدیس اسقف اعظم کنتربری می‌شود. ۹۶۳ م نخستین صومعه در مونت آتوس در یونان تأسیس می‌شود. ۹۶۶ م لهستانی‌ها به مسیحیت می‌گروند.
زندگی روزمره	۷۹ م آتشفشان وزوو فوران می‌کند و پومپئی و هرکولانیوم را ویران می‌کند. حدود ۲۰۰ م چینی‌ها پورسلین (مادهٔ ساخت ظروف چینی) را اختراع می‌کنند. حدود ۳۰۰ م مایاهای آمریکای مرکزی تقویم را اختراع می‌کنند.		۷۵۰ م رازک‌ها برای اولین بار در ساخت آبجو در باواریای آلمان به کار می‌روند. ۷۸۹ م شارلمانی فوت (پا) خود را به عنوان یک واحد اندازه‌گیری رایج می‌کند.	۸۱۲ م چین اولین کشوری است که اسکناس منتشر می‌کند. ۸۵۱ م کمان زنبوری اول بار در فرانسه به کار می‌رود. ۸۷۰م شمع‌های درجه‌بندی‌شده در انگلستان برای اندازه‌گیری زمان به کار می‌روند.	۹۴۲ م بافت پارچه‌های نخی و پشمی در فلاندرز (بلژیک) پایه‌گذاری می‌شود. ۹۶۲ م مهمانخانه‌ای در گذرگاه سن برنارد در سویس تأسیس می‌شود. ۱۰۰۰ م دانگلد (مالیاتی برای رشوه دادن به مهاجمان وایکینگ) در انگلستان وضع می‌شود.

	۱۰۰۰_۱۰۵۰	۱۰۵۰_۱۱۰۰	۱۱۰۰_۱۱۵۰	۱۱۵۰_۱۲۰۰	۱۲۰۰_۱۲۵۰
سیاست	۱۰۱۶ م کنوت دوم شاه دانمارک شاه انگلستان می‌شود. ۱۰۴۰ م مکبث دانکن شاه اسکاتلند را می‌کشد و شاه می‌شود. ۱۰۴۲ م ادوارد معترف از اهالی ساکسون شاه انگلستان می‌شود.	۱۰۶۶ م هارولد دوم شاه انگلستان می‌شود؛ او نروژی‌ها را در جنگ شکست می‌دهد، اما در نبرد هستینگز کشته می‌شود و ویلیام اهل نورماندی شاه می‌شود. ۱۰۷۶ م پاپ گرگوار هفتم هانری چهارم، امپراتور آلمان، را تکفیر می‌کند.	۱۱۲۰ م جانشین هنری اول شاه انگلستان در فاجعهٔ کشتی سفید غرق می‌شود. ۱۱۳۵ م هنری اول می‌میرد؛ برادرزاده‌اش استیون تاج و تخت را به دست می‌آورد؛ او با مخالفت ماتیلدا دختر هنری مواجه می‌شود و جنگ داخلی درمی‌گیرد.	۱۱۵۴ م هنری پلانتاژنه با نام هنری دوم شاه انگلستان می‌شود. ۱۱۵۵ م پاپ آدریان چهارم، ایرلند را به هنری دوم، شاه انگلستان، می‌دهد. ۱۱۸۷ م صلاح‌الدین [ایوبی]، فرمانده مسلمانان، بیت‌المقدس را تسخیر می‌کند.	۱۲۰۶ م تموجین، رهبر قبیله‌ای، چنگیزخان فرمانروای مغولستان خوانده می‌شود. ۱۲۱۵ م جان، شاه انگلستان، ناگزیر می‌شود با منشور ماگنا کارتا موافقت کند. ۱۲۲۸ م فردریک دوم، امپراتور آلمان، ششمین جنگ صلیبی را به طرف فلسطین فرماندهی می‌کند.
کاوشگری	۱۰۰۴_۱۰۱۳ م وایکینگ‌ها می‌کوشند در وینلند در آمریکای شمالی ساکن شوند اما موفق نمی‌شوند.	۱۰۹۶_۱۰۹۹ م افرادی از جنگ صلیبی اول به بیزانس و فلسطین سفر می‌کنند.	حدود ۱۱۵۰ م خاخام بنجامین اهل تودلا در اسپانیا به بین‌النهرین و ایران سفر می‌کند.	حدود ۱۱۵۴ م در نقشهٔ ادریسی [جغرافی‌دان مسلمان] رودهای نیل و نیجر با هم اشتباه گرفته می‌شوند. ۱۱۸۳_۱۱۸۷ م ابن جبیر، مسلمان اسپانیایی، به مکه، بغداد و دمشق سفر می‌کند.	۱۲۴۵_۱۲۴۷ م ژان راهب فرانسیسی اهل پیان دل کارپین از مغولستان دیدار می‌کند.
فناوری	۱۰۳۵ م از چرخ‌های ریسندگی در چین استفاده می‌کنند. حدود ۱۰۵۰ م مسلمانان روش محاسبهٔ اعشاری را در اسپانیا رواج می‌دهند. حدود ۱۰۵۰ م چینی‌ها با حروف جابه‌جاشدنی شروع به چاپ کتاب می‌کنند.	۱۰۶۶ م سیارهٔ دنباله‌دار هالی دیده می‌شود و در اروپا آن را نشانهٔ مصیبت می‌دانند.	۱۱۲۹ م پشت‌بندهای معلق اولین بار در ساخت کلیساهای سراسر اروپا به کار می‌رود. ۱۱۴۲_۱۱۵۴ م کتاب‌هایی در مورد جبر و نورشناسی از زبان عربی ترجمه می‌شوند.	۱۱۵۰ م چینی‌ها نخستین موشک‌ها را می‌سازند. ۱۱۸۹ م نخستین کارخانهٔ کاغذسازی اروپا در اِرو در فرانسه ساخته می‌شود.	۱۲۰۲ م لئوناردو فیبوناچی ایتالیایی عدد صفر را به اروپا معرفی می‌کند. ۱۲۲۱ م چینی‌ها از بمب‌های حاوی ترکش استفاده می‌کنند.
فرهنگ و هنر	حدود ۱۰۵۰ م سرود در کلیسای مسیحی معمول می‌شود.	۱۰۶۷ م صومعهٔ مونته کاسینو در ایتالیا بازسازی می‌شود. ۱۰۷۸ م کار ساختن برج لندن آغاز می‌شود.	۱۱۱۰ م قدیمی‌ترین شبیه‌خوانی شناخته‌شده در انگلستان اجرا می‌شود. ۱۱۴۷ م جفری اهل مانمث اثر خود تاریخ بریتانیا را می‌نویسد.	۱۱۵۱ م عصر طلایی هنر بودایی در برمه (میانمار امروزی). ۱۱۷۴ م برج ناقوس پیزا در ایتالیا ساخته می‌شود و بلافاصله شروع به کج شدن می‌کند.	حدود ۱۲۲۰ م شاعران ایتالیایی قالب غزل را شکوفا می‌کنند. ۱۲۲۵ م تصنیفی دربارهٔ تابستان قدیمی‌ترین آواز دوری (نوبتی) انگلیسی است.
دین	۱۰۱۲ م تعقیب و آزار مرتدان در آلمان آغاز می‌شود. ۱۰۳۰ م نروژ به مسیحیت می‌گرود. ۱۰۴۲ م ادوارد معترف ساخت صومعهٔ وستمینستر را شروع می‌کند.	۱۰۸۴ م فرقهٔ راهبان کارتوزی تأسیس می‌شود. ۱۰۹۸ م نخستین صومعهٔ سیسترسی در سیتو در فرانسه تأسیس می‌شود.	۱۱۱۹ م فرقهٔ نظامی شهسواران معبد تأسیس می‌شود.	۱۱۵۴ م هادریان چهارم تنها انگلیسی‌ای است که پاپ می‌شود (نیکولاس بریکزپیر). ۱۱۵۵ م فرقهٔ راهبان کرملی در فلسطین تأسیس می‌شود. ۱۱۷۰ م اسقف اعظم توماس ا بکت در کلیسای جامع کَنتربری کشته می‌شود.	۱۲۱۵ م دومینیک کشیش اسپانیایی فرقهٔ دومینیکی را تأسیس می‌کند. ۱۲۲۹ م دستگاه تفتیش عقاید در تولوز در فرانسه افراد غیرروحانی را از خواندن کتاب مقدس منع می‌کند. ۱۲۳۳ م پاپ گرگوار نهم از دومینیکی‌ها می‌خواهد که به تفتیش عقاید بپردازند.
زندگی روزمره	حدود ۱۰۰۹ م ایرانیان هفتهٔ هفت‌روزه را به چین، که هفته‌های ده‌روزه داشت، وارد می‌کنند.	۱۰۸۶ م کتاب دامزدی نخستین ارزیابی کامل زمین‌های انگلستان است. ۱۰۹۴ م از قایق‌های گوندولا در ونیز استفاده می‌شود.	۱۱۱۹ م فرقهٔ نظامی شهسواران معبد تأسیس می‌شود. ۱۱۳۳ م بیمارستان سنت بارتولومیو در لندن تأسیس می‌شود. ۱۱۳۳ م نمایشگاه سنت بارتولومیو در لندن آغاز می‌شود (در ۱۸۵۵ م بسته می‌شود).	۱۱۵۱ م بازی شطرنج به انگلستان وارد می‌شود. ۱۱۸۹ م سکه‌های فلورن نقره اولین بار در فلورانس ایتالیا ضرب می‌شود.	۱۲۳۰ م جنگجویان صلیبی در بازگشت به وطنشان، بیماری جذام را به اروپا می‌آورند. ۱۲۳۳ م استخراج معادن زغال‌سنگ در نیوکاسل انگلستان آغاز می‌شود. ۱۲۴۴ م نخستین رقابت دانمو فلیج، که نوعی سرگرمی است، برای زوج‌های ازدواج‌کرده برگزار می‌شود.

	۱۲۵۰_۱۳۰۰	۱۳۰۰_۱۳۵۰	۱۳۵۰_۱۴۰۰	۱۴۰۰_۱۴۵۰	۱۴۵۰_۱۵۰۰
سیاست	۱۲۷۲ م ادوارد اول شاه انگلستان می‌شود. ۱۲۷۴ م قوبیلای قاآن، امپراتور چین، می‌کوشد ژاپن را تسخیر کند، اما موفق نمی‌شود. ۱۲۸۶ م مارگارت، دوشیزهٔ نروژ، در سه‌سالگی ملکهٔ انگلستان می‌شود؛ او در سال ۱۲۹۰ م می‌میرد.	۱۳۰۱ م ادوارد اول شاه انگلستان پسرش را به سمت شاهزادهٔ ولز منصوب می‌کند. ۱۳۰۶ م رابرت بروس در مقام شاه اسکاتلند تاجگذاری می‌کند. ۱۳۳۷ م جنگ‌های صدساله میان انگلستان و فرانسه آغاز می‌شود.	۱۳۶۳ م تیمور لنگ، فرمانروای مغول، تسخیر آسیا را آغاز می‌کند. ۱۳۶۸ م سلسلهٔ مینگ در چین سلسلهٔ مغولی یوان را برکنار می‌کند. ۱۳۷۵ م آتش‌بس موقت جنگ، جنگ‌های صدساله را متوقف می‌کند (تا سال ۱۳۷۸ م).	۱۴۱۳ م هنری پنجم شاه انگلستان می‌شود و مدعی مالکیت نواحی وسیعی از فرانسه می‌شود. ۱۴۲۸_۱۴۳۰ م ژاندارک نیروهای فرانسوی را در برابر انگلستان فرماندهی می‌کند. ۱۴۳۸ م فرمانروایی اینکاها در پرو آغاز می‌شود.	۱۴۵۳ م جنگ‌های صدساله به پایان می‌رسد. ۱۴۵۳ م ترک‌ها قسطنطنیه را تسخیر می‌کنند؛ پایان امپراتوری بیزانس. ۱۴۵۵ م جنگ گل‌ها در انگلستان درمی‌گیرد؛ و با بر تخت نشستن هنری هفتم (تئودور) در ۱۴۸۵ م پایان می‌گیرد.
کاوشگری	۱۲۵۳_۱۲۵۴ م گیوم راهب فرانسوی، اهل روبروکی، به مغولستان سفر می‌کند. ۱۲۷۱_۱۲۹۵ م مارکو پولو، بازرگان ونیزی، ۲۴ سال را در دربار قوبیلای قاآن در چین می‌گذراند.	۱۳۲۵_۱۳۴۹ م ابن بطوطه جهانگرد مراکشی از مکه، هند و چین دیدار می‌کند.	حدود ۱۳۵۲ م ابن بطوطه در امپراتوری‌های آفریقایی سُنغای و مالی به سیاحت می‌پردازد. ۱۳۹۱ م برادران ونیزی نیکولو و آنتونیو زنو رهسپار ایسلند و جزایر فارو می‌شوند.	۱۴۲۰ م ژوئاون زارکوی پرتغالی مادئیرا را کشف می‌کند.	۱۴۸۸ م بارتولومئو دیاز دماغهٔ امید نیک در رأس جنوبی آفریقا را دور می‌زند. ۱۴۹۲ م کریستوف کلمب در ناحیهٔ کارائیب کاوش می‌کند. ۱۴۹۸ م واسکو دو گاما نخستین سفر دریایی به هند را انجام می‌دهد.
فناوری	۱۲۶۷ م راجر بیکن، دانشمند انگلیسی، استفاده از عینک طبی را مطرح می‌کند. حدود ۱۲۹۰ م پل‌های طنابی بر روی دره‌های عمیق در کوه‌های آند ساخته می‌شوند. ۱۲۹۹ م فلورانس در ایتالیا استفاده از اعداد عربی را ممنوع می‌کند.	حدود ۱۳۱۰ م نخستین ساعت‌های مکانیکی در اروپا ساخته می‌شوند. ۱۳۲۷ م آبراه بزرگ در چین، که ساخت آن در سال ۷۰ م آغاز شده بود، تکمیل می‌شود. ۱۳۳۶ م دانشگاه پاریس اصرار دارد که دانشجویان در رشتهٔ ریاضیات تحصیل کنند.	حدود ۱۳۸۰ م آهن قالب‌ریزی‌شده به طور گسترده در اروپا به کار می‌رود. ۱۳۹۱ م جفری چاسر انگلیسی دربارهٔ ساخت و نحوهٔ استفاده از اسطرلاب می‌نویسد. حدود ۱۴۰۰ م مردم اتیوپی شروع به تهیهٔ نوشیدنی از قهوهٔ خودرو می‌کنند.	۱۴۰۸ م هلند آسیاب بادی را برای تلمبه کردن آب به کار می‌برد. حدود ۱۴۴۰ م یوهانس گوتنبرگ آلمانی چاپ با حروف را شروع می‌کند.	۱۴۵۴ م گوتنبرگ نخستین کتاب مقدس چاپ‌شده را عرضه می‌کند. ۱۴۷۶ م ویلیام ککستون نخستین کتاب را به زبان انگلیسی چاپ می‌کند. ۱۴۸۰ م هنرمند ایتالیایی لئوناردو داوینچی چتر نجات را طراحی می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۲۵۷ م سعدی، شاعر ایرانی، گلستان را می‌نویسد. ۱۲۸۵ م آدام دو لا هال، آهنگساز فرانسوی، اپرای طنزآمیز بازی رابین و ماریون را می‌نویسد.	۱۳۲۵ م آزتک‌های مکزیک پایتخت خود تنوچتیتلان را می‌سازند. ۱۳۴۱ م پترارک، شاعر ایتالیایی، در رم تاج برگِ غار بر سر می‌گذارد. ۱۳۴۸ م جووانی بوکاچیو، شاعر ایتالیایی، نگارش د کامرون را آغاز می‌کند (پایان سال ۱۳۵۳ م).	۱۳۶۹ م جفری چاسر کتاب دوشس را می‌نویسد. ۱۳۷۵ م نخستین حضور رابین هود در افسانه‌های انگلیسی. ۱۳۸۷_۱۴۰۰ م چاسر قصه‌های کنتربری را می‌نویسد.	۱۴۱۴ م توماس اِ کمپیس، راهب آلمانی، اقتدا به مسیح را می‌نویسد. ۱۴۲۶ م هلند کانون موسیقی اروپا می‌شود. ۱۴۴۴ م کازیمو دِ مدیچی کتابخانه‌ای در فلورانس ایتالیا تأسیس می‌کند.	۱۴۶۳ م فرانسوا ویون، شاعر فرانسوی، به جرم ایجاد جار و جنجال محکوم به مرگ می‌شود، اما فرار می‌کند. ۱۴۷۳ م برگ‌های نت موسیقی که با قالب‌های چوبی چاپ شده بود در آلمان رایج می‌شود.
دین	۱۲۵۶ م فرقهٔ گوشه‌نشینان آوگوستینی یا راهبان آوستین تأسیس می‌شود. ۱۲۶۸_۱۲۷۱ م منازعات منصب پاپی را خالی نگه می‌دارد تا این‌که گرگوار دهم انتخاب می‌شود. ۱۲۷۶ م پاپ گرگوار دهم، اینوکنت پنجم و هادریان پنجم به ترتیب می‌میرند و یوآنس بیست و یکم جانشین آن‌ها می‌شود.	۱۳۰۹ م پاپ کلمنت پنجم دفترش را از رم به آوینیون در فرانسه انتقال می‌دهد. ۱۳۲۲ م پاپ یوانس بیست و دوم سرود را در کلیساها ممنوع می‌کند. ۱۳۴۹ م آزار یهودیان در آلمان شروع می‌شود.	۱۳۷۷ م گرگوار یازدهم حکومت پاپی را به رم بازمی‌گرداند. ۱۳۷۸ م گرگوار می‌میرد؛ با انتخاب دو پاپ، یکی در رم و یکی در فرانسه، تفرقهٔ بزرگ آغاز می‌شود.	۱۴۱۵ م یان هوس، اصلاحگر بوهمی، به جرم ارتداد زنده در آتش سوزانده می‌شود. ۱۴۱۷ م پایان تفرقهٔ بزرگ: مارتین پنجم در مقام پاپ انتخاب می‌شود.	۱۴۵۳ م کلیسای جامع سوفیای قدیس به مسجد تبدیل می‌شود. ۱۴۸۴ م پاپ بر ضد جادوگری فتوا صادر می‌کند. ۱۴۹۲ م رودریگو بورجیا با عنوان آلکساندر ششم پاپ می‌شود.
زندگی روزمره	۱۲۷۸ م در لندن ۲۷۸ یهودی به جرم قیچی کردن سکه‌ها به دار آویخته می‌شوند. ۱۲۸۴ م افسانهٔ فلوت‌زن هاملین نوشته می‌شود؛ شاید هم بر اساس واقعیت باشد.	۱۳۳۲ م طاعون خیارکی اولین بار در هند شروع می‌شود. ۱۳۴۷_۱۳۵۱ م مرگ سیاه (طاعون خیارکی) ۷۵ میلیون اروپایی را می‌کشد. ۱۳۴۸ م ادوارد سوم شاه انگلستان نشان بند جوراب [نوعی نشان افتخار] را متداول می‌کند.	۱۳۶۰ م فرانسه نخستین پول فرانک را منتشر می‌کند. ۱۳۷۳ م بازرگانان انگلیسی مجبور به پرداخت مالیات‌ها بر حسب تُن و پوند می‌شوند.	۱۴۱۶ م ماهیگیران هلندی استفاده از تور ماهیگیری را شروع می‌کنند. ۱۴۳۳ م امپراتوران روم مقدس عقاب‌های دوگانه را به عنوان نماد اختیار می‌کنند. حدود ۱۴۵۰ م مخا در جنوب عربستان (اکنون در یمن) شروع به صدور قهوه می‌کند.	۱۴۶۷ م مجلس اسکاتلندی‌ها فوتبال و گلف را ممنوع می‌کند. ۱۴۸۵ م گروه محافظان شاه در انگلستان تشکیل می‌شود. ۱۴۸۹ م نشانه‌های «+» و «−» مورد استفادهٔ عمومی قرار می‌گیرند.

	۱۵۲۰_۱۵۰۰	۱۵۴۰_۱۵۲۰	۱۵۶۰_۱۵۴۰	۱۵۸۰_۱۵۶۰	۱۶۰۰_۱۵۸۰
سیاست	۱۵۰۹ م هنری هشتم شاه انگلستان می‌شود و با کاترین آراگون ازدواج می‌کند. ۱۵۱۷ م ترکان عثمانی مصر را تسخیر می‌کنند. ۱۵۱۹ م شارل اول شاه اسپانیا امپراتور مقدس روم می‌شود، و اتریش و اسپانیا را وحدت می‌بخشد.	۱۵۳۱ م پروتستان‌ها در امپراتوری مقدس روم یک اتحادیهٔ دفاعی تشکیل می‌دهند. ۱۵۳۳ م هنری هشتم همسرش را طلاق می‌دهد و با آن بولین ازدواج می‌کند. ۱۵۳۶ م انگلستان و ولز با «قانون اتحاد»، یکپارچه می‌شوند.	۱۵۴۱ م ترکان عثمانی مجارستان را تسخیر می‌کنند. ۱۵۵۳ م مری اول، کاتولیک رومی، ملکهٔ انگلستان می‌شود. ۱۵۵۸ م الیزابت اول که پروتستان است ملکهٔ انگلستان و جانشین مری می‌شود.	۱۵۶۲ م هوگنوها (پروتستان‌های فرانسوی) به انگلستان مهاجرت می‌کنند. ۱۵۶۷ م مری ملکهٔ اسکاتلندی‌ها، پس از کشته شدن شوهرش، از سلطنت کناره‌گیری می‌کند. ۱۵۷۱ م ناوگان مسیحیان ناوگان عثمانی را در نبرد لپانتو شکست می‌دهد.	۱۵۸۱_۱۵۸۲ م جنگ لیوونیا: لهستانی‌ها لیوونیا را تصرف می‌کنند و دسترسی روسیه به دریا را قطع می‌کنند. ۱۵۸۷ م مری، ملکهٔ اسکاتلندی‌ها، که در انگلستان زندانی است، اعدام می‌شود. ۱۵۸۸ م تلاش نیروی دریایی اسپانیا برای حمله به انگلستان ناموفق می‌ماند.
کاوشگری	۱۵۰۲_۱۵۰۸ م لودوویکو د وارتما نخستین مسیحی‌ای است که از مکه دیدار می‌کند. ۱۵۱۹_۱۵۲۱ م ارناندو کورتز امپراتوری آزتک در مکزیک را تسخیر می‌کند. ۱۵۱۹_۱۵۲۲ م سباستین دل کانو نخستین ناخدایی است که با کشتی به دور دنیا می‌گردد.	۱۵۲۷_۱۵۳۶ م کاوسا دل واکا در جنوب آمریکای شمالی کاوش می‌کند. ۱۵۳۱_۱۵۳۲ م فرانسیسکو پیثارو در پرو کاوش می‌کند و بر اینکاها پیروز می‌شود. ۱۵۳۵ م ژاک کارتیه در رود سنت لارنس برای فرانسه کاوش می‌کند.	۱۵۴۱ م ارناندو دِ سوتو، سرباز اسپانیایی، می‌سی‌سی‌پی را کشف می‌کند. ۱۵۵۳_۱۵۵۴ م ریچارد چانسلر تجارت میان انگلستان و مسکو را آغاز می‌کند و از راه دریای سفید به مسکو می‌رسد.	۱۵۷۷_۱۵۸۰ م فرانسیس دریک انگلیسی با کشتی دنیا را دور می‌زند.	۱۵۸۴ م سر والتر رالی شروع به مهاجرنشین کردن ویرجینیا می‌کند. ۱۵۹۶_۱۵۹۷ م ویلم بارنتس، دریانورد هلندی، هنگام تلاش برای یافتن گذرگاه شمال شرقی می‌میرد.
فناوری	۱۵۰۲ م پتر هنلاین آلمانی نخستین ساعت جیبی را می‌سازد. ۱۵۰۷ م نام آمریکا برای نخستین بار روی نقشه‌ها ظاهر می‌شود. ۱۵۲۰ م نخستین بوقلمون‌ها از آمریکا به اروپا وارد می‌شوند.	۱۵۲۳ م آنتونی فیتس‌هربرت نخستین راهنمای کشاورزی را به زبان انگلیسی می‌نویسد. ۱۵۲۸ م میکلانژ استحکاماتی را برای شهر فلورانس ایتالیا طراحی می‌کند. ۱۵۳۰ م پاراسلسوس، پزشک سوییسی، کتابی دربارهٔ پزشکی می‌نویسد.	۱۵۴۳ م نیکولاوس کوپرنیک اعلام می‌کند که کرهٔ زمین به دور خورشید می‌گردد. ۱۵۵۱ م لئونارد دیگس دوربین زاویه‌سنج را اختراع می‌کند که برای نقشه‌برداری به کار می‌رود. ۱۵۵۷ م یولیوس اسکالیگر ایتالیایی پلاتین فلزی را کشف می‌کند.	۱۵۶۹ م گراردوس مرکاتور نقشه‌های مرکاتور را ابداع می‌کند. ۱۵۷۰ م دوربین تاریک یا دوربین سوراخ سوزنی اختراع می‌شود. ۱۵۷۳ م تیکو براهه، ستاره‌شناس دانمارکی، ثابت می‌کند که ستاره‌ها بسیار دورتر از ماه هستند.	۱۵۸۹ م ویلیام لی در انگلستان ماشین بافندگی را اختراع می‌کند. ۱۵۹۲ م گالیلهٔ ایتالیایی یک دماسنج ابتدایی اختراع می‌کند. ۱۶۰۰ م ویلیام گیلبرت انگلیسی نظریه‌اش را که «کرهٔ زمین یک مغناطیس غول‌پیکر است» مطرح می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۵۰۳ م لئوناردو داوینچی تابلوی مونالیزا را نقاشی می‌کند.	۱۵۳۲ م فرانسوا رابلهٔ فرانسوی کتاب طنزآمیز پانتاگروئل را می‌نویسد. ۱۵۳۸ م نخستین اشعار عاشقانهٔ پنج‌بخشی منتشر می‌شوند.	۱۵۴۳ م بنونوتو چلینی یک ظرف تزیینی طلایی مخصوص نمک برای شاه فرانسه می‌سازد. ۱۵۴۵ م نخستین نمایشگاه دائمی کتاب در لایپزیگ آلمان برگزار می‌شود. ۱۵۴۸ م ساخت کاخ پیتی در فلورانس آغاز می‌شود.	۱۵۷۰ م آندرئا پالادیو کتاب تأثیرگذاری در زمینهٔ معماری می‌نویسد. ۱۵۷۲ م لوئیش دِ کاموئینش پرتغالی شعر حماسی اوس لوزیاداش را می‌سراید. ۱۵۷۶ م نخستین تماشاخانهٔ انگلستان در لندن افتتاح می‌شود.	۱۵۸۷ م کریستوفر مارلو اهل انگلستان نمایشنامهٔ تیمور لنگ کبیر را می‌نویسد. ۱۵۹۰_۱۵۹۴ م ویلیام شکسپیر انگلیسی نوشتن نمایشنامه را آغاز می‌کند.
دین	۱۵۰۷ م کلیسا فروش آمرزش نامهٔ گناهان را آغاز می‌کند تا مخارج ساخت کلیسای جامع پطرس قدیس در روم را فراهم کند. ۱۵۱۷ م مارتین لوتر اصلاحات را در اروپا آغاز می‌کند. ۱۵۱۹ م اولریش تسوینگلی کلیسا را در سوییس اصلاح می‌کند.	۱۵۲۶ م سوئد به آیین پروتستان می‌گرود. ۱۵۳۴ م کلیسای انگلیس از روم جدا می‌شود و شاه انگلیس رهبر آن می‌شود. ۱۵۳۴ م ایگناتیوس لویولای اسپانیایی فرقهٔ یسوعی را تأسیس می‌کند.	۱۵۴۵ م شورای ترنت جنبش ضد اصلاحات را آغاز می‌کند. ۱۵۴۹ م هیئت‌های مبلغان یسوعی به برزیل و ژاپن فرستاده می‌شوند. ۱۵۵۵ م در انگلستان تعقیب و آزار پروتستان‌ها آغاز می‌شود؛ بسیاری از آن‌ها سوزانده می‌شوند.	۱۵۶۰ م اسکاتلند از کلیسای کاتولیک روم جدا می‌شود. ۱۵۷۰ م پاپ پیوس پنجم الیزابت، ملکهٔ انگلستان، را تکفیر می‌کند. ۱۵۷۲ م قتل‌عام سنت بارتولومیو: پروتستان‌های فرانسه کشته می‌شوند.	۱۵۹۰_۱۵۹۲ م سه پاپ در یک دورهٔ سه‌ماهه می‌میرند. ۱۵۹۳ م در انگلستان رفتن به کلیسا در یکشنبه‌ها اجباری می‌شود.
زندگی روزمره	۱۵۰۴ م نخستین شیلینگ‌ها [واحد پول] در انگلستان ضرب می‌شوند. ۱۵۱۷ م برای نخستین بار قهوه به اروپا وارد می‌شود. ۱۵۱۹ م ارناندو کورتز اسب را به آمریکای جنوبی وارد می‌کند.	۱۵۲۵ م گیاه رازک از فرانسه به انگلستان وارد می‌شود. ۱۵۲۸ م شیوع گستردهٔ طاعون خیارکی به انگلستان صدمه می‌زند. ۱۵۳۱ م ستارهٔ دنباله‌دار هالی بازمی‌گردد و باعث وحشت زیادی می‌شود.	۱۵۴۷ م آتش‌سوزی مسکو را ویران می‌کند. ۱۵۵۰ م در ایتالیا بازی بیلیارد رواج می‌یابد. ۱۵۵۵ م توتون از آمریکا به اسپانیا وارد می‌شود.	۱۵۶۰ م مادرید پایتخت اسپانیا می‌شود. ۱۵۶۵ م برای نخستین بار سیب‌زمینی از آمریکا به اسپانیا وارد می‌شود. ۱۵۶۸ م آبجوی داخل بطری اول بار در لندن رواج می‌یابد.	۱۵۸۲ م بیشتر کشورهای کاتولیک رومی تقویم جدید گرگوری را اختیار می‌کنند. ۱۵۹۶ م گوجه‌فرنگی از آمریکا به اروپا وارد می‌شود. ۱۵۹۶ م سر جان هرینگتون انگلیسی نخستین توالت را اختراع می‌کند.

	۱۶۰۰_۱۶۲۰	۱۶۲۰_۱۶۴۰	۱۶۴۰_۱۶۶۰	۱۶۶۰_۱۶۸۰	۱۶۸۰_۱۷۰۰
سیاست	۱۶۰۳ م جیمز ششم شاه اسکاتلند، با عنوان جیمز اول، شاه انگلستان می‌شود و این دو پادشاهی را وحدت می‌بخشد. ۱۶۱۴ م مجلس طبقاتی فرانسه تا سال ۱۷۸۹ م منحل می‌شود. ۱۶۱۸_۱۶۴۸ م جنگ سی‌ساله بیشتر اروپا را فرامی‌گیرد.	۱۶۲۴ م کاردینال ریشلیو در فرانسه قدرت مطلق پیدا می‌کند. ۱۶۲۹ م چارلز اول، شاه انگلستان، با مجلس به ستیز می‌پردازد و تا سال ۱۶۴۰ م بدون مجلس فرمانروایی می‌کند. ۱۶۳۷ م فرمانروایان منچو در چین کره را به کشوری تابع تبدیل می‌کنند.	۱۶۴۲ م جنگ داخلی انگلستان میان شاه، چارلز اول و مجلس درمی‌گیرد. ۱۶۴۹ م چارلز اول را گردن می‌زنند و انگلستان به جمهوری تحت فرمانروایی کرامول تبدیل می‌شود. ۱۶۶۰ م سلطنت در انگلستان تحت فرمانروایی چارلز دوم از سر گرفته می‌شود.	۱۶۶۲ م انگلستان آخرین مستعمرهٔ فرانسوی خود، دانکرک، را به فرانسه می‌فروشد. ۱۶۶۴ م انگلستان هلند جدید (نیویورک امروزی) را از دست هلند بیرون می‌آورد. ۱۶۶۵_۱۶۷۴ م انگلستان با جمهوری هلند در حال جنگ است.	۱۶۸۶ م فرانسه جزیرهٔ ماداگاسکار را به مستعمرات خود ملحق می‌کند. ۱۶۸۸_۱۶۸۹ م طی انقلابی مسالمت‌آمیز در انگلستان، جیمز دوم کاتولیک از تاج و تخت برکنار می‌شود؛ تاج و تخت را به ویلیام سوم و مری دوم پروتستان می‌دهند.
کاوشگری	۱۶۰۵ م ساموئل دو شامپلن فرانسوی در ساحل نووا اسکوتیا کاوش می‌کند. ۱۶۱۵ م لویس وائس دِ تورس تنگهٔ میان استرالیا و گینهٔ نو را کشف می‌کند. ۱۶۲۰ م پدران زائر با کشتی میفلاور به آمریکا می‌روند و مهاجرنشین پلیموث را تأسیس می‌کنند.	۱۶۱۳ م پدرو پائز اسپانیایی سرچشمهٔ رود نیل آبی را در اتیوپی کشف می‌کنند. ۱۶۲۷ م توماس هربرت انگلیسی در ایران کاوش می‌کند. ۱۶۳۷_۱۶۳۹ م پدرو تیشیشیرای پرتغالی در رود آمازون کاوش می‌کند.	۱۶۴۲ م آبل تاسمان هلندی نیوزیلند و تاسمانی را کشف می‌کند. ۱۶۵۰ م مبلغان فرانسیسی در بالادست رود آمازون کاوش می‌کنند. ۱۶۵۱ م پیشگامان هلندی شروع به سکونت در دماغهٔ امید نیک می‌کنند.	۱۶۷۳ م ژاک مارکت و لویی ژولیهٔ فرانسوی در می‌سی‌سی‌پی کاوش می‌کنند. ۱۶۷۹ م لویی دو انپن و رنه کاوالیهٔ فرانسوی به آبشارهای نیاگارا می‌رسند.	۱۶۸۶ م ویلیام دامپیر انگلیسی در ساحل شمالی استرالیا کاوش می‌کند. ۱۶۸۹ م لویی دو لائونتان فرانسوی به دریاچهٔ بزرگ نمک در یوتا می‌رسد.
فناوری	۱۶۰۸ م هانس لیپرسهای هلندی میکروسکوپ را اختراع می‌کند. ۱۶۱۰ م گالیلهٔ ایتالیایی با استفاده از تلسکوپ قمرهای سیارهٔ مشتری را کشف می‌کند. ۱۶۱۳ م گالیله معتقد است که کرهٔ زمین به دور خورشید می‌گردد.	۱۶۲۲ م ویلیام اوترد، ریاضیدان انگلیسی، خط‌کش محاسبه را اختراع می‌کند. ۱۶۲۴ م ژان ون هلمونت، شیمیدان فلاندری، واژهٔ «گاز» را ابداع می‌کند. ۱۶۳۷ م پی‌یر فرما و رنه دکارت فرانسویْ هندسهٔ تحلیلی را توسعه می‌دهند.	۱۶۴۲ م بلز پاسکال فرانسوی ماشین حساب را طراحی می‌کند. ۱۶۴۲ م اوانجلیستا توریچلی ایتالیایی فشارسنج را اختراع می‌کند. ۱۶۵۰ م اوتو فون گریکه آلمانی تلمبهٔ هوایی را اختراع می‌کند.	۱۶۶۵ م اسحاق نیوتن انگلیسی حساب را تکمیل می‌کند. ۱۶۷۵ م رصدخانهٔ سلطنتی گرینویچ در انگلستان تأسیس می‌شود. ۱۶۷۹ م دنیز پاپَن فرانسوی دیگ زودپز را اختراع می‌کند.	۱۶۸۲ م ادموند هالی انگلیسی ستارهٔ دنباله‌داری را رصد می‌کند که از روی نام او «هالی» نامیده می‌شود. ۱۶۸۴ م رابرت هوک انگلیسی دستگاه سنجش انکسار نور را اختراع می‌کند. ۱۶۹۸ م توماس سیوری انگلیسی نخستین تلمبهٔ بخار را اختراع می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۶۰۵ م میگل دِ سروانتس اسپانیایی بخش نخست دون کیشوت را می‌نویسد. ۱۶۰۷ م کلاودیو مونتورده، آهنگساز ایتالیایی در مانتوی مشغول به کار است. ۱۶۱۱ م مسجد شاه [امام] در اصفهانِ ایران ساخته می‌شود.	۱۶۲۳ م فولیوی اول بیشتر نمایشنامه‌های شکسپیر را چاپ می‌کند. ۱۶۲۴ م فرانتس هالس هلندی تابلوی شهسوار خندان را نقاشی می‌کند. ۱۶۳۳ م جان میلتون انگلیسی شعرهای آلگرو و پنسروسو را می‌سراید.	۱۶۴۲ م رامبراند وان راین هلندی تابلوی نگهبان شبّ را نقاشی می‌کند. ۱۶۵۲ م وین نخستین تالار اپرای خود را می‌گشاید. ۱۶۶۰ م ساموئل پیپس، کارمند انگلیسی، نوشتن خاطرات روزانه خود را آغاز می‌کند.	۱۶۶۲ م ساخت کاخ ورسای لویی چهاردهم در فرانسه آغاز می‌شود. ۱۶۶۷ م میدان ستون‌دار پطرس قدیس در رم تکمیل می‌شود. ۱۶۷۷ م جان درایدن ملک‌الشعرای انگلستان است.	۱۶۸۸ م آفرا بِن نخستین نویسندهٔ حرفه‌ای زن در انگلستان است. ۱۶۹۲ م هنری پرسل انگلیسی اپرای ملکهٔ جادویی را تصنیف می‌کند.
دین	۱۶۰۴ م جیمز اول، شاه انگلستان، کاتولیک‌های رومی و پاک‌دینان را تحت فشار قرار می‌دهد. ۱۶۱۱ م نسخهٔ مجاز کتاب مقدس در انگلیس منتشر می‌شود. ۱۶۱۶ م پروتستان‌ها در بوهم تحت فشار قرار می‌گیرند.	۱۶۳۳ م کلیسای کاتولیک گالیله را وادار می‌کند که بگوید خورشید به دور زمین می‌گردد. ۱۶۳۴ م نخستین تعزیهٔ مسیح در اوبرامرگائو برای شکرگزاری به جهت نجات از طاعون اجرا می‌شود. ۱۶۳۷ م ژاپن فعالیت مبلغان مسیحی را ممنوع می‌کند.	۱۶۴۵ م آیین پرسبیتری دین رسمی انگلستان می‌شود. ۱۶۴۸ م جورج فاکس جامعهٔ دوستان (کواکرها) را تأسیس می‌کند. ۱۶۵۰ م جیمز آشر ایرلندی، اسقف اعظم، می‌گوید آفرینش در ۴۰۰۴ ق.م اتفاق افتاده است.	۱۶۶۲ م انگلستان وعظ کشیشان مخالف کلیسای انگلستان را ممنوع می‌کند. ۱۶۷۸_۱۶۸۴ م جان بانین انگلیسی سیر و سلوک زائر را می‌نویسد.	۱۶۸۴ م مادر اینکریز واعظی مهم در ماساچوست می‌شود. ۱۶۹۲ م پس از محاکمات جادوگران در سالم ماساچوست نوزده نفر به دار آویخته می‌شوند. ۱۶۹۹ م کشیشان کاتولیک رومی در انگلستان زندانی می‌شوند.
زندگی روزمره	۱۶۰۷ م استفاده از چنگال غذاخوری در انگلستان و فرانسه متداول می‌شود. ۱۶۱۰ م هلندی‌ها برای نخستین بار چای چینی را به اروپا وارد می‌کنند. ۱۶۱۹ م نخستین بردگان سیاه‌پوست در ویرجینیا به کار گرفته می‌شوند.	۱۶۲۵ م انگلستان دارای نخستین ماشین‌های آتش‌نشانی و کالسکه‌های اسبی می‌شود. ۱۶۲۶ م هلند جزایر منهتن را با پرداخت ۲۴ دلار از بومیان آمریکا می‌خرد.	۱۶۵۰ م انگلستان نخستین قهوه‌خانه را در آکسفورد دایر می‌کند و نوشیدن چای آغاز می‌شود. ۱۶۵۴ م پاریس برای نخستین بار از صندوق‌های پست استفاده می‌کند. ۱۶۵۸ بانک دولتی سوئد برای نخستین بار در اروپا اسکناس منتشر می‌کند.	۱۶۶۵ م طاعون به لندن آسیب‌های زیادی وارد می‌کند و ۶۸۵۹۶ نفر را می‌کشد. ۱۶۶۶ م آتش‌سوزی بیشتر لندن را ویران می‌کند و به طاعون در آن‌جا پایان می‌دهد. ۱۶۷۷ م بستنی در پاریس عمومیت پیدا می‌کند.	۱۶۸۳ م خرس‌های وحشی در بریتانیا منقرض می‌شوند. ۱۶۹۲ م قهوه‌خانهٔ لویدز در لندن تبدیل به شرکت بیمهٔ دریایی می‌شود. ۱۶۹۷ م آتش‌سوزی بیشتر کاخ وایتهال در لندن را ویران می‌کند.

	۱۷۰۰_۱۷۲۰	۱۷۲۰_۱۷۴۰	۱۷۴۰_۱۷۶۰	۱۷۶۰_۱۷۸۰	۱۷۸۰_۱۸۰۰
سیاست	۱۷۰۲ م آن، دختر جیمز دوم، وارث تاج و تخت انگلستان می‌شود. ۱۷۰۷ م انگلستان و اسکاتلند با عنوان بریتانیای کبیر یکپارچه می‌شوند. ۱۷۱۵ م شورش جاکوبی (استوارت) در انگلیس در برابر جورج اول، شاه جدید، به شکست می‌انجامد.	۱۷۲۱ م رابرت والپول اولین نخست‌وزیر انگلیس است (تا سال ۱۷۴۲ م). ۱۷۲۷_۱۷۲۸ م جنگ میان انگلیس و اسپانیا بر سر جبل‌الطارق.	۱۷۴۵_۱۷۴۶ م دومین قیام جکوبایت‌ها، به رهبری بانی پرینس چارلی، به شکست می‌انجامد. ۱۷۵۶ م جنگ هفت‌ساله در اروپا آغاز می‌شود. ۱۷۶۰ م جورج سوم شاه انگلیس (تا سال ۱۸۲۰ م) می‌شود.	۱۷۶۳ م جنگ هفت‌ساله پایان می‌گیرد: انگلیس مستعمره‌های فرانسه در هند و آمریکا را به دست می‌آورد. ۱۷۷۵_۱۷۸۳ م جنگ استقلال آمریکا در برابر انگلیس. ۱۷۷۶ م سیزده مهاجرنشین آمریکایی از انگلیس اعلام استقلال می‌کنند.	۱۷۸۹ م انقلاب فرانسه آغاز می‌شود. ۱۷۸۹ م جورج واشینگتن رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌شود. ۱۸۰۰ م ناپلئون بناپارت قدرت را در فرانسه به دست می‌گیرد.
کاوشگری	۱۷۰۸ م آلکساندر سلکرک، «رابینسون کروزوئه»ی اصلی، از جزیره‌ای دور از ساحل شیلی نجات می‌یابد. ۱۷۱۹ م برنار دو لا هارپ فرانسوی در رودهای آمریکای شمالی کاوش می‌کند.	۱۷۲۲ م یاکوپ روگوین هلندی جزیرهٔ ایستر و ساموا را کشف می‌کند. ۱۷۳۶ م آندرس سلسیوس هیئت اعزامی فرانسوی به لاپلند را سرپرستی می‌کند. ۱۷۴۰ م جورج آنسن انگلیسی سفر به دور دنیا (تا سال ۱۷۴۴ م) را آغاز می‌کند.	۱۷۴۱ م ویتوس برینگ در ساحل آلاسکا برای روسیه کاوش می‌کند. ۱۷۴۸ م پیشگامان آمریکایی از گذرگاه کامبرلند در کوه‌های آپالاش عبور می‌کنند.	۱۷۶۶ م لویی دو بوگنویل فرانسوی تاهیتی و گینهٔ نو را کشف می‌کند. ۱۷۶۸_۱۷۷۱ م جیمز کوک انگلیسی به نخستین سفر خود به دور دنیا می‌رود.	۱۷۹۰ م جورج ونکوور (انگلیسی) در ساحل شمال غرب آمریکا کاوش می‌کند. ۱۷۹۳ م آلکساندر مکنزی (انگلیسی) در شمال غرب کانادا کاوش می‌کند. ۱۷۹۵ م مانگو پارک، کاوشگر اسکاتلندی، در آفریقا در امتداد رود نیجر سفر می‌کند.
فناوری	۱۷۰۷ م یوهان بوتگر آلمانی چگونگی ساخت چینی محکم را کشف می‌کند. ۱۷۰۹ م آبراهام داربی انگلیسی استفاده از کُک برای ذوب آهن را متداول می‌کند. ۱۷۱۴ م گابریل فارنهایت آلمانی دماسنج جیوه‌ای می‌سازد.	۱۷۳۳ م جان کی انگلیسی ماسورهٔ پرنده اختراع می‌کند. ۱۷۳۵ م جان هریسون انگلیسی نخستین زمان‌سنج دقیق را می‌سازد. ۱۷۳۷ م یئوری برانت سوئدی کبالت را کشف می‌کند.	۱۷۴۲ م آندرس سلسیوس سوئدی دماسنج سانتیگراد را اختراع می‌کند. ۱۷۵۱ م کارل لینهٔ سوئدی کتاب راهنمای گیاه‌شناسی خود را منتشر می‌کند. ۱۷۵۲ م بنجامین فرانکلین آمریکایی میلهٔ برقگیر را اختراع می‌کند.	۱۷۶۹ م جیمز وات اسکاتلندی خازن بخار را اختراع می‌کند. ۱۷۶۹ م نیکلا کونیوی فرانسوی نخستین کالسکهٔ بخار جاده‌ای را اختراع می‌کند. ۱۷۷۳ م نخستین پل آهنی قالب‌ریزی‌شده در کولبروکدیل در انگلستان ساخته می‌شود.	۱۷۸۳ م برادران مونگولفیهٔ فرانسوی نخستین بالون هوای گرم را به هوا می‌فرستند. ۱۷۹۲ م کلود شاپ فرانسوی چراغ راهنمای خودکار را اختراع می‌کند. ۱۷۹۳ م الی ویتنی اهل ایالات متحده ماشین پنبه‌پاک‌کنی را اختراع می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۷۰۹ م بارتولومئو کریستوفوری ایتالیایی پیانو را اختراع می‌کند. ۱۷۱۰ م ساختمان کلیسای جامع پولس قدیس در لندن تکمیل می‌شود. ۱۷۱۹ م دانیل دفو بخش نخست رابینسون کروزوئه را می‌نویسد.	۱۷۲۱ م ی. س. باخ آلمانی کنسرتوهای براندنبورگ را تصنیف می‌کند. ۱۷۳۵ م مدرسهٔ بالهٔ امپراتوری در سن‌پترزبورگِ روسیه افتتاح می‌شود. ۱۷۳۷ م انگلستان شروع به سانسور نمایشنامه‌ها می‌کند.	۱۷۴۱ م گئورگ فردریک هندل آلمانی آهنگ مسیح را در انگلستان تصنیف می‌کند. ۱۷۴۷ م ساموئل جانسون انگلیسی نوشتن فرهنگ لغات خود را آغاز می‌کند. ۱۷۵۱_۱۷۷۲ م دانشمندان فرانسوی دانشنامه تألیف می‌کنند.	۱۷۶۸ م فرهنگستان سلطنتی هنرها در لندن تأسیس می‌شود. ۱۷۷۳ م یوهان فون گوتهٔ آلمانی نخستین نسخهٔ فاوست را می‌نویسد. ۱۷۷۸ م در میلان ایتالیا تالار اپرای لا اسکالا افتتاح می‌شود.	۱۷۸۶ م در اسکاتلند، رابرت برنز نخستین کتاب اشعارش را منتشر می‌کند. ۱۷۹۰ م در اتریش موتسارت اپرای کوزه فان توته را تصنیف می‌کند. ۱۷۹۳ م ساخت عمارت کنگرهٔ آمریکا در واشینگتن دی‌سی آغاز می‌شود.
دین	۱۷۱۶ م امپراتور چین تعلیم مسیحیت را ممنوع می‌کند. ۱۷۱۹ م دونکاردها، برادران تعمیددهندهٔ آلمانی، در پنسیلوانیا ساکن می‌شوند.	۱۷۳۰ م جان و چارلز وسلی نهضت متُدیستی را بنیان‌گذاری می‌کنند. ۱۷۳۴ م قرآن به زبان انگلیسی ترجمه می‌شود. ۱۷۳۷ م آلکساندر کرودن انگلیسی کشف‌الآیات کتاب مقدس را تألیف می‌کند.	۱۷۵۹ م یسوعی‌ها از پرتغال و مستعمرات آن اخراج می‌شوند.	۱۷۶۶ م کاترین کبیر، ملکهٔ روسیه، به ملت خود آزادی عبادت اعطا می‌کند. ۱۷۶۷ م یسوعی‌ها از اسپانیا اخراج می‌شوند. ۱۷۷۶ م آن لی عارف نخستین مهاجرنشین فرقهٔ شیکر را در آمریکا ایجاد می‌کند.	۱۷۸۱ م مدارای مذهبی در اتریش اعلام می‌شود. ۱۷۸۵ م ایالت ویرجینیا قانون آزادی مذهبی را تصویب می‌کند. ۱۷۹۰ م به یهودیان در فرانسه آزادی‌های مدنی اعطا می‌شود.
زندگی روزمره	۱۷۱۱ م شرکت دریایی جنوب مسئولیت بیش از نه میلیون پوند وام ملی بریتانیا را به عهده می‌گیرد. ۱۷۱۲ م آخرین اعدام یک ساحره در انگلستان اتفاق می‌افتد. ۱۷۲۰ م شرکت دریایی جنوبی ورشکست می‌شود؛ هزاران نفر از مردم مال‌باخته می‌شوند.	۱۷۲۲ م توماس گای، کتابفروش انگلیسی، به تأسیس بیمارستان گای در لندن کمک می‌کند. ۱۷۲۵ م شهر نیویورک نخستین روزنامهٔ خود، روزنامهٔ نیویورک گ، را منتشر می‌کند. ۱۷۲۷ م برزیل نخستین کشتزار قهوهٔ خود را ایجاد می‌کند.	۱۷۴۴ م نخستین مسابقهٔ رسمی کریکت در انگلیس (کنت در مقابل همهٔ انگلستان) برگزار می‌شود. ۱۷۵۲ م انگلیس با حذف یازده روز، تقویم گرگوری را اختیار می‌کند. ۱۷۵۵ م زمین‌لرزه جان سی هزار نفر را در لیسبون می‌گیرد.	۱۷۶۸ م انتشار دایرةالمعارف بریتانیکا در بخش‌های هفتگانه آغاز می‌شود. ۱۷۷۰ م در پاریس نخستین رستوران عمومی دایر می‌شود. ۱۷۷۹ م نخستین مسابقهٔ اسبدوانی دربی در اپسوم انگلستان برگزار می‌شود.	۱۷۸۷ م ایالات متحده پرچم ستاره‌ها و نوارها را اختیار می‌کند. ۱۷۹۲ م دانمارک تجارت برده را لغو می‌کند. ۱۷۹۲ م ویلیام مرداک اسکاتلندی نخستین کسی است که خانه‌اش را با گاز روشن می‌کند.

	۱۸۰۰_۱۸۲۰	۱۸۲۰_۱۸۴۰	۱۸۴۰_۱۸۶۰	۱۸۶۰_۱۸۸۰	۱۸۸۰_۱۹۰۰
سیاست	۱۸۰۱ م «قانون اتحاد»، انگلیس و ایرلند را وحدت می‌بخشد. ۱۸۰۳ م ایالات متحدهٔ آمریکا لوئیزیانا را از فرانسه می‌خرد. ۱۸۰۴ م ناپلئون امپراتور فرانسه می‌شود و سرانجام در ۱۸۱۵ م شکست می‌خورد.	۱۸۲۱ م سیمون بولیوار ونزوئلا را از سلطهٔ اسپانیا آزاد می‌کند. ۱۸۲۲ م برزیل از پرتغال مستقل می‌شود. ۱۸۳۷ م ملکه ویکتوریا در هجده‌سالگی در انگلستان به سلطنت می‌رسد.	۱۸۴۵ م ایالات متحده، تکزاس را به خاک خود ملحق می‌کند. ۱۸۴۸ م سال انقلاب‌ها در اتریش، فرانسه، آلمان، ایتالیا و مجارستان. ۱۸۵۳_۱۸۵۶ م جنگ کریمه: انگلیس، فرانسه و عثمانی با روسیه می‌جنگند.	۱۸۶۱_۱۸۶۵ م جنگ داخلی آمریکا: یازده ایالت از اتحادیه جدا می‌شوند. ۱۸۶۵ م آبراهام لینکلن، رئیس‌جمهور آمریکا، ترور می‌شود؛ جنگ داخلی پایان می‌یابد. ۱۸۶۷ م ایالات متحده با پرداخت هفت میلیون و دویست هزار دلار آلاسکا را می‌خرد.	۱۸۸۱ م جیمز گارفیلد، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ترور می‌شود. ۱۸۸۳ م جدال بر سر مستعمرات اروپایی در آفریقا آغاز می‌شود. ۱۸۹۹ م جنگ بوئر (تا سال ۱۹۰۲ م) در آفریقای جنوبی آغاز می‌شود.
کاوشگری	۱۸۰۳_۱۸۰۶ م هیئت اعزامی لویس و کلارک از شرق تا غرب آمریکای شمالی می‌روند. ۱۸۱۲ م ویلیام مورکرافت (انگلیسی) در تبت کاوش می‌کند. ۱۸۲۲_۱۸۲۵ م دنم دیکسون و انگلیسی‌هایی دیگر از صحرای وسیع شمال آفریقا عبور می‌کنند.	۱۸۲۹ م چارلز استرت رود ماری را در استرالیا پیدا می‌کند. ۱۸۳۱ م جیمز کلارک راس انگلیسی به قطب مغناطیسی شمال می‌رود. ۱۸۴۰_۱۸۴۱ م ادوارد ایر از دشت نالربور استرالیا عبور می‌کند.	۱۸۵۲_۱۸۵۶ م دیوید لیوینگستون (انگلیسی) در رود زامبزی کاوش می‌کند. ۱۸۵۴ م ریچارد برتون انگلیسی در شرق آفریقا، از جمله اتیوپی، کاوش می‌کند. ۱۸۵۸ م جان اسپک و ریچارد برتون دریاچهٔ تانگانیکا را کشف می‌کنند.	۱۸۷۱ م هنری استانلی به جستجوی لیوینگستون فرستاده می‌شود و او را در اوجیجی می‌یابد. ۱۸۷۲ م کشتی انگلیسی مبارز کاوش جهانی اقیانوس‌ها را آغاز می‌کند. ۱۸۷۹ م نیلس نوردنشولد سوئدی با کشتی از میان گذرگاه شمال شرق می‌گذرد.	۱۸۸۲ م ادالفس گریلی (اهل ایالات متحده) در گروئنلند و قطب شمال کاوش می‌کند. ۱۸۸۸_۱۸۹۲ م امین پاشای آلمانی در آفریقای مرکزی کاوش می‌کند. ۱۸۹۳ م فریتیوف نانسن نروژی می‌کوشد به قطب شمال برود، اما موفق نمی‌شود.
فناوری	۱۸۱۴ م جورج استیونسون (انگلیسی) نخستین لوکوموتیو بخار کارآمد را می‌سازد. ۱۸۱۵ م هامفری دیوی (انگلیسی) چراغ ایمنی معدنچیان را اختراع می‌کند. ۱۸۱۶ م رنه لانک فرانسوی گوشی پزشکی را اختراع می‌کند.	۱۸۲۵ م نخستین راه‌آهن مسافربری در شمال انگلستان افتتاح می‌شود. ۱۸۲۷ م ژوزف نیپس فرانسوی نخستین عکس جهان را می‌گیرد. ۱۸۳۴ م سایروس مک‌کورمیک آمریکایی ماشین درو را اختراع می‌کند.	۱۸۴۴ م ساموئل مورس هنرمند آمریکایی کاربرد الفبای مورس را نشان می‌دهد. ۱۸۴۷ م جیمز سیمپسون انگلیسی از کلوروفورم به عنوان داروی بی‌هوشی استفاده می‌کند. ۱۸۶۰ م کریستوفر اسکولز آمریکایی یک ماشین تحریر کارآمد اختراع می‌کند.	۱۸۷۳ م جوزف گلایدن آمریکایی سیم خاردار را ابداع می‌کند. ۱۸۷۶ م آلکساندر گراهام بل (انگلیسی ـ آمریکایی) تلفن را اختراع می‌کند. ۱۸۷۹ م لامپ‌های برق اختراع می‌شوند.	۱۸۸۵ م کارل بنز آلمانی نخستین اتومبیل را می‌سازد. ۱۸۹۵ م گولیلمو مارکونی ایتالیایی تلگراف بی‌سیم را اختراع می‌کند. ۱۹۰۰ م گراف فون تسپلین (آلمانی) بالون هیدروژنی را اختراع می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۸۰۱ م یوزف هایدن اتریشی اوراتوریوی فصل‌ها را تصنیف می‌کند. ۱۸۱۳ م فرانتس شوبرت اتریشی نخستین سمفونی خود را می‌نویسد. ۱۸۱۴ م والتر اسکات نخستین داستان بلند خود، ویورلی، را می‌نویسد.	۱۸۲۲ م فرهنگستان سلطنتی موسیقی در لندن تأسیس می‌شود. ۱۸۳۵ م هانس کریستین اندرسن نخستین قصه‌های پریان خود را در دانمارک منتشر می‌کند.	۱۸۴۳ م ریشارد واگنر آلمانی اپرای مرد آلمانی پرنده را تصنیف می‌کند. ۱۸۴۶ م آدولف ساکس بلژیکی ساکسیفون را اختراع می‌کند. ۱۸۶۰ م جورج الیوت (مری آن اونز) انگلیسی آسیاب کنارِ فلوس را می‌نویسد.	۱۸۶۸ م لوئیزا م. الکات زنان کوچک را می‌نویسد. ۱۸۷۴ م جنبش امپرسیونیستی در نقاشی در پاریس آغاز می‌شود. ۱۸۷۵ م گیلبرت و سالیوان نخستین اپرای غیرجدی خود، محاکمه به وسیلهٔ هیئت منصفه، را روی صحنه می‌آورند.	۱۸۸۳ م دانشکدهٔ سلطنتی موسیقی در لندن تأسیس می‌شود. ۱۸۸۴ م مارک تواین هاکلبری فین را می‌نویسد. ۱۸۹۵ م کنسرت‌های ایستاده در لندن آغاز می‌شوند.
دین	۱۸۰۴ م انجمن کتاب مقدس بریتانیا و کشورهای دیگر در لندن تشکیل می‌شود. ۱۸۰۸ م ناپلئون تفتیش عقاید را در ایتالیا و اسپانیا برمی‌دارد. ۱۸۱۲ م محدودیت‌های مخالفان کلیسای انگلستان در این کشور کاهش می‌یابد.	۱۸۲۶ م یسوعیان اجازه می‌یابند به فرانسه بازگردند. ۱۸۲۷ م جان نلسون داربی فرقهٔ برادران پلیموت را تأسیس می‌کند. ۱۸۳۰ م جوزف اسمیت کلیسای قدیسان امروزی (مورمون‌ها) را تأسیس می‌کند.	۱۸۴۶ م مورمون‌های ایالات متحده مهاجرت به دریاچهٔ بزرگ نمک در یوتا را شروع می‌کنند. ۱۸۵۴ م پاپ پیوس نهم آبستنی مقدس را به عنوان اصل اعتقادی اعلام می‌کند.	۱۸۶۵ م ویلیام بوت سپاه رستگاری را در انگلیس تأسیس می‌کند. ۱۸۷۱ م چارلز راسل فرقهٔ شاهدان یهوه را تأسیس می‌کند. ۱۸۷۹ م مری بیکر ادی کلیسای دانش مسیحی را تأسیس می‌کند.	۱۸۹۰ م جیمز فریزر انگلیسی شاخهٔ زرین: پژوهشی در جادو و دین را می‌نویسد. ۱۸۹۶ م تئودور هرتسل اتریشی طرح ایجاد کشور یهودی در فلسطین را می‌دهد.
زندگی روزمره	۱۸۰۷ م انگلیس به تجارت برده پایان می‌دهد. ۱۸۱۵ م آتشفشان تامبورا در اندونزی فوران می‌کند؛ پنجاه هزار نفر کشته می‌شوند. ۱۸۱۹ م آزادی مطبوعات در فرانسه تضمین می‌شود.	۱۸۲۹ م نخستین مسابقهٔ قایقرانی آکسفورد و کمبریج در رود تمز در لندن برگزار می‌شود. ۱۸۳۴ م آتش‌سوزی خانه‌های مجلس انگلیس را ویران می‌کند. ۱۸۴۰ م پست پولی و تمبر چسب‌دار در انگلیس رواج می‌یابد.	۱۸۴۴ م نخستین انجمن تعاونی در راچدیلِ انگلستان تشکیل می‌شود. ۱۸۵۱ م نمایشگاه بزرگ در هاید پارکِ لندن برگزار می‌شود. ۱۸۵۵ م انگلیس عوارض تمبر روی روزنامه‌ها را لغو می‌کند.	۱۸۶۴ م لویی پاستور فرانسوی روش پاستوریزه کردن را ابداع می‌کند. ۱۸۶۸ م نخستین مجمع اتحادیهٔ اصناف در انگلیس جلسه تشکیل می‌دهد. ۱۸۷۴ م والتر وینگفیلد ورزش تنیس روی چمن را ابداع می‌کند.	۱۸۸۷ م ملکه ویکتوریا پنجاهمین سالگرد سلطنت خود بر بریتانیا را جشن می‌گیرد. ۱۹۰۰ م حزب کارگر در انگلیس تأسیس می‌شود.

	۱۹۱۰_۱۹۰۰	۱۹۲۰_۱۹۱۰	۱۹۳۰_۱۹۲۰	۱۹۴۰_۱۹۳۰	۱۹۵۰_۱۹۴۰
سیاست	۱۹۰۱ م ادوارد هفتم در مقام شاه انگلیس جانشین ویکتوریا می‌شود. ۱۹۰۲ م جنگ بوئر پایان می‌گیرد. ۱۹۰۴_۱۹۰۵ م جنگ روسیه با ژاپن؛ ژاپن پیروز می‌شود.	۱۹۱۱ م چین پس از دو هزار سال امپراتوری به جمهوری تبدیل می‌شود. ۱۹۱۴_۱۹۱۸ م جنگ جهانی اول: حدود ده میلیون سرباز کشته می‌شوند. ۱۹۱۷ م انقلاب اکتبر در روسیه: لنین و بلشویک‌ها قدرت را به دست می‌گیرند.	۱۹۲۲ م بنیتو موسولینی حکومتی فاشیستی در ایتالیا تشکیل می‌دهد. ۱۹۲۴ م ژوزف استالین رهبر اتحاد شوروی می‌شود. ۱۹۲۴ م برای نخستین بار در انگلیس حزب کارگر دولت تشکیل می‌دهد.	۱۹۳۳ م آدولف هیتلر، رهبر نازی‌ها، دیکتاتور آلمان می‌شود. ۱۹۳۶_۱۹۳۹ م جنگ داخلی اسپانیا. ۱۹۳۹ م با حملهٔ آلمان و اتحاد شوروی به لهستان، جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود.	۱۹۴۱ م به دنبال حملهٔ ژاپن به پرل هاربر، ایالات متحده به جنگ جهانی دوم کشیده می‌شود. ۱۹۴۵ م با تسلیم آلمان و ژاپن، جنگ جهانی دوم پایان می‌گیرد. ۱۹۴۵_۱۹۵۱ م حزب کارگر در انگلیس به قدرت بازمی‌گردد؛ بسیاری از صنایع ملی می‌شوند.
کاوشگری	۱۹۰۱_۱۹۰۳ م اریش فون دروگالسکی آلمانی در جنوبگان کاوش می‌کند. ۱۹۰۷_۱۹۰۹ م ارنست شکلتون انگلیسی به نزدیکی‌های قطب جنوب می‌رسد. ۱۹۰۹ م رابرت پیری آمریکایی به قطب شمال می‌رسد.	۱۹۱۱ م روئال آمونسن نروژی نخستین گروه را برای رسیدن به قطب جنوب رهبری می‌کند. ۱۹۱۲ م رابرت فالکون اسکات انگلیسی نیز به قطب جنوب می‌رود، اما در راه بازگشت می‌میرد. ۱۹۱۹ م الکاک و براون نخستین پرواز بدون توقف از روی اقیانوس اطلس را انجام می‌دهند.	۱۹۲۶ م ریچارد بِرد و فلوید بِنِت آمریکایی بر فراز قطب شمال پرواز می‌کنند. ۱۹۲۶ م اومبرتو نوبیل نروژی با بالون بر فراز قطب شمال پرواز می‌کند. ۱۹۲۹ م ریچارد بِرد بر فراز قطب جنوب پرواز می‌کند.	۱۹۳۱ م طی اقدامی مخاطره‌آمیز نخستین زیردریایی به زیر یخ‌های قطب شمال می‌رود. ۱۹۳۲ م اوگوست پیکار در یک بالون متناسب با لایهٔ استراتوسفر جو تا ارتفاع ۲۸ کیلومتری بالاتر از سطح دریا بالا می‌رود.	۱۹۴۶_۱۹۴۷ م طی عملیات پرش ارتفاع از ساحل جنوبگان از هوا نقشه‌برداری می‌شود. ۱۹۴۷ م تور هیردال نروژی با قایق کُن‌تیکی از میان اقیانوس اطلس از پرو به جزایر توآموتو می‌رود.
فناوری	۱۹۰۳ م در ایالات متحده برادران رایت برای نخستین بار با هواپیمای موتوری پرواز می‌کنند. ۱۹۰۷ م لویی لومیر فرانسوی عکس رنگی ظاهر می‌کند. ۱۹۰۹ م لویی بلریوی فرانسوی از روی کانال انگلیس عبور می‌کند.	۱۹۱۷ م ارنست رادرفورد انگلیسی اتم را می‌شکافد. ۱۹۱۹ م نخستین ماشین طیف‌نگار عمومی ساخته می‌شود. ۱۹۲۰ م نخستین ایستگاه پخش برنامهٔ عمومی در انگلیس افتتاح می‌شود.	۱۹۲۲ م انسولین برای نخستین بار به بیماران دیابتی داده می‌شود. ۱۹۲۵ م جان لوگی بِرد شکل ابتدایی تلویزیون را اختراع می‌کند. ۱۹۲۸ م آلکساندر فلمینگ به طور اتفاقی پنی‌سیلین را کشف می‌کند.	۱۹۳۵ م رادار برای ردیابی هواپیماها استفاده می‌شود. ۱۹۳۷ م فرانک وایتل نخستین موتورجت را می‌سازد. ۱۹۴۰ م هوارد فلوری یک داروی آنتی‌بیوتیک قوی به نام پنی‌سیلین تولید می‌کند.	۱۹۴۲ م نوار مغناطیسی ضبط صدا اختراع می‌شود. ۱۹۴۶ م ENIAC، نخستین کامپیوتر دیجیتال کاملاً برقی، اختراع می‌شود. ۱۹۴۸ م پیتر گولدمار صفحهٔ سی و سه دور را اختراع می‌کند.
فرهنگ و هنر	۱۹۰۱ م موسیقی رگتایم در آمریکا عمومیت می‌یابد. ۱۹۰۵ م نخستین سینمای دائمی در پیتسبرگ در پنسیلوانیا افتتاح می‌شود. ۱۹۰۹ م اجرای باله‌های روسی سیرگئی دیاگیلف در پاریس آغاز می‌شود.	۱۹۱۴ م چارلی چاپلین شخصیت سینمایی خود را در فیلم ولگرد پدید می‌آورد. ۱۹۱۶ م هنرمندان و شاعران جنبش دادائیستی را آغاز می‌کنند. ۱۹۱۷ م گروه جاز دیکسیلند اصلی در نیویورک تشکیل می‌شود.	۱۹۲۶ م آ. آ. میلن وینی پوه را می‌نویسد. ۱۹۲۷ م ترمین، نخستین آلت موسیقی برقی، اختراع می‌شود.	۱۹۳۵ م جورج گرشوین آمریکایی آهنگ پورگی و بِس را تصنیف می‌کند. ۱۹۳۷ م سفیدبرفی و هفت کوتوله نخستین فیلم کارتونی بلند تولید می‌شود. ۱۹۳۸ م نمایشنامهٔ رادیویی جنگ دنیاها باعث وحشت در ایالات متحده می‌شود.	۱۹۴۷ م خاطرات آن فرانک منتشر می‌شود. ۱۹۴۹ م جورج اورول داستان ۱۹۸۴ را می‌نویسد. ۱۹۵۰ م ساختمان سازمان ملل متحد در شهر نیویورک تکمیل می‌شود.
دین	۱۹۰۴ م آلمان ممنوعیت یسوعی‌ها را تا حدی برمی‌دارد. ۱۹۰۹ م نخستین مزارع اشتراکی یهودی در فلسطین تأسیس می‌شوند.	۱۹۱۲ م کلیسای اسکاتلند یک کتاب دعای اصلاح‌شده منتشر می‌کند. ۱۹۱۷ م اعلامیهٔ بالفور: انگلیس از وطنی برای یهودیان در فلسطین پشتیبانی می‌کند. ۱۹۲۰ م به ژاندارک مقام قدیسی داده می‌شود (قدیس خوانده می‌شود).	۱۹۲۴ م مهاتما گاندی در اعتراض به دشمنی مذهبی در هند روزه می‌گیرد. ۱۹۲۹ م کلیساهای پرسبیتری در اسکاتلند دوباره وحدت می‌یابند.	۱۹۳۲ م کلیساهای متدیستی در انگلیس دوباره وحدت می‌یابند (جداشده از سال ۱۷۹۷ م). ۱۹۳۳ م همهٔ کلیساهای پروتستان در آلمان وحدت می‌یابند. ۱۹۳۷ م هیتلر، پارسون مارتین نیمولر پروتستان را بازداشت می‌کند.	۱۹۴۶ م پاپ پیوس دوازدهم ۳۲ مقام کاردینالی جدید اعطا کرد. ۱۹۴۷ م طومارهای بحرالمیت در غارهایی در قُمرانِ اردن کشف می‌شوند. ۱۹۴۸ م شورای جهانی کلیساها تأسیس می‌شود.
زندگی روزمره	۱۹۰۲ م فوران کوه پوله در مارتینیک جان ۳۸ هزار نفر را می‌گیرد. ۱۹۰۳ م نخستین خرس‌های عروسکی در آلمان ساخته می‌شوند. ۱۹۰۶ م زلزله‌ای بیشتر سانفرانسیسکو را ویران می‌کند؛ سه هزار نفر کشته می‌شوند.	۱۹۱۲ م کشتی مسافربری تایتانیک در نخستین سفر خود غرق می‌شود؛ ۱۵۰۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند. ۱۹۱۸ م زنان انگلیسی بالای سی سال حق رأی به دست می‌آورند. ۱۹۱۸ م نخستین خدمت‌رسانی پست هوایی در ایالات متحده تأسیس می‌شود.	۱۹۲۰ م زنانِ در ایالات متحده حق رأی به دست می‌آورند. ۱۹۲۹ م ورشکستگی وال استریت: بزرگ‌ترین بحران اقتصادی جهان آغاز می‌شود. ۱۹۳۰ م انجمن خوابگاه‌های دانشجویی تأسیس می‌شود.	۱۹۳۲_۱۹۳۴ م باتلاق‌های پونتینه در ایتالیا خشک می‌شوند. ۱۹۳۴ م پنج‌قلوهای دیون در کانادا به دنیا می‌آیند. ۱۹۳۶ م شاه ادوارد هشتم برای ازدواج با والیس سیمپسونِ مطلقه از پادشاهی استعفا می‌دهد.	۱۹۴۱_۱۹۴۹ م جیره‌بندی اجباری لباس در لندن. ۱۹۴۵ م شکل تند موسیقی جاز متداول می‌شود. ۱۹۴۷ م برای اولین بار اجاق‌های مایکروویو برای فروش روانه بازار می‌شوند.

	۱۹۵۰_۱۹۶۰	۱۹۶۰_۱۹۷۰	۱۹۷۰_۱۹۸۰	۱۹۸۰_۱۹۹۰	۱۹۹۰_قرن ۲۱ م
سیاست	۱۹۵۶ م جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، آبراه سوئز را ملی اعلام می‌کند. ۱۹۶۰ م هفده مستعمرهٔ آفریقایی استقلال خود را از قدرت‌های اروپایی به دست می‌آورند.	۱۹۶۱ م کمونیست‌ها دیوار برلین را می‌سازند. ۱۹۶۳ م جان اف. کندی، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ترور می‌شود. ۱۹۶۵_۱۹۷۳ م جنگ ویتنام. ۱۹۶۷ م جنگ شش‌روزه میان اسرائیل و کشورهای عربی.	۱۹۷۴ م نیکسون، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به علت رسوایی واترگیت استعفا می‌دهد. ۱۹۷۹ م مارگارت تاچر اولین نخست‌وزیر زن در انگلیس می‌شود. ۱۹۸۰ م مارشال تیتو که از سال ۱۹۵۳ رهبر یوگسلاوی بود، می‌میرد.	۱۹۸۲ م حملهٔ آرژانتین به جزایر فالکلند به شکست می‌انجامد. ۱۹۸۹ م حکومت کمونیست‌ها در آلمان شرقی خاتمه می‌یابد؛ دیوار برلین ویران می‌شود.	۱۹۹۱ م فروپاشی اتحاد شوروی: جمهوری‌ها مستقل می‌شوند. ۱۹۹۱ م تجزیهٔ یوگسلاوی: جنگ داخلی منجر به دخالت ناتو می‌شود. ۲۰۰۱ م حملهٔ تروریستی به نیویورک و واشینگتن دی‌سی منجر به آغاز «جنگ با تروریسم» می‌شود.
کاوشگری	۱۹۵۷_۱۹۵۸ م برای نخستین بار ویوین فوخس انگلیسی از جنوبگان عبور می‌کند. ۱۹۵۸ م زیردریایی هسته‌ای ناوتیلوس ایالات متحده در زیر یخ‌های قطب شمال سفر می‌کند. ۱۹۶۰ م اتاقک زیردریایی تریست ۱۰۹۱۰ متر در گودال ماریانا پایین می‌رود.	۱۹۶۱ م یوری گاگارین روسی نخستین انسانی است که به فضا می‌رود. ۱۹۶۸ م سفینهٔ فضایی آپولو ۸ ایالات متحده برای نخستین بار به دور ماه می‌گردد. ۱۹۶۹ م نیل آرمسترانگ آمریکایی نخستین کسی است که بر روی ماه قدم می‌گذارد.	۱۹۷۱ م ماهواره‌های فضایی به دور مریخ می‌گردند و عکس‌هایی می‌فرستند. ۱۹۷۹_۱۹۸۹ م ماهوارهٔ فضایی کاوشگر ۲ بسیار دورتر می‌رود و از مشتری، زحل، اورانوس و نپتون عکس می‌گیرد.	۱۹۸۱ م نخستین سفینهٔ شاتل [رفت و برگشت] فضایی به نام کلمبیا به دور کرهٔ زمین می‌گردد. ۱۹۸۲ م ماهواره‌های فضایی شوروی روی سیارهٔ زهره فرود می‌آیند و عکس‌های رنگی می‌فرستند. ۱۹۸۴ م دو فضانورد ایالات متحده بدون اتصال به سفینهٔ فضایی خود در فضا پرواز می‌کنند.	۱۹۹۳ م دو فرد انگلیسی نخستین کسانی هستند که پیاده از جنوبگان عبور می‌کنند. ۱۹۹۷ م روبات ایالات متحده، که از زمین اداره می‌شود، در سطح مریخ کاوش می‌کند. ۲۰۰۰ م سفینهٔ پیمایشگر جهانی نشانه‌هایی از آب بر روی مریخ می‌یابد.
فناوری	۱۹۵۱ م ماشین قلب و ریه اختراع می‌شود. ۱۹۵۶ م آلبرت سابین واکسن قطره‌ای فلج اطفال را اختراع می‌کند. ۱۹۵۷ م اتحاد شوروی نخستین ماهواره‌های فضایی اسپوتنیک ۱ و اسپوتنیک ۲ را پرتاب می‌کند.	۱۹۶۳ م دو متخصص ژئوفیزیک انگلیسی نظریهٔ جابه‌جایی قاره‌ای را ثابت می‌کنند. ۱۹۶۷ م کریستیان بارنرد از اهالی آفریقای جنوبی نخستین عمل پیوند قلب انسان را انجام می‌دهد. ۱۹۶۹ م نخستین پرواز کنکورد، هواپیمای مافوق صوت، انجام می‌شود.	۱۹۷۲ م سرنشینان آپولو ۱۷ آخرین دیدار انسان از ماه را انجام می‌دهند. ۱۹۷۸ م لوئیز براون، نخستین نوزاد آزمایشگاهی، به دنیا می‌آید. ۱۹۸۰ م آبله در سراسر جهان ریشه‌کن می‌شود.	۱۹۸۴ م نخستین میکروکامپیوتر اپل مکینتاش برای فروش روانهٔ بازار می‌شود. ۱۹۸۶ م هلندی‌ها طرح خود را برای محافظت از سیلاب پس از ۳۳ سال تکمیل می‌کنند. ۱۹۸۸ م تونل زیردریایی متصل‌کنندهٔ هونشو و هوکایدو در ژاپن افتتاح می‌شود.	۱۹۹۳ م فضانوردان تلسکوپ فضایی هابل (پرتاب‌شده در سال ۱۹۹۰ م) را تعمیر می‌کنند. ۱۹۹۴ م تونل کانال مانش تکمیل می‌شود و انگلیس و فرانسه را به هم متصل می‌سازد. ۲۰۰۱ م نقشهٔ رمز (کُد) ژنتیکی انسان تقریباً کامل شده است.
فرهنگ و هنر	دههٔ ۱۹۵۰ م رقص «راک اند رول» پدید می‌آید. ۱۹۵۱ م نمایش نگاه خشمگین به عقب اثر جان آزبرن در لندن به صحنه می‌آید. ۱۹۶۰ م ساختمان‌های جدیدی در برازیلیا، پایتخت برزیل، تکمیل می‌شود.	۱۹۶۵ م هنر بصری، بر اساس خطاهای بصری، مورد پسند عامه قرار می‌گیرد. ۱۹۶۶ م تالار اپرای متروپولیتن جدید در شهر نیویورک افتتاح می‌شود. ۱۹۶۸ م چهار نویسندهٔ شوروی به جرم «عقیدهٔ سیاسی مخالف» زندانی می‌شوند.	۱۹۷۱ م نمایش ویولن‌زن روی بام رکورد ۳۲۴۲ اجرا را در نیویورک به جا می‌گذارد. ۱۹۸۰ م جان لنون، عضو سابق گروه بیتل‌ها، در نیویورک کشته می‌شود.	۱۹۸۳ م سمفونی‌ای که موتسارت در نه‌سالگی‌اش تصنیف کرده، کشف می‌شود. ۱۹۸۵ م کنسرت راک «کمک به زندگی» شصت میلیون دلار برای کمک به قحطی‌زدگان آفریقا فراهم می‌کند. ۱۹۸۶ م وول سوینکا نخستین آفریقایی سیاهپوستی است که جایزهٔ نوبل ادبیات را می‌برد.	۱۹۹۳ م گنجینهٔ مفقودشدهٔ تروا که در سال ۱۸۷۳ م یافت شده بود، دوباره در روسیه کشف می‌شود. ۲۰۰۱ م هری پاتر و ارباب حلقه‌ها محبوب‌ترین کتاب‌ها و فیلم‌ها در سراسر جهان هستند.
دین	۱۹۵۸ م ژان بیست و سوم پاپ می‌شود. ۱۹۵۸ م مرکز عالی دینی برای جامعهٔ یهودیان جهان در بیت‌المقدس افتتاح می‌شود. ۱۹۶۰ م کلیسای لوتری سوئد انتخاب وزیران زن را می‌پذیرد.	۱۹۶۸ م در ایرلند شمالی، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بر سر حقوق مدنی درگیر می‌شوند. ۱۹۶۹ م پاپ پل ششم دویست قدیس را از تقویم مراسم نماز حذف می‌کند. ۱۹۷۰ م رهبران یهودی و کاتولیک رومی در رم تبادل نظر می‌کنند.	۱۹۷۸ م مرگ پاپ پل ششم و جانشینش پاپ ژان پل اول؛ پاپ ژان دوم جانشین آن‌ها می‌شود که لهستانی و نخستین پاپ غیرایتالیایی پس از ۴۵۶ سال است.	۱۹۸۱ م ژان پل دوم نخستین پاپی است که از انگلیس دیدار می‌کند. ۱۹۸۶ م دزموند توتو نخستین اسقف اعظم سیاهپوست کیپ تاون می‌شود. ۱۹۹۰ م نخستین کشیشان زن انگلیکن در ایرلند شمالی به کشیشی منصوب می‌شوند.	۱۹۹۲ م ده زن در استرالیا کشیش انگلیکن می‌شوند. ۱۹۹۶_۲۰۰۱ م در زمان حکومت طالبان، قوانین اسلامی سختگیرانه‌ای در افغانستان اجرا می‌شود. ۲۰۰۵ م مرگ پاپ ژان پل دوم. پاپ بندیکت شانزدهم جانشین او می‌شود.
زندگی روزمره	۱۹۵۳ م برای نخستین بار قلهٔ اورست فتح می‌شود. ۱۹۵۴ م راجر بنیستر انگلیسی یک مایل [حدود ۱۶۰۰ متر] را در کمتر از چهار دقیقه می‌دود. ۱۹۵۸ م نخستین نسب‌نامهٔ اشراف انگلیس نوشته می‌شود.	۱۹۶۶ م دامن‌های کوتاه متداول می‌شود. ۱۹۶۷ م فرانسیس چیچستر سفر دریایی تک‌نفره به دور دنیا را به اتمام می‌رساند. ۱۹۷۰ م طوفان و سیلاب پانصد هزار نفر را در بنگلادش می‌کشد.	۱۹۷۶ م زلزله چین، گواتمالا، اندونزی، ایتالیا، فیلیپین و ترکیه را می‌لرزاند: ۷۸۰ هزار نفر کشته می‌شوند. ۱۹۷۸_۱۹۷۹ م درگیری‌های اتحادیه‌ای، روزنامهٔ تایمز لندن را به مدت تقریباً یک سال تعطیل می‌کند.	۱۹۸۲ م بیماری، بیست میلیون درخت نارون را در انگلیس از بین می‌برد. ۱۹۸۷ م بازار جهانی سهام در «دوشنبهٔ سیاه» ورشکست می‌شود. ۱۹۸۹ م تجارت جهانی عاج ممنوع می‌شود.	۱۹۹۷ م هنگ‌کنگ به چین بازگردانده می‌شود. ۲۰۰۲ م پول یورو در اتحادیهٔ اروپا رواج می‌یابد. ۲۰۰۵ م طوفان کاترینا به آمریکا می‌رسد و بیش از ۱۸۰۰ نفر را می‌کشد.

واژه‌نامه

آنگلو-ساکسون: فرد یا هر چیزی که در اصل مربوط به سرزمینی بود که امروز آلمان غربی است و در طول قرن پنجم میلادی به انگلیس منتقل شد.

اتحادیهٔ اروپا: سازمانی اقتصادی که کشورهای اروپایی تشکیل داده‌اند. بسیاری از این کشورها پول قدیمی خود را به پول واحد، یعنی یورو، تغییر دادند.

اتحادیهٔ صنفی: سازمانی که برای بهتر شدن حقوق و شرایط کارگران مبارزه می‌کند.

استقلال: آزادی یک کشور از فرمانروایی کشوری دیگر تا حکومت خود را تشکیل دهد.

استوارت: خاندان سلطنتی اسکاتلند از سال ۱۳۷۱ م تا سال ۱۷۱۴ م، که همچنین از سال ۱۶۰۳ م تا سال ۱۷۱۴ م بر انگلستان فرمانروایی کردند.

اسطرلاب: ابزاری برای اندازه‌گیری زاویهٔ ستارگان در بالای افق. از این راه شخص می‌تواند موقعیت خود را بیابد.

اصلاحات: نهضتی برای اصلاح کلیسای کاتولیک در طول قرن شانزدهم میلادی بود که منجر به ایجاد کلیسای پروتستان شد.

امپراتوری عثمانی: امپراتوری ترک‌ها که از قرن سیزدهم میلادی تا سال ۱۹۱۸ م و پایان جنگ جهانی اول ادامه یافت.

اموال مقبره‌ای: وسایلی که در قدیم داخل قبر می‌گذاشتند تا شخص مرده در زندگی پس از مرگ از آن‌ها استفاده کند.

انقلاب صنعتی: دوره‌ای در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی که صنعت بسیار گسترش یافت و بسیاری از مردم برای زندگی و کار از روستاها به شهرها نقل‌مکان کردند.

انقلاب زراعتی: تغییر شیوه‌های کشاورزی در طول قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی که به دنبال آن میزان تولید مواد غذایی افزایش یافت.

بازیافت: استفادهٔ دوباره از یک کالا یا ماده به منظور صرفه‌جویی در منابع و انرژی.

بلشویک‌ها: گروهی از کمونیست‌های روسی که در انقلاب سال ۱۹۱۷ م تحت رهبری لنین قدرت را به دست گرفتند.



بلیتس: صورت کوتاه «بلیتسکریگ» که در زبان آلمانی به معنی «جنگ برق‌آسا» است و برای بمباران هوایی شهرهای انگلیس به دست آلمان در سال ۱۹۴۰ م به کار می‌رفت.

بوئرها: فرزندان کشاورزان هلندی که در آفریقای جنوبی ساکن شدند.

پردهٔ دیوارکوب: تکهٔ بزرگی از پارچه که یک صحنه یا رویداد روی آن بافته شده بود.

پرورش انتخابی: انتخاب بهترین حیوانات برای پرورش و تولید حیوانات بهتر به منظور افزایش تدریجی کیفیت و مقدار گوشت، شیر یا پشم.

پلانتاژنه: خاندان سلطنتی انگلستان از هنری دوم (سال ۱۱۵۴ م) تا ریچارد سوم (درگذشت ۱۴۸۵ م).

تبعید: فرستادن محکومان به جایی دور از زادگاهشان برای گذراندن دوران محکومیتشان.

ترور: کشتن یک فرد به دلایل سیاسی.

تودور: خاندان سلطنتی انگلستان از هنری هفتم (سال ۱۴۸۵ م) تا مرگ الیزابت اول (سال ۱۶۰۳ م).



حروف جابه‌جاشونده: حروفی که به صورت جداگانه از چوب یا فلز درست شده‌اند و برای نوشتن کلمه آن‌ها را کنار هم می‌چینند و برای چاپ اعلامیه یا کتاب از آن‌ها استفاده می‌کنند.

حصار: دیوار محافظ [برای شهر یا قلعه].

حق رأی: حق انتخاب فرد دلخواه در انتخابات.

خاورمیانه: ناحیه‌ای از جهان که میان آفریقا و آسیا قرار دارد.

دلمن: ساختمانی سنگی که از دو سنگ ایستاده همراه با یک سنگ قرار گرفته روی آن‌ها ساخته شده است.

رکود: کسادی اقتصادی، یعنی هنگامی که کسب و کار به ورشکستگی کشیده می‌شود و بسیاری از مردم بیکار می‌شوند.

رنسانس: به معنی «تجدید حیات». دوره‌ای در طول قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی که اندیشه‌های خلاقانهٔ بسیاری در هنر، موسیقی و معماری به وجود آمد.

روشنگری: دوره‌ای در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی که پیشرفت‌های بزرگی در دانش، هنر و فلسفه صورت گرفت.

زائران: مردمی که به مکان‌های مقدس سفر می‌کنند. همچنین اصطلاحی است که برای گروهی از مهاجران که در سال ۱۶۲۰ م از انگلیس به آمریکای شمالی نقل‌مکان کردند به کار می‌رود.

ژن‌ها: اطلاعات زیست‌شناختی ذخیره‌شده در داخل سلول‌های بدنمان که ظاهر و رفتار ما را تعیین می‌کنند.

ستاره‌شناس: شخصی که بر روی اجرام آسمانی از جمله ستاره‌ها و سیاره‌ها مطالعه می‌کند.

سلت: افرادی که پیش از ورود رومی‌ها در بریتانیا، گل (فرانسه) و اسپانیا زندگی می‌کردند.

سلسله: ردیفی طولانی از فرمانروایان که تاج و تخت را از اجدادشان به ارث می‌بردند.

شهید: کسی که به دلیل اعتقادات مذهبی‌اش کشته می‌شود.

شوگون‌ها: رهبران نظامی در ژاپن که فرمانروایان کشور بودند.

صومعه: مکانی که راهبان در آن‌جا زندگی و عبادت می‌کنند.



جنگ داخلی: جنگی که میان دو گروه از مردم یک کشور رخ می‌دهد.

جنگ سرد: دوره‌ای [از تنش‌ها و رقابت‌ها] در طول نیمهٔ دوم قرن بیستم میلادی که روابط میان کشورهای غربی و کشورهای کمونیستی به بن‌بست رسیده بود.

جنگ‌های صلیبی: مجموعه جنگ‌هایی که سپاهیان مسیحی برای تسخیر و ادارهٔ سرزمین مقدس در خاورمیانه با مسلمانان به راه انداختند.

چریک: جنگجویی که برای جنگ با دشمنِ قدرتمندتر، از خرابکاری و روش‌های غافلگیرانه استفاده می‌کند.





عصر یخبندان: دوره‌ای از تاریخ کرهٔ زمین که قطعات بزرگ یخ بیشتر اروپا، آسیا و آمریکای شمالی را پوشانده بود.
علامت: مجموعه‌ای از نمادها برای نشان دادن این‌که یک مرد یا زن نجیب‌زاده متعلق به کدام خانواده است.

غذاخوری خیریه: جایی که به فقیران غذای مجانی داده می‌شود.

فئودالیسم: شیوه‌ای که جامعهٔ قرون وسطایی بر اساس آن ایجاد شد، و شاهان و لردها در مقابل خدمت نظامی یا اجاره‌بها، به افراد خود زمین می‌بخشیدند.

ق.م (قبل از میلاد): تاریخ‌های قبل از تولد حضرت عیسی (ع) را نشان می‌دهد.

قحطی: دوره‌ای که غذای بسیار کمی وجود دارد و بسیاری از مردم از گرسنگی می‌میرند.

قربانی کردن: کشتن حیوان یا انسان و اهدای آن به رهبر یا ایزد.

قرون وسطی: دوره‌ای تاریخی که از سقوط امپراتوری روم در سال ۴۷۶م تا سال ۱۴۵۳م و آغاز عصر رنسانس به طول انجامید.

کِشت گردشی: نوعی کشت که بر اساس آن محصولات در مزارع به نوبت کشت می‌شوند تا خاک پربار و حاصلخیز نگه داشته شود.

گل: بخشی از اروپا که اکنون کشور فرانسه را تشکیل می‌دهد.

م: تاریخ‌های بعد از تولد حضرت عیسی (ع) را نشان می‌دهد.

ماشین بذرکار: ماشینی که در سال ۱۷۰۱م اختراع شد و کاشت بذرها را به صورت خودکار انجام می‌داد.

ماهواره: شیئی که دور شیء بزرگ‌تری می‌گردد. ماه از جمله ماهواره‌های طبیعی است. ماهواره‌های مصنوعی برای پیش‌بینی آب و هوا و بررسی سیارات دیگر به کار می‌روند.

مبلّغ مذهبی: کسی که دینی را در ناحیه یا کشوری دیگر آموزش می‌دهد.

مرگ سیاه: نام دیگری برای طاعون خیارکی.

مسلسل: نوعی تفنگ که فقط با یک بار فشار دادن ماشه تعداد زیادی گلوله را شلیک می‌کند.

مشترک‌المنافع: کشورهایی که در سابق بخشی از امپراتوری بریتانیا را تشکیل می‌دادند و اکنون برای ایجاد یک سازمان اقتصادی به یکدیگر پیوسته‌اند.





مهاجر: کسی که کشوری را ترک می‌کند تا برای زندگی به کشور دیگری برود.

ناو هواپیمابر: کشتی جنگی بزرگ با عرشه‌ای باز و مسطح به طوری که هواپیماها بتوانند از روی آن پرواز کنند و روی آن فرود بیایند.

نایب‌السلطنه: شخصی که در زمانی که شاه یا ملکه دور از مملکت، بیمار یا جوان‌تر از آن است که حکومت کند، بر کشور حکومت می‌کند.

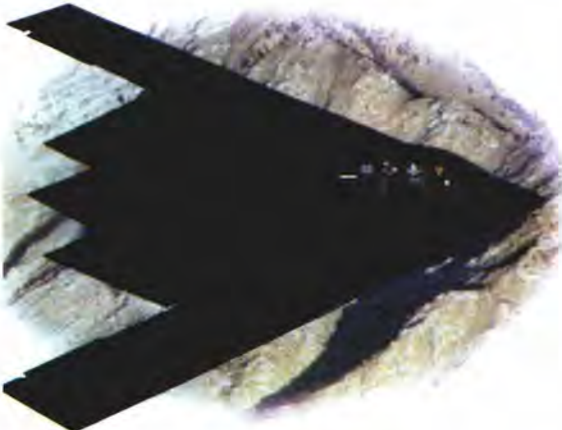
نئاندرتال‌ها: گونه‌ای انسان اولیه که میان ۲۰۰ هزار تا ۱۰۰ هزار سال پیش تکامل یافت.

نورمان‌ها: مردمی که اهل نورماندی در فرانسهٔ کنونی بودند.

هنج: ساختمانی گرد که از سنگ‌های ایستاده یا تیرهای چوبی ساخته می‌شد.

وایکینگ: به افرادی گفته می‌شد که بین قرن‌های هشتم و یازدهم میلادی اهل اسکاندیناوی (دانمارک، نروژ و سوئد) بودند.

وبا: بیماری‌ای که روده‌ها را مبتلا می‌کند و باعث شکم‌درد، استفراغ و اسهال می‌شود. این بیماری از راه خوردن و نوشیدن غذا و آب آلوده ایجاد می‌شود و اگر درمان نشود کشنده خواهد بود.



نبردها و جنگ‌های مهم

ماراتون (۴۹۰ ق.م): سپاهیان آتن نیروهای ایرانی را که قصد تسخیر یونان را داشتند شکست دادند.

سالامیس (۴۸۰ ق.م): کشتی‌های یونانی ناوگان ایرانی را که بسیار بزرگ‌تر از ناوگان آن‌ها بود شکست دادند و جلوی حملهٔ آن‌ها را گرفتند.

سیراکوز (۴۱۴ـ۴۱۳ ق.م): در جنگی طولانی میان دولتشهرهای آتن و اسپارت، آتنی‌ها سیراکوز را محاصره کردند اما پس از شکستی سنگین قدرت خود را از دست دادند.

گوگمل (۳۳۱ ق.م): اسکندر مقدونی ایرانیان را شکست داد و شاهنشاهی هخامنشی را تسخیر کرد.

متاوروس (۲۰۷ ق.م): سپاه رومی کارتاژی‌ها را که قصد حمله به ایتالیا را داشتند شکست دادند.

آکتیوم (۳۰ ق.م): ناوگان رومی ناوگان مصری مارک آنتونی و کلئوپاترا را نابود کرد و خطر مصر برای روم از میان رفت.

جنگل توبتوبورگ (۹ م): قبایل ژرمن به فرماندهی آرمینیوس سه لژیون رومی را طی حمله‌ای غافلگیرانه نابود کردند.

شالون (۴۵۱ م): لژیون‌های رومی و ویزیگوت‌ها که متحد آن‌ها بودند هون‌ها را که آتیلا فرماندهشان بود شکست دادند.

پواتیه (۷۳۲ م): فرانک‌ها به فرماندهی شارل مارتل مسلمانان را که قصد تسخیر اروپای غربی را داشتند شکست دادند.

هستینگز (۱۰۶۶ م): ویلیام، دوک نورماندی، ساکسون‌های تحت فرمانروایی شاه هارولد دوم را شکست داد و انگلستان را تسخیر کرد.

کرسی (۱۳۴۶ م): ادوارد سوم، شاه انگلستان، با استفاده از کمان‌داران، فیلیپ ششم، شاه فرانسه، را شکست داد.

آژنکور (۱۴۱۵ م): هنری پنجم، شاه انگلستان، سپاه فرانسوی را که بسیار بیشتر از آن‌ها بودند شکست داد و نورماندی را تسخیر کرد.



اورلئان (۱۴۲۹ م): فرانسویان تحت فرماندهی ژاندارک محاصرهٔ اورلئان را شکستند و شروع به آزادسازی فرانسه از دست انگلستان کردند.

قسطنطنیه (۱۴۵۳ م): ترکان عثمانی این شهر را تسخیر کردند و به امپراتوری بیزانس (روم شرقی) پایان دادند.

لپانتو (۱۵۷۱ م): یک ناوگان مسیحی ناوگان عثمانی‌ها را در دریای مدیترانه شکست داد و پیشروی مسلمانان را در اروپا متوقف کرد.

آرمادای اسپانیا (۱۵۸۸ م): ناوگان انگلستان خطر حملهٔ اسپانیا به انگلستان و تسخیر آن‌جا را دفع کرد.

نیزبی (۱۶۴۵ م): نیروهای مجلس در طول جنگ داخلی انگلستان چارلز اول را شکست دادند.

بلنهایم (۱۷۰۴ م): در طول جنگ جانشینی در اسپانیا، نیروهایی انگلیسی و اتریشی جلوی حملهٔ فرانسوی‌ها و باواریایی‌ها برای تسخیر وین را گرفتند.

پالتاوا (۱۷۰۹ م): پتر کبیر فرمانروای روسیه حملهٔ نیروهای سوئدی به فرماندهی شارل دوازدهم را دفع کرد.

پلاسی (۱۷۵۷ م): سپاه انگلیسی و هندی نواب بنگال را شکست داد و سلطهٔ انگلیس بر هند آغاز شد.

کِبِک (۱۷۵۹ م): سربازان انگلیسی تحت فرماندهی جیمز وولف فرانسویان را شکست دادند و کانادا به دست انگلیسی‌ها افتاد.

بانکرهیل (۱۷۷۵ م): در جنگ استقلال آمریکا سربازان انگلیسی آمریکایی‌ها را از تپه‌های نزدیک بوستون عقب راندند.

براندوین کریک (۱۷۷۷ م): سربازان انگلیسی نیروهای آمریکایی را وادار به عقب‌نشینی کردند.

ساراتوگا (۱۷۷۷ م): سربازان آمریکایی نیروهای انگلیسی را محاصره و وادار به تسلیم کردند.

ساوانا (۱۷۷۸ م): انگلیس بندر ساوانا را از دست آمریکایی‌ها بیرون آورد و بر جورجیا سلطه یافت.

کوه کینگ (۱۷۸۰ م): آمریکایی‌ها بخشی از نیروهای انگلیسی را محاصره و اسیر کردند.

یورکتاون (۱۷۸۱ م): سپاه انگلیسی به نیروهای آمریکایی که بیشتر بودند تسلیم می‌شوند و جنگ استقلال آمریکا پایان می‌یابد.

نیل (۱۷۹۸ م): انگلیسی‌ها فرانسویان را در خلیج ابوقیر شکست دادند و به تلاش ناپلئون برای تسخیر مصر پایان دادند.

ترافالگار (۱۸۰۵ م): ناوگان انگلیسی ناوگان مشترک فرانسوی و اسپانیایی را شکست داد و به امیدهای ناپلئون اول برای حمله به انگلستان پایان داد.

اوسترلیتس (۱۸۰۵ م): ناپلئون اول سپاه مشترک اتریشی و روسی را شکست داد.

لایپزیگ (۱۸۱۳ م): نیروهای اتریشی، پروسی، روسی و سوئدی ناپلئون اول را شکست دادند، که این امر منجر به استعفای او در سال بعد شد.

واترلو (۱۸۱۵ م): نیروهای انگلیسی، بلژیکی و هلندی با پشتیبانی پروسی‌ها ناپلئون اول را شکست دادند و به بازگشت کوتاه‌مدت او به قدرت در فرانسه پایان دادند.

فورت سامتر (۱۸۶۱ م): در نبرد آغازین جنگ داخلی آمریکا، نیروهای اتحادیهٔ ایالات جنوبی اینَ دژ را در بندر چارلستون در کارولینای جنوبی تسخیر کردند.

مریمک و مونیتور (۱۸۶۲ م): این نبرد در جنگ داخلی آمریکا نخستین نبرد میان دو رزمناو زره‌پوش بود.

گتیزبرگ (۱۸۶۳ م): نیروهای اتحادیهٔ شمالی نیروهای اتحادیهٔ ایالات جنوبی را شکست دادند و این نقطهٔ عطفی در جنگ داخلی آمریکا بود.

ویکسبرگ (۱۸۶۳ م): نیروهای اتحادیهٔ شمالی پس از محاصرهٔ طولانی این شهر کلیدی کرانهٔ رود می‌سی‌سی‌پی را تسخیر کردند.

چیکاموگا (۱۸۶۳ م): در این شهر در جورجیا نیروهای اتحادیهٔ ایالات جنوبی در آخرین نبرد عمدهٔ خود پیروز شدند.

چاتانوگا (۱۸۶۳ م): چند هفته بعد از نبرد چیکاموگا نیروهای اتحادیهٔ شمالی به پیروزی تعیین‌کننده‌ای بر نیروهای اتحادیهٔ ایالات جنوبی دست یافتند.

سدان (۱۸۷۰ م): آلمان در طول نبردی سرنوشت‌ساز فرانسه را در جنگ فرانسه و پروس شکست داد.

تسوشیما (۱۹۰۵ م): ناوگان ژاپنی بر ناوگان روسی پیروز شد و به جنگ روسیه و ژاپن پایان داد.

تاننبرگ (۱۹۱۴ م): در آغاز جنگ جهانی اول دو لشکر روسی به پروس شرقی حمله کردند، اما از نیروهای آلمانی شکست خوردند.

مارن (۱۹۱۴ م): فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها حملهٔ آلمان به فرانسه را در آغاز جنگ جهانی اول متوقف کردند.

ایپر (۱۹۱۴ــ۱۹۱۵ م): حملات پی‌درپی آلمان به این شهر بلژیکی در نهایت با تلفات سنگین دو طرف در دو نبرد سخت عقب رانده شد.

وردن (۱۹۱۶ م): نیروهای فرانسوی تحت فرماندهی فیلیپ پتن حملهٔ آلمان برای تصرف این دژ را دفع کردند.

ژوتلند (۱۹۱۶ م): این نبرد دریایی اصلی در جنگ جهانی اول بود؛ نه آلمانی‌ها پیروز شدند و نَه انگلیسی‌ها.

حملهٔ بروسیلوف (۱۹۱۶ م): حملهٔ روس‌ها به فرماندهی ژنرال آلکسی بروسیلوف به توان متحدان اتریشی آلمان در جنگ تقریباً پایان داد.

سُوم (۱۹۱۶ م): حملهٔ انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها با مسلسل‌چی‌های آلمانی عقب رانده شد؛ کشته‌ها و مجروحان هر دو طرف بیش از یک میلیون نفر بود.

نبرد سوم ایپر (۱۹۱۷ م): سربازان انگلیسی و کانادایی به منظور عقب راندن آلمانی‌ها به مواضع آلمانی‌ها حمله کردند. جنگ در باران شدید و گل و لای رخ داد.

پاسنداله (۱۹۱۷ م): این روستا آخرین نقطهٔ پیشروی نبرد

سوم ایپر بود. کشته‌ها و مجروحان هر دو طرف بالغ بر پانصد هزار نفر شد.

نبرد چهارم ایپر (۱۹۱۸ م): این نبرد بخشی از حملهٔ سراسری آلمان بود، که پس از جنگی سنگین فروکش کرد.

مارن (۱۹۱۸ م): نیروهای فرانسوی، آمریکایی و انگلیسی آخرین حملهٔ آلمان در جنگ جهانی اول را متوقف کردند.

بریتانیا (۱۹۴۰ـ۱۹۴۱ م): در جنگ جهانی دوم تلاش آلمان برای انهدام نیروی هوایی انگلیس به شکست انجامید.

آتلانتیک (۱۹۴۰ـ۱۹۴۴ م): آلمان در جنگ زیردریایی‌ها تقریباً در برابر کشتی‌های متفقین شکست خورد.

پرل هاربر (۱۹۴۱ م): ژاپن در یک حملهٔ هوایی غافلگیرانه ناوگان ایالات متحده را در هاوایی از کار انداخت.

دریای کورال (۱۹۴۲ م): آمریکایی‌ها در نخستین نبرد کاملاً هوایی و دریایی جلوی حملهٔ ژاپن به گینهٔ نو را گرفتند.

استالینگراد (۱۹۴۲ـ۱۹۴۳ م): محاصرهٔ استالینگراد (ولگاگراد امروزی در روسیه) با تسلیم سپاه صد هزار نفری آلمان پایان یافت.

العلمین (۱۹۴۲ م): سپاه هشتم انگلیس سرانجام نیروهای آلمانی و ایتالیایی را از مصر بیرون راندند.

میدوی (۱۹۴۲ م): ناوگان آمریکایی حملهٔ ژاپن برای تسخیر جزیرهٔ میدوی را به شکست کشاند.

نورماندی (۱۹۴۴ م): نیروهای آمریکایی و انگلیسی در ساحل فرانسهٔ اشغالی پیاده شدند تا با آلمان بجنگند؛ این نبرد بزرگ‌ترین حملهٔ از راه دریا تا آن زمان بود.

خلیج لیته (۱۹۴۴ م): در بزرگ‌ترین نبرد دریایی جنگ جهانی دوم ناوگان آمریکایی از حملهٔ ژاپن برای گرفتن فیلیپین جلوگیری کرد.

نبرد آردن (۱۹۴۴ـ۱۹۴۵ م): آخرین حملهٔ آلمان برای مقابله با حملهٔ متفقین به شکست انجامید.

هیروشیما و ناگازاکی (۱۹۴۵ م): دو بمب اتمی ایالات متحده که بر این شهرهای ژاپنی فروافتاد به جنگ جهانی دوم پایان داد.

اینچون (۱۹۵۰ م): نیروهای ایالات متحده در طول جنگ کره، نیروهای کرهٔ شمالی را شکست دادند.

دین بین فو (۱۹۵۴ م): ویتنامی‌ها فرانسویان را در هندوچین شکست دادند.

حملهٔ تت (۱۹۶۸ م): نیروهای ویتنام شمالی و ویت کونگ به ویتنام جنوبی حمله کردند.

فالکلند (۱۹۸۲ م): به دنبال حملهٔ آرژانتین، انگلیسی‌ها با حمله از راه دریا جزایر فالکلند را دوباره به تسخیر درآوردند.

طوفان صحرا (۱۹۹۱ م): نیروهای سازمان ملل متحد شامل واحدهای آمریکایی، انگلیسی و عرب حملهٔ عراق به کویت را پایان دادند.

حمله به افغانستان (۲۰۰۱ م): نیروهای ناتو به فرماندهی ایالات متحده به افغانستان حمله کردند و حکومت طالبان را سرنگون کردند.

حمله به عراق (۲۰۰۳ م): نیروهایی به فرماندهی ایالات متحده به عراق حمله و صدام حسین را سرنگون کردند.



نمایه











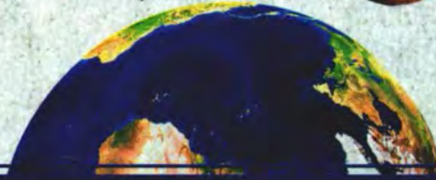





آفرینگان









Children's
WORLD HISTORY
Encyclopedia

سرگذشت شگفت انگیز جهان را
کشف کن!







ISBN 978-600-6753-90-4
9 786006 753904 >

